

فهرست

- زمینه‌های سیاسی - اجتماعی تقویت و توسعه جبهه مقاومت در آمریکای لاتین (موردپژوهی ونزوئلا) ... ۷
- دولت ورشکسته و پدیده افراط‌گرایی: تحلیلی بر ظهور گروه تروریستی داعش در سوریه ۲۷
- مؤلفه‌های جهاد و پایداری در رمان «الوصول» با تکیه بر شخصیت ام یاسر همسر سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله لبنان ۵۵
- تحركات نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوب غرب آسیا پس از بحران سوریه ۷۷
- مقاومت اسلامی حکومت شیعی نواین مرشدآباد بنگال هند در برابر دولت انگیس ۱۰۷
- نقش شخصیت در بازتفسیر رخدادهای تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال (مورد مطالعه: سیدجمال الدین اسدآبادی) ۱۲۹



زمینه‌های سیاسی - اجتماعی تقویت و توسعه جبهه مقاومت در آمریکای لاتین (موردپژوهی ونزوئلا)

بهزاد قاسمی^۱، محمدمهربان^۲ محمد مبینی^۳

چکیده

هدف مقاله حاضر شناسایی زمینه‌های تقویت جبهه مقاومت در ونزوئلا و سنجش تأثیر ظرفیت‌های موجود بر توسعه جبهه مقاومت در این کشور است. مسئله اصلی مقاله شناخت، احصاء و تبیین زمینه‌های سیاسی - اجتماعی دخیل در تقویت و توسعه گفتمان مقاومت در ونزوئلا است (مسئله). پژوهش از حیث نوع، بنیادی - کاربردی و با روش ترکیبی (کیفی - کمی) انجام گرفته است. به منظور اعتباربخشی به نتایج، میزان تأثیر هریک از مؤلفه و شاخص‌های احصاء شده بر تقویت مقاومت مورد سنجش و ارزیابی آماری قرار گرفته و تأثیر آن بر توسعه مقاومت بین شاخص‌ها، از فنون آماری ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون رگرسیون خطی ساده (دو متغیره) و آزمون رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد (روش). براساس یافته‌های کیفی، فطرت انقلابی، تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه، تعامل فزاینده و تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه شناسایی و تأیید گردید. علاوه بر همبستگی، میزان تأثیر هرکدام از مؤلفه‌ها در بخش تجزیه و تحلیل کمی مشخص شد. در نتیجه بخش کیفی، مهم‌ترین جبهه‌های تقویت در ۴ مؤلفه شناسایی شده در بالا مشخص و در نتیجه سنجش کمی فرضیه تأثیر و ترتیب اثر بخشی هریک بر توسعه مقاومت مشخص و تأیید شدند (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: تفکر انقلابی، مقاومت و الهیات رهایی‌بخش، ونزوئلا، سلطه‌ستیزی، آمریکای لاتین

DOR: [20.1001.1.23225645.1403.13.2.1.4](https://doi.org/10.1001.1.23225645.1403.13.2.1.4)

*مقاله حاضر مستخرج از پروژه «بازتاب انقلاب اسلامی در آمریکای لاتین» است که در دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام انجام شده است.

۱. دانشیار تاریخ انقلاب اسلامی، گروه ژئوپلیتیک محور مقاومت، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ghasemi.b1981@gmail.com

۲. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران - ghasemi.b@ihu.ac.ir

۳. استادیار مدیریت، گروه ژئوپلیتیک محور مقاومت، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران - mobini20@yahoo.com

دوره ۱۳، شماره ۲،
پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۲/۲۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۱۵
صص: ۲۶-۷

شابا: ۲۳۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

بورسیه همت گواهی در
JOURNALS.MSRT.IR

۱ - مقدمه

آمریکای لاتین در عرصه بین‌الملل از اولین و مهم‌ترین مناطق با سابقه استعماری و داشتن تجربه و سابقه مبارزات استقلال‌طلبانه و استکبارستیزی هست. مطالبات مردم آمریکای لاتین برپایه فطرت انسانی، عدالت‌خواهانه، استکبارستیزی و مبارزه با سلطه بوده است. نهضت‌ها و جنبش‌های استقلال‌طلبانه آمریکای لاتین در اوایل قرن ۱۸۰۰ میلادی آغاز شد. مهم‌ترین نمونه مبارزات مردم در آمریکای لاتین در کشور ونزوئلا رخ داد. موج استقلال‌طلبی در این منطقه در سال ۱۸۱۶ میلادی شروع و توسط سیمون بولیوار رهبری شد که زمینه شکست ارتش اسپانیا را فراهم ساخت. مهم‌ترین رهبران نهضتی، مبارز و چریکی در آمریکای لاتین سیمون بولیوار، خوزه دسان مارتین، ارنستو چگوارا، هوگو چاوز، فیدل کاسترو و برخی دیگر از رهبران برجسته ضد امپریالیسم و استعمار در این منطقه به‌شمار می‌آیند.

۱-۱ - اهداف، پرسش‌ها و روش پژوهش

هدف از پژوهش حاضر شناسایی زمینه‌های تقویت جبهه مقاومت در ونزوئلا و سنجش تأثیر آن بر توسعه مقاومت است. سؤال اصلی مقاله متمرکز بر این نقطه کانونی است که مهم‌ترین مؤلفه و شاخص‌های تقویت‌کننده جبهه مقاومت در ونزوئلا کدام است؟ و این‌که تأثیر مؤلفه‌های احصاء شده بر توسعه جبهه مقاومت در این کشور به چه میزان می‌باشد؟

اهمیت مقاله تلاش در جهت پوشش خلاء پژوهشی در زمینه کشورهای آمریکای لاتین و علی‌الخصوص ونزوئلا در زمینه مقاومت بوده است. مهم‌ترین اهمیت و فایده انجام این پژوهش شناسایی نقاط قوت کشور ونزوئلا در زمینه رویکرد انقلابی، مبارزاتی و احصاء توانمندی‌های نهضتی بوده است که پس از شناسایی آن در عرصه کاربردی قابل استفاده خواهد بود. ضرورت انجام مقاله از سویی احساس فقدان پژوهش جامع در این زمینه و از سویی دیگر از بین رفتن فرصت‌ها و موقعیت‌های موجود در این منطقه برای توسعه جبهه مقاومت در سایه عدم انجام پژوهش‌هایی از این دست می‌باشد. نتایج حاصل از مقاله به‌صورت کاربردی قابل استفاده خواهد بود. در مقاله پیش‌رو، ابتدا برای احصاء مؤلفه و شاخص‌های تقویت جبهه مقاومت از روش کیفی - کمی استفاده شد.

اهداف و سؤالات پژوهش

هدف اصلی: شناسایی زمینه‌های تقویت جبهه مقاومت در ونزوئلا و تأثیر آن بر توسعه جبهه مقاومت در این کشور است.

اهداف فرعی:

- شناخت مفهوم و ماهیت نظریه نظام انقلابی و احصاء مهم‌ترین زمینه‌های تقویت جبهه مقاومت در ونزوئلا.

- تعیین و سنجش میزان تأثیر زمینه‌های تقویت‌کننده بر توسعه جبهه مقاومت در کشور

ونزوئلا.

سؤال پژوهش

مهم‌ترین مؤلفه و شاخص‌های تقویت‌کننده جبهه مقاومت در ونزوئلا کدام است؟ و این‌که تأثیر مؤلفه‌های احصاء شده بر توسعه جبهه مقاومت در این کشور به چه میزان می‌باشد؟

۲-۱ - پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی پیرامون کشور ونزوئلا در عرصه‌های مختلف و زمینه‌های سیاسی، سیاست خارجی، اقتصاد و منابع معدنی و سایر مطالعات انجام شده است، سید عبدالله رضوی و شهره پیرانی (۱۴۰۰)، بررسی راهبردها و سیاست‌های ضد تحریمی تجارت نفت ونزوئلا و مقایسه آن با راهبردهای ایران؛ در این مقاله پرسش اصلی راهبردهای ضد تحریمی ونزوئلا در مقابل آمریکا است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد راهبردهای سوآپ، بلندینگ نفتی، ساخت مخازن ذخیره‌ساز در داخل و خارج از کشور، ساخت پالایشگاه‌های کوچک و پتروپالایشگاه از مهم‌ترین راهبردهای مقابله با تحریم بیان شده است. محمدعلی قائمی و یعقوب توکلی (۱۳۹۸)، بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی در آمریکای جنوبی، در مقاله چشم‌اندازی از آمریکای لاتین ارائه شده است. تمرکز اصلی مقاله بر کشور ونزوئلا است که مهم‌ترین بازتاب انقلاب اسلامی در عرصه تأثیرگذاری خودباوری، اعتماد به نفس، توجه به مطالبات مردمی، استکبار ستیزی، مقابله با زیاده‌خواهی آمریکا و توجه به مطالبات مردم ونزوئلا در راستای فطرت انسانی و ظلم‌ستیزی اشاره شده است. احمد صبوری‌نژاد و طه اکرمی (۱۳۹۴)، آمریکا و سیاست ترویج دموکراسی در آمریکای لاتین: مطالعه موردی ونزوئلا، در این مقاله نشان داده شده است که در دو دهه اخیر آمریکا تلاش کرده است در ونزوئلا نخبگان قدرت را بدست بگیرند. نخبگانی که سیاست و سیستم اقتصاد نئولیبرال غربی را تأیید و حمایت می‌کنند. آمریکا درصدد بوده سیاست بازارهای آزاد را در ونزوئلا پیاده کرده و از آن حمایت کند. از سوی دیگر آمریکا تلاش کرده در ونزوئلا گروه‌ها و جریان‌های ملی‌گرا و چپ و در مجموع مخالفین سیاست‌های آمریکا قدرت را به دست بگیرند. از این طریق آمریکا در تلاش بوده تا سیاست دموکراسی‌سازی مدنظر خود را در آنجا پیاده کند. مصطفی مظاهری و دیگران (۱۳۹۹)، تبیین کارکرد و مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شکل‌گیری روابط در منطقه ژئوپلیتیک آمریکای لاتین، در این مقاله به اهمیت پیوستگی جغرافیایی تأکید شده است و این پیوستگی جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی سبب خودآگاهی شده و ژئوپلیتیک مشترک زمینه رشد و هم‌افزایی را در منطقه فراهم کرده است. موقعیت ژئوپلیتیکی و هم‌گرایی سبب گذار از بحران به تثبیت و تداوم ژئوپلیتیکی در آمریکای لاتین خواهد شد. در با بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش، سوابق پژوهش‌های انجام شده جدید بودن و نوآوری مقاله حاضر را نشان داده است. از سوی دیگر با بررسی مقالات متعدد در زمینه آمریکای لاتین و علی‌الخصوص ونزوئلا، به نظر می‌رسد پژوهش مستقل در حوزه مقاومت انقلابی

در این کشور و سلطه‌ستیزی صورت نگرفته است. مقالات نوشته شده بیشتر تمرکز بر موقعیت ژئوپلیتیکی، رویکرد اقتصادی، توجه به سیاست آمریکا در آمریکای لاتین بوده و بصورت مستقل کشور خاص آمریکای لاتین اهمیت پژوهشی داشته و در خور تحقیق است.

۲- چارچوب مفهومی: نظریه نظام انقلابی

مهم‌ترین ارکان مقاومت مسیر هوشمندانه در ایستادگی، حق مدار و انتخاب‌گر، تسلیم ناپذیر، عدل جبهه، دشمنی با ستمگر و بدون مسامحه و حمایت مستمر از مظلوم در برابر ظالم است (برزویی و جمالی زوار زاده، ۱۴۰۱، ص ۱۵۹). مقاومت پافشاری و استمرار بر اصول است که مستلزم نوعی هماوردی و تلاش فعالانه معطوف به تغییر و تبدیل در رفتار طرف مقابل و طرد غیر و نفی سلطه است (آل نبی و یوسفی مقدم، ۱۴۰۰، ص ۱۳). یکی از ارکان اصلی مقاومت حفظ مثنی و رویکرد انقلابی، مبارزه و مقاومت است. نظریه نظام انقلابی علاوه بر اینکه در دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد، به‌عنوان نقطه کانونی و توجه نهضت‌های انقلابی، جنبش‌های آزادی‌بخش و دولت و ملت‌های مبارز نیز هست. عدالت طلبی، تعالی خواهی، ظلم‌ستیزی، کمال‌جویی، مبارزه با استکبار، سعادت طلبی و هم‌سویی با فطرت بشری از مهم‌ترین خصیصه‌های انقلاب اسلامی است که با علل مانایی نظریه انقلابی و الهام‌بخشی آن بر دولت‌ها و ملت‌های سلطه‌ستیز و مقاوم ارتباط تنگاتنگی دارد.

نظریه نظام انقلابی مفهوم جدیدی است که پیش از انقلاب اسلامی طرح نشده و تمام نظریه‌پردازان انقلاب تاکید بر تناقض بین نظام سیاسی باثبات و انقلاب داشته‌اند. نظام برآمده «نظام جمهوری اسلامی ایران» از انقلاب اسلامی، دو مفهوم متناقض «نظام، ساختار، دیوان‌سالاری» و «انقلاب، آرمان، ماهیت و هستی‌شناسی انقلاب» را در کنار هم جمع کرده است. علل مانایی انقلاب اسلامی در عرصه فرامرزی و بین‌المللی به ظاهر متناقض‌نما است و در عرصه نظر و مقام عمل پیوند ناگسستگی بین این دو برقرار است؛ به این جهت که نظام انقلابی سبب تقویت «ساختار، سیستم اداری، اجرایی و دیوان‌سالاری» شده و از سوی دیگر نظام جمهوری اسلامی سبب پخش و توسعه «آرمان و ماهیت انقلاب» در سراسر دنیا شده یا دست کم در این مسیر کوشیده است. علل مانایی انقلاب اسلامی از منظر نظریه‌پردازان نسل چهارم انقلاب‌های اجتماعی مبتنی بر رهبری انقلابی، ایدئولوژی، هم‌ذات‌پنداری با انقلاب و از سوی دیگر عوامل مقوم و تقویت‌کننده انقلاب در رهبری، ایدئولوژی، فرهنگ و هویت و شبکه شخصیت‌ها سبب دوام و مانایی انقلاب می‌شود (گلدستون، ۱۳۹۷، صص ۱-۲۸). علل مانایی انقلاب و انقلابی ماندن یک نظام سیاسی عمل به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب بوده و تطابق بین آرمان انقلابی و عمل انقلابی است.

۱- ۲- تداوم روحیه انقلابی: علل مانایی انقلاب اسلامی و نظام انقلابی با تشکیلات

دیوان‌سالاری تفاوت اساسی و هستی‌شناسی (چارلز تیلی، تدا اسکاچپول، کرین بریتون و

بسیاری از نظریه‌های انقلاب‌های اجتماعی غربی) وجود دارد. این تفاوت میان نظام انقلابی «امت و امامت» و بین تشکیلات دیوان‌سالاری از این جهت است که در یک‌جا بر تشکیلات اداری و اجرایی انتقاد است؛ اما از اصل نظام انقلابی دفاع می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹). یکی دیگر از علل مانایی انقلاب اسلامی با نظریه انقلاب‌های اجتماعی در مرحله اول، حفظ ماهیت انقلابی خود پس از تأسیس نظام سیاسی است. اگرچه نظام سیاسی، حاکمان و دولت‌مردان را به سمت ثبات، دولت شدن، حفظ وضع موجود و گرایش به محافظه‌کاری سوق می‌دهد، در انقلاب اسلامی پیوند بین مؤلفه‌های نظام سیاسی و نظام انقلابی ایجاد شده و توانسته است تعارضات و چالش‌های بین نظام شدن «نظام بودگی» و انقلابی ماندن «حفظ ماهیت انقلابی» را حل کند و یا دست کم در کاهش چالش بین دولت‌گرایی با انقلابی‌گری کوشیده و در عرصه فرامرزی و بین‌المللی موفقیت‌هایی را نصیب خود کرده است. مهم‌ترین مصادیق آن تقویت و توسعه جبهه مقاومت و مقابله با سلطه است.

در این ارتباط نگاهی روندی به اندیشه صدور انقلاب و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رویکردهای انقلاب اسلامی به سیاست خارجی و عرصه بین‌المللی است، نشان دهنده پایایی و مانایی اندیشه صدور انقلاب و تلاش برای انسجام بخشی و هم‌گرایی میان جریان‌ها و نیروهای سیاسی - اجتماعی ضد نظام سلطه در اقصی نقاط جهان می‌باشد.

۲-۲- هم‌راستایی روحیه انقلابی و فطرت انسانی:

در مرحله دوم هم‌سویی آرمان انقلابی با فطرت بشری است. هم‌سویی انقلاب اسلامی با فطرت بشری علاوه بر اینکه سبب ماندگاری انقلاب اسلامی شده است؛ از سوی دیگر سبب شده گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی نیز توسعه یابد. مهم‌ترین و پُر اهمیت‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی، تأثیر در فراسوی مرزهای اسلامی است. در این راستا آمریکای لاتین با توجه به صبغه ضد استعماری پیشین خود، بیشترین تأثیر انقلابی را پذیرفته و در عرصه بین‌المللی سبب استحکام گفتمان مقاومت در آمریکای لاتین شده و مبارزات انقلابی خود را در سرلوحه برنامه‌های راهبردی قرار داده است. در این مقاله تفکر و رویکرد انقلابی ونزوئلا به‌عنوان زمینه‌های تقویت و توسعه جبهه مقاومت انتخاب و براساس مؤلفه‌های نظام انقلابی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است که مهم‌ترین مصداق نظری رویکرد و تفکر انقلابی هم‌سویی با فطرت و سرشت بشری است.

۲-۳ - سایر شاخص‌ها: شاخصه‌های دیگر استقلال‌خواهی، آزادی‌خواهی، حق‌طلبی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و هم‌سویی با گروه‌های انقلابی و نهضت‌های رهایی‌بخش است. آرمان‌های انقلاب اسلامی برخلاف سایر انقلاب‌های اجتماعی دنیا دارای تاریخ مصرف نیست و این‌گونه نیست که سیل گذر زمان، آرمان‌های انقلاب را با خود ببرد. علاوه بر این مردم انقلابی و رهبری انقلابی نیز همواره پاسدار آرمان انقلاب هستند و اجازه

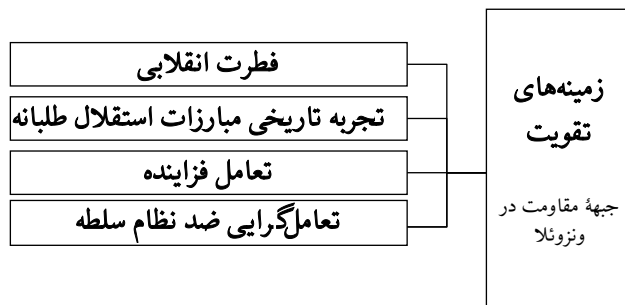
تخطی از آرمان‌های انقلاب را نمی‌دهند (امینی و مبینی، ۱۳۹۸، ص ۳۰). این رویکرد و آرمان انقلابی علاوه بر اینکه سبب مانایی خود انقلاب اسلامی شده؛ بلکه سبب الهام‌بخشی آن (نظریه انقلابی) بر سایر نهضت‌ها و دولت‌های انقلابی نیز شده است.

در مجموع توسعه و اشاعه نظریه انقلابی در عرصه بین‌المللی در این رویکرد نظری نهفته است که با پشتوانه اندیشه اسلامی ناب و نفی شرق و غرب و با طرح نظام سیاسی براساس مردم‌سالاری دینی و ظلم‌ستیزی مبتنی بر سرشت و فطرت بشری شکل گرفته است. این الگوی نظام انقلابی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دنیا تجربه و سابقه نداشت (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۲). آنگونه که رهبری انقلاب در بیانیه مذکور بیان کرده‌اند: «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطهٔ صفر آغاز شد؛ اولاً؛ همه‌چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه و نه به زور شمشیر خود بر سر کار آمده بود، ... ثانیاً؛ هیچ تجربهٔ پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانهٔ جدید «اسلام و استکبار» پدیدۀ برجستهٔ جهان معاصر و کانون توجّه جهانیان شد (خامنه‌ای، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷).

آنچه در نظریه‌های انقلاب وجود دارد؛ ماهیت نهضت انقلابی با دولت/نظام سیاسی با ثبات در تضاد و تعارض است. انقلاب اسلامی با آغاز دهه پنجم نظام جمهوری اسلامی و با گذشت نیم قرن نهضت اسلامی خود، نظریه‌های متداول انقلاب‌های اجتماعی را درباره خود ابطال کرده و با حفظ ماهیت انقلابی در نظام سیاسی، نظریه جدیدی را تولید کرد (قاسمی، ۱۳۹۸، ص ۷) و از آنجا که نظریه‌هایی در این زمینه وجود ندارد که مقاله حاضر براساس آن تبیین شود، در نتیجه در پژوهش حاضر نظریه نظام انقلابی به‌عنوان نظریه مختار از گفتمان انقلاب اسلامی استخراج شده است. براین اساس شناسایی زمینه‌های تقویت‌کننده مندرج در مدل مفهومی، علاوه بر اینکه علل مانایی انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد از سوی دیگر استحکام این نظریه را در عرصه فرامرزی و بین‌المللی را نیز تبیین نموده است.

۴-۲ - مدل مفهومی تحقیق

باتوجه به غور و فحص در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی، و با تمرکز بر نظریه نظام انقلابی (مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب)، می‌توان چهار مؤلفه فطرت انقلابی، تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه در آمریکای لاتین، تعامل فزاینده و تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه را به‌عنوان مهم‌ترین زمینه‌های مؤثر در تقویت و توسعه جبهه مقاومت قلمداد کرد.



نمودار (۱) عناصر مفهومی تحقیق (منع نگارندگان)

۳- روش تحقیق

روش استفاده شده در فرایند پژوهش ترکیبی (کیفی-کمی) است. در این پژوهش، پس از بررسی و مطالعه ادبیات تحقیق، داده‌های اصلی شناسایی و نظرسنجی از متخصصان موضوع، عوامل مهم و مؤثر جهت ترسیم مدل مفهومی در مقاله استخراج شد. روش تحقیق تلفیقی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. برای دستیابی به عوامل مؤثر؛ مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در مقاله، پس از استخراج از ادبیات، ابتدا عوامل (مؤلفه و شاخص‌ها) از ادبیات تحقیق و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۴ نفر از اساتید حوزه مرتبط اصلاح گردید. در طی تکمیل و اصلاح شاخص‌ها، بیش از ۲۰ شاخص حذف و ادغام شد. همچنین عامل گرایش به جبهه مقاومت (قرار دادن ونزوئلا در بخش از جریان مقاومت توسط مادورو) و حمایت از جبهه مقاومت و مسئله فلسطین به شاخص‌ها اضافه شد. بخش دوم مقاله با استفاده از رویکرد سنجش کمی انجام گرفته است. در بخش سنجش میزان تأثیر بر مقاومت و نفی سلطه از آمار استنباطی کمی و آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون ساده، دو متغیره و رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش:

۴-۱- تجزیه و تحلیل و تفسیر کیفی مؤلفه و شاخص‌های تقویت کننده جبهه مقاومت در

ونزوئلا

- تجربه مستعمره‌گی: از زمانی که کریستف کلمب به‌عنوان نخستین دریانورد اروپایی گام بر خاک این قاره نهاد، آمریکای لاتین تحت سیطره استعماری اروپایی‌ها درآمد. ابتدا کلمب دریانورد ایتالیایی در سال ۱۴۹۲ م وارد این قاره نو شد؛ اما پنج سال بعد، دیگر هم‌وطنش امریکو وسپوس که او نیز همچون کلمب به استخدام پادشاهی اسپانیا در آمده بود، در سال ۱۴۹۷ وارد این قاره شد. پادشاهی اسپانیا به قصد یافتن راهی به سوی هندوستان، کلمب را راهی دریا کرد؛ اما او به سرزمینی وارد شد که حتی نامش را هم نمی‌دانست. بعدها یک جغرافی‌دان آلمانی

قاره جدید را به افتخار امریکو وسپوس کسی که کشفیات زیادی در این قاره داشت، آمریکا نام نهاد. مطابق معمول، اسپانیایی‌ها در ابتدا با نیروی نظامی و سپس با تمرکز بر گسترش حوزه فعالیت مبلغان مسیحی و مدیران اداری به تحکیم سلطه خود بر این کشورها همت گماشتند. اسپانیا تمام کشورهای منطقه لاتین و پرتغال، کشور برزیل را از همان سال ورود کلمب به این منطقه (۱۴۹۲ م) تا سه قرن بعد (۱۸۵۰) به تسلط خود در آوردند (erma, 2012,p64). آن‌ها همچنین به گسترش زبان خود و مبارزه چشم‌گیر با سرخ‌پوستان و بومیان و کشتن ده‌ها هزار نفر از آنها موقعیت فرهنگی خود را در این ناحیه تثبیت کردند. براساس برآوردها بیش از یک میلیون و هشتصد هزار نفر از بومیان اسپانیا برای همیشه به این مناطق کوچ کردند.

- **سابقه غنی انقلابی:** الگوی سیاست خارجی انقلابی در کشورهایی همچون نیکاراگوئه، ونزوئلا و به خصوص کوبا این کشورها را در تقاضای خود از نظام بین‌الملل در محیطی متفاوت از رویکردهای جریان اصلی این نظریه‌ها قرار داده است. به‌عنوان مثال درخواست عدالت برای همه کشورها در سازمان‌های بین‌المللی و به‌رسمیت شناخته شدن منافع این کشورها توسط قدرت‌های بزرگ از جمله مهم‌ترین خواسته‌های دولت‌های انقلابی بوده است. دولت ونزوئلا در این زمینه علاوه بر سوابق انقلابی رویکرد عدالت‌گستری، مبارزه با استعمار و کنار زدن قدرت هژمونی را در کارنامه خود داشته است (چاوز، ۱۳۹۲، ص ۱) مخالفت و مبارزه با سیاست‌های دولت ایالات متحده به‌ویژه، این کشورها را در یک دسته‌بندی خاص قرار می‌دهد. در این میان کوبا از همه کشورهای لاتین‌تبار بیشتر با روحیه انقلابی خود در عرصه سیاست بین‌الملل حضور داشته است (گالگوس، ۱۳۸۶، ص ۶). اکنون ونزوئلا قائل به آزادی حاکمیت و استقلال از غرب بوده و مقابله با امپریالیسم را در برنامه خود دارد (مادورو، ۱۳۹۵، ص ۱) علاوه بر این، انقلابیون نیکاراگوئه نیز با برداشت‌هایی که تحت عنوان «الهیات رهایی‌بخش» از منابع دینی مسیحیت انجام دادند، مسیر جدیدی را در مبارزات انقلابی در منطقه آمریکای لاتین پیش‌روی مبارزان قرار دادند. آموزه‌های الهیات رهایی‌بخش ترکیبی از مفاهیم مساوات‌گرایانه سوسیالیستی و منابع دینی مسیحی بود که در جریان انقلاب نیکاراگوئه ظهور یافت.

- **تجربه تحریم‌های بین‌المللی:** تحریم‌ها عمدتاً نتیجه استکفاب این دولت‌ها از همراهی با قطب‌های بین‌المللی قدرت است که بر آنها تحمیل شده است. به صورت مشخص کوبا، ونزوئلا و جمهوری اسلامی ایران، بیشترین میزان تحریم‌ها را از سوی ایالات متحده و هم‌پیمانان آنها متحمل شده‌اند (Hearing,2012,p20). تحریم‌ها علی‌رغم محدودیت‌های زیادی که برای این دولت‌ها بوجود آورده، باعث رشد و شکوفایی داخلی صنایع و استعدادهای ملت‌های تحت تحریم نیز شده است. به نحوی که می‌توانند ضمن هم‌افزایی با یکدیگر خلأهای ناشی از تحریم را پوشانند (Sullivan,2014:p30؛ مظاهری و دیگران، ص ۷۲۱).

- **گسترش و تداوم توسعه نیافتگی:** بسیاری از لاتین‌تبارها، از جمله بزرگ‌ترین دولت‌های

بدهکار دنیا به حساب می‌آیند. فرایند بدهکاری این دولت‌ها به‌گونه‌ای بوده است که به واسطه دریافت وام از نهادهای مالی جهانی یا دولت آمریکا، برای توسعه داخلی خود و تعویق در بازپرداخت اقساط این وام‌های کمرشکن، دچار مشکلات عدیده‌ای هستند. به‌نحوی که وابستگی آنها تشدید شده و از آنها باعنوان کشورهای که توسعه نیافتگی آنها توسعه، یافته هست یاد می‌شود. این کشورها در چنین شرایطی نیازمند کمک‌های مهم مالی و یا احداث کارخانه و انتقال تکنولوژی برای برآوردن برخی نیازهای صنعتی خود هستند.

- مخالفت با نظام سلطه: دولت آمریکا سرسخت‌ترین مخالف توسعه و پیشرفت دولت‌های انقلابی است. این دولت سیاست‌هایی را اتخاذ نموده که طی آن شدیدترین تحریم‌ها را علیه این دسته از کشورها اعمال نموده است (lotfian,2010,p41). به همین دلیل قشرهای زیادی از روشنفکران و تحصیل‌کردگان آمریکای لاتین معتقدند که بسیاری از مشکلات آنها نتیجه سیاست‌های یک‌جانبه و استعماری ایالات متحده است (صبوری و اکرمی، ۱۳۹۴، صص ۱۲۴-۱۲۰) به تعبیری دیگر احساس می‌کنند که بعد از خروج اسپانیایی‌ها و آزاد شدن کشورها از قید و بند استعمار اسپانیا، آنها دچار استعمار جدید شرکت‌های چند ملیتی و ایالات متحده آمریکا شده‌اند. به همین دلیل کسانی را که در صحنه اجتماعی، پرچم‌دار یک نهضت استقلال‌طلبانه، ضد آمریکایی، ضد غربی، ضد استعماری و حتی ضد اسپانیا می‌شوند (Hellinger,2011,p3)، آنها را «لیبرتادور» (آزادی‌بخش) لقب می‌دهند. مثلاً مردم در شیلی، آرژانتین، پرو، بولیوی و دیگر کشورهای منطقه، چه‌گوارا، فیدل کاسترو، سیمون بولیوار، ژنرال هیدینگز و حتی هوگو چاوز را بیشتر به‌عنوان افرادی نام می‌برند که مردم آمریکای لاتین را از بندها رها و آزادشان کردند (ساداتی فر، ۱۳۹۱، ص ۱).

- عضویت در سازمان‌های بین‌المللی هم‌سو: این شش کشور در سازمان‌های مختلفی عضو هستند. هرکدام از این سازمان‌های مهم علاوه بر اینکه جزو نهادهای اثرگذار بین‌المللی به‌شمار می‌روند از نهادهای هستند که می‌توانند بدون دخالت قدرت‌های بزرگ به ترسیم سیاست‌هایی علیه آن قدرت‌ها نیز اقدام کنند. به‌عنوان نمونه هر شش کشور عضو سازمان عدم تعهد هستند. کوبا از جمله بنیان‌گذاران و اعضای مؤثر این سازمان است (Haggard,2010,p54). سازمانی که بیش از یک‌صد و بیست عضو را در خود جای داده است. علاوه بر این هر شش کشور عضویت در معاهده ان‌پی‌تی یا همان معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را برای خود ثبت نموده‌اند. اعضای ان‌پی‌تی از حق به‌رمندی از مزایای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای برخوردار هستند. همچنین عضویت ایران و ونزوئلا در اوپک نقشی مهمی به این دو بازیگر مهم نفتی جهت اثرگذاری بر قیمت جهانی نفت می‌دهد. بطور خلاصه عضویت هم‌زمان این دولت‌ها در سازمان‌هایی که قدرت‌های توسعه طلب دنیا در آنها حضور ندارند، می‌تواند توان این کشورها را در جامعه بین‌المللی افزایش یابد (Hearing,2012,p20).

- همکاری‌های بین‌المجالس: ونزوئلا دارای دو مجلس است. یکی مجالس ایالتی یا فدرال و یکی هم مجلس ملی این کشور که بر روی هم امر قانون‌گذاری در این کشور را محقق می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز دارای یک مجلس قانون‌گذاری می‌باشد که براساس اصل تفکیک قوا در کنار دو قوای مجریه و قضائیه به اداره کشور در امر اختصاصی قانون‌گذاری مشغول هست. نمایندگان در هر دو کشور با رأی مستقیم نمایندگان انتخاب می‌شوند. از طرفی هر دو کشور جمهوری بولیواری ونزوئلا و جمهوری اسلامی ایران از اعضای فعال در اتحادیه بین‌المجالس می‌باشند. ایران و ونزوئلا در اجلاس بین‌المللی بین‌المجالس می‌توانند اثرگذاری خود را نشان دهند. این همکاری زمانی مشخص‌تر می‌شود که در کنار مجالس سایر کشورهای هم‌سو در آمریکای لاتین مانند نیکاراگوئه، پرو، کوبا، بولیوی و برخی دیگر از کشورهای هم‌سوی دیگر بتوانند مواضع متحدی در دفاع از منافع خود اعلام دارند. در این اتحادیه اعضای پارلمان‌های کشورهای جهان نقش پارلمانی و سازوکارها، سهم کشورها در همکاری‌های منطقه‌ای، آخرین پیشرفت‌های درباره موضوعات مربوط به زنان، حمایت از نسل جوان، دفاع از حقوق نمایندگان و دسترسی به پوشش جهانی سلامت را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند (Castunada, 2006, p31).

- ضدیت با رژیم صهیونیستی: نکته قابل تأمل در رابطه با شرایط مذهبی جامعه ونزوئلا، وجود دو گروه یهودی در این کشور است. این یهودیان که به دسته اسرائیلی- ونزوئلایی و جمعیت یهودیان ونزوئلا تقسیم می‌شوند، عمدتاً در شمال این کشور ساکن هستند. هرچند ونزوئلا در سال ۱۹۴۷ طی رأی‌گیری در سازمان ملل، به موجودیت اسرائیل رأی مثبت داد و روابط دو طرف به صورت دیپلماتیک و اقتصادی ادامه داشت؛ اما از زمانی که چاوز به حکومت رسید، این رابطه دست‌خوش تحولاتی شد. به‌خصوص از سال ۲۰۰۲ که طی این سال کودتایی به منظور سرنگونی هوگو چاوز انجام شد. دولت این کشور اعلام کرد که نشانه‌هایی از نقش موساد در این کودتا وجود داشته است. پس از آن روابط دوطرف به سمت تیرگی پیشرفت. علاوه بر این یکی از عوامل کاهش روابط بین اسرائیل و ونزوئلا، تقویت رابطه بین دولت هوگو چاوز با جهان عرب و به خصوص ایران بوده است.

ونزوئلا طی سالیان اخیر مواضع سختی علیه رژیم صهیونیستی اتخاذ نموده است. از جمله می‌توان به محکومیت حمله نظامیان رژیم صهیونیستی به نمازگزاران فلسطینی در مسجدالاقصی اشاره نمود. همچنین دولت بولیواری بر تعهد تزلزل‌ناپذیر خود به آرمان فلسطین، در جستجوی تعیین سرنوشت خود و رد اقدامات نسل‌کشی نیروهای اسرائیلی تأکید دارد (www.irna.ir/news) ونزوئلا قبلاً طی سال ۲۰۰۶ و به هنگام حمله اسرائیل به لبنان نیز کاردار خود را به نشانه اعتراض به تهاجم اسرائیل فراخواند. در مقابل، اسرائیل نیز نماینده خود را از کاراکاس فراخواند. دولت ونزوئلا همچنین به نشانه اعتراض به جنگ غزه ۲۰۰۸ -

۲۰۰۹، در همان زمان تمام روابط سیاسی و اقتصادی خود را یک‌جانبه قطع کرد. با توجه به همین مسئله می‌توان به تقویت رابطه بین ایران و ونزوئلا تاکید داشت و در این بین از حقوق مردم فلسطین نیز دفاع کرد.

در مجموع گفتنی است که در کشورهای آمریکای لاتین، با پیروزی احزاب چپ‌گرا و گرایش‌های ملی‌گرا علی‌الخصوص با انتخاب هوگو چاوز به ریاست جمهوری ونزوئلا در سال ۱۹۹۸ سبب شد که این تغییرات مورد رضایت آمریکا نباشد و آمریکا در تلاش برآمد در منطقه آمریکای لاتین در صدد دموکراسی‌سازی (دموکراسی آمریکایی) برآید (Castuneda, 2006, p28) با به قدرت رسیدن چاوز تغییرات سیاسی- اجتماعی در ونزوئلا انجام شد. چاوز در تلاش بود در جهت اصلاح ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تغییراتی را در ونزوئلا آغاز کند. اساس اصلاحات در ونزوئلا اگرچه مبتنی بر تفکر چپ، اقتصاد ملی بود؛ ولی به طور کلی در مقابل نظام سلطه و زیاده‌خواهی آمریکا تعریف می‌شد. نخستین سازمانی که هدف اصلاحات چاوز قرار گرفت صنعت نفت بود. چاوز برای ارتقا درآمد نفت در صدد تغییر مدیریت نفتی برآمد. تغییر دیگر افزایش دادن حق امتیاز شرکت‌های خصوصی و ملی کردن صنایع بزرگ بود (Aviles, 2005, p46). بعد از اقدامات استقلال‌طلبانه در ونزوئلا در دوره ریاست جمهوری چاوز و مادوروو تحریم‌های هدفمندی برای کشور ونزوئلا از سوی آمریکا اعمال شد که مهم‌ترین آنها مسدود کردن دارایی‌های مقامات این کشور و لغو ویزا بود (Sullivan, 2014, p30). دولت‌های ضد امپریالیستی چاوز و مورالس مهم‌ترین نقش را در مبارزه با سلطه ایفا کرده است. پروژه بولیواری یک چالش مستقیم با جهانی شدن نولیبرالی بوده و از سوی دیگر تأثیرگذار بر مقاومت و ایستادگی آمریکای لاتین در مقابل سلطه و زیاده‌خواهی آمریکا عمل کرده است. دیپلماسی ونزوئلا سهم زیادی در نهضت مقاومت آمریکای لاتین برای مقابله با نظام سلطه و جهانی شدن نولیبرال عمل کرده است (Hellinger, 2011, p6) کشورهای آمریکای لاتین بسترهای سیاسی- اجتماعی مناسبی برای مبارزه با استعمار و سلطه دارند. چند کشور در آمریکای لاتین هستند که با ایالات متحده به صورت آشکار به مخالفت برخاسته‌اند. اکثر کشورهای آمریکای لاتین به دنبال استقلال هرچه بیشتر از ایالات متحده بوده و در برابر زیاده‌خواهی‌های آن مقاومت می‌کنند. روندی که در آمریکای لاتین به وجود آمده است برگرفته از زمینه‌های تاریخی مبارزه با استعمار، رویکرد مقاومت استقلال‌طلبانه مردمی، مخالفت با زیاده‌خواهی (Haggard, 2010, p56) و سایر مؤلفه‌های مقاومتی هست که شناسایی شده است. مهم‌ترین زمینه‌های سیاسی- اجتماعی سیاست‌های ضد استعماری و مقاومتی آمریکای لاتین شامل نفی وابستگی، تداوم تاریخی روحیه انقلابی و مبارزات آزادی‌خواهانه علی‌الخصوص در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی، داشتن تجربه مستعمره‌بودگی، مبارزات آزادی‌خواهانه، هم‌سویی و عضویت در نهادهای بین‌المللی ضد سلطه و زیاده‌خواه، ضد هژمون‌گرایی در آمریکای لاتین وجود

داشته است. چاوز و جانشین وی مادورو همواره به سیاست‌های ضد ایالات متحده معروف شده‌اند (Gollust, 2011, p 37) که این رویکرد سبب تقویت و توسعه جبهه مقاومت در آمریکای لاتین و به‌ویژه در کشور ونزوئلا شده است که مهم‌ترین مؤلفه و شاخص‌های آن شناسایی و در جدول ذیل نشان داده شده است.

ابعاد	مؤلفه‌ها (عوامل)	شاخص‌ها (متغیرها)
	فطرت انقلابی (آگاهی انسانی بر پایه الهیات رهایی بخش)	عدالت‌خواهی و انگیزه عدالت‌گستری فطری و درونی
		وجود روحیه ظلم‌ستیزی با وجود طرُق متکثر (تنوع دینی و مذهبی)
		استقلال‌خواهی فطری و نفی وابستگی
		باور به مقاومت انقلابی در نتیجه جهان‌بینی انسانی - ایمانی
		حمایت از مستضعفان و محرومان: اعتقاد به جبههٔ کلیسا و مذهب در رفع محرومیت و مقابله با ظلم
تجربه تاریخی مبارزات استقلال طلبانه (مقاومت و استقلال انقلابی)		تجربه تاریخی مقاومت استقلال‌خواهی ژنرال مانوئل کارلوس پیار در قرن ۱۸ م
		مبارزات آزادی‌خواهانه و تجربه موفق سانتیاگو ماریو در قرن ۱۹ م
		تجربه موفق جبهه ضد امپریالیستی و مبارزه استقلال‌طلبی سیمون بولیوار قرن ۱۹ م
		هوگو چاوز و تجربه موفق مبارزه با زورگویی قدرت‌های جهانی: حمایت از مواضع ایران و فلسطین در قرن ۲۱ م
		ماهیت مبارزات انقلابی و استقلال‌طلبی: دینی، ملی، فطری و رهایی‌بخشی
		تجربه تلخ استعماری: سابقه مستعمره و مبارزات (سلطه اسپانیا)
		سابقه موفق ائتلاف‌سازی و بسیج مردمی خوزه فلیکس ریباس (رهبری کاریزماتیک)
		تجربه مبارزات مردمی: مردم پایه بودن مقاومت و مبارزات
		عضویت در سازمان‌های بین‌المللی هم‌سو با گفتمان انقلابی و مقاومت
		منع گسترش و عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای
تعامل فزاینده (هم‌سویی با انقلاب اسلامی و مقاومت)		هم‌سویی دیپلماتیک و هم‌گرایی در اتحادیه بین‌المجالس
		دفاع از حقوق ملت مظلوم فلسطین
		توسعه روابط هوگو چاوز با جهان عرب و جمهوری اسلامی

ابعاد	مؤلفه‌ها (عوامل)	شاخص‌ها (متغیرها)
		ایران
		پیام مادورو به رهبری و مردم ایران: صلح، دوستی، تقویت روابط
		رویکرد ضدتروریستی و مقابله با داعش (حمایت از مواضع روسیه و ج.ا.ایران)
		پذیرش جبهه مقاومت: ونزوئلا نیز بخشی از جبهه مقاومت است
	تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه (سلطه ستیزی و مقابله با آمریکا)	دشمن دانستن آمریکا و ترویج و تبلیغ استکبار ستیزی
		مخالفت با رویکرد رژیم صهیونیستی
		ضد هژمون‌گرایی غرب و آمریکا
		استنکاف از قطب‌بندی جهانی و تجربه تحریم بین‌المللی
		نگاه منفی مردم ونزوئلا به آمریکا: مداخله‌گر، نفوذ، استعمار و غارت‌گر منابع طبیعی
		اقدامات عملی در جهت فشار به آمریکا: توسعه و تقویت تسلیحاتی - نظامی

شکل شماره (۲): جدول ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تقویت و توسعه جبهه مقاومت در ونزوئلا (منبع نگارندگان)

با مطالعات صورت گرفته، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر تفکر و رویکرد انقلابی در ونزوئلا، چهار عامل و متغیر اصلی مرتبط با موضوع احصاء شد. بررسی اکتشافی موضوع مقاله و در راستای هدف پژوهش ۴ مؤلفه اصلی و مؤثر که داری ۲۷ شاخص مؤثر در بخش کیفی در جدول بالا پس از سه مرحله بازنگری تأیید شد.

۲-۴- تجزیه و تحلیل یافته‌های استنباطی تحقیق در بخش کمی

۱-۷- بررسی نسبت بین فطرت انقلابی بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت

پس از بررسی پیش فرض‌ها مشخص شد هر دو متغیر دارای مقیاس اسمی هست. دیگر این‌که، توسعه جبهه مقاومت دارای توزیع نرمال بوده و در مجموع رابطه بین دو متغیر خطی است. در نتیجه، آزمون مناسب برای سنجش رابطه بین فطرت انقلابی بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. جدول زیر، نشانگر ضریب همبستگی فطرت انقلابی بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت است:

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار آزمون	سطح معنی داری
فطرت انقلابی در مردم ونزوئلا	تقویت و توسعه جبهه مقاومت	۰/۳۹۱	۰/۰۰۰

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون فطرت انقلابی و تقویت و توسعه جبهه مقاومت (منبع

نگارندگان)

یافته‌های جدول بالا نشانگر این است که فطرت انقلابی و تقویت و توسعه جبهه مقاومت همبستگی مثبت در حد بسیار زیاد وجود دارد و این همبستگی از جهت آماری معنادار است. به عبارت دیگر، با توسعه و تقویت فطرت انقلابی، تقویت و توسعه جبهه مقاومت تحقق پیدا می‌کند.

۲-۷- نسبت میان تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه و تقویت و توسعه جبهه مقاومت

پس از بررسی پیش‌فرض‌ها مشخص شد هر دو متغیر دارای مقیاس اسمی هست. دیگر اینکه، مقاومت و نفی سلطه دارای توزیع نرمال بوده و در مجموع رابطه بین دو متغیر خطی است. در نتیجه، آزمون مناسب برای سنجش رابطه بین تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. جدول زیر، نشانگر ضریب همبستگی تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت است:

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه مردم ونزوئلا	تقویت و توسعه جبهه مقاومت	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه و تقویت و توسعه جبهه مقاومت (منبع نگارندگان)

یافته‌های جدول بالا نشانگر این است که تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه با تقویت و توسعه جبهه مقاومت همبستگی مثبت در حد بسیار زیاد وجود دارد و این همبستگی از جهت آماری معنادار است. به عبارت دیگر، با توسعه و توجه به سوابق و تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه، مقاومت مردم ونزوئلا در طول تجربه تاریخی سبب دستاورد و پیروزی در مقابل زیاده‌خواهی شده است.

۳-۷- نسبت بین تعامل فزاینده و هم‌سویی با نظام انقلابی و تقویت و توسعه جبهه مقاومت

پس از بررسی پیش‌فرض‌ها مشخص می‌شود هر دو متغیر دارای مقیاس اسمی هست. دیگر اینکه، مقاومت و نفی سلطه دارای توزیع نرمال بوده و در مجموع رابطه بین دو متغیر خطی است. در نتیجه، آزمون مناسب برای سنجش رابطه تعامل فزاینده و هم‌سویی با نظام انقلابی بر مقاومت و نفی سلطه ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. جدول زیر، نشانگر ضریب همبستگی تعامل فزاینده و هم‌سویی با نظام انقلابی بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت است.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
تعامل فزاینده و هم‌سویی با نظام انقلابی در ونزوئلا	تقویت و توسعه جبهه مقاومت	۰/۳۷۸	۰/۰۰۰

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون تعامل فزاینده و هم‌سویی با نظام انقلابی و تقویت و

توسعه جبهه مقاومت (منبع نگارندگان)

یافته‌های جدول بالا نشانگر این است که تعامل فزاینده و هم‌سویی با نظام انقلابی بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت همبستگی مثبت در حد بسیار زیاد وجود دارد و این همبستگی از جهت آماری معنادار است. به عبارت دیگر، با توسعه و تقویت تعامل فزاینده (همکاری بین نهضت‌ها گروه‌های انقلابی و مقاومت)، ایستادگی در برابر استکبار تقویت شده و موفقیت‌هایی را کسب کرده است. تعامل فزاینده سبب تقویت و توسعه جبهه مقاومت خواهد شد.

۴-۷- نسبت بین تعامل بر ضد نظام سلطه و مخالفت با نظام سلطه و تقویت و توسعه جبهه

مقاومت

پس از بررسی پیش‌فرض‌ها مشخص شد هر دو متغیر دارای مقیاس اسمی هست. دیگر اینکه، مقاومت و نفی سلطه دارای توزیع نرمال بوده و در مجموع رابطه بین دو متغیر خطی است. در نتیجه، آزمون مناسب برای سنجش رابطه تعامل بر ضد نظام سلطه و مخالفت با نظام سلطه بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. جدول زیر، نشانگر ضریب تعامل گرایی ضد نظام سلطه (مقابل با آمریکا و ایستادگی در برابر زورگویان) و مخالفت با نظام سلطه بر مقاومت و نفی سلطه مؤثر است.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
تعامل بر ضد نظام سلطه و مخالفت با نظام سلطه در ونزوئلا	توسعه و تقویت جبهه مقاومت	۰/۳۷۸	۰/۰۰۰

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون تعامل بر ضد نظام سلطه و مخالفت با نظام سلطه و تقویت و توسعه جبهه مقاومت (منبع نگارندگان)

یافته‌های جدول بالا نشانگر این است که تعامل بر ضد نظام سلطه و مخالفت با نظام سلطه بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت همبستگی مثبت در حد بسیار زیاد وجود دارد و این همبستگی از جهت آماری معنادار است. به عبارت دیگر، با تعامل گرایی ضد نظام سلطه و مخالفت با نظام سلطه بر مقاومت و نفی سلطه ارتقا پیدا می‌کند. با توجه به تجزیه و تحلیل‌های ارائه شده در ۴ متغیر مستقل (فطرت انقلابی، تجربه تاریخی مبارزات استقلال طلبانه، تعامل فزاینده و تعامل گرایی ضد نظام سلطه) در فرضیه‌های فرعی چهار گانه تحقیق تأیید می‌شوند.

۸- تحلیل رگرسیون خطی ساده (دو متغیره)

در پژوهش انجام شده، پیش از اجرای رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر، اندازه رابطه میان هریک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته یعنی تقویت و توسعه جبهه مقاومت بررسی و مورد سنجش کمی قرار گرفت. پیش از انجام رگرسیون ضروری است، پیش‌فرض‌های رگرسیون

رعایت شود. نخستین و مهم‌ترین پیش‌فرض رگرسیون، خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته است. براساس آنچه که در ضریب همبستگی پیرسون مطرح شد، روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته، خطی است. هم‌چنین توزیع متغیر وابسته نیز نرمال نشان داده شد. علاوه بر این، از دوربین- واتسون^۴ برای سنجش میزان مستقل بودن همبستگی باقی‌مانده‌ها استفاده شده است. نتایج آن نشان می‌دهد که باقی‌مانده‌ها با هم همبستگی ندارند و مستقل از هم هستند. جدول زیر، ضرایب همبستگی ساده تأثیر عوامل یا متغیرهای تقویت و توسعه جبهه مقاومت را نشان می‌دهد. بررسی سطح معنی‌داری متغیرها نشانگر رابطه معنی‌دار متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است:

تقویت و توسعه جبهه مقاومت						متغیر وابسته
دوربین واتسون	سطح معنی‌داری	مقدار ثابت	ضریب بتا (β)	ضریب تعیین	ضریب همبستگی (R)	متغیرهای مستقل (مؤلفه و شاخص‌ها)
۲/۰۱	۰/۰۰۰	۲/۰۱۱	۰/۳۹۱	۰/۲۹	۰/۳۹۱	عامل و متغیر فطرت انقلابی (آگاهی انسانی بر پایه الهیات رهایی‌بخش)
۲/۱۲	۰/۰۳۹	۲/۰۰۱	۰/۳۱۹	۰/۱۸	۰/۳۱۹	تجربه تاریخی مبارزات استقلال طلبانه (مقاومت و استقلال انقلابی)
۲/۱۳	۰/۰۰۰	۲/۹۶۳	۰/۳۷۸	۰/۲۶	۰/۳۷۸	تعامل فزاینده (هم‌سویی با انقلاب اسلامی و مقاومت)
۱/۸۷	۰/۰۲۱	۲/۱۲۱	۰/۳۴۲	۰/۲۱	۰/۳۴۲	تعامل برضد نظام سلطه (سلطه‌ستیزی و مقابله با آمریکا)

جدول ۶. ضریب رگرسیونی ساده مؤلفه و شاخص‌های تفکر و رویکرد انقلابی (منبع نگارندگان)

آنگونه که در جدول بالا نشان داده شده، نتایج بدست آمده از رگرسیون خطی ساده بیانگر این است که از میان متغیرهای استخراج و اشاره شده در مقاله، چهار عامل و متغیر مستقل با متغیر وابسته (تقویت و توسعه جبهه مقاومت) رابطه معنی‌داری دارند.

از بین متغیرهای مستقل اشاره شده در جدول (مؤلفه و شاخص‌های تفکر و رویکرد انقلابی) متغیر «فطرت انقلابی/آگاهی انسانی بر پایه الهیات رهایی‌بخش» با ضریب تعیین ۲۹

⁴ Durbin-Watson

درصد بیشترین نسبت و تأثیر را در مقاومت مردم ونزوئلا و تقویت و توسعه جبهه مقاومت دارد و متغیر «تجربه تاریخی مبارزات استقلال طلبانه/مقاومت و استقلال انقلابی» با ضریب تعیین ۱۸ درصد کمترین نسبت و تأثیر را در تقویت و توسعه جبهه مقاومت دارد. ضریب بتای استاندارد نشانگر آن است که متغیرهای فطرت انقلابی و تعامل‌گرایی فزاینده نسبت به متغیرهای دیگر در تعیین تقویت و توسعه جبهه مقاومت نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند.

۹- تحلیل رگرسیون چند متغیره

با استفاده از رگرسیون چند متغیره در تحلیل پژوهش می‌توان رابطه خطی بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل را با یک متغیر وابسته بررسی کرد. در مدل رگرسیونی گام به گام تمام متغیرهای مستقل یعنی عامل و متغیرهای شناسایی شده در تفکر و رویکرد انقلابی برای تبیین و سنجش تأثیر آن ایستادگی و مقاومت مردم ونزوئلا و تقویت و توسعه جبهه مقاومت وارد مدل تحقیق شده‌اند. مقدار آماره دورین - واتسون برابر با ۲/۳۲ است که نشان می‌دهد باقیمانده‌ها با هم همبستگی نداشته یعنی از هم مستقل‌اند.

مدل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین	مقدار آزمون (F)	سطح معنی‌داری آزمون (F)	مقدار ثابت
گام به گام	۰/۳۹۱	۰/۱۹۴	۴۹/۸۶۹	۰/۰۰۰	۲/۰۱

جدول ۷. مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مستقل بر تجزیه تحلیل تقویت و توسعه جبهه مقاومت (منبع نگارندگان)

همانطور که در جدول بالا نشان داده شده، ضریب همبستگی مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مورد بررسی برای تجزیه و تحلیل تأثیر «ایستادگی و مقاومت مردم ونزوئلا و سلطه‌ستیزی» برابر با ۰/۳۹۱ است. نسبتی از واریانس متغیر مقاومت که براساس متغیرهای پژوهش تبیین شده نزدیک به ۱۶ درصد است. نسبت F نشانگر آن است که مدل رگرسیونی تحقیق، مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته (تقویت و توسعه جبهه مقاومت) است. به عبارت دیگر، متغیرهای پژوهش توانایی این را دارند که تغییرات متغیر وابسته مقاله را توضیح دهند. مقدار ثابت نشان می‌دهد که اگر تأثیر متغیرهای مستقل کنترل شود، مقدار پایه رفتار متغیر ایستادگی در برابر سلطه برابر با ۲/۲۱۳ است. شایان ذکر است که مدل رگرسیونی گام به گام بالا دارای دو مرحله (گام) بود. نتایج تحقیق بالا، مربوط به مرحله آخر مدل رگرسیونی گام به گام است.

عوامل و متغیرها	ضریب بتا (β)	مقدار آزمون (t)	معنی‌داری	ضریب تولرانس
مقدار ثابت	-	۷/۸۲۳	۰/۰۰۰	-

۰/۸۲۴	۰/۰۰۰	۵/۶۳۲	۰/۳۷۲	فطرت انقلابی (آگاهی انسانی بر پایه الهیات رهایی بخش)
۰/۸۲۴	۰/۰۰۰	۱/۱۹۳	۰/۱۴۶	تجربه تاریخی مبارزات استقلال طلبانه (مقاومت و استقلال انقلابی)

جدول ۸. ضرایب تأثیرگام نهایی رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین کننده بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت (منبع نگارندگان)

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، «عامل و متغیر فطرت انقلابی/آگاهی انسانی بر پایه الهیات رهایی بخش» اولین متغیری بوده که وارد مدل شده است و بیشترین رابطه را با «تقویت و توسعه جبهه مقاومت» دارد و «عامل و متغیر تجربه تاریخی مبارزات استقلال طلبانه/مقاومت و استقلال انقلابی» آخرین متغیری بوده که وارد مدل شده و کمترین رابطه را با «تقویت و توسعه جبهه مقاومت» دارد. همچنین، متغیر «عامل و متغیر فطرت انقلابی» نسبت به دیگر متغیرها پیش‌بینی کننده قوی‌تری است. ضریب بتا استاندارد شده، نشان دهنده تأثیرات خالص متغیرها بر تقویت و توسعه جبهه مقاومت است. مقدار t و سطح معنی داری آن نشان دهنده اهمیت نسبی نقش هر متغیر در مدل می‌باشد. بدین شکل که اگر قدر مطلق مقدار t بیشتر از $۲/۰۲۲$ باشد، سطح خطای آن کمتر از $۰/۰۱$ و $۰/۰۵$ خواهد بود، در نتیجه، متغیر بررسی شده تأثیر آماری معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته دارد. بر این اساس، متغیرهایی که وارد مدل شده‌اند تأثیر آماری معنی داری در تبیین تغییرات تقویت و توسعه جبهه مقاومت دارند. ضریب تولرانس نشان می‌دهد که میزان هم خطی متغیرها کم است.

۱۰ - نتیجه گیری

عامل و متغیر فطرت انقلابی/آگاهی انسانی بر پایه الهیات رهایی بخش، تجربه تاریخی مبارزات استقلال طلبانه/مقاومت و استقلال انقلابی، تعامل فزاینده/هم‌سویی با انقلاب اسلامی و مقاومت، تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه/سلطه‌ستیزی و مقابله با آمریکا مشتمل بر چهار مؤلفه یا حیطة و ۲۷ شاخصه، متغیرهای بنیادی در توسعه اندیشه مقاومت در اقصی نقاط جهان است. این متغیرها می‌تواند تکیه‌گاه‌های مهمی در فراتر رفتن از محور مقاومت و شکل‌دهی به جبهه مقاومت فراتر از منطقه اسلامی - عربی و نگاه به دیگر مناطق مستعد اندیشه‌های ضدسلطه و مقاومت در برابر آن است.

تأثیر رویکرد و نگاه انقلابی بر متغیر وابسته یعنی مقاومت و استحکام رویکرد مقاومتی و سلطه‌ستیزی یافته‌ها، حاکی از آن هستند که بین مؤلفه‌های کلیدی احصاء شده در پژوهش در زمینه نگاه انقلابی و مقاومت، رابطه‌ای مثبت، مستقیم و مستمر وجود دارد. با افزایش، تقویت، حمایت رویکرد انقلابی و تفکر نظریه نظام انقلابی در ونزوئلا می‌توان به تقویت جبهه مقاومت در ونزوئلا و توسعه دامنه آن به سایر کشورها نظیر (اکوادور، کوبا، بولیوی، نیکاراگوئه و سایر کشورهای منطقه) نظر داشت و بیش از پیش زمینه انقلابی‌گری و مبارزاتی و استقلال‌خواهی را

فراهم ساخت.

امروزه مهم‌ترین رویکرد انقلابی ونزوئلا، توجه به نقش مردم و ملت‌ها است که این کشور را در کانون تفکر انقلابی قرار داده است. مصادیق رویکرد انقلابی در ونزوئلا، خارج شدن از قطب‌بندی غرب و شرق، توجه به استقلال ملت‌ها و ضد هژمون‌گرایی غرب، عدالت‌خواهی فطری و حمایت از مظلومین، هم‌سویی با ایران و گفتمان انقلابی نظام جمهوری اسلامی، توجه به الهیات‌رهایی‌بخش، رویکرد مثبت به نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی سلطه‌ستیز (حزب‌الله، فلسطین و...)، گفتمان‌سازی علیه آمریکا و زورگویان در منطقه آمریکای لاتین و عرصه بین‌الملل، رویکرد مثبت به روسیه به منظور مقابله با داعش و تروریسم، توجه به حقوق مردم مظلوم فلسطین و گرایش به جبهه مقاومت از جمله اقدامات انقلابی ونزوئلا است که این کشور را در جبهه مقاومت و ایستادگی در برابر سلطه قرار داده است.

توصیه سیاستی در این راستا، تاکید بر تقویت و توسعه روحیه و نگاه انقلابی سلطه‌ستیز در آمریکای لاتین در هر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مرتبط با این منطقه می‌باشد. همچنین با تاکید بر مقولات چهارگانه احصا شده (فطرت انقلابی/آگاهی انسانی بر پایه الهیات‌رهایی‌بخش، تجربه تاریخی مبارزات استقلال‌طلبانه/مقاومت و استقلال انقلابی، تعامل فزاینده/هم‌سویی با انقلاب اسلامی و مقاومت، تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه/سلطه‌ستیزی و مقابله با آمریکا) مشترک میان اندیشه مقاومت و ونزوئلا، قابلیت آزمودن در سایر کشورهای منطقه آمریکای لاتین را در پژوهش‌های مستقل آتی داراست.

منابع

- احمدی، بهزاد. (۱۳۸۷). نگاهی به آمریکای لاتین. سایت پگاه حوزه، مجله ش ۲۲۸.
- امینی، سید جواد، & مبینی، محمد. (۱۳۹۸). تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸(۳۴).
- آل‌نبی، سید محسن، & یوسفی مقدم، محمد صادق. (۱۴۰۰). چالش‌های مقاومت از منظر قرآن کریم. فصلنامه بیداری اسلامی، ۱۰(۴).
- آموزگار، ماهوش. (۱۳۸۹). ونزوئلا. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- برزویی، محمدرضا، & جمالی زواره، زهره. (۱۴۰۱). بازشناسی مؤلفه‌های اسطوره‌ماندگار مقاومت اسلامی؛ «شهید چمران» و «شهید قاسم سلیمانی» از کلام مقام معظم رهبری. فصلنامه بیداری اسلامی، ۱۱(۲).
- برینتون، کرین. (۱۳۶۳). کالبد شکافی چهار انقلاب (م. ثلاثی، ترجمه). تهران: نو.
- حسینی خامنه، سید علی. (۱۳۹۶، ۲۹ بهمن). بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، به مناسبت سالروز قیام بیست‌ونهم بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز. دریافت از پایگاه اطلاع‌رسانی

دفتر مقام معظم رهبری، بیانات مقام معظم رهبری، از سایت (farsi.khamenei.ir).
حسینی خامنه، سید علی. (۱۳۹۷، ۲۲ بهمن). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. دریافت از
سایت (farsi.khamenei.ir).

توکلی، یعقوب. (۱۳۸۸). ایران و آمریکای لاتین. دو هفته نامه پگاه حوزه، ش ۲۴۷.
چاوز، هوگو. (۱۳۹۲). سود سی ساله رابطه با ایران. مشرق نیوز، ۱۳۹۲/۱/۳۱.
رضوی، سید عبدالله، & پیرانی، شهره. (۱۴۰۰). بررسی راهبردها و سیاست‌های ضد
تحریمی تجارت نفت ونزوئلا و مقایسه آن با راهبردهای ایران. فصلنامه راهبرد اقتصادی،
۱۰(۲)

ساداتی فر، عبدالرحیم. (۱۳۸۸). روابط ایران و آمریکای لاتین فرصت‌ها و ضرورت‌ها.
مجله پگاه حوزه، ش ۲۶۲.

صبوری، احمد، & اکرمی، طه. (۱۳۹۴). آمریکا و سیاست ترویج دموکراسی در آمریکای
لاتین. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۵.

قاسمی، بهزاد. (۱۳۹۸). تاریخ انقلاب اسلامی ایران؛ تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی.
تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

قائمی، محمد علی، & توکلی، یعقوب. (۱۳۹۸). بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی در
آمریکای جنوبی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۶(۵۷)

گالگوس، آرتور. (۱۳۸۶). ایران و ونزوئلا: همپیمانان جدید در آمریکای لاتین. گفتگو،
ماهنامه اقتصاد ایران.

گلدستون، جک. (۱۳۸۵). مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها (م. ت.
دلفروز، ترجمه). چاپ اول، انتشارات کویر.

مادورو، نیکلاس. (۱۳۹۵). مقابله با امپریالیسم. مهر نیوز، دریافت، ۱۴۰۱.

مظاهری، مصطفی، & دیگران. (۱۳۹۹). تبیین کارکرد و مؤلفه‌های جغرافیایی و
ژئوپلیتیکی شکل‌گیری روابط در منطقه: ژئوپلیتیک آمریکای لاتین. فصلنامه پژوهش‌های
جغرافیای انسانی، ۵۲(۲)

هوارچی، ویاردا، & هاروی اف. (۱۳۸۷). آمریکای لاتین؛ سیاست، حکومت و توسعه
(ع. قربان پور، ترجمه). تهران: ابرار معاصر.



دولت ورشکسته و پدیده افراط‌گرایی: تحلیلی بر ظهور گروه تروریستی داعش در سوریه

محمد یگانه^۱

چکیده

بحران سوریه و ظهور و گسترش داعش، توجه جهان را به خود جلب کرد و منطقه خاورمیانه را به گونه‌ای متحول کرد که تا قبل از سال ۲۰۱۱ تصور نمی‌شد. به طوری که دگرگونی‌های متفاوتی را در عرصه داخلی سوریه ایجاد کرد و به عرصه‌ای جهت تکاپوی کشورهای جهان، جهت تأمین منافع ملی تعیین یافت. از این منظر، مقاله حاضر تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به مشکله دولت - ملت‌سازی در کشور سوریه، چه عواملی موجبات نفوذ و گسترش گروه تروریستی داعش را فراهم گردانیده است؟ (بیان مسئله). پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به روش کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، عوامل نفوذ و گسترش تروریسم افراطی داعش را با تمسک بر چارچوب تئوریک دولت ورشکسته در سوریه، با استفاده از گردآوری اطلاعات، اعم از کتب، مقالات و داده‌های اینترنتی مورد بررسی قرار دهد (روش). به نظر می‌رسد، نفوذ و گسترش داعش در کشور سوریه به دلیل ساختار سیاسی ناقص، بحران اقتصادی، از دست رفتن مشروعیت دولت و فشارهای سیستمیک بوده است. بدین‌سان، ارتباط مستقیمی میان پدیده تروریسم با دولت ورشکسته وجود دارد، بدین معنا که یکی از عوامل ظهور و گسترش داعش، عملکرد ضعیف دولت سوریه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: دولت ورشکسته، داعش، سوریه، تروریسم

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.2.2.5

دوره ۱۳، شماره ۲،
پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۰/۰۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۱/۳۱
صص: ۵۴-۲۷

شابا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی هفت گانه، خنجر
JOURNALS.MSRT.IR

۱. مربی گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
yeganeh1987@pnu.ac.ir

مقدمه

آمریکای لاتین در عرصه بین‌الملل از اولین و مهم‌ترین مناطق با سابقه استعماری و داشتن تجربه و سابقه مبارزات استقلال‌طلبانه و استکبارستیزی هست. مطالبات مردم آمریکای لاتین برپایه فطرت انسانی، عدالت‌خواهانه، استکبارستیزی و مبارزه با سلطه بوده است. نهضت‌ها و جنبش‌های استقلال‌طلبانه آمریکای لاتین در اوایل قرن ۱۸۰۰ میلادی آغاز شد. مهم‌ترین نمونه مبارزات مردم در آمریکای لاتین در کشور ونزوئلا رخ داد. موج استقلال‌طلبی در این منطقه در سال ۱۸۱۶ میلادی شروع و توسط سیمون بولیوار رهبری شد که زمینه شکست ارتش اسپانیا را فراهم ساخت. مهم‌ترین رهبران نهضتی، مبارز و چریکی در آمریکای لاتین سیمون بولیوار، خوزه دسان مارتین، ارنستو چگوارا، هوگو چاوز، فیدل کاسترو و برخی دیگر از رهبران برجسته ضد امپریالیسم و استعمار در این منطقه به‌شمار می‌آیند.

ظهور داعش در منطقه خاورمیانه و سرزمین‌های همجوار جمهوری اسلامی ایران و برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این جریان، تحولات عمیقی را در معادلات داخلی به دنبال داشته است. به طوری که، با شروع بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، ناآرامی‌هایی در قالب اعتراضات مردمی در برخی از کشورهای عربی، به‌ویژه سوریه شکل گرفت. اعتراضاتی که در سال ۲۰۱۱، همراه با ضعف دولت-ملت‌سازی به بحرانی برای دولت سوریه تبدیل شد. بحرانی که از ویژگی‌های آن می‌توان به چند دستگی قومی- قبیله‌ای، نابسامانی‌های اقتصادی، عدم وفاق ملی و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اشاره داشت و به عرصه‌ای جهت شکست دولت سوریه تعین یافت. این وضعیت موجب گسترش پدیده‌ای شد که از آن به عنوان افراط‌گرایی یاد می‌شود. افراط‌گرایی که خود را در پوشش گروه تروریستی داعش نمایان ساخت و سبب گردید تا هزینه‌های زیادی بر کشور سوریه تحمیل گردد. قدرتمند شدن داعش در سوریه و تسلط آن بر بخش‌های وسیعی از این کشور، بحران‌های امنیتی شدید و تهدیدات ارضی را پدید آورد و خطراتی را برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است.

غفلت از توجه به کشورهای شکست خورده با توجه به اینکه قبلاً چنین تشخیص گسترده‌ای از پتانسیل آنها برای تهدید امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی وجود داشت، شگفت‌آورتر است. شکست دولت از این نظر به طور کلی به عنوان نوعی تغذیه برای ویروس‌های مختلف شرور مورد بحث قرار می‌گیرد که سپس نظم جهانی گسترده‌تر را مبتلا کرده و بی‌ثبات می‌کند. این موضوع چالش‌های نظری را برمی‌انگیزد و بررسی نفوذ و گسترش گروه افراطی داعش را در سوریه ضروری می‌نماید. این مقاله با ارتقای دانش در مورد چگونگی ظهور جنبش‌های تروریستی و اینکه تحلیل‌گران در چه نقطه‌ای آنها را به عنوان تهدید شناسایی می‌کنند، درک ما را از هشدارهای اولیه مربوط به یک تهدید تروریستی و اینکه چه امکاناتی برای مقابله اولیه با آن وجود دارد، افزایش می‌دهد. بدین‌سان، مقاله حاضر تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که

با توجه به مسئله دولت- ملت‌سازی در کشور سوریه، چه عواملی موجبات نفوذ و گسترش گروه تروریستی داعش را فراهم گردانیده است و مبانی تئوریک دولت ورشکسته تا چه اندازه قابلیت تحلیل موضوع مورد مطالعه را خواهد داشت؟ از زاویه جامعه‌شناسی سیاسی و در گستره تاریخی کشور سوریه، فرض اساسی در این مقاله عبارت است از اینکه، نفوذ و گسترش داعش در کشور سوریه به دلیل ساختار سیاسی ناقص، بحران اقتصادی، از دست رفتن مشروعیت دولت و فشارهای سیستمیک بوده است. بدین‌سان، ارتباط مستقیمی میان پدیده تروریسم با دولت ورشکسته وجود دارد، بدین معنا که یعملکرد ضعیف دولت سوریه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به عرصه‌ای جهت ظهور و گسترش گروه تروریستی داعش تعیین یافت.

۱ - چارچوب نظری: دولت ورشکسته

با پایان جنگ سرد و ظهور دولت‌های تازه به استقلال رسیده در پی بی‌ثباتی نظم جهانی دو قطبی، به نظر می‌رسید که بسیاری از آنها نتوانند به طور مؤثر خود را کنترل کنند. تقریباً در همان زمان نگرانی در مورد دولت‌های ورشکسته آغاز شده بود (Huria, 2009: 1). مطالعات اخیر توسط پاتریک (۲۰۰۶)، کرزنر و پاسکوال (۲۰۰۳)، کلمنس و ماس (۲۰۰۵)، فرانسوا و ساد (۲۰۰۶)، ملک و دیگران (۲۰۰۶) مبین این قضیه است که شکست دولت باعث طیف وسیعی از مشکلات انسانی، حقوقی و امنیتی می‌شود. (Cojanu and Popescu, 2007: 116). در حوزه امنیتی، آن‌ها در حفظ یکپارچگی با استفاده از زور، ایجاد امنیت در مقابل تهدیدهای خارجی و داخلی، کنترل مرزها و قلمروها، اطمینان از نظم عمومی تلاش می‌کنند. در حیطه سیاسی فاقد نهادهای قانونی هستند و از حقوق و آزادی‌های اساسی محافظت نمی‌کنند. در عین حال، فاقد رهبران پاسخگو، بی‌طرف و کارآمد هستند. در قلمرو اقتصادی، آن‌ها فشار زیادی را در اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی و مالی پایه می‌آورند. همچنین فاقد شرایط قانونی و نظارتی هستند که منجر به کارآفرینی، سرمایه‌گذاری خصوصی، تجارت آزاد، مدیریت منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی می‌شود. در نهایت، آن‌ها قادر نیستند نیازهای جمعیت خود را با سرمایه‌گذاری حداقلی در حوزه بهداشت، آموزش و پرورش، خدمات اجتماعی و غیره برطرف سازند (Patrick, 2006: 7). نمونه‌های اخیر دولت‌های ورشکسته را می‌توان با فروپاشی کل نهادهای دولتی در سومالی، فروپاشی یوگسلاوی سابق و بحران‌های متنوع در رواندا، هائیتی، لیبیا، کنگو، سیرالئون و افغانستان مشاهده کرد (Cojanu and Popescu, 2007: 113).

در حال حاضر سیستم‌های داخلی یا به سختی عمل می‌کنند و یا افراد در آن به وظایفشان عمل نمی‌کنند. موضوعی که باعث ایجاد ناامنی‌های اجتماعی- سیاسی، بی‌ثباتی و جنگ داخلی و سایر مشکلات جدی می‌شود. چنین دولتی قطعاً ورشکسته خواهد بود. در اکثر دولت

ورشکسته، سربازان دولتی با شورش‌های مسلح مواجه می‌شوند. مقامات رسمی در یک دولت شکست خورده، با دو یا چند سرکرده شورشی رو به رو هستند. تا آنجا که انواع نزاع‌های مدنی، درجه‌های مختلفی از نارضایتی در جامعه و مخالفت‌ها نسبت به دولت و گروه‌های دولتی وجود دارد (Said, 2013: 31).

این موضوع، مبین اختلاف آشکار میان سیستم قانونی حاکمیت دولت و ماهیت عملی بسیاری از کشورها است. در این زمینه، تحقیقات رابرت جکسون در ضعف دولت‌های در حال توسعه یک نقطه عطف محسوب می‌شود. وی موضوع حاکمیت منفی را مطرح می‌کند و آن را به چارچوب هنجاری که باعث حفظ حاکمیت قانونی کشورهای در حال توسعه (در مقابل حاکمیت مثبت در اروپا) شد، تعریف می‌کند. چنین کشورهایی در تئوری، از آزادی قانونی و عدم مداخله خارجی لذت می‌برند. اما آنها فاقد توانایی معناداری از عملکرد و یا ارائه خدمات عمومی هستند. جکسون این موضوع را با عنوان «بازی حاکمیت» توصیف کرده است (Newman, 2009: 423).

هلمن و راتنر (۱۹۹۳) یکی از اولین تحلیل‌گران اصطلاح «دولت ورشکسته» بودند. آن‌ها اعتقاد داشتند دولت ورشکسته «یک پدیده جدید هیجان‌انگیز» است که به طور کامل قادر به حفظ خود به عنوان یک عضو جامعه بین‌المللی نیست. آن‌ها استدلال کردند که یک دولت شکست خورده، شهروندان خود را [خود را تهدید کند] و همسایگان خود را تهدید می‌کند و جریان پناهندگی، بی‌ثباتی سیاسی و جنگ تصادفی است. مایکل ایگناتیف (۲۰۰۲) درک ماکیاوولی / وبری از شکست دولت را تصدیق می‌کند. وی استدلال می‌کند شکست دولت زمانی اتفاق می‌افتد که دولت مرکزی انحصار وسیله خشونت را از دست می‌دهد. از نظر زارتمن، شکست دولت زمانی رخ می‌دهد که پایه توابع دولت دیگر اجرا نمی‌شوند.... این به وضعیتی اشاره دارد که در آن ساختار، قدرت (قدرت مشروع)، قانون و نظم سیاسی از هم جدا شده‌اند. (Di John, 2008: 4) و دولت توانایی انجام اقدامات اساسی را به طور طولانی نداشته باشد.

(Cojanu and Popescu, 2007: 115)

در واقع، دولت‌های ورشکسته، قادر به تأمین امنیت، خدمات اساسی یا ظرفیت تصمیم‌گیری در بخش‌های عمده‌ای از قلمرو که به طور قانونی مستقل است، نباشد. آن‌ها با عملکرد اقتصادی ضعیف، فساد شایع، جابجایی جمعیت مانند پناهندگان و آوارگان داخلی و عدم وفاداری مردمشان مواجه هستند. به‌ویژه در برابر بی‌قانونی آسیب‌پذیر هستند (Lund, 2009: 3). رابرت روبرگ، دولت ورشکسته را به عنوان ناتوانی دولت‌ها در ارائه کالاهای سیاسی مثبت به مردم خود یا حق مشارکت سیاسی می‌داند؛ بدین‌سان، قادر نیست قلمرو خود را کنترل و انحصار خشونت را حفظ کند (Eriksen, 2011: 231-232). از این دست کالاهای، می‌توان به کنترل سرزمینی، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی، مشروعیت نهادها در نظر مردم خود و در بدترین حالت همراه با

نقض اساسی حقوق مردم اشاره داشت (Huria, 2009: 1). به اعتقاد وی، عدم تحویل این کالاها به مردم، به تدریج مشروعیت دولت را در نظر شهروندان می‌کاهد. بنابراین، یک دولت ورشکسته، دولتی است که دیگر قادر یا مایل به انجام کارهای اساسی یک دولت ملی در دنیای مدرن نباشد (Lassalle, 2016: 168). به بیان دیگر، دولت ورشکسته نمایانگر این است که دولت - اگر یکی وجود دارد - کاملاً قادر به حفظ خدمات عمومی، نهادها نیست و کنترل مرکزی بر سرزمین وجود ندارد. شکست دولت به این معنی است که قدرت مرکزی و کنترل دولتی عملاً وجود ندارد (Newman, 2007: 465).

۱-۱ - عوامل مشترک در دولت‌های ورشکسته

به طور کل، چهار عامل مشترک در دولت ورشکسته در دهه ۱۹۹۰ وجود دارد که عبارتند از ساختار سیاسی ناقص؛ بحران اقتصادی؛ از دست رفتن مشروعیت دولت و فشارهای سیستمیک. (۱) ساختار سیاسی ناقص: ساختار سیاسی مرکزی در دولت‌های ورشکسته، ظرفیت مقامات دولتی را جهت کنترل قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی متزلزل می‌کند. ادبیات مربوط به دولت‌های ورشکسته نشان می‌دهد که طیف گسترده‌ای از ساختارهای سیاسی ممکن است قدرت دولتی را تخریب کند. این متغیر بر درون تمرکز دارد. تا آنجا که تصمیمات ضعیف رهبری منجر به ایجاد ساختار سیاسی ناقص می‌شود (Townshend, 2007: 17).

(۲) بحران اقتصادی: این متغیر شامل هر دو علل کاهش سیستماتیک رشد اقتصادی و طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها و تصمیماتی است که تسهیلات مالی دولت را تضعیف می‌کند. بحران اقتصادی به طور حتم ظرفیت مقامات مرکزی را برای حفظ حاکمیت و انحصار قدرت اجباری منحرف می‌کند (Townshend, 2007: 18).

(۳) از دست رفتن اقتدار دولت: دولت‌های ورشکسته قادر نیستند جهت تأمین نیازهای مادی و رفاه مردم گام بردارند. از این رو، شهروندان و سربازان در تخالف با دولت قرار می‌گیرند و وفاداری از دولت و قدرت سیاسی اجتماعی به یک یا چند گروه فرعی تقسیم می‌شود. موضوعی که باعث از دست رفتن مشروعیت دولت و انگیزه‌ای برای گروه‌های فرعی در به چالش کشیدن دولت می‌گردد؛ تا آنجا که، شیوه‌های استبدادی و سرکوب‌گر رهبری، علل اصلی اختلافات مردمی در دولت‌های ورشکسته محسوب می‌شود. با این وجود، فروپاشی نهادی، فروپاشی اقتصادی و افزایش ناامنی داخلی در یک دولت، دلیل مهمی برای فرسایش مشروعیت دولت محسوب می‌شود (Townshend, 2007: 18).

(۴) فشارهای سیستماتیک: اعتقاد بر آن است که سیستم دو قطبی جهانی و سقوط این سیستم در پایان جنگ سرد، علل اساسی سیستماتیک شکست دولت در دهه ۱۹۹۰ بوده است. اول، همانطور که بسیاری از کشورها ژئوپولیتیک خود را از دست دادند، اهمیت به ابرقدرت‌های جهان و وابستگی به کمک‌های خارجی سبب گردید تا دولت‌ها، سرمایه و قدرت اجباری خود را

تخریب کنند. دوم، ارائه مستقیم حمایت خارجی از گروه‌های حامی رقیب، قدرت‌های اجباری دولت را با عدم تمرکز نظامی مواجه کرده است. موضوعی که سبب شد تا بازیگران خارجی در دولت‌های ورشکسته مداخله نمایند (Townshend, 2007: 19)

از آنجا که یک دولت ورشکسته قادر به ایجاد فضای امنیتی در سراسر کشور نیست و اغلب به سختی قادر به کاربرد هر نوع قدرت دولتی در کل سرزمین خود است، شکست دولت حتی قبل از شورش شدن آشکار می‌شود و گروه‌ها و سایر متفقین، ساکنین شهرهای مرکزی را تهدید می‌کنند. این دولت‌ها دارای نهادهای ضعیف هستند. بحث دموکراتیک به طور قابل توجهی غایب است. قوه قضاییه مستقل نیست، و به شهروندان ستم می‌شود. ارتش احتمالاً تنها نهاد است که باقی می‌ماند، اما نیروهای مسلح در دولت‌های ورشکسته، غالباً به شدت سیاسی می‌شوند. فاصله طبقاتی زیادی دیده می‌شود. سطح سواد پائین می‌آید. مرگ و میر افزایش می‌یابد، اپیدمی ایدز هر زیرساخت‌های بهداشتی را از بین می‌برد، انتظارات زندگی کاهش می‌یابد، فقر نادیده گرفته می‌شود و شهروندان حتی فقیرتر و مجذوب‌تر می‌شوند. همچنین در این دولت‌ها، فرصت‌های اقتصادی بی نظیری را فقط برای افراد نزدیک به حاکم ارائه می‌کنند و الیگارشسی حاکم ثروتمندتر می‌شوند. (Rotberg, 2002: 87-88). بنابراین، یک دولت شکست خورده، از عدم صلاحیت و ضعف برای ترویج یک زندگی خوب برخوردار است

۲-۱ - ارتباط میان دولت ورشکسته با تروریسم

ارتباط میان تروریسم و دولت‌های ورشکسته با پناه گرفتن اسامه بن لادن در افغانستان پدیدار گشت. این مسئله به دستور کار امنیت بین المللی رسید و دولت‌های شکست خورده به عنوان زمینه‌های بالقوه پرورش برای تروریسم مورد توجه قرار گرفتند (Glans, 2012: 1 and Simons and Tucker, 2007: 387)

مطالعات نشان می‌دهند، دولت‌های ورشکسته به محیطی جهت ظهور یا بهره برداری سازمان‌های تروریستی که ممکن است منافع محلی یا بین المللی را هدف قرار دهند، منجر شود. یک عضو ارشد بانک جهانی در اهمیت این موضوع اعتقاد دارد: «ما باید نقش دولت‌های شکست خورده را که اغلب پناهگاه‌های امنی برای تروریسم سازمان یافته هستند، درک کنیم (Vannoni, 2011: 6). موضوعی که اغلب با درگیری‌های داخلی، منتج به بی‌ثبات کردن قلمرو یک کشور می‌شود و می‌تواند پناهگاه امنی برای تروریست‌ها باشد (Cojanu and Popescu, 2007: 114) به طوری که نظریه‌های جنگ و بی‌ثباتی به طور فزاینده اشاره به ضعف دولت به عنوان یک عامل کلیدی در شروع جنگ‌های خشونت آمیز دارد (Newman, 2007: 465). بدین‌سان، در میان دولت‌های ورشکسته، آن‌هایی که در جنگ یا تجربه سقوط سیاسی هستند، به احتمال زیاد به تجربه و ترور تبدیل می‌شوند. این موضوع اهمیت سیاسی تروریسم را برجسته می‌کند (Coggins, 2015)

تا آنجا که تجربه‌های اخیر در افغانستان، پاکستان، سودان و سومالی گویا این ادعا این است. بدین‌سان، تروریست‌های بیشتر در کشورهای ضعیف ظهور می‌یابند. به طوری که، دولت‌های ورشکسته به محیطی جهت رشد، گسترش و یا پناهگاهی برای تروریسم تبدیل می‌شود. فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در این دولت‌ها با خلاء اقتدار دولتی در ارتباط است. (Newman, 2009: 431). تصور عدم وجود یک قدرت مرکزی قوی که دارای سطح بالایی از مشروعیت با بخش‌های عمده جامعه و حفظ نظم در داخل نیست، سازمان‌های تروریستی را قادر می‌سازد تا این کشورها را تحت کنترل بگیرند ((Schmid, 2016: 22). به طوری که برای گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته، عدم وجود کنترل مؤثر دولتی برای خشونت و فعالیت غیرقانونی لازم است ((Brookst, 2005: 1162). همچنین، دولت ورشکسته اساساً با از دست رفتن ادعای اقتدار سیاسی، عدم کنترل در حفظ نظم و قانون در میان شهروندان خود و تروریست‌های خارجی پدیدار می‌شود. علاوه بر این، این دولت قادر به حفاظت از قلمرو خود در برابر جنگجویان اعم از دولت‌های دیگر، تروریست‌های خارجی، قاچاقچیان مواد مخدر و غیره نیست. (Gros, 2011: 539) در واقع، هنگامی که ناامنی مزمن در مناطق خاصی از کشور وجود دارد، این مبین فقدان کنترل کلی از سوی دولت است. عدم کنترل نیز به فقدان کلی آگاهی موقعیتی متمرکز اشاره می‌کند. به طور مشخص، در مناطقی که نظارت قوی وجود ندارد، این موضوع ممکن است به دلیل فساد سیاسی یا ثروت نامشروع باشد. موضوعی که سبب می‌شود تا تروریست‌ها بتوانند در یافتن پناهگاه امن و حمایت مادی موفق ظاهر شوند (Simons and Tucker, 2007: 394).

بسیاری از مفسران و محققان معتقدند که کشورهایی با حکومت ضعیف در معرض خطر بیشتری جهت پیدایش سازمان‌های تروریستی فراملی هستند. همانطور که نیویورک تایمز می‌گوید: "دولت‌های ورشکسته که در ارائه خدمات کافی از قبیل شغل و غذا برای مردم خود عاجزند، نمی‌توانند مرزهای خود را کنترل کنند و بر همین اساس تروریست‌ها به راحتی قابلیت نفوذپذیری دارند ((Patrick, 2006: 14). بدین‌سان، مهم‌ترین عاملی که در یک کشور موجبات تهدید تروریسم را فراهم می‌کند، عبارت است از حکومتداری یک کشور و نقش نیروهای امنیتی. در این راستا عواملی از قبیل استبداد، عدم مقابله با اختلافات داخلی، حکومت ضعیف و فساد، توسعه اقتصادی شکست خورده، فشار جمعیت و به‌ویژه جوانان، سرکوب و خشونت نیروهای امنیتی داخلی، نظام سنتی و فاسد ورشکسته بسیار تأثیرگذارند ((Cordesman, 2016: 18).

به نظر می‌رسد، چند دلیل اصلی مبنی بر اینکه چرا دولت‌های ورشکسته باعث ایجاد بسیاری از تروریست‌های بین‌المللی می‌شوند، وجود دارد. اول، افرادی که تقاضای آموزش مهارت‌ها و تاکتیک‌های تروریست‌های بین‌المللی را توسعه می‌دهند، محلی هستند. در این زمینه اغلب دانش پژوهان بر این باورند که دولت‌های ورشکسته، گروه‌های تروریستی را یک گروه بزرگتر از

کارکنان بالقوه در نظر می‌گیرند؛ زیرا تعداد زیادی از شهروندان ناامید، بیگانه و بی‌اراده را که خشونت‌های سیاسی را پذیرفته‌اند، به عضویت خود دارند". بدین‌سان، دولت‌های ورشکسته، پایگاهی از شهروندان ناراضی محسوب می‌شوند که تمایل دارند از اهداف گروه تروریستی به عنوان وسیله‌ای برای ابراز ناراضی‌ت‌های علیه وضعیت فعلی خود استفاده کنند. بیان دیگر، جمعیت محروم از حقوق، می‌توانند سربازانی باشند که به تروریست‌ها ملحق می‌شوند. دوم، محققان معتقدند که دولت‌های ورشکسته، "توانایی اجرای قدرت را در داخل ندارند و از ظرفیت‌های اجرای قانون ناقص و فاسد برخوردارند". به این ترتیب استدلال می‌شود که دولت‌های ورشکسته به عنوان مناطق جذاب عمل کنند، زیرا گروه‌های تروریستی می‌توانند در نفوذ و اجرای عملیات در دولت‌هایی که فاقد کنترل هستند، آزادانه عمل کنند. سوم، به دلیل فقدان کنترل مرزی، افرادی که از اقتصاد و فن‌آوری‌های پیشرفته جوامع توسعه‌یافته خود خسته شده‌اند، به راحتی می‌توانند به عضویت تروریست بین‌المللی در دولت‌های ورشکسته درآیند. (Simons and

Tucker, 2007: 387-388 and Mechling, 2014: 15)

با توجه به مطالب فوق، می‌توان استدلال کرد که اگرچه این دولت‌ها دارای موجودیت قانونی هستند، اما وجود سیاسی زیادی ندارند. آن‌ها با شکست‌های سیاسی مواجه هستند. دولت، شهروندان را ناکام گذاشته و شهروندان نیز نمی‌توانند به خواسته‌ها و انتظارات خود جهت زندگی بهتر دست یابند. به طور خلاصه، دولت‌های شکست خورده، پوسته‌های قانونی توخالی هستند. به طور کل، خصوصیات دولت‌های ورشکسته را که اغلب توسط دانشمندان اندازه‌گیری می‌شوند، می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم کرد. ظرفیت یا تمایل کشور برای فراهم ساختن امنیت داخلی برای مردم، همراه با شکل مؤثر کنترل سرزمین خود؛ فرصت اقتصادی و رفاه؛ ثبات سیاسی موجود در یک دولت و نظام تأمین اجتماعی رفاه مردم بر اساس تأمین نیازهای اساسی افراد. با توجه به این موضوع، به نظر می‌رسد دولت سوریه نیز واجد این دست از خصوصیات باشد. ویژگی‌هایی که باعث شد تا دولت سوریه در معرض ورشکستگی قرار گیرد و موجبات ظهور و نفوذ گروه افراطی داعش را فراهم کند.

۲ - عوامل تأثیرگذار در دولت ورشکسته سوریه و ظهور و گسترش تروریسم داعش

رابطه بین دولت ورشکسته و تروریسم، در هر دو حوزه علمی و سیاسی به خوبی اثبات شده است. به طوری که دولت‌های ورشکسته، به ویژه در برابر شوک‌های داخلی و خارجی و همچنین درگیری‌های داخلی و بین‌المللی بسیار آسیب پذیر هستند. به همین دلیل، هر استراتژی که با تروریسم به عنوان یک تهدید مزوی برخورد کند، محکوم به شکست است. این بینش البته در طول جنگ ایالات متحده علیه تروریسم بارها تکرار شد و به همین دلیل، مدت‌هاست که سیاست ایالات متحده در خاورمیانه و جنوب آسیا را مخدوش کرده است (Bakkour and Stansfield, 2023: 130). همانطور که اشاره گردید، اساساً شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی وجود دارد

که به‌ویژه دولت‌های جهان سوم را به سمت ورشکستگی سوق می‌دهند. این موضوع علاوه بر مشکلات داخلی، موجبات ظهور و گسترش گروه‌های افراطی را فراهم کرده است. در این نوشتار همانطور که هدف پژوهش نیز بوده است، درصددیم تا آنچه که باعث نامگذاری سوریه به مثابه دولت ورشکسته شد را مورد بررسی قرار دهیم تا با مذاقه نسبت به آن، درک عمیق‌تری نسبت به پیدایش و گسترش گروه تروریستی داعش داشته باشیم.

۱-۲ - ساختار سیاسی ناقص در سوریه

در مطالعه جنگ‌های داخلی، معمولاً عوامل اصلی عمدتاً با مطالعه تعاملات بین بازیگران دولتی و غیردولتی مانند شورشیان، انقلابیون، شبه‌نظامیان یا گروه‌های مخالف مسلح متحد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (Mirza et al, 2021: 42). سوریه یک سیاست درگیری طولانی داشت و از کودتاهای مکرر که از زمان استقلالش شروع شد، آسیب دید. حافظ اسد که یک مسلمان علوی بود، در سال ۱۹۷۰ قدرت را به دست گرفت و ۳۰ سال بر کشور حکومت کرد. طبقه کارگر و دهقانان از او حمایت کرده بودند، زیرا او به ایجاد شغل می‌پرداخت و اعراب غیر سنی از لفاظی‌های ملی‌گرایانه سکولار او حمایت می‌کردند. او همچنین در ساخت ارتش سوریه با کمک شوروی موفق بود. از سوی دیگر، او کردها و نخبگان عرب سنی سابق را از سیاست کنار گذاشته بود. تا آنجا که نارضایتی معترضان، زمینه را برای بحران سوریه فراهم کرد (Helvali, 2020: 17). با این وجود، منشأ بحران را می‌توان در مرگ رئیس جمهور حافظ اسد جستجو کرد. تصور می‌شد که با مرگ او، دولت جدید بتواند مکانیسم‌های جامعه باز را از حیث، مشارکت سیاسی، حقوق مدنی و آزادی‌ها پدید آورد. اما بشار اسد نتوانست انتظارات را برآورده کند و در نتیجه به محرومیت نسبی منجر شد (Mirza et al, 2021: 44). که نتایجی از جمله خشم، ناکامی، شورش و انقلاب به همراه دارد.

دولت سوریه به عنوان دولت ملتی ناهمگن، متضمن شناسایی همه گروه‌ها و جریانها و جامعه‌ای مبتنی بر فرقه‌گرایی و قوم‌محوری بوده است. قاعده بازی سیاسی در این کشور بازی با حاصل جمع صفر بوده و سیاست‌گذاری و توزیع منابع بر اساس علایق وفاداری‌ها و هویت‌های مذهبی و فرقه‌ای صورت می‌گیرد. در آغاز، تظاهرات اعتراض آمیز در مناطق پیرامونی و شهرهای مرزی، به‌ویژه در حلب و دمشق انجام شد. چرا که از مناطق مرزی، ارسال تسلیحات و ورود نیروهای سلفی امکان پذیر است. به طور کلی اقلیت مسیحی سوریه که شامل حدود ۱۳ درصد جمعیت سوریه می‌شود و نیز سکولارهای سنی و دروزی‌ها، تمایل چندانی برای ملحق شدن به مخالفان سنی مذهب را ندارند. چرا که آنها نگران از تشکیل یک حکومت تندرو و سلفی در سوریه هستند که موجب آزار و اذیت آنها خواهد شد (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۶). ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی، استدلال کرده است که خاورمیانه «بخشی عمیقاً معیوب از جهان است که هرگز با مدرنیته کنار نیامده است» (Hashemi, 2016: 2). اختلافات

بین سنی‌ها و شیعیان، با توجه به اینکه آشفتگی در منطقه ریشه در کشمکش‌هایی دارد، قدمت آن به هزاران سال پیش بازمی‌گردد. در واقع، زمانی که حزب بعث در سال ۲۰۰۰ به بشار اسد واگذار شد، انتظار می‌رفت که او آزادی بیشتری را برای مردم فراهم کند. بشار اسد سعی کرد، برخی اصلاحات اقتصادی و سیاسی را به سمت آزادسازی بیشتر اجرا کند. تبدیل شدن به یک سیستم دولتی غیرعادی برای سوریه آسان نبود. افراد نزدیک به دولت از آزادسازی اقتصادی بهره مند شدند. این یک مزیت بین شاخه علوی جامعه در روابط حامی و مشتری برای قراردادهای دولتی و انحصار شد. با این حال، اعتراضاتی برای اصلاح سیاست‌های اسد صورت گرفت و او به شدت به فعالان اصلاح طلب و معترضان پاسخ داد. این‌ها دلایل عمومی سطح ملی بود که چرا اعتراضات شروع شد و به جنگ داخلی در سوریه تبدیل شد (Helvali, 2020: 20)

تلاش اسد برای اجرای برخی اصلاحات برای آرام کردن معترضان بسیار دیر بود و حتی حاضر به مذاکره با مخالفان بود. از سوی دیگر، اپوزیسیون با ایجاد شوراها و هماهنگی محلی، سعی در تقویت خود داشتند. در مناطق کوچکتر، شوراهای انقلابی برای حمایت رسانه‌ای استراتژیک از قیام تأسیس شد. در روزهای بعد، گروه‌های مخالف، شورای ملی سوریه را به نمایندگی از همه گروه‌های مخالف ملی تشکیل دادند. به طور کل، حل این مناقشه توسط گروه‌های غیرپاسخگو که در داخل و خارج از کشور ظاهر شده بودند، غیرممکن شد و می‌توان گفت که اهداف مختلف گروه‌های داخلی به شدت در جهت‌گیری مناقشه تأثیر گذاشته است (Helvali, 2020: 18). به سبب انحصار حاکمیتی و نفوذ اقلیت شیعه، آزادسازی‌ها منجر به عمومی شدن اقتصاد در جامعه سوریه نگردید. صاحبان بزرگ اقتصادی وابسته به دولت همچون ژنرالها سران بزرگ اتحادیه کارگری با بهره برداری از مزیتها و رانت‌های سیاسی وارد مدار اقتصادی در بخشهای اصلی اقتصاد کشور شدند و علاوه بر این، به سبب فعال نبودن اقتصاد جامعه، سرمایه‌گذارها به بخشهای زود بازده حمل و نقل توریسم و مسکن انتقال یافت. بدین ترتیب، گرچه مردم سوریه متأثر از قیام‌های مردمی دیگر کشورهای خاورمیانه بوده‌اند، اما قبل از هر چیز نارضایتی‌شان ریشه در ساختار قدرت و توزیع ناعادلانه امتیازات و فرصتهای اقتصادی و سیاسی در طول بیش از چهار دهه حکمرانی بعثی‌ها قرار داشت (نواختی مقدم و ببری، ۱۳۹۷: ۱۱۲)

در واقع، خشونت بیش از حدی که از زمان قیام سال ۲۰۱۱ در سراسر سوریه گسترش یافته است، همواره مانع بحث‌های جدی در مورد امکان پذیر شدن راه حل‌های بیشتر بوده است. جناح‌های سیاسی از هر گونه گفتگو در مورد راه حل سازش واهمه دارند؛ آن‌ها تصور می‌کنند، هرگونه مذاکره، موقعیتشان را در میان پیروان خود تضعیف کند یا مجبور می‌شوند تا طرف دیگر را به رسمیت بشناسند. از طرف دیگر، نظام سوریه نیز هرگونه مذاکره با گروه‌های تروریستی را متوقف کرده بود. فراگیر بودن انکار و ترس، ضمن تقویت ذهنیت تهدیدزا، یک بن بست نظامی

را نیز ایجاد کرده است ((Mahmoud and Rosiny, 2015: 2). بحران سوریه قدرت داعش را از چند جنبه افزایش داد. مهم‌ترین آنها بهره‌مندی از درگیری‌های سوریه برای تصرف بخش‌هایی از این کشور و تبدیل شرق سوریه به پایگاهی برای توسعه توانایی‌ها، آموزش و سازماندهی نیروها در سوریه بدون دغدغه جدی و جذب نیروی انسانی از کشورهای مختلف است ((Mousavi, 2015: 15). در مجموع، بحران سوریه نقش برجسته‌ای در افزایش قدرت داعش داشته است و در صورت نبود مشکل، بعید بود که داعش بتواند از این طریق، احیا و نفوذ خود را افزایش دهد. تا آنجا که، تمرکز بر اقلیت‌ها و همچنین بر اکثریت عرب سنی، از جمله با اعمال مجازات‌های سخت‌گیرانه برای بی‌وفایی، بخشی از خشونت حکومت داعش بر قبایل سنی عرب در شمال شرق کشور بود. در مراحل اولیه حکومت خود از شبکه‌های قبیله‌ای برای کنترل جوامع محلی استفاده می‌کرد. برای اطمینان از اطاعت، رهبران سنتی محلی را با رهبران جدیدی جایگزین کرد که سپس از آنها برای ایجاد روابط قوی با جوامع استفاده کرد. داعش با اذعان به خطر "بیداری" قبیله‌ای مانند آنچه که مسیر جنگ داخلی عراق علیه القاعده را تغییر داد، در ابتدا به رهبران قبایل اطمینان داد که "درهای بخشش را باز کرده است" (Bakkour and Stansfield, 2023: 140). گرچه داعش ظاهراً متعهد به ایجاد یک سیستم اداری و قانونی بود که بر تمایزات قومی تسلط داشت، اما به سرعت به فایده سیاسی فرقه‌گرایی پی برد و فعالانه به دنبال سوء استفاده از آن با گسترش ترس و جهل همراه با ایدئولوژی جهادی بود. به طوری که، سرکوب بی رحمانه خود را در استان دیرالزور نشان داد و روستاها را محاصره، بمباران و به کنترل خود درآورد. در این راستا، صدها نفر کشته شدند و ۷۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ نفر در سراسر سوریه آواره شدند ((Bakkour and Stansfield, 2023: 140).

پس از حمله داعش در ژوئن ۲۰۱۴ به عراق و تصرف شهرهای کلیدی عراق مانند موصل، سامرا و تکریت، بغدادی از ایجاد خلافت یا دولت اسلامی در عراق و سوریه خبر داد. در سوریه، این شامل کل رقه و دیرالزور و بخش‌هایی از استان‌های حلب، الحسکه، السويداء، درعا، حماه، حمص و ادلب بود. بغدادی با این فرض که به نمایندگی از مسلمانان سراسر جهان صحبت خواهد کرد، پروژه دولت سازی خود را افتتاح کرد. برخلاف عراق، جایی که این گروه در میان سنی‌ها نفوذ عمومی داشت، نفوذ آن در سوریه در مناطق فقیر و حاشیه‌نشین با ترکیب جمعیتی متنوع، که در آن مراسم مذهبی محافظه‌کارانه بود و تأکید زیادی بر آداب و سنن وجود داشت، بارزتر بود. به عنوان مثال، در منطقه الحجر الاسود، که در سمت جنوبی دمشق است و ۶۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد، نفوذ آن به سرعت در میان مهاجران و پناهندگان در «مناطق زاغه‌نشین» گسترش یافت ((Bakkour and Stansfield, 2023: 139).

مشکلات امنیتی مرزها باعث سرازیر شدن اسلام‌گرایان افراطی به داخل کشور شد. دولت ورشکسته سوریه، مشکلات امنیتی بسیاری از جمله جریان گروه‌های اسلام‌گرا بر جای گذاشته

بود. این درگیری فرصت بزرگ دیگری برای داعش بود تا ریشه‌های خود را رشد دهد و به مناطق دیگر گسترش یابد ((Helvali, 2020: 21). تأمین امنیت پس از فروپاشی یا شکست دولت یکی از رایج‌ترین راه‌هایی است که بازیگران مسلح از جمله گروه‌های تروریستی می‌توانند حضور خود را مشروع جلوه دهند. به این معنا، برجستگی و حتی وجود یک بازیگر شبه دولتی به نیاز برآورده نشده نسبت داده می‌شود. برای مثال، گروه‌های مسلح می‌توانند با کمک به تأمین درجه‌ای از امنیت، وضعیت ناامن را تثبیت کنند ((Bakkour and Stansfield, 2023: 129). ساختار سیاسی ناقص، باعث شد تا داعش با استفاده از عدم کنترل بشار اسد، بر کل قلمرو خود به سوریه گسترش یافت و «پایتخت» خود را به نام رقه ایجاد کرد. در آگوست ۲۰۱۵، زمانی که داعش در اوج قدرت خود بود، بیش از ۶۰ درصد از خاک سوریه را تحت کنترل داشت، سرزمینی به وسعت بریتانیا. تلاش آن برای ایجاد یک "دولت اسلامی" واقعی در این سرزمین، آن را از پیشینیان خود متمایز کرد. این تلاش‌ها مبارزان محلی و بین‌المللی از جمله جهادگران و اعضای سابق دستگاه دولتی بعث را گرد هم آورد (Bakkour and Stansfield, 2023: 126). همچنین، در حالی که داعش از پتانسیل تولید انرژی در قلمروی که در اختیار دارد سود برده است، میزان بهره‌برداری از آن با توجه به اشکال مختلف انرژی تولید شده متفاوت است. به گفته بانک جهانی، ذخایر آب و ظرفیت‌های آبیاری سوریه تحت تأثیر درگیری‌هایی قرار گرفته است که این کشور را ویران کرده است. به طوری که این گروه، دو سوم از سدهای کشور را کنترل می‌کند. سد بعث که انرژی رقه را تأمین می‌کند و ۶۰ درصد از منابع آب سوریه را تأمین می‌کند، و به‌ویژه سد «طبقه» که بزرگترین سد در سوریه است و آب و برق حلب را تأمین می‌کند، در این راستا قرار دارند. در مورد بنزین و گاز، داعش ۶۰ درصد از تولید بنزین سوریه را در اختیار خود قرار داده است و ۲۵۳ چاه (که ۱۶۱ چاه فعال هستند) را در این کشور کنترل می‌کند ((European Union, 2017: 10).

با توجه به مطالب فوق، درگیری در سوریه برای درک ظهور و گسترش داعش ضروری است. بدون آن، هیچ بحران جهانی داعش آنطور که ما امروز آن را درک می‌کنیم، وجود نخواهد داشت. در این راستا، آشفتگی منطقه‌ای که خاورمیانه را گرفتار کرده است، محصول جانبی یک بحران شدید حقوق بشر ناشی از جنگ در سوریه است. سوریه مانند یک "چرنوبیل ژئوپلیتیکی" است که همچنان "بی‌ثباتی رادیواکتیو و ایدئولوژی افراطی را در کل منطقه پخش می‌کند. این موضوعات عمیقاً به هم مرتبط هستند و می‌توان استدلال کرد که حل مناقشه سیاسی در سوریه یک پیش شرط اساسی برای حل بحران داعش است (Hashemi, 2016: 6). در این راستا، نکته کلیدی که بر ظهور داعش تأثیر دارد این است که این میراث استبداد و بافت اجتماعی، سوریه را ویران کرده است. این روند مدت‌ها قبل از قیام سوریه در سال ۲۰۱۱ آغاز شد که روند فروپاشی اجتماعی را تشدید کرده است. مفهوم انسجام اجتماعی در اینجا مطرح است.

دانشمندان علوم اجتماعی مدت‌هاست متوجه شده‌اند که سیاست‌های باثبات ریشه در شبکه‌ای مترکام از انجمن‌های داوطلبانه شهروندان دارد که به حفظ جامعه مدنی و روابط اجتماعی کمک می‌کنند. این امر باعث ایجاد سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی و ایجاد همکاری بین شهروندان با پیشینه‌های مختلف می‌شود. با گذشت زمان شرایطی ایجاد می‌شود که یکپارچگی اجتماعی را تقویت می‌کند، پیوندهایی را ایجاد می‌کند که جامعه را به هم پیوند می‌دهد، در نتیجه صلح و ثبات داخلی را ارتقا می‌دهد. میراث اقتدارگرایی سیاسی در جهان عرب خلاف این روندها را ایجاد کرده است. به جای انسجام اجتماعی، از هم گسیختگی اجتماعی رخ داده است، به جای اعتماد اجتماعی، ترس و بی‌اعتمادی گسترده نسبت به دیگران وجود دارد. سوء ظن به مخبران پولی سرویس‌های اطلاعاتی دولتی بخشی عادی از زندگی است. پدیده "دیوارها گوش دارند" یکی از ویژگی‌های مشترک دولت‌های پلیسی است. نتیجه این الگوهای زندگی اجتماعی و سیاسی در طول چند دهه، ایجاد فرهنگ ترس، فریب مملو از تئوری‌های توطئه و میل به انتقام است. وقتی جامعه در معرض شوک فاجعه‌باری از طریق جنگ یا فروپاشی دولت قرار می‌گیرد، سرگردانی جمعی به وجود می‌آید و درهای رادیکال‌سازی باز می‌شود.

از این رو می‌توان استدلال نمود که، دلیل ظهور گروه‌های تروریستی حکومتداری ضعیف است که افراد را در مناطقی که دولت مرکزی کنترلی بر آنها ندارد، تحت تسلط خود در آورند. به عبارت دیگر، کشور یا سرزمین ممکن است به شکل قانونی به رسمیت شناخته شوند؛ در حالی که یکپارچگی مرزها، همراه با منابع اقتدار داخلی تقسیم شده باشد. موضوعی که در سوریه به چشم می‌خورد و به عرصه‌ای جهت ظهور و گسترش داعش تعین یافت.

۲-۲ - بحران اقتصادی و گسترش داعش در سوریه

بحران اقتصادی سوریه به بدترین نقطه خود از زمان آغاز درگیری رسیده بود و سوری‌ها بهای آن را می‌پرداخته‌اند. به طوری که، لیر سوریه در برابر دلار به پایین‌ترین حد خود سقوط کرد و بیش از ۹۰ درصد مردم سوریه زیر خط فقر زندگی می‌کنند و نمی‌توانند با تورم افسارگسیخته و کمبود سوخت، مایحتاج اولیه و منابع ضروری را تأمین کنند. در واقع، تأثیر اجتماعی و اقتصادی این درگیری، بسیار رو به رشد بوده است. فقدان دسترسی پایدار به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، مسکن و غذا، اثرات درگیری را تشدید کرده و میلیون‌ها نفر را به سمت بیکاری و فقر سوق داده است.

در آستانه ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱، سوریه کشوری بود که به سرعت در حال رشد و با درآمد متوسط پایین بود. در مجموع، اقتصاد سوریه در دهه ۲۰۰۰ در حال بهبود بود، البته از یک پایه نامطلوب شروع شد. تولید ناخالص داخلی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به طور متوسط ۴/۳ درصد در سال رشد کرده بود (World bank, 2017: 5). در این راستا، کاهش تولید ناخالص داخلی بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ تقریباً چهار برابر تولید ناخالص داخلی سوریه در سال ۲۰۱۰

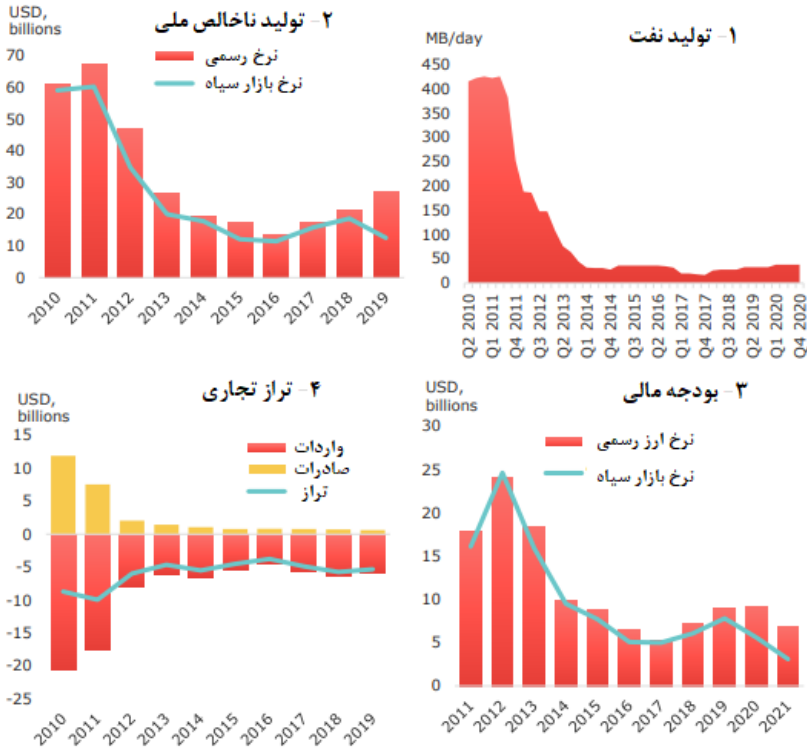
است. تخریب سرمایه فیزیکی، تلفات، جابجایی اجباری، و فروپاشی شبکه‌های اقتصادی پیامدهای ویرانگری برای فعالیت اقتصادی سوریه داشته است. برآورد می‌شود که تولید ناخالص داخلی سوریه بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ به میزان واقعی ۶۳ درصد کاهش یافته است. روش‌های برآورد آماری، نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی واقعی ۵۱ میلیارد دلار (در قیمت‌های ۲۰۱۰) کمتر از تولید ناخالص داخلی خلاف واقع در سال ۲۰۱۶ بوده است. به طوری که اعداد تولید ناخالص داخلی، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که زیان انباشته در تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۲۲۶ میلیارد دلار در قیمت‌های سال ۲۰۱۰ است که تقریباً چهار برابر تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۰ است (Onde, 2021: 7).

از دیگر عوامل شکل‌گیری چنین بحرانی می‌توان به مشکلات اقتصادی سوریه اشاره کرد. سوریه از لحاظ اقتصادی در رده کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شود؛ البته سازمان ملل در راستای بهبود اوضاع اقتصادی سوریه اصلاحاتی را انجام داده است؛ بشار اسد نیز در اوایل زمامداری خود برای حل مشکلات معیشتی و رفاهی مردم، بسیار وعده داد؛ ولی این وعده‌ها با توجه به مشکلات عمیق ساختاری در این کشور محقق نشدند و هر روز شکاف طبقاتی و آمار بیکاری میان مردم سوریه تشدید شد (سیفی ناجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴). اختلالات اقتصادی به ویژه در بخش هیدروکربن ویرانگر بوده است. تولید ناخالص داخلی نفت در همین دوره ۹۳ درصد کاهش یافت، در حالی که اقتصاد غیرنفتی به دلیل تخریب شدید زیرساخت‌ها، کاهش دسترسی به سوخت و برق، اعتماد پایین تجاری و اختلال در تجارت، ۵۲ درصد کاهش یافت. تولید هیدروکربن از ۳۸۳۰۰۰ بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۱۰۰۰۰ بشکه در روز در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ کاهش یافت که دلیل آن کنترل داعش بر بیشتر مناطق تولید کننده نفت بود. تولیدات کشاورزی نیز در نتیجه آسیب به سیستم‌های آبیاری و کمبود نیروی کار و نهاده‌هایی مانند بذر، کود و سوخت، زیان قابل توجهی را به ثبت رساند. شدیدترین انقباض اقتصاد در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ رخ داد، زمانی که فعالیت‌های اقتصادی به ترتیب ۲۹ و ۳۲ درصد کاهش یافت و درگیری‌ها تشدید شد و در سراسر کشور گسترش یافت (World Bank, 2017: 7) درگیری طولانی در سوریه منجر به تخریب زیرساخت‌ها و به خطر افتادن ظرفیت تولیدی اقتصاد در بخش‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی آن شده است. همچنین روش‌های حکمرانی، این بخش‌ها را به گونه‌ای تغییر داد که کمک کرد تا بخش عمده‌ای از منابع آن‌ها برای خدمت به مقامات مختلف بالفعل به هزینه اکثریت مردم منحرف شود. با وجود ثبات نسبی وضعیت امنیتی در بسیاری از مناطق، تولید اقتصادی بدتر شد و نرخ رشد در بیشتر بخش‌ها کاهش یافت (The Day After, 2022: 23).

همچنین، اقتصاد سوریه از کسری شدید دولتی، کاهش ذخایر ارزی و ... رنج می‌برد. بدهی عمومی ناپایدار بالا اختلالات ناشی از درگیری و تحریم‌های بین‌المللی صادرات سوریه را بین

سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به میزان ۹۲ درصد کاهش داد. تخمین زده می‌شود که کسری حساب جاری به ۲۸ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶ رسیده باشد که نسبت به ۰/۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. برداشت ذخایر ارزی، که به شدت کاهش یافت، از نزدیک به ۲۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به کمتر از یک میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ رسید. درآمدهای مالی از ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۰ به کمتر کاهش یافت (World bank, 2017: 7). در سوریه، تقریباً همه بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر منفی قرار گرفته است، اما مالکیت دارایی به شدت آسیب دیده است زیرا تقاضا برای زمین به شدت کاهش یافته است، که منعکس کننده کاهش تقاضا به دلیل تعداد زیادی از پناهندگان است که کشور را ترک می‌کنند (Ianchovichina and Ivanic, 2014). از این رو می‌توان استدلال کرد که اثرات مستقیم جنگ در منطقه، دست کم گرفتن هزینه‌های واقعی اقتصادی جنگ داخلی و گسترش داعش بوده است.

نمودار: روندهای اصلی در اقتصاد سوریه



(source: Onde,2021: 3)

۳-۲- از دست رفتن مشروعیت دولت سوریه

وضعیت دولت ورشکسته سوریه، به گونه‌ای بود که دولت به عنوان یک رهبر توسعه در زمینه‌های مختلف تلقی می‌شد و قدرت کافی را حفظ می‌کرد. با این حال، تنها در بیش از یک دهه جنگ، دولت سوریه کنترل بخش‌های زیادی از خاک و مرزهای خود را از دست داد و بنابراین، می‌توان آن را یک کشور شکست خورده در نظر گرفت. تحت این شرایط، اقتدار مستقیماً توسط جنبش‌های جهادی فراملی و فرقه‌گرایی در حال افزایش که منطقه را متحول کرد، به چالش کشیده و تضعیف شد ((Bakkour and Stansfield, 2023: 131). این کشور در طول دهه ۲۰۰۰ به طور مداوم در شاخص‌های حاکمیتی و آزادی‌های مدنی عملکرد نامطلوب داشت. رتبه سوریه در مورد معیارهای آزادی تشکل و اجتماع، و آزادی بیان و عقیده، حتی در مقایسه با سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پایین بود ((World bank, 2017: 5).

در سال ۲۰۱۲، درگیری‌ها گسترش یافت و به پایتخت دمشق و دومین شهر بزرگ سوریه، حلب، گسترش یافت. به طوری که، یکی از مقامات سازمان ملل، این کشور را برای اولین بار در «جنگ داخلی» توصیف کرد. تحت چنین شرایطی در سال ۲۰۱۳، دولت اسلامی داعش در شرق سوریه ظهور کرد و طی چند ماه، این گروه کنترل بخش‌های زیادی از کشور، حدود یک سوم سوریه را به دست گرفت ((Loft et al, 2023: 3). داعش دولت خود را بر اساس نارضایتی عمومی از نهادهای حاکم در سوریه بنا کرد. مطالعات نشان داده‌اند که دولت‌های فقیر و بی ثبات از نظر سیاسی و اقتصادی، ویژگی‌هایی را برای پیشبرد جنگ‌های داخلی ایجاد می‌کنند. به طوری که، ۴۰۰۰۰۰ کشته؛ ۵/۶ میلیون پناهنده؛ و ۶/۲ میلیون آواره داخلی، تعداد آشکار مربوط به بحران سوریه است ((Mirza et al, 2021: 42). تا آنجا که استدلال می‌شود که دولت ورشکسته سوریه از پویایی حکومت‌رانی برخوردار نیست. فروپاشی قدرت سیاسی و عدم ارائه خدمات عمومی مناسب به عنوان ابزاری که موجب جنگ شده است، مطرح می‌شود ((Khalaf, 2015: 37). تا آنجا که، سوریه فاقد ظرفیت برای اجرای قوانین، انحصار در استفاده از اجبار و حفظ مالیات مبتنی بر اقتصاد بود ((Lisner, 2016: 30) و نمی‌توانست امنیت سرزمینی را حفظ و دیگر کالاهای عمومی را به شهروندان خود تحویل دهد ((Lassalle, 2016: 173).

در پی وقوع دولت ورشکسته، شهروندان در بسیاری از مناطق اعتماد خود را از مؤسسات دولتی دست دادند و به سمت مؤسسات سنتی غیر رسمی مانند خانواده، قبیله، منطقه، یا وابستگی قومی و مذهبی جهت حمایت و پشتیبانی حرکت کردند. اقدامی که باعث شد تا چندین ساختار با افول و عدم کارایی مواجه شوند. از برجسته‌ترین این ساختارها می‌توان به شوراهای محلی و دادگاه‌های شریعت اشاره کرد. همچنین، هماهنگی ضعیف وزرا، عدم پاسخگویی، ظرفیت‌های پایین، مدیریت ضعیف، عدم وجود سیاست‌های شفاف دولتی و فقدان کنترل فساد، نابرابری را

در جامعه افزایش داد که به نوبه خود موجبات کسری مشروعیت دولت سوریه را فراهم کرد. (Khalaf,2015: 45) تا آنجا که، فقدان یا سقوط نهادهای دولتی در دولت‌های ورشکسته، این امکان را به تروریست‌ها می‌دهد که پناهگاه‌های امنی را در آنجا نصب کنند (Said,2013:32). یکی دیگر از ویژگی‌های مهم چشم انداز حکومتی سوریه قبل از سال ۲۰۱۱، سطوح بالای فساد و اعتماد پایین این کشور به نهادهای عمومی بود. بر اساس شاخص‌های جهانی، رتبه سوریه در زمینه کنترل فساد و کنترل انحصارات اقتصادی پس از سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است. اگرچه این کشور قبلاً در سال ۲۰۰۵ از کشورهای با درآمد متوسط‌تر مانند مصر، اردن و تونس در هر دو جبهه عقب بود، اما این شکاف بیشتر شد. این روندها همچنین اعتماد شهروندان به نهادهای عمومی را تضعیف کرد. نظرسنجی‌های گالوپ از سال ۲۰۰۹-۱۰ نشان می‌دهد که درصد سوری‌هایی که به نهادهای عمومی کلیدی، مانند پلیس محلی و سیستم قضایی ابراز اعتماد می‌کنند، کمتر از سایرین بوده است. برای مثال، در سال ۲۰۱۰، تنها ۴۸ درصد از مردم سوریه به پلیس محلی اعتماد داشتند. در مقایسه، حدود ۸۷ درصد از اردنی‌ها پاسخ مثبت دادند (World Bank, 2017: 5). به نظر می‌رسد، یکی از دلایل اصلی این موضوع این بود که نظام او تحت نفوذ شدید گروه‌های اقلیت به‌ویژه علوی‌ها است که از طریق سازمان‌های اطلاعاتی و ارتش قوی، به عنوان عامل اصلی تحکیم نظام و اعمال قدرت در کشور عمل می‌کردند (Mirza et al,2021: 44). در این راستا، بشار اسد نیز از پایگاه قدرتی با مرکزیت علوی برخوردار بود. علوی‌ها از امتیازات قابل توجهی در نظام سوریه برخوردار بودند که از لحاظ سیاسی، خشم بسیاری از مردم سوریه را پدید آورد. این امتیاز و خشم، دانه‌های بذر فرقه‌گرایی را در طول جنگ داخلی میان داعیه‌های علوی و گروه‌های سنی افراطی ضد رژیم پاشیده بود (Robinson,2018: 80). در این زمینه، تعداد زیادی از اعضای سنی عرب در شورش سال ۲۰۱۱ و ده‌ها هزار نفر از جنگجویان خارجی به نام دفاع از سنی‌های اسلام، سرنگونی حکومت علوی و مبارزه با متحدان شیعه‌اش نفوذ کرده‌اند. به این ترتیب شخصیت فرقه‌ای شورش به معنای جمعی و مذهبی نیز تقویت می‌شود (Balanche,2018:68). به طوری که، گرایش‌های فرقه‌ای درک تهدید از سوی دولت سوریه را ایجاد کرده‌اند و خواستار جهاد و ایجاد "حکومت اسلامی" تحت قانون شریعت شده‌اند. قیامی که به نظر می‌رسد به یک جنگ داخلی سنی-علویت تبدیل شده است (Mahmoud and Rosiny,2015:9) و زمینه را برای ظهور و گسترش افراط‌گرایی داعش فراهم کرده بود.

«بنیاد بین المللی صلح» هر ساله بر اساس ۱۲ شاخص، دولت‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره ۱۲۰ به معنی بالاترین میزان ورشکستگی دولت و نمرات پایین‌تر به معنای نیرومندی آن است. همچنین، این بنیاد بر اساس شاخص‌های دولت ورشکسته، مبادرت به رتبه‌بندی دولت‌ها می‌کند که در ذیل نشان داده شده است.

شاخص‌های دولت ورشکسته سوریه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵

شاخص‌ها		سال
		۲۰۱۴
فشار جمعیتی	۶	۲۰۱۵
آوارگان داخلی	۱۰	۸/۱
انتقام جویی گروه نارضایتی	۱۰	۱۰
مهاجرت مردم به کشورهای دیگر	۶/۹	۷/۴
توسعه اقتصادی ناموزون	۶/۹	۷
بحران و رکود اقتصادی شدید	۶/۷	۷/۵
مشروعیت زدایی از دولت	۹/۸	۹/۹
زوال تدریجی خدمات عمومی	۷/۲	۸/۲
کاربرد خودسرانه حاکمیت قانون	۹/۹	۱۰
عدم پاسخگویی دستگاه امنیتی	۱۰	۱۰
ظهور نخبگان قومی	۹/۶	۹/۹
مداخله کشورها یا بازیگران سیاسی خارجی	۸/۶	۹/۹
نمره کلی	۱۰/۱۶	۱۰/۷/۹

Source: The Fund For Peace (FFP)

رتبه بندی سوریه به مثابه کشوری ورشکسته

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
رتبه	۴۹	۲۴	۲۱	۷	۱۱	۱۳

Source: The Fund For Peace (FFP)

موارد فوق، نشان‌دهنده هرج و مرج در سوریه است. موضوعی که باعث زایش گروه افراطی داعش شده بود و می‌توانست این گروه افراطی را به بهترین وجه حفظ کند و نفوذش را گسترش دهد. داعش در تلاش برای ساختن یک دولت فرقه‌ای و القای خلوص ایدئولوژیک، به طور گزینشی از آموزه‌های اسلامی افراطی استفاده کرد تا ایدئولوژی خود را ایجاد کند که آن را به عنوان تعهدات مذهبی مشروع بازتولید می‌کند. در واقع، داعش با چالش ایجاد یک کشور بدون ملتی همگن مواجه بود و به همین دلیل است که «مشروعیت دولت آن، به واسطه حمایت از شبه‌نظامیان تندرو سنی ناشی می‌شود» (Bakkour and Stansfield, 2023: 132). در این راستا، سرکوب گسترده داعش به این معنی بود که هر مخالفی به سختی مجازات می‌شد و این امر کنترل ارضی داعش را بیشتر کرد.

۴-۲ - فشارهای سیستمیک ناشی از مداخلات کشورهای خارجی

سیاست بازی قدرت و رقابت‌های فزاینده بین بازیگران اصلی منطقه، بحران سوریه را در دستور کار دیپلماتیک بین المللی قرار داده است. سوریه همچنین نقش مهمی در رقابت گسترده‌تر بر سر رهبری آینده منطقه ایفا می‌کند. در نتیجه، شکل آینده کشور تأثیر شگرفی بر هندسه استراتژیک خاورمیانه خواهد گذاشت و پیامدهای جدی برای صحنه سیاسی جهانی خواهد

داشت (DEMİR and YILMAZ, 2020: 5). بحران سوریه به عنوان یک خیزش داخلی علیه رئیس‌جمهور بشار اسد آغاز شد و در اندک زمان، نه تنها کشورهای همسایه، بلکه قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای را نیز در بر گرفت. در حالی که به پویایی‌ها و بازیگران درگیر در بحران سوریه نگاه می‌کنیم، آشکار می‌شود که در ابتدا درگیری بین معترضان و دولت اسد آغاز شد. معترضان خواستار تغییر در دولت و نظام سوریه شدند. در پاسخ، رئیس‌جمهور اسد وعده اصلاحات را داد، اما گزینه تغییر نظام را نپذیرفت و گزینه پاسخ به اعتراضات را انتخاب نمود. در چنین شرایطی، راه برای دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در درگیری هموار گردید. همه این عوامل، زمینه را برای یک شورش گسترده و واکنش ضد شورش که منجر به یک جنگ داخلی شد، فراهم کرد. ایالات متحده، ترکیه و عربستان سعودی به همراه اکثر کشورهای عربی از نیروهای مخالف حمایت کردند. در همین راستا «شورای ملی سوریه برای مدیریت جنبه‌های سیاسی در ترکیه تأسیس و مستقر شد، در حالی که ارتش آزاد سوریه (FSA) به عنوان شاخه نظامی آن برای مبارزه با نیروهای مسلح سوریه سازماندهی شد (Mirza et al, 2021: 45).

به طوری که استدلال می‌شود، یکی از مهمترین عوامل متحرک جنگ داخلی در یک کشور، حمایت خارجی یا مداخله بین‌المللی است. در این راستا، نه تنها عمل حمایت و یا مخالفت خارجی احتمال گسترش درگیری را افزایش می‌دهد، بلکه ممکن است بر مدت زمان درگیری نیز بیفزاید. به این دلیل که طرف مخالف این نوع مداخله را به عنوان یک دشمن اضافی تصور می‌کند که به دنبال تعادل نبرد است (Young, 2014: 7). اثرات منفی و اغلب ناگهانی ناشی از دولت ورشکسته، جامعه بین‌المللی را جهت مداخله در سوریه تشویق کرد (Lisner, 2016: 21) که سبب تشدید فرقه‌گرایی و تثبیت گسترش گروه تروریستی داعش گردیده بوده است

در این راستا، یکی از سیاست‌های جهان غرب و متحدانش به منظور ضربه‌زدن بر محور مقاومت تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران، حمایت از گروه تروریستی داعش بوده است (ترجمان و دلیرپور، ۱۴۰۲). موقعیت ژئواستراتژیک سوریه آن را به کشوری تبدیل کرده است که همسویی سیاسی آن ممکن است به تغییر موازنه ظریف قدرت در منطقه کمک کند. در نتیجه اکثر نهادهای منطقه‌ای نه تنها به صورت پنهان، بلکه اغلب آشکارا برای کمک به گروه‌های مربوطه از طریق نقش‌های نظامی، مالی، سیاسی، دیپلماتیک و حتی مستشاری به مثابه یک جنگ نیابتی مداخله کرده‌اند که در آن کشورهای مختلف منطقه برای کنترل و نفوذ با هم رقابت می‌کنند (Mirza et al, 2021: 49). در واقع، آنچه که موجبات بقای داعش را فراهم کرده بود، می‌توان به کمک‌های مالی فراوان برخی کشورهای خارجی اشاره داشت. بر اساس مستندات، قطر، کویت و عربستان سعودی از بزرگترین حامیان مالی تروریست‌های داعش به شمار می‌روند (Ajijälä, 2016: 27). در همین رابطه، نشریه ایتالیایی «فورمیکه» به کمک‌های مالی خارجی به تروریست‌های داعش اشاره می‌کند و اعتقاد دارد: «تجار ثروتمند قطری به طور غیرمستقیم و

به نمایندگی از دولت این کشور به اعطای کمک‌های مالی به تروریست‌های داعش اقدام می‌کنند. از جمله این تجار می‌توان به «عبدالرحمن النعیمی» اشاره کرد که در سال ۲۰۱۳ کمک‌های مالی زیادی به تروریست‌های داعش در سوریه اعطا کرد (حاجی یوسفی و حسین زاده، ۱۳۹۷: ۵۵). عربستان در راستای رسیدن به اهداف خود در سوریه با حمایت مالی و تسلیحاتی حداکثری از گروه‌های تکفیری-جهادی و مخالفان برای تغییر نظام بشار اسد و روی کار آمدن نظامی همسو با اهداف عربستان از سازکارهای مختلفی از جمله استفاده از ابزارهای نرم افزاری و تبلیغاتی؛ حمایت‌های دیپلماتیکی، مالی و تسلیحاتی از مخالفان نظام سوریه؛ تحریک اختلاف‌های قومی و مذهبی در داخل این کشور؛ و تهدید به حمله نظامی و به راه انداختن جنگ روانی استفاده کرده است (بابائی و شاه محمدی، ۱۴۰۱: ۱۵۶).

به گفته کارشناسان و تحلیلگران سیاسی در مقایسه با کشورهای حوزه خلیج فارس، حجم عظیمی از مبالغ را کمک‌های امریکا تشکیل می‌دهد (حاجی یوسفی و حسین زاده، ۱۳۹۷: ۵۶). در این راستا، درگیری‌های سوریه به دلیل اشتباهات راهبردی که چندین بازیگر سطح سیستمی مرتکب شدند، به یک بحران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد. تعداد و ماهیت بازیگران در این مناقشه پیوسته رو به افزایش بوده است و تا زمان اعلام خروج آمریکا از بحران سوریه، در سطوح داخلی، ملی، منطقه‌ای و سیستمی قرار گرفته‌اند و از این رو آن را به یکی از معضلات و پیچیده‌ترین درگیری‌ها در تاریخ ژئوپلیتیک اخیر خاورمیانه تبدیل کرده‌اند (Mirza et al, 2021: 42). بازیگران سطح سیستمی که بر درگیری‌های سوریه تأثیر گذاشته‌اند، ایالات متحده، روسیه و طرفداران جهاد جهانی هستند. هدف ایالات متحده در سوریه تغییر نظام بود. در آغاز بحران، آمریکا در مورد مداخله در سوریه کاملاً محتاط بود. به طور غیرمستقیم با حمایت از گروه‌های مخالف و شبه‌نظامیان در درگیری شرکت داشت. برای این منظور به برخی از گروه‌های شورشی کمک‌های آموزشی، نظامی و مالی ارائه کرد.

سوریه از منظر سیاست خارجی نیز با دیگر کشورها متفاوت بود. اول اینکه روسیه بیشترین متحدان منطقه‌ای خود را از دست داده بود و سوریه را به عنوان آخرین پایگاه خود در خاورمیانه باقی گذاشت. چین همچنین با روسیه برای مقاومت در برابر برتری آمریکا در خاورمیانه وارد عمل شد. در نهایت، ایران، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، لبنان و اردن نیز خود را درگیر بحران کردند. روسیه با مشاهده اینکه رژیم بشار اسد به دلیل فقدان قدرت نظامی در خطر فروپاشی قرار داشت، در سپتامبر ۲۰۱۵ با به کارگیری نیروی هوایی خود، مشارکت فعال برای نجات دولت اسد را آغاز کرد. ایالات متحده تلاش کرد تا همه گروه‌های مخالف در سوریه را متحد کند، اما شکست خورد. سپس، ایالات متحده نیروهای نیمه شبه نظامی دموکراتیک سوریه را تشکیل داد که عمدتاً از کردهای سوریه تشکیل شده بود. این امر باعث ایجاد اصطکاک بین ترکیه و ایالات متحده شد. (DEMİR and YILMAZ, 2020: 6). در ۴ آوریل ۲۰۱۷،

دولت ترامپ در واکنش به حملات نظام سوریه، موشک‌های خود را به فرودگاه الشعیرات در استان حمص پرتاب کرد. این دخالت مستقیم ایالات متحده در بحران بود. این حمله همچنین به دیگر بازیگران طرفدار نظام در مورد پیچیدگی و شدت جنگ در آینده هشدار داد. دولت اسد و متحدانش به ویژه روسیه آن را حمله به حاکمیت سوریه می‌دانستند. موضع سخت روسیه در قبال این موضوع و تعهد آمریکا به دنبال کردن چنین اقداماتی هر زمان که لازم بدانند، امکان حل و فصل سیاسی مناقشه سوریه را کاهش داد. اولویت‌بندی ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک قدرت‌های بزرگ نه تنها دامنه‌درگیری را گسترش داده، بلکه تعداد تلفات را چند برابر کرده است. گزارش‌های رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی درباره کنترل مناطق توسط داعش بر دو جنبه اصلی متمرکز است. از یک سو، متخصصان خاورمیانه در مورد جنبه‌های عملکردی نحوه عملکرد سیستم حکومتی داعش در عمل و نحوه حفظ مالی خود گزارش دادند. از سوی دیگر، گزارش‌ها بر استفاده داعش از ترور به‌عنوان یک استراتژی حکومتی متمرکز بود. یعنی چگونه رژیم ترور خود یک حالت ترس، بی‌حرکتی و فلج دائمی را بر مردم محلی تحمیل کرد. بنابراین ظلم داعش به عنوان راهی برای از بین بردن مقاومت و تضمین درجه خاصی از تساهل توسط مردم محلی تلقی می‌شد (Guttmann, 2023: 696).

با توجه به مطالب فوق می‌توان استدلال کرد که مداخله خارجی به طور عمده به نهادهای اساسی اجتماعی - اقتصادی یک کشور آسیب می‌رساند. در این شرایط، دولت برای حفظ تمامیت ارضی، هویت ملی و وفاداری همه شهروندان با مشکلات جدی مواجه می‌شود. تا آنجا که، دخالت‌های خارجی علت اصلی بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، منازعات اجتماعی، شورش، ناامنی و آشفتگی اقتصادی در یک دولت مستقل محسوب می‌شود. در آغاز جنگ داخلی سوریه، کشورهای غربی به سرعت تحریم‌ها را اعمال کردند. در این راستا، کشورهای ترکیه، عربستان سعودی و قطر به ایجاد مخالفت‌های منطقه‌ای با نظام سوریه کمک کردند. همچنین، اثرات غلط برخی از اقدامات انجام شده، مانند لغو تحریم نفتی اتحادیه اروپا در آوریل ۲۰۱۳، به طور موثری منجر به حمایت اروپا از گروه‌هایی مانند جبهه النصره و القاعده شد. این موارد، راه را برای ابوبکر البغدادی، رهبر داعش آماده کرد. از این رو، دولت سوریه به دلیل دخالت‌های نیروهای خارجی بر علیه این کشور، شکست خورده محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش گردید تا دلایل ورشکسته بودن دولت سوریه و متعاقباً، ظهور و گسترش داعش مورد واکاوی قرار گیرد. شکست دولت، بر خلاف اجرای وظایف بازیگران غیردولتی، توجه ناظران بین‌المللی را به میزان قابل توجهی جلب کرده است. با این حال، همپوشانی آشکاری بین این دو وجود دارد. در حالی که دولت تلاش می‌کند تا اقتدار خود را تثبیت کند، گروه‌های شورشی و سایر رقبا، شهرهای مرکزی را قبل از تجزیه کشور به واحدهای

مختلف، تهدید می‌کنند، زیرا یک یا چند جنبش تجزیه‌طلب، شبه دولت‌های فعال را تشکیل می‌دهند. تحت چنین شرایطی، اقتدار مرکزی ناپدید می‌شود و قلمرو عملاً در میان ترکیبی ناهمگون از مقامات سنتی، رهبران مذهبی، جنگ‌سالاران و حتی سازمان‌های غیردولتی که برخی از وظایف دولتی را در سطح محلی انجام می‌دهند، تقسیم می‌شود. در غیاب کنترل مؤثر دولت، هم خشونت و هم فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی رونق می‌گیرد و هم گروه‌های مخالف و هم رهبران شبه دولت‌ها از این مزیت استفاده می‌کنند. اینگونه است که دولت‌های شکست خورده به بستری برای افراط‌گرایی و گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته تبدیل می‌شوند. نشانه‌های ورشکسته بودن دولت پیش از جنگ داخلی در سوریه آشکار بود. در این راستا، اصلاحات نئولیبرالی رئیس‌جمهور بشار اسد در اوایل دهه ۲۰۰۰، مشکلات موجود را تشدید کرد و به اعتراض مردم کمک کرد. توزیع مجدد ثروت از طبقات کم درآمد به طبقات بالاتر از نظر سیاسی مهم بود، زیرا اکثریت سنی را از خود دور کرد. شکاف بین یک اقلیت ثروتمند و جمعیت عمومی فشارها را بر سیستم سیاسی بی‌پاسخ افزایش داد، زیرا رقابت برای کاهش منابع عمومی، افزایش نابرابری اجتماعی و افزایش تعداد انحراف‌های اجتماعی-اقتصادی وجود داشت. ناامیدی عمومی بیشتر با نمایش ثروت از سوی اعضای ارشد نهادهای امنیتی و بازرگانان همسو با مقامات سوریه تشدید شد. در واقع، سیاست اصلاحی بشار اسد در هر دو بعد سیاسی و اقتصادی ناکام ماند و تظاهراتی در شهرهای مختلف سوریه به وقوع پیوست که با دخالت ارتش سوریه مواجه شد. موضوعی که سبب نارضایتی در میان برخی گروه‌ها و اقشار مردم گردید.

همچنین، انقلاب‌های جهان عرب، این فرصت را به داعش داد تا به سوریه گسترش یابد. جایی که توانست از شکاف طبیعی بین اکثریت اهل سنت سوریه و شیعیان استفاده کند. ظهور داعش در سوریه بخشی از یک نتیجه استراتژی است که رئیس‌جمهور بشار اسد برای از بین بردن مخالفانش طراحی کرده بود. از زمانی که جنگ در سوریه آغاز شد، نظام دولتی به سختی کار کرده است. تا آنجا که سیستم مالی به طور فزاینده‌ای ضعیف‌تر شد؛ کارآفرینان نتوانستند در سوریه سرمایه‌گذاری کنند. نظام مرکزی هم تضعیف شده بود. عامل اصلی شکست این است که نظام داخلی و نیروهای خارجی علیه دولت بوده‌اند. افزایش فشارهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و روحی بر دولت سوریه تأثیر منفی داشت و این امر باعث شد تا سیستم داخلی سوریه نتواند خود را حفظ کند. این درگیری خسارات زیادی به زیرساخت‌های فیزیکی سوریه وارد کرد. شهرهایی مانند حمص، حلب و دمشق، و بسیاری از شهرهای کوچکتر، به عنوان میدان جنگ برای حملات دولت و شورشیان عمل کردند که عواقب غم‌انگیزی برای ساکنان آن به همراه داشت.

بحران سوریه قدرت داعش را از چند جنبه افزایش داد. مهم‌ترین آنها بهره‌مندی از درگیری‌های سوریه برای تصرف بخش‌هایی از این کشور و تبدیل شرق سوریه به پایگاهی برای

توسعه توانایی‌ها، آموزش و سازماندهی نیروها در سوریه بدون دغدغه جدی و جذب نیروی انسانی از کشورهای مختلف است. در این راستا، دولت سازی داعش را باید در چارچوب گسترده‌تر دولت ورشکسته سوریه نگریست و درک کرد. از این منظر، دولت سازی به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از استراتژی داعش در سوریه تلقی می‌شود و باید اهمیت آن را در کمک به مداخلات کلیدی نظامی و استراتژیک در نظر بگیریم. با این وجود، نقش عوامل خارجی، حمایت‌ها و مداخلات دولت‌های معاند در تشدید این ورشکستگی تأثیر به‌سزایی داشته است. کشورهایی که در محور عربی- غربی مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، قطر، کویت، عربستان و غیره قرار داشتند، در صدد حذف نظام سوریه به رهبری بشار اسد و تضعیف محور مقاومت بوده‌اند. در نتیجه می‌توان استدلال کرد که زوال نظم سیاسی سوریه که خود از پیامدهای دولت ورشکسته است، در نتیجه تأثیرگذاری عوامل داخلی و خارجی، موجبات ظهور و گسترش گروه افراطی داعش را فراهم کرده است.

با این حال، نبرد در سوریه علیه دولت اسلامی ادامه دارد، اگرچه با گذشت زمان، به نظر می‌رسد برخی از ائتلاف علیه این گروه تصمیم خود را برای ادامه طولانی مدت از دست می‌دهند. با افزایش عادی سازی روابط با نظام سوریه اسد و تشدید درگیری‌ها در آفریقا و اروپا، به نظر می‌رسد که طبقه سیاسی در آمریکای شمالی و اروپا و بسیاری از مردم این تصور رو به رشد وجود دارد که دلیلی برای ماندن در سوریه وجود ندارد. در حالی که به نظر می‌رسد رویدادهای بین‌المللی در سراسر جهان توجه را از فعالیت‌های دولت اسلامی دور می‌کند، مهم است که بر این گروه، شورش و جاه‌طلبی‌های حکومتی آینده آن متمرکز بمانیم.

منابع

- بابائی، محمود و شاه محمدی، پریسا (۱۴۰۱). رویکرد سیاست خارجی عربستان سعودی در حمایت از گروه‌های تکفیری- جهادی (مطالعه موردی بحران سوریه). مطالعات بیداری اسلامی. ۱۱ (۱). صص ۱۴۹-۱۷۳.
- ترجمان، فریبا و دلیرپور، پرویز (۱۴۰۲). تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش بر اساس رهیافت محور مقاومت. مطالعات بیداری اسلامی. ۱۲ (۴). صص ۷-۲۹.
- جمشیدی، محسن و همکاران (۱۴۰۱). استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای محور تحت نفوذ در جهان اسلام از منظر رئالیسم تدافعی (واکاوی بحران عراق و سوریه). مطالعات بیداری اسلامی. ۱۱ (۱). صص ۷۷-۹۹.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و حسین زاده، علیرضا (۱۳۹۷). شکنندگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش. فصلنامه آفاق امنیت. ۳۵

(۶۷). صص ۳۵-۶۷.

سیفی ناجی، افسانه و همکاران (۱۳۹۶). بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار بحران سوریه بر مبنای مدل پژوهشی برچر. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. ۵ (۱۰). صص ۶۱-۲۵.

نواختی مقدم، امین و بیر، نیکنام (۱۳۹۷). تبیین جنگ داخلی سوریه و بر مبنای عوامل داخلی و خارجی. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی. ۹ (۳۶). صص ۱۰۳-۱۲۹.

Äijälä, Anna-Lotta (2016). HOW IS ISIS FUNDED?, TALLINN UNIVERSITY OF TECHNOLOGY.

<https://digi.lib.ttu.ee/i/file.php?DLID=6025&t=1>

Bakkour, Samer and Stansfield, Gareth (2023), The Significance of ISIS's State Building in Syria, Middle east policy, 30 (2). pp 126-145.

Balanche, Fabrice (2018). Sectarianism in Syria's Civil War. The Washington Institute for Near East Policy.

Brookst, Rosa Ehrenreich (2005). Failed States, or the State as Failure, The University of Chicago Law Review. 72 (4). pp 1159-1196.

Coggins, BL (2015). Does State Failure Cause Terrorism? An Empirical Analysis (1999–2008). Journal of Conflict Resolution. 59 (3). pp 455-483.

Cojanu, Valentin and Popescu, Alina Irina (2007). Analysis of Failed States: Some Problems of Definition and Measurement. The Romanian Economic Journal, 10 (25). pp 143-162.

Cordesman, Anthony H. (2016). The Comparative Metrics of ISIS and “Failed State Wars” in Syria and Iraq. Center for Strategic and International Studies.

DEMİR, Sertif and YILMAZ, Muzaffer Ercan (2020). An Analysis of the Impact of the Syrian Crisis on Turkey's Politic-Military. Social and Economic Security. Akademik Bakış, 13 (26). pp 1-19.

Di John, Jonathan (2008). conceptualising the causes and consequences of failed states a critical review of the literature. Working Paper. 25.

Eriksen, Stein Sundstøl (2011). 'State failure' in theory and practice: The idea of the state and the contradictions of state formation. Review of International Studies, 37 (1). pp 229-247.

European Union (2017). The financing of the ‘Islamic State’ in Iraq and Syria (ISIS). Directorate-general for external policies.

Glans, Caroline (2012). State failure in a time of terror. Lunds universitet Statsvetenskapliga institutionen. <http://lup.lub.lu.se/student-papers/record/2972173/file/2972176.pdf>

Gros, JG. (2011). Failed States in Theoretical, Historical, and Policy Perspectives. In: Heitmeyer W., Haupt HG., Malthaner S., Kirschner A. (eds) Control of Violence. Springer, New York, NY

Guttmann, Aviva (2023). The Rise of ISIS as a Partial Surprise: An Open-Source Analysis on the Threat Evolution and Early Warnings in the United Kingdom. International Journal of Intelligence and CounterIntelligence. 36 (3). pp.686-710.

Hashemi, Nader (2016). The ISIS Crisis and the Broken Politics of the Middle East. Key Issues in Religion. and World Affairs

Helvali, Nuran (2020). The emergence and rise of isis. A thesis submitted to The graduate school of social sciences Of Middle east technical university.

Huria, Sonali (2009). Failed States & Foreign Military Intervention: The Afghanistan Imbroglio. Institute of Peace and Conflict Studies.

Ianchovichina, Elena and Ivanic, Maros (2014). The Economic Impact of the Syrian War and the Spread of ISIS: Who Loses & How Much?, <https://blogs.worldbank.org/arabvoices/economic-impact-syrian-war-and-spread-isis-who-loses-how-much>

Khalaf, Rana (2015). Governance without Government in Syria: Civil Society and State Building during Conflict,

Lassalle, K. Eylem Özkaya (2016). State Failure and the Political Violence Phenomenon: A Comparative Analysis of Iraq and Syria Cases. European Journal of Interdisciplinary Studies. 2 (2). pp 122-129.

Lisner, Matthew (2016). Failed states and the effects of instability. Rutgers. The State University of New Jersey..

Loft, Philip et al (2023). The Syrian civil war: Timeline and statistics. Research Briefing. 9381.

Lund, Michael (2009). Engaging Fragile States: An International Policy Primer. Woodrow Wilson International Center for Scholars.

Mahmoud, Rustum and Rosiny, Stephan (2015). Opposition Visions for Preserving Syria's Ethnic-Sectarian Mosaic. German Institute of Global and Area Studies. 279.

Mechling, Andrew David(2014). failed states: an examination of their effects on transnational terrorist organizational movements and

operational capabilities.

https://jscholarship.library.jhu.edu/bitstream/handle/1774.2/38118/MEC_HLING-THESIS-2015.pdf

Mirza, Muhammad Nadeem et al (2021). Anatomising Syrian crisis: Enumerating actors, motivations, and their strategies (2011-2019). *Liberal Arts & Social Sciences International Journal (LASSIJ)*. 5 (1). pp 41-54.

Mousavi, Sayyed Mohammad (2015). A Constructivist Analysis of the Formation of ISIS in Iraq and its Challenges and Opportunities for Iran. *Contemporary Researches on Islamic Revolution*, 2 (6). pp 1-20.

Newman, Edward (2007). *Weak States, State Failure, and Terrorism. Terrorism and Political Violence*. 9 (4). pp 463-488.

Newman, Edward (2009). *Failed States and International Order: Constructing a Post-Westphalian World. Contemporary Security Policy*. Vol.30, No.3.

Onde, Harun (2021). A decade of war in syria: The economic side, <https://thedocs.worldbank.org/en/doc/ebb9b060753b7019705d1dafa9fe2e35-0280032021/original/April-22-Harun-OnderA-Decade-of-War-in-Syria-The-Economic-Side.pdf>

Patrick, Stewart (2006). *Weak States and Global Threats: Assessing Evidence of "Spillovers."* The Center for Global Development. 73.

Robinson, Heather M. and et al (2018). *Sectarianism in the Middle East*. RAND.

Rotberg, Robert (2002). *The New Nature of Nation-State Failure*. The Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts Institute of Technology. *The Washington Quarterly*.

Said, Nussrathullah W. (2013). *Failed or Fragile States in International Power Politics* CUNY Academic Works.

Schmid, Alex P. (2016). *Links between Terrorism and Migration: An Exploration*. The International Centre for Counter-Terrorism. ICCT Research Paper.

Simons, Anna and Tucker, David (2007). *The Misleading Problem of Failed States: a 'socio-geography' of terrorism in the post-9/11 era*. *Third World Quarterly*. 28 (2). pp 387-401.

The Day After (2022). *Mechanisms of Exploitation: Economic and social Changes in syria During the conflict*. available: <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/beirut/19603-20221017.pdf>

Townshend, Ashley (2007). *Anatomy of State Failure: Case Studies in Zaïre, Afghanistan and Yugoslavia*, Discipline of Government and International Relations The University of Sydney.

Vannoni, Matia (2011). *Failed States and Failed Theories: the (Re)Securization of Underdevelopment*. School of International Studies. University of Trento.

World bank (2017). *The toll of war: The economic and social consequences of The conflict in Syria*.
<https://documents1.worldbank.org/curated/en/116851499698680259/pdf/117331-WP-v1-Sria-ESIA-Material-for-Arabic-Translation.pdf>

Young, William and et al. (2014). *Spillover from the Conflict in Syria*. RAND.



مؤلفه‌های جهاد و پایداری در رمان «الوصول» با تکیه بر شخصیت ام یاسر همسر سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله لبنان

سیده مرضیه میرجهانمرد^۱، حسین مهتدی^۲ محمدجواد پورعابد^۳

چکیده

به دلیل اهمیت جایگاه زن در جریان‌سازی نهضت‌ها، نیاز به معرفی الگوهای برجسته‌ای از زنان طراز اسلام به زنان جوامع اسلامی احساس می‌شود. ادبیات پایداری می‌کوشد، روحیه ایستادگی، مقاومت، حق‌طلبی و مبارزه با ظلم را که لازمه زندگی هر انسان آزادی‌خواه است، تقویت نماید. هدف این نوشتار معرفی و تحلیل جلوه‌های شخصیتی شهید سیده سهام موسوی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های ادبیات پایداری است. این تحلیل براساس روایت عبدالقدوس الامین از زندگانی ام‌یاسر در کتاب «الوصول» اثر عبدالقدوس الامین انجام گرفته است. مهم‌ترین مسئله این پژوهش این است که کدام یک از مؤلفه‌های پایداری در شخصیت سیده سهام موسوی نمایان شده است؟ (مسئله) نگارندگان در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به تحلیل مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری که در شخصیت قهرمان رمان «الوصول» نهادینه شده است، می‌پردازند (روش). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیده سهام موسوی در سطح بالایی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری برخوردار بوده است که عبارتند از: لزوم تطبیق زمانی و مکانی برحسب شرایط مبارزه؛ توکل و روحیه خدایاباوری در مبارزه؛ امیدواری و تسلیم‌ناپذیری؛ تکریم شهدا؛ ولایت‌پذیری و ولایت‌محوری؛ بخشش و انفاق در راه مقاومت و پشتیبانی؛ جانفشانی در راه حق (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: تفکر انقلابی، مقاومت و الهیات‌رهای‌بخش، ونزوئلا، سلطه‌ستیزی، آمریکای لاتین.

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.2.3.6

دوره ۱۳، شماره ۲،
پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۰/۱۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۶/۱۳
صص: ۷۵-۵۵

شاپا: ۲۳۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

پورتال مجله‌های علمی در ایران
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران -
mirjahanmard@gmail.com
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول)
mohtadi@pgu.ac.ir
۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران -
m.pourabed@pgu.ac.ir

۱ - مقدمه

امروزه معرفی الگوها و شخصیت‌های برجسته، امری ضروری است؛ زیرا افراد جامعه به دلیل وجود انگیزه‌های روحی و روانی همچون قهرمان‌جویی و تربیت‌پذیری و الگوبرداری، نیازمند معرفی الگوهای صحیح و متناسب با اهداف و آرمان‌های خود هستند. در این میان ادبیات پایداری به‌عنوان شاخه‌ای از ادبیات متعهد، می‌کوشد در راستای وظیفه‌ای که در ترویج روحیه مقاومت و پایداری دارد، آموزه‌ها و آرمان‌های خود را به بشریت منتقل کند و روحیه ایستادگی، مقاومت، حق‌طلبی و مبارزه با ظلم را که لازمه زندگی هر انسان آزادی‌خواه است، در وجدان‌های آگاه برانگیزد. یکی از شیوه‌های ترویج این آرمان‌ها، معرفی شخصیت‌هایی است که به‌عنوان الگو در میدان جهاد و مبارزه با دشمن حاضر بوده و نقش برجسته‌ای داشته‌اند. در این میان زنان برجسته و طراز اسلام به‌عنوان محور اصلی انسان‌سازی و پایه‌های هر نهضت باید به زنان جامعه معرفی شوند؛ زیرا «زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه؛ بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ص ۱۹۲).

ازجمله زنان پیشتاز در میدان جهاد در نهضت‌های معاصر، شهید سیده سهام موسوی (ام‌یاسر) همسر سیدعباس موسوی، دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان است. زندگانی این بانوی والا مقام می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از سبک زندگی یک بانوی طراز اسلام به جهانیان عرضه شود. داستان زندگی ام‌یاسر در رمان «الوصول» نوشته عبدالقدوس الامین، توسط انتشارات دارالولاء لبنان در سال ۲۰۰۰ م به چاپ رسیده است که در سه فصل و ۴۰ عنوان کوتاه تنظیم شده است. این عناوین همچون داستان‌های کوتاه ولی به‌هم‌پیوسته هستند. نویسنده با محور قراردادن ام‌یاسر در داستان به‌طور مفصل جلوه‌های شخصیتی وی در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... را به تصویر کشیده است.

عبدالقدوس الامین در ابتدای کتاب الوصول با گریزی به خاطرات کودکی ام‌یاسر نگاهی به تأثیر چشم‌گیر خانواده وی که محور اصلی رشد و شکل‌گیری شخصیت اوست دارد. مادری صبور و فداکار و خانواده‌ای مبارز و متدین و پایبند به اعتقادات و کوشا در تربیت فرزندان خویش توانسته است شخصیتی همچون ام‌یاسر را بیافریند. نویسنده سپس مبدأ تحول زندگی او که آغاز زندگی مشترکش با سیدعباس موسوی است را به تصویر می‌کشد. سیده سهام با وجود سن کم از همان آغاز زندگی مشترک پایه‌پای شخصیتی بزرگ همچون سیدعباس گام برمی‌دارد و یار و یاور او در زندگی پرفرازونشیبش می‌شود، دوری از وطن خویش و هجرت از لبنان به نجف به همراه سیدعباس هرچند کار را برای او دشوار می‌کند؛ ولی در مدت کمی به یک بانوی الگو برای زنان عراق تبدیل می‌شود. ام‌یاسر در شرایط سخت دوران طلبگی سیدعباس و تنگنای اقتصادی و در دوران پر از مجاهدت همسر خود در عرصه‌های علمی با مدیریت بسیار موفق می‌تواند علاوه بر

عبور از بحران‌ها به تعالی و تکامل خود همگام با سید عباس پردازد. وی علاوه بر تحصیل در سطوح عالی و برخورداری از بینش سیاسی قوی و ایجاد تشکیلات نظامی و فرهنگی، در مدیریت خانواده و همسرمداری و فرزندپروری نیز بسیار موفق بوده است. هدف از این پژوهش بیان ویژگی‌های یک زن تراز اسلامی با رویکر پایداری و جهاد است تا ضمن معرفی آن به نسل جوان، به تعمیق هرچه بیشتر این فرهنگ در جامعه کمک شود.

۲-۱. سؤالات پژوهش

نگارندگان در این پژوهش بر آن هستند تا به سؤالات زیر پاسخ دهند:
جلوه‌های شخصیتی سیده سهام موسوی به‌عنوان نمونه زن طراز اسلامی در رمان «الوصول» چگونه ترسیم شده است؟

مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری که در شخصیت سیده سهام موسوی نمایان شده است چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه ادبیات پایداری پژوهش‌های زیادی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه صورت پذیرفته است. از جمله پژوهش‌هایی که در حوزه ادبیات پایداری جهان می‌توان به آن اشاره کرد؛ کتاب «ادب المقاومة» از غالی شگری در سال ۱۹۷۰ م در انتشارات دارالمعارف مصر چاپ شده که از جمله پژوهش‌های برجسته در حوزه ادبیات پایداری به حساب می‌آید. این کتاب نقد انواع ادبی مقاومت است و موضوع اصلی آن بر محور نمودهای قهرمانی و مقاومت در آثار ادبی کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای عربی می‌چرخد در سال ۱۳۶۶ ه.ش توسط محمدحسین روحانی به زبان فارسی ترجمه شده است. همچنین کتاب «درآمدی بر ادبیات پایداری جهان» از ضیاءالدین ترابی که در سال ۱۳۹۰ ه.ش توسط انتشارات صریر به چاپ رسیده است. علاوه بر بررسی دقیق ادبیات پایداری در سراسر جهان، توجه ویژه‌ای به این شاخه از ادبیات در جهان عرب نیز داشته است؛ در حوزه ادبیات پایداری ایران نیز می‌توان به کتاب «شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس» اشاره کرد این اثر نوشته حسن بارونیان که در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارت بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس به چاپ رسیده است نویسنده به در این کتاب به بررسی شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس که به زبان فارسی نوشته شده است پرداخته است؛ همچنین مهم‌ترین کتاب پیرامون ادبیات مقاومت در کشور لبنان کتاب «مقاومت اسلامی لبنان از سلاح تا قلم» اثر مریم کیانی و اکرم روشنفکر است که توسط نشر کتیبه گل در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. این کتاب با محوریت مجموعه داستانی قلم رصاص گوشه‌ای از پایداری و استقامت مردم لبنان؛ همچنین ابعاد مختلف مقاومت و پیشینه آن در لبنان و ادبیات مقاومت در این کشور را مورد بررسی قرار داده است تا به ویژگی‌های ادبی و گفت‌مان حاکم بر حزب الله لبنان دست یابد. در میان مقالات بسیار در حوزه ادبیات پایداری، مقاله «ادبیات پایداری، تعاریف و حدود» نوشته فاطمه هدایتی از پژوهش‌های دقیق و کاربردی در این حوزه،

به شمار می‌رود. پیرامون رمان «الوصول» تنها یک پژوهش در قالب پایان‌نامه با عنوان «تحلیل و بررسی عناصر داستان در رمان «الوصول» توسط ام‌البنین همتی راد در سال ۱۳۹۸ ه.ش نوشته شده است؛ همچنین تنها یک مقاله با عنوان «شخصیت زن در ادبیات بیداری لبنان (موردپژوهی رمان الوصول)» در سال ۱۳۹۷ ه.ش توسط نرگس انصاری در نشریه ادب عربی به چاپ رسیده است که به‌طورمختصر به ویژگی‌ها و جلوه‌های شخصیتی امیاسر پرداخته است نویسنده به ویژگی‌های فردی و اجتماعی قهرمان داستان پرداخته است؛ ولی به مؤلفه‌های جهاد و بیداری که از ویژگی‌های بیداری اسلامی است نپرداخته است. هیچ کدام از این آثار به موضوع بررسی شخصیت سیده سهام موسوی بر اساس مؤلفه‌های بیداری نپرداخته‌اند؛ بنابراین این پژوهش نخستین مقاله‌ای است که به بررسی ابعاد شخصیتی سیده سهام موسوی بر اساس مؤلفه‌های بیداری می‌پردازد.

۲. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. جهاد در لغت و اصطلاح

«جهاد، جنگ مشروع در راه خدا و عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی. جهاد واژه‌ای عربی است از ریشه «ج ه د» به معنای تلاش، مشقت، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن» (ابن اثیر، ۱۴۱۸ ق: ذیل واژه جهاد). مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی واژه جهاد در متون دینی، مانند کاربرد عام آن، گونه‌ای خاص از تلاش است؛ درحقیقت «مفهوم اصلی جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. مبارزه علمی، مبارزه اجتماعی، مبارزه سیاسی، مبارزه مسلحانه، همه این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پرنیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. مبارزه آن‌جایی است که انسان با مانعی برخورد کند که این مانع در جبهه‌های انسانی، دشمن است و در جبهه‌های طبیعی، موانع طبیعی است. اگر انسان با این موانع درگیر و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، مبارزه کرده است. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. جهاد میدان‌هایی دارد، یکی از میدان‌های حضور در نبردهای مسلحانه رایج جهانی است، میدان سیاست هم دارد، میدان علم هم دارد، میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد جهت دار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته می‌شود این می‌شود مبارزه. یعنی یک چنین مبارزه‌ای که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود آن وقت جنبه تقدس هم پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال فردی مبارزه علمی می‌کند؛ زیرا این کار به‌طور واضح، دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: صص ۳۰-۳۱) شایان ذکر است که مؤلفه‌های بیداری نیز از همین کتاب «اندیشه مقاومت» اثر آیت الله سید علی خامنه‌ای انتخاب شده است.

۳-۲. مقاومت در لغت و اصطلاح

واژه مقاومت از ریشه «ق و م» است و برای آن معانی متنوعی بیان شده است که می‌توان به معنای ای همچون ثبات و مداومت (ابن اثیر، ۱۴۱۸ ق: ذیل واژه ق و م)، اعتدال (زیبیدی، ۱۳۰۶ ق: ذیل واژه ق و م)، پایداری، ایستادن، درست‌شدن و قیمت‌نهادن (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه ق و م) و استمرار (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ذیل واژه ق و م) و مقاومت، ایستادگی، دوام و توان (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه مقاومت) اشاره کرد. همچنین «مقاومة، مصدر باب مفاعله، از ریشه (قوم)، به معنی رودرویی قدرت با قدرت، پایداری در برابر دشمن، ایثارگری در برابر اراده شخص و تسلیم نشدن در برابر مقاصد او و مقاومت کردن در برابر چیزهایی که با عدالت ناسازگار و ناهمگون باشد» (معلوف، ۲۰۰۹ م: ص ۶۶۳).

در اصطلاح علم اخلاق، مقاومت به معنای صبر است؛ آنگونه که مسکویه می‌گوید: «اما الصبر فهو مقاومة النفس الهوى لثلاث تنقاد لقبائح اللذات» (ابن مسکویه، ۱۴۲۶ ق: ص ۱۰۲) یعنی؛ صبر همان ایستادگی نفس در برابر خواهش‌هاست تا گرفتار لذت‌های زشت نشود. در اصطلاح علم سیاست واژه مقاومت معادل rebuff, opposition, stand, resistance است (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۷: ص ۴۱۷). معنای آن به ترتیب عبارت است از: مقاومت، ایستادن، مخالفت‌کردن و واکنش برای دفع‌کردن.

مقاومت، واکنش طبیعی و منطقی ملت‌ها و انسان‌های آزادی‌خواه و باشرف، در مقابل تجاوز، تهدید، زیاده‌خواهی و ظلم نظام سلطه و مستکبرین در هر نقطه از جهان است. اصل مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم، اختصاص به یک یا چند ملت و یا دین و آئین خاصی ندارد و در هر جایی که فطرت پاک و بیدار انسانی با زورگویی‌ها و ظلم‌ها مواجه شود، به‌عنوان یک ویژگی ذاتی، هرگونه ظلم و تجاوز را بر نمی‌تابد و به مقابله با آن برمی‌خیزد. این ویژگی و آرمان در داستان‌های پیشینیان و انسان‌های آزادی‌خواه به‌ویژه در زندگانی پیامبران الهی مشهود است؛ به‌عنوان مثال می‌توان به ایستادگی حضرت ابراهیم (ع) در برابر ظلم نمود، مقابله حضرت موسی (ع) با طغیان فرعون و پایداری حضرت محمد (ص) در برابر زورگویی‌ها و ظلم مشرکین و دیگر دشمنان الهی اشاره کرد.

آموزه‌های دین اسلام و آیه‌های متعدد در قرآن کریم، امت اسلام را به استقامت در برابر زورگویان و ظالمان توصیه می‌کند. خداوند متعال در آیه‌ای پیامبر و مؤمنان را به پایداری فرامی‌خواند. (فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (هود: ۱۱۲)؛ پس، همان‌گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. در آیه دیگر به تحسین انسان‌های مبارز و مقاوم در برابر ظلم پرداخته و می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) (فصلت: ۳۰)؛ در حقیقت،

کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

۳-۳. تعریف ادبیات پایداری

ادبیات پایداری شاخه‌ای از ادبیات متعهد است که با یادآوری ارزش‌ها و آرمان‌های ملت‌های آزادی‌خواه و دعوت به تسلیم‌نشدن در مقابل زورگویان و بازگویی ظلم و ستم آنان؛ همچنین معرفی شخصیت‌های مبارز، سبب برانگیختگی انسان‌ها و تقویت روحیه مبارزه و پایداری آنان می‌شود. با کاوش در پژوهش‌های گوناگون در حوزه ادبیات پایداری با تعاریف متعددی مواجه می‌شویم که با رویکردها و نظریات مختلف نقد و بررسی می‌شوند.

در کتاب واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، «ادبیات پایداری» این‌گونه تعریف شده است: «ادبیات مقاومت به شعرها، داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است. به‌طور معمول این نوع آثار در دوره خاصی به وجود می‌آیند و اگر هنرمندان پرداخته شوند، از ایده تنگ ادبیات قومی و ملی بیرون می‌آیند و به‌صورت شاهکارهای ادبیات، ماندگار می‌شوند. ادبیات مقاومت، اغلب به توصیف دل‌آوری‌ها، جدال‌ها و ازخودگذشتگی‌هایی می‌پردازد که ملتی یا قومی بر ضد ملت یا قومی دیگر که جریان متجاوز است از خود نشان می‌دهند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ص ۳۷).

برخی محققان و پژوهشگران ادبیات پایداری معتقدند، غالی شکرری نویسنده مصری، تعریف جامع و کامل‌تری را از ادبیات پایداری ارائه کرده است. وی در کتاب ادبیات مقاومت خود در تعریف این شاخه از ادبیات می‌نویسد: «ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع مستکبران داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید، برخی از این آثار پیش از رخ‌نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش چگونگی آن می‌پردازد» (شکرری، ۱۳۶۶: ص ۱۰). از این‌رو به عقیده پژوهشگران، تعریف وی از ادبیات پایداری یکی از جامع‌ترین تعاریف به شمار می‌رود؛ البته با توجه به گستردگی موضوعات و عناصر مقاومت می‌توان گفت جای نکته‌ای در تعریف فوق خالی است. غالی شکرری موضوع و محتوای آثار پایداری را تنها زشتی‌ها و فجایع مستکبران عنوان کرده است؛ درحالی‌که آثار پایداری علاوه بر بیان فجایع، به طرح دل‌آوری‌ها و پایداری انسان‌های مبارز در زمان وقوع فجایع و همچنین معرفی شخصیت‌های برجسته مقاومت به‌عنوان الگو نیز می‌پردازد.

«موضوع‌های ادبیات پایداری در جهان عرب بیشتر به انقلاب‌های لیبی و الجزایر برای آزادی از سلطه و استعمار ایتالیا و فرانسه و در مصر به انقلاب عربی محمدعلی پاشا علیه عثمانی‌ها و حرکت جمال عبدالناصر در مقابله با رژیم صهیونیستی و در عراق به انقلاب ۱۹۲۰

م به رهبری علمای شیعه در مقابله با استعمار انگلیس و در فلسطین که مهم‌ترین بخش ادبیات پایداری معاصر عرب است به پایداری فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی مربوط است» (گلی، ۱۳۹۴: ص ۷). به‌طور کلی می‌توان چنین گفت که «برخی از آثار داستانی عرب - به ویژه فلسطین - از پیامدهای جنگ جهانی اول بر اعراب سرزمین شام به طور اعم و فلسطین به طور اخص و همچنین جنگ اعراب و اسرائیل و مسئله اشغال فلسطین توسط اسرائیل سخن می‌گویند و نویسندگان عرب سعی می‌کنند دغدغه‌های عرب فلسطینی را در قبال طرح‌های استعماری و صهیونیستی که قصد تصرف میهن او را دارند، در آثار داستانی‌شان منعکس کنند و به نوعی بینش ملی «بیدارگرایانه ای را به آثار ادبی خود ببخشند» (بارونیان، ۱۳۸۷: ص ۸۴).

۴. مهم‌ترین مؤلفه‌های جهاد و مقاومت در شخصیت سیده سهام موسوی

در این قسمت به تحلیل جلوه‌های شخصیتی ام‌یاسر، قهرمان داستان «الوصول» براساس مؤلفه‌های جهاد و پایداری پرداخته می‌شود این مؤلفه‌های بر اساس کتاب «اندیشه مقاومت» اثر آیت الله سید علی خامنه‌ای تنظیم شده است:

۴-۱. زمان‌شناسی و وظیفه‌شناسی با توجه با شرایط مبارزه

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انسان طراز باید آگاهی او به وظیفه خود در هر زمان و مکانی باشد تا بتواند در مسیر هدف به درستی قدم بردارد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «علی العاقل أن یکون عارفاً بزمانه، مُقبلاً علی شأنه» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱۱۵) ترجمه: (انسان عاقل موظف است، مقتضیات زمان خود را بشناسد و به وظایف خویش متوجه باشد). با توجه به اهمیت وظیفه‌شناسی در اسلام سیده سهام نیز با تبعیت از دستورات اسلامی و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، وظایف خود را نسبت به مقاومت اسلامی به خوبی انجام داد:

«اشتهر طویلة من الجهد، لیس فی الخارج وحده فحسب، بل حتی فی داخل منزلها ظروف السید و کونه الأساس فی العلاقة مع الثورة و فی التدريب و الحرس الثوری، الاجتماعات و الضیوف آلتی جعلت المنزل خلیة نحل و طلابها و حوزة النساء درسها و تدریسهها، تریة الأولاد علاقاتها الاجتماعیة و حاجة الناس و هی آلتی تعتنی بكل التفاصيل و الوقت لیدیها یتسع دائماً ... الإهمال ممنوع إن علمت حاجة غیرها إليها» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۱۹۶).

ترجمه: سهام هم در خانه و هم بیرون از خانه بسیار کوشا بود از جمله آن گذراندن آموزش نظامی، ارتباط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شرکت در گردهمایی‌ها و پذیرایی از مهمانان تازوار که منزلش را به لانه زنبور عسل تبدیل کرده بودند جزء فعالیت‌های روزمره‌اش بود؛ همچنین می‌بایست به مسائل مربوط به طلاب و حوزة خواهران، برنامه‌های آموزشی و تدریس و تربیت فرزندان و همین‌طور روابط اجتماعی و رسیدگی به نیازهای مردم و ... نیز پردازد. او همه این امور را با همه جزئیاتش پیگیری می‌کرد ... گویا او قادر است زمان را آن‌قدر کش دهد تا به همه کارهایش برسد ... در نگاه او اهمال‌کاری مطلقاً ممنوع است.

«ومن اولویاتها مساعدة السيد عباس آلتی ترتفع وتیرتها، فحضور المقاومة وحزب الله یتمد ویتسع، وهی تتابع الدقائق والشوارد، تساعد هنا وتسمى هنا، فی نشاط دائم بین الفعل والكلام، ویزداد اعتماد السيد علیها وایمانه بقدرتها علی سد النواقص، واصبح یحتاجها أكثر من ای وقت مضی، ترافقه والی جانبه، وهو فی قلبها وعینها لا یغادر ابداً، وعلی لسانها ذكره حین یغیب فی رحله أو مهمة» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۲۳۴)؛ ترجمه: از اولویت‌های مهم او، همکاری با سید عباس در همه فعالیت‌ها است. این روزها این همکاری شتاب بیشتری گرفته است. حضور مقاومت و سازمان حزب الله در میان مردم بیشتر و گسترده‌تر شده است. او مسائل ریز را رصد می‌کند و در هر گوشه و کناری که بتواند با گفتار و رفتارش یاری می‌رساند. هر روز که می‌گذرد اعتماد سید به ایمان ام یاسر و توانایی‌اش در پرکردن خلأهای موجود بیشتر و بیشتر می‌شود. هم اکنون بیش از هر روز دیگر سید به او نیازمند است. ام یاسر همه جا در کنار اوست. سید را در میان چشم و قلب خود جای داده و لحظه‌ای از او جدا نمی‌شود و اگر سید احیاناً به سفری یا مأموریتی برود، پی‌درپی از او یاد می‌کند.

آنچه از این شواهد برداشت می‌شود این است که سهام زنی است که برحسب اتفاق به هدف بزرگ همسرش متصل می‌شود؛ اما در شرایط نمی‌ماند بلکه شرایط را مطیع خود می‌کند. شاید می‌توانست داستان زندگی او به نحوی پیش رود که تنها همسر یک قهرمان باشد و فرزندان او به مدرسه بفرستد و غذایی طبخ کند و گذران روز و شب کند؛ اما او هرگز تابع جبر نشد و سرنوشت را مجبور به تقدیم هدف به سمت خودش کرد. کار تا جایی پیش می‌رود که قهرمان داستان از تمام زیربوم کارهای رهبر خود، یعنی سیدعباس که اکنون وارث زنده او در هدف است آگاهی می‌یابد. درحقیقت ام یاسر همه مسائل مربوط به دبیرکلی سیدعباس را با جزئیاتش پیگیری می‌کرد و با تمام توانی که داشت او را در پیشبرد این مسئولیت یاری می‌کرد. پیوسته می‌خواند و می‌نوشت و سخن می‌گفت و بیشتر از گذشته به کارهای شخصی سید همت می‌گماشت. به چگونگی ظاهر و پوشش سید توجه می‌کرد و لحظه‌ای از کارهای شخصی سید حتی خوراکش غافل نمی‌شد؛ همچنین هم‌زمان با دغدغه بیشتری به مسائل فرهنگی جامعه اهمیت می‌داد و سعی داشت خلأهای فرهنگی موجود را از بین ببرد. سهام بیش‌ازپیش به مسائل مربوط به فقرا و نیازمندان رسیدگی می‌کرد و بین آن‌ها حضور می‌یافت و مشکلاتشان را پیگیری می‌کرد. بار سنگین مسئولیت حزب‌الله بر دوش او بود و رسیدگی به محرومان تحمل این مسئولیت سنگین را برای او آسان‌تر می‌کرد. به‌طورکلی می‌توان گفت در دورانی که سیدعباس دبیرکل حزب‌الله بود، سهام همچون معاونی تلاشگر و کارکشته به‌خوبی بخش زیادی از مسئولیت‌های سیدعباس را به عهده می‌گرفت و او را در مسئولیت بزرگش یاری کرد.

این موضوع بیانگر مؤلفه‌ای جز لزوم به‌روزر بودن و آگاهی و هوشمندی در تمامی مراحل تغییر شکل مسیر هدف نیست؛ همچنین لزوم تطبیق زمانی و مکانی برحسب شرایط مبارزه از

اساسی‌ترین شاخصه‌های یک قهرمان بر اساس مؤلفه‌های پایداری است.

۴-۲. تکریم شهدا

یاد شهدا و تکریم و بزرگداشت آنان، از عوامل تقویت روحیه مقاومت و پایداری در انسان‌هاست. خون امام حسین (ع) در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگترین مسئولیتی که از همان لحظه اول بر عهده امام سجاد (ع) و حضرت زینب کبری (س) قرار گرفت، این بود که پیام قیام عاشورا را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را به شکل‌های گوناگون منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و آن هدفی که امام حسین (ع) برای آن شهید شد یک امر ضروری بود. آن‌ها در هر شرایطی و هر مناسبتی نام امام حسین و شهادت ایشان و هدف بزرگ قیامش را برای مردم یادآور می‌شدند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۲۲۰).

«حین عاد السید یوماً، وکان علی صدره الكثير من الدماء، وحين طمأنها علی نفسه، اذ کان یساعد فی نقل شهداء من المقاومة، بکت حباً وهی تقبل الثیاب وتحضنها، تشمها وتمسح بها وجهها ثم تعاود احتضانها، وهی تبکی حباً وتدعو، ویاسر یری ذلک منها» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۲۲۳)؛ ترجمه: یک روز که سید از عملیات برگشته بود، ام یاسر دید لباسش در قسمت سینه به خون آغشته است. سید اطمینان داد که به او آسیبی نرسیده است و این خون‌ها در اثر انتقال شهدا به پشت جبهه بر روی سینه‌اش نشسته است. ام یاسر با عشقی که به رزمندگان داشت، گریست. لباس‌ها را که سید از تنش درآورد، به سینه‌اش چسباند و آن‌ها را بوید؛ سپس لباس‌ها را به صورت خود نزدیک کرد و آن‌ها را بوید و بر صورتش کشید و دوباره به سینه‌اش چسباند و برای رزمندگان دعا کرد و یاسر همه این صحنه‌ها را مشاهده می‌کرد.

در بخشی از داستان سهام در مقابل چشم فرزندان خود بر پیراهن‌های غرق خون شهدای مقاومت بوسه می‌زند و اشک می‌ریزد. بوسیدن خون شهدا روی پیراهن در مقابل چشمان فرزند، درسی است که غیرمستقیم به فرزند خود می‌آموزد که بهای تثبیت هدف، دادن خون‌های پاک است و در این راه از کشته‌شدن نباید ترسید. در این بخش قهرمان داستان دیگر از سهام بودن خارج شده است و ام یاسر است که بسیار نام‌آشنای زنان قهرمانی چون ام‌البنین (س) و ام‌وهب شده و اکنون مادر مجاهدان راه خداست.

۴-۳. خداباوری در مبارزه

ام یاسر روح معنویت و خداباوری را در خود نهادینه کرده است او راز و نیاز و ارتباط با خدا را از مؤلفه‌های مبارزه می‌داند و برای رزمندگان دعا می‌خواند تا اهمیت مبارزه همراه با تهذیب نفس و توکل را به آن‌ها متذکر شود. چراکه بسیار قهرمانانی بوده‌اند که فتوحات بسیار به‌جای گذاشته‌اند؛ اما ایمان محور نبوده‌اند و درنهایت نامشان با شکست به اتمام رسید:

«تتعامل مع الدعاء بطريقة خاصة، ویراها اولادها کتیرية فذة ابلغ من کل کلام الدنيا. تتوضأ وتلبس الحجاب فی الادعية الطويلة ذات الاثر البلیغ لیدیها کدعاء الندبة، توزع الادوار علی من

یستطیع القراءة من اولادها، لیقرأ کل واحد جزء من ذاک الدعاء، وبعد کل دعاء تدعو للمجاهدین ویردد خلفها الصغار بكل التأثر الذی یرونه فی عینها و نبرة الصوت. واصبحت تخص یاسر بالعناية والدلال وتقول: -ولدی المجاهد یاسر» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۲۲۴)؛ ترجمه: دعا کردن او با دعا کردن‌های دیگران تفاوت دارد. او معتقد بود دعا کردن در نزد کودکان نوعی تربیت کردن آن‌ها است و از هر کلامی می‌تواند رساتر و تأثیرگذارتر باشد. هنگامی که می‌خواست دعاهای طولانی مانند دعای ندبه که اثر عمیقی در روح و جانش دارد، بخواند، نخست وضو می‌گرفت و چادرش را می‌پوشید و بخشی از قرائت دعا را به هر یک از فرزندان‌ش که می‌توانست با او همراهی کند، واگذار می‌کرد؛ به گونه‌ای که هر کدام از بچه‌ها می‌توانستند در خواندن بخشی از دعا سهیم باشند و در پایان هر دعا برای رزمندگان دعا می‌کرد و کودکان نیز به تقلید از مادر همان دعاهای را زمزمه می‌کردند آن‌ها از چشمان مادر و لحن صدایش پی‌می‌بردند که تا چه حد تحت تأثیر این دعاهای قرار گرفته است. او برای یاسر به‌طور ویژه و عاشقانه دعا می‌کرد و می‌گفت: پسر مجاهدم یاسر.

هدف والای قهرمان داستان تشکیل اهل و خانواده‌ی خداوند و امت واحده و رستگار زیر لوای اسلام است. او برای این هدف، دریافته است که باید معلم تمام وقت حوزه باشد تا خلل و گسل زمانی در راه رسیدن به هدف ایجاد نشود. او و همسرش سیدعباس هم معلم و هم پدر و مادر این خانواده بزرگ هستند؛ چراکه هسته تشکیلاتی هر خانواده‌ای حضور پدر و مادر است. بی‌شک اگر قصد و دغدغه تشکیل این امت واحده، تنها از سوی سیدعباس بود، هرگز این هدف پایه‌گذاری نمی‌شد؛ زیرا وجود مادر ستون اصلی تشکیل و تربیت نسل یک خانواده موفق است. چه بسا حتی اگر سهام مادری معمولی بود و تنها دغدغه و دل‌مشغولی و دعای ساده مادرانه برای شکل‌گیری و تربیت این خانواده بزرگ (امت واحده) داشت نیز کار با این موفقیت و به این سرعت رشد نمی‌کرد. او اکنون خود را مادر تمام این خانواده واحد می‌داند. مادری که تمام زندگی خود را از قرآن و عترت به ارث برده است و همین مادر می‌داند که رسول‌الله (ص) فرموده‌اند: «دعای مادر از موانع اجابت دعا می‌گذرد» (طبرسی، ۱۴۱۸ ق: ص ۲۷۲).

او خود را موظف می‌داند که روز و شب برای رستگاری جوانان مجاهد امتش دعا کند. در این دعای مادرانه، دیگر یاسر با فرزندان دیگرش که نان‌آوران بی‌باک جهاد هستند فرقی ندارد؛ زیرا این جوانان و یاسرها خون به خدا می‌فروشد و مزد آن، یعنی نان شهادت و نیک‌نامی را از خدا می‌گیرند.

در این بخش داستان، قهرمان زن، روح معنویت و خدا‌باوری را با فرزندپروری درمی‌آمیزد و در دعاهایی که همچون فانوس و نشانه راه هدف آینده است، فرزندان و وارثان هدف را نیز با خود همراه می‌کند و برای رزمندگان دعا می‌خواند تا اهمیت مبارزه همراه با تهذیب نفس و توکل را به آن‌ها متذکر شود. چراکه بسیار قهرمانانی بوده‌اند که فتوحات بسیار به‌جای گذاشته‌اند؛ اما

ایمان محور نبوده‌اند و در نهایت نامشان با شکست به اتمام رسید. در این بخش ام یاسر حتی از فرزندپروری نیز پیشی می‌گیرد و تقویت روحیه ایمانی را به وارثان هدفش می‌آموزد.

۴-۴. امیدواری و تسلیم‌ناپذیری

وقتی انسان به فضل الهی و برکات الهی اطمینان پیدا می‌کند، اولین خاصیتش این است که فرد احساس قدرت می‌کند و احساس نیرومندی دارد، ضعف و ترس از او دور می‌شود. احساس دیگری که در انسان به وجود می‌آید، چون متکی به خدا و به قدرت لایزال و نعمت بی‌زوال است، ایجاد امید به آینده است. انسان امیدوار نیز به سمت رشد حرکت می‌کند. در نتیجه وقتی انسان، توکل و امید و اعتماد به نفس را دارا باشد، شکست‌ناپذیر خواهد شد و فرد به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، حرکت و پیشرفت تبدیل می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷: <https://khl.ink/f/40273>). توکل از جمله مؤلفه‌هایی است که باید همواره به همراه جهاد باشد. «جهاد و توکل مکمل یکدیگرند. جهاد، حمایت و پشتیبانی انسان از حق است و توکل در جهاد، اعتماد به حمایت و پشتیبانی خداوند از انسان است» (مطهری، ۱۳۵۸: ص ۱۳۷).

زن طراز اسلامی همواره به خدا امیدوار است و تسلیم ظلم نمی‌شود. ام یاسر نیز با ایمان قوی به نصرت الهی لحظه‌ای از مبارزه دست نکشید:

«و غالب الاحزان أم یاسر حتی کادت تغلبها، ومرضت تأثرا، کان غمًا عجیبًا وأسی بلا حدود.

استعانت بالله علی احزانه، لن یكون الرد بالحزن والذهول امام هذا المصاب الجلیل، وقامت من جدید، قامت بأحزانها، محفوظ هو والأسی فی زاویة القلب محاطاً بذکریاتها عن تلك العائلة الفریدة، مع کل ما تحمل لها أم یاسر من جمیل، بجانب الحزن والقلق علی السید موسی الصدر الذی ظل مصیره غامضاً، عامان بین اختفاء الأول واستشهاد الثانی، عامان و بینهما انتصار الثورة واشتداد العود فی العمل الجهادی فی ایران، وکیف تقاطرت الاحداث متسارعة بین الحزن والفرح، کل هذا زاد أم یاسر معرفة وقناعة بان تضعه فی عین الله» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ص ۱۹۰-۱۸۹)؛ ترجمه: اندوه همه وجود ام یاسر را فراگرفت و بر روح و جاننش مستولی شد. از شدت ناراحتی بیمار شد. او دستخوش اندوه و تأسفی پایان‌ناپذیر شده بود. از خداوند کمک گرفت تا بتواند بر این غم‌ها و غصه‌ها غلبه کند. غم و غصه و حیرانی از این مصیبت بزرگ هرگز نمی‌توانست برای همیشه پاسخگوی وجود او باشد. از میان همه این ناراحتی‌ها قامت برافراشت با اینکه گوشه قلبش از این مصیبت مجروح بود، راهش را پی گرفت و هیچگاه این مصیبت بزرگ فاصله نگرفت؛ چراکه پیوسته خاطرات این خانواده بی‌نظیر در ذهنش تداعی می‌شد و به یاد خوبی‌های این خانواده و محبت‌های آن‌ها می‌افتاد. او می‌بایست علاوه بر این مصیبت غم و نگرانی‌اش را نسبت به امام موسی صدر که دچار سرنوشتی دشوار و نامعلوم شده بود، پنهان می‌کرد. از ناپدید شدن امام موسی صدر تا به شهادت رسیدن سید محمدباقر صدر دو سال بیشتر

نگذشته بود. در میانهٔ این دو سال انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید. کار و تلاش مجاهدانه در ایران آغاز شده بود. در این برهه اخبار رخدادهای غم‌انگیز و گناه شادی‌بخش پی‌درپی و به سرعت به گوشش می‌رسید؛ اما او نه تنها از مسیری که برگزیده بود، عقب‌نشینی نکرد؛ بلکه همهٔ این مسائل موجب شد که او به باور و شناختی فزاینده دست یابد؛ باور و شناختی که به او گوشزد می‌کرد همهٔ عالم در محضر خداوند است.

انقلاب اسلامی ایران شرط هدف متعالی بود؛ اما کافی نبود. اهل خدا سال‌ها همراه با قهرمانان فرعی، همچون سیدمحمدباقر صدر و خواهرش بانو بنت‌الهدی صدر در اقلیم هدف خود زندگی کرده بودند و اکنون اقلیم کوچک آن‌ها در کنار کهکشان بی‌انتهای امت خداوند، به هم رسیده بود. کشورهای منطقه؛ ایران، عراق، لبنان و فلسطین و... همچون تخته‌سنگ‌هایی کنار هم بر روی رودخانهٔ موج حوادث سیاسی که سرمنشأ آن استعمارگران منطقه بودند، قرار گرفته بودند تا خانوادهٔ خدا و وارثان هدف به سلامت از روی آن عبور کنند. در این بین، امام موسی صدر، پدر خانوادهٔ خدا، در این رود بی‌رحم و وحشی ناپدید شد. در این موقعیت سهام بازهم از ادامهٔ راه خسته نمی‌شود و لزوم تغییر برحسب شرایط را باور دارد. او می‌داند که آرزو و هدف امام موسی صدر رسیدن به هدف متعالی و برقراری عدالت و آزادی لبنان بود. سهام و سیدعباس پیش‌ازاین در مرحلهٔ اول جهاد، به خداوند و خاندان صدر در عراق ثابت کرده بودند که با دست‌های خالی، اما ایمان قوی به نصرت الهی و ایدئولوژی و هدف متعالی، می‌توان به هدف اتحاد و پیروزی امت اسلامی رسید؛ اما اکنون وقت اثبات این توانایی به خودشان و مردم بود. مقاومت در برابر مرگ و بیم جان، ویژگی بزرگ قهرمانان نترس تاریخ است. سهام از درس دین خدا و ابویاسر آموخته است که رشد، ثمرهٔ امیدواری و تسلیم‌ناپذیری است. حتی اگر روزی مقاومت، پدر خود را از دست دهد و اشک یتیمی بر گونهٔ ملت آید، امیدواری مادر خانواده است که پس از یتیمی فرزندان، آیندهٔ آن‌ها را می‌سازد. چراکه به فرمودهٔ امام خمینی (ره)، از دامن زن است که مردان به معراج می‌روند.

یکی از مصداق‌های امیدواری و تسلیم‌ناپذیری، اعتقاد به وعدهٔ الهی است. «وعد در لغت به معنی عهد است» (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۲۷) و در اصطلاح عبارت است از «تعهدکردن به انجام امری، خواه آن امر خیر باشد یا شر و اختصاص پیدا کردن به یکی از آن‌ها به واسطهٔ قرینه، معین می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۲۱۹). سیده سهام همواره به وعدهٔ الهی امیدوار بود:

«.. باجتاح الجیش الاسرائیلی جنوب لبنان، ثم يتمدد فی سرعة فائقة إلی بیروت، بلا مقاومة تذکر، رغم وجود السلاح و المسلحین، کأن کل ذلك الوجود المسلح لم یکن الا وهما أو وجوداً من ورق، وجود خاو فارغ من الداخل. وتتساءل أم یاسر، ما الذی میلاً الداخل ان لم یمتلی بالله، وذاک الخواء المغلق یثبت عندها ما کانت تراه» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ۱۹۵)؛ ترجمه:

«... ارتش اسرائیل طی حمله برق‌آسا تا نزدیکی‌های بیروت پیشروی می‌کند و در مقابل هیچ مقابله شایان و تأثیرگذاری از سوی جامعه مسلح لبنان مشاهده نمی‌شود... نیروهای مسلحی که از درون پوک و خالی‌اند... او می‌پرسد: به‌راستی وجودی که از خدا پر شود، از چه چیز دیگری پر می‌شود؟...»

جهاد برای خدا حلقه مفقوده مبارزان جنوب لبنان است؛ زیرا مبارزه، بدون امید به وعده الهی و تحقق پیروزی و خوارشردن مرگ و زندگی زودگذر دنیا، به یک مسابقه ورزشی می‌ماند که تنها به برد و باخت ختم می‌شود؛ اما او در پی پیروزی جاودانه حق بر باطل است. چیزی که نصرت آن را خداوند وعده داده است. از این رو، سهام با دست‌های خالی و با کمترین نیرو، تنها به امید خدا و مدد‌های غیبی، شبیه به غزوه‌های کم نفرات پیامبر (ص) در صدر اسلام، آموزش بانوان طلبه و فرستادن آن‌ها به روستاها و شهرهای مختلف لبنان را شروع می‌کند. بدون آنکه واهمه‌ای از تکرار روزهای فقر و قناعت داشته باشد. چراکه خداوند هر که را در مسیر او قدم بردارد نصرت می‌دهد. همچون انقلاب اسلامی ایران و جبهه‌های حق علیه باطل که پیشوای مستضعفان جهان؛ امام خمینی (ره) نصرت الهی را وعده داده بود. (مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ إِتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ (عنکبوت، ۴۱)).

۴-۵. ولایت‌محوری و ولایت‌پذیری

پس از ربوده شدن امام موسی صدر، از آنجا که هر انقلاب اجتماعی نیازمند رهبر زنده است، در این موقعیت، خانواده شهیدان موسوی، به‌عنوان وارثان جدید گذشتگان و والدین امت خدا، باید نهال نحیف مقاومت را به درخت تنومند رهبری امام خمینی (ره) تکیه دهند. از این رو خانواده مقاومت لبنان؛ شامل سیدعباس موسوی و شیوخ و مبارزان، برای بیعت با پیشوای مسلمانان جهان، به تهران رهسپار می‌شوند:

«وتتعلق أم یاسر بشخصية الإمام الخميني وتتابع كل خبر أو مقال، خطاب منه أو كلام. ياسرها حضوره الهاشمي، تقرأ له وتقرأ عنه، وتساءل السيد عباس، لتزداد تعلقاً به، وإيماناً بانتصار ثورته ألتى هي في وجدانها مباركة مدعومة بحول من الله وقوته، تشارك في الدعاء وفي النداء، في صرخات الله أكبر ألتى كانت تتردد على اسطح المنازل في الوقت الذي يحده الامام، وفي كل ما تستطيع من اساليب دعم وولاء، وتشعر بالانتماء لهذا الفكر الثوري، المؤمن بالقدرة على التغيير، تشعر بأنها جزء من تلك الثورة، وتحمل لواءها أينما حلت» (الأمين، ۲۰۰۰ م: ص ۱۸۶)؛ ترجمه: ام یاسر به شخصیت امام خمینی (ره) تعلق خاطر خاصی داشت. خبرها و گفته‌ها و سخنرانی‌هایش را به دقت پی‌می‌گرفت؛ گویا نفس این سید هاشمی دل او را اسیر خود کرده بود. از این شخصیت نکاتی را می‌آموخت و برای مردم بازگو می‌کرد. در این باره از سید عباس نیز پرس‌وجو می‌کرد و با این کار می‌کوشید ایمان و تعلق خاطرش به پیروزی این انقلاب افزوده شود؛ انقلابی که در نگاه او مبارک بود و از پشتیبانی و حمایت الهی برخوردار بود. او در جلسات دعا

و در فراخوانی‌هایی که صورت می‌گرفت، مشارکت می‌کرد. در ساعتی که امام خمینی (ره) تعیین می‌کرد، همرا با مردم به پشت‌بام خانه‌اش می‌رفت و فریاد الله اکبر سر می‌داد و از همه روش‌ها در ابزار دوستی و پشتیبانی از آن بهره می‌گرفت و احساس می‌کرد از درون دل بسته این تفکر انقلابی است که در ایران شکل گرفته است؛ تفکری که به توانایی انسان در ایجاد تغییر در سرنوشت جامعه ایمان دارد. او خود را جزئی تفکیک‌ناپذیر از این انقلاب می‌دانست و پرچم جانبداری از آن را در هر کجا که بود، به دوش می‌کشید.

«یمتد جسر التواصل بین السید عباس والثورة الاسلامیة فی ایران، فی تواصل یقوی یوماً بعد یوم، و تمتد ید المساعدة من هذه الثورة الفتیة الام، ویذهب السید عباس إلى هناك، ویحصل علی رعاية من الإمام وتأيید ودعم و یأتی بعزم جدید» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۱۸۸)؛ ترجمه: پل ارتباطی میان سید عباس و انقلاب اسلامی در ایران همچنان برقرار بود و روز به روز تقویت می‌شد و انقلاب که چون نهالی تازه‌پا در حال رشد بود، دست کمک به‌سوی هم‌فکرانش دراز کرده بود. سید عباس به ایران رفت و به عنایت و تأیید و پشتیبانی امام خمینی (ره) دلگرم شد و با عزمی نو به لبنان بازگشت.

در بخشی از کتاب آمده است؛ ام‌یاسر شب‌ها به همراه نزدیکان در ساعتی که مقرر شده بود به پشت‌بام می‌رفت و برای پیروزی انقلاب اسلامی ایران ندای الله اکبر سر می‌داد تا پشتیبانی خود را از امام خمینی (ره) و مبارزان ایران اسلامی نشان دهد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) پیروز شد و این شادی نصیب قلب ام‌یاسر شد.

انقلاب اسلامی پشتوانه‌ای عمیق براساس اسلام دارد و آویختن به این حبل‌المتین، رستگاری تمامی انقلاب‌های مردم‌سالار را دربردارد. بسیاری از انقلاب‌های خاورمیانه و بیداری اسلامی سال‌های اخیر، به این رشته محکم الهی به رهبری امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای چنگ زده‌اند و به آزادی در راه جهاد و مقاومت رسیده‌اند. سهام نیز نیک می‌داند که رویش گیاه نوپای مقاومت لبنان احتیاج به تیکه‌زدن به درخت تنومندی؛ همچون امام خمینی (ره) دارد. مردی هاشمی که مانند سیدعباس از نسب رسول‌الله است و آیتی برای آنکه نشان دهد راه را تاکنون درست آمده‌اند. بنابراین وقت آن رسیده است که همانند بانو «مرضیه دباغ» بیعت و وفاداری خویش را با پدر انقلاب‌های اسلامی جهان و قهرمان آزادگان عالم؛ حضرت امام خمینی (ره)، ثابت کند و در این راه برای پاسداشت انقلاب اسلامی ایران، مشتش با مشت مردم ایران و جنوب لبنان در شب‌های بهمن ۱۳۵۷ ه.ش بالا می‌رود و در مناره دهانش گلبانگ الله اکبر سر می‌دهد. این نتیجه‌ای بر اساس خواستگاه قیام‌های الهی است که در آن مؤلفه‌های پایداری نه‌تنها جنسیت نمی‌شناسند؛ بلکه بفرموده حضرت روح‌الله، از دامن حمایت زن، مردان آزاده به معراج شهادت می‌رسند.

در بهمن ۱۳۵۷ ه.ش انقلاب اسلامی ایران به رهبری پیشوای تمامی شخصیت‌های مبارز

داستان به پیروزی رسید. «جوانان مقاومت به رهبری سیدعباس موسوی برای بیعت با ایشان در سال ۱۳۵۸ ه.ش رهسپار ایران شدند. حسین شیخ‌الاسلام در خاطرات خود دربارهٔ اولین دیدار امام خمینی (ره) با نیروهای مقاومت لبنان می‌گوید: «قبل از سیدعباس موسوی ابوحسن رعد دبیرکل بود. حاج حسین خلیل، سیدحسن نصرالله، ابوهشام، سیدابراهیم امین یک گروهی بودند که از داخل امل انشعاب کردند و به‌عنوان حزب‌الله به تهران آمدند. ما با آن‌ها جلسه گذاشتیم. خیلی این جلسات برای من آموزنده بود. یعنی از این مبارزان لبنانی درس سیاست خارجه گرفتم. آن‌ها خدمت حضرت امام خمینی (ره) رفتند و عقایدشان و اصولشان را خدمت حضرت امام ارائه کردند. حضرت امام در اموال بیت‌المال خیلی حساسیت به خرج می‌داد. ما برای سیاست خارجهٔ غیررسمی مان هرچه از ایشان پول درخواست می‌کردیم خیلی سخت موافقت می‌کرد؛ ولی برای حزب‌الله - که آن موقع اسمش هم حزب‌الله نبود - خیلی امام دست‌ودل‌باز برخورد کرد. وقتی ایشان این برخورد را کرد، ما فهمیدیم که باید روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرد. توضیحی هم که مبارزان حزب‌الله برای حضرت امام دادند توضیح ضد رژیم صهیونیستی و مقاومتی بود. ما در کمک‌کردن به حزب‌الله از دیدگاه حضرت امام هیچ محدودیتی نداشتیم، به‌ویژه که جنبهٔ ضدصهیونیستی در آن ملاقات خیلی برجسته بود. بعدها آن‌ها فرمایشات حضرت امام در رابطه با لبنان و فلسطین را به‌عنوان یک منشور درآوردند که هدفش را آزادی فلسطین و قدس گذاشته است» (شیخ‌الاسلام، (۱۴۰۰): <https://irdc.ir/fa/news/7551>) در سفری که سهام به همراه همسرش به تهران داشتند موفق به دیدار با امام خمینی (ه) شدند و امام مجاهدت‌های حزب‌الله را تأیید کردند:

«خطر إلى بالها ذلك الطلب حين ذهب إلى إيران، كانت في صحة السيد عباس، ومعها ولدها محمد، عسى أن تكون ارادة الله في شفائه مما هو فيه ببركة الإمام الخميني، ويلمسة من يده. حين اقتربت هي ومن لهم نفس حاجتها من الإمام وحركة الإمام معروفة في وجود النساء فهو لا ينظر إلى امرأة نظرة ثابتة ولو لجزء من الثانية، فطلبت من الله في قرارة نفسها أن ينظر إليها الإمام إن كانت ستشهد في صحة السيد عباس. كإشارة يطمئن لها القلب» (الأمين، ۲۰۰۰ م: ص ۲۳۶-۲۳۷)؛ ترجمه: در سفرش به ایران، این خواسته را به یادآورد. به همراه سید عباس و پسرش محمد به ایران رفته بود. او در این سفر امیدوار بود که به برکت دستی که امام خمینی (ره) بر سر محمد می‌کشد، خداوند کودکش را شفا دهد. در این دیدار او همراه چند نفر دیگر که همین خواسته را از امام داشتند، نزدیک امام خمینی (ره) می‌شود. او می‌داند امام خمینی (ره) به خانم‌ها نگاه نمی‌کند و در چهرهٔ هیچ زنی حتی کمتر از ثانیه‌ای خیره نمی‌شود. در همان لحظه در عمق جاننش این نیت را کرد که اگر او همراه سید عباس به شهادت خواهد رسید، لحظه‌ای به چهره‌اش نظر کند و او این نگاه را علامتی برای اطمینان قلبی خود بشمارد.

در سفری که سهام به همراه همسرش و اعضای حزب‌الله به تهران داشت، موفق به دیدار امام

خمینی (ره) شد و امیدوار بود به برکت دست رحمت امام خمینی (ره) بر سر کودک معلولش، شفا بیابد. در همان لحظات تصور شهادت هم‌زمان خودش و همسرش از ذهنش عبور کرد. به او گفته بودند امام ولو ثانیه‌ای به زنی نگاه نمی‌کند؛ اما او که آرزوی شهادت همیشه در قلبش بود، در ذهن خود قراری گذاشت که اگر خدا شهادت خود و همسرش را به آنان عطا می‌کند و مجاهدت‌هایش مورد رضای اوست، امام خمینی (ره) لحظه‌ای به او نگاه کند که این چنین شد و سهام به یقین رسید که این هدیه الهی پس از سال‌ها مجاهدت به او و همسرش عطا خواهد شد.

یاسر موسوی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری تسنیم می‌گوید: «دیدارهای بسیاری با امام داشتند و در یکی از دیدارها مادرم و حسین هم همراه او بود و دفعه دیگر محمد همراهش بود. به خاطر کار، دیدارهای زیادی داشتند. در یکی از دیدارها شهید سیدعباس همراه گروه شورا به ایران نرفت و در لبنان ماند. یک قانونی وجود دارد که می‌گوید وقتی همه برای شورا به ایران می‌روند باید یک نفر در لبنان بماند و سیدعباس ماند و امام در مورد سیدعباس پرسیده بود و گفته بود کجاست او را میان شما نمی‌بینم؟ گفته بودند او در لبنان مانده و ایشان گفته بود که من بسیار ایشان را دوست می‌دارم و به او علاقه‌مند هستم.

در یکی از دیدارها سید عباس نزد امام بود و همراه وی مادر و خواهر در هتل استقلال یا آزادی بودند و برای ناهار نیامده بود. وقتی آمد مادر از او پرسیده بود برای ناهار نیامدی و ما ناهار منتظرت بودیم. گفت کسی که ناهار از طرف امام دعوت باشد و با او بخواهد هم‌سفره شود به ناهار اینجا نمی‌رسد؛ ناهار آن روز امام عدس پلو بود و او بسیار متأثر شده بود. سید همچنین عکسی دارد کنار تابوت شیشه‌ای امام که به فاصله سه متر از آن گرفته است. ایشان به امام گفته بود فکر کنم بعد رفتن شما امام زمان ظهور کند و این نشان تعلق خاطری بود که ایشان به امام داشتند» (موسوی، ۱۳۹۳: 286032 // <https://tn.ai>).

۴-۶. بخشش و انفاق در راه مقاومت و پشتیبانی

بخشش و انفاق یکی از مؤلفه‌های مهم برای ابراز حمایت از مقاومت است چرا که افراد علاوه بر جان با اموال خود نیز در راه خدا جهاد می‌کنند همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) (توبه، ۲۰)؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند. انفاق در لغت عبارت است از: «اخراج مال از ملک (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۱۲۱) و در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، اعطای چیزی از مال و غیر مال و از واجب و غیر واجب است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق: ذیل واژه نفق). سهام در طول زندگی خود همواره به مسئله انفاق در راه مقاومت توجه داشته است:

«وإن لم يستجیبوا تظل هي وابتسامتها والكلمة الطيبة، والفعل قبل العمل، سعت إلى دعم

المقاومة. تبرعت بالعقد الذي جاءها هدية والذي لا تملك سواه، تبرعت بما تستطيع الاستغناء عنه في منزلها. حتى ادوات المطبخ، الادوات الكهربائية آلتی تستطيع الاستغناء عنها بالعمل يدويا» (الأمین، ۲۰۰۰ م: ص ۲۱۶)؛ ترجمه: اگر حرفش را نپذیرفتند و دعوتش را پاسخ ندادند، او می‌ماند و لبخند همیشگی و سخنان پاک و گوارایش. قبل از هر کاری سعی می‌کند نخست وظیفه خود را در قبال مقاومت و پشتیبانی از آن به درستی انجام دهد؛ بنابراین گردنبدن طلابی را که برایش هدیه آورده‌اند و تنها چیز باارزشی است که دارد، داوطلبانه وقف مقاومت می‌کند. در امکانات و وسایل خانه نیز تا می‌تواند صرفه‌جویی می‌کند. برخی از وسایل آشپزخانه و لوازم خانگی برقی را که در آشپزخانه دارد و می‌تواند به کمک دستانش از آن‌ها بی‌نیاز شود، به جبهه مقاومت هدیه می‌کند.

در تاریخ مسلمانان، بی‌شک اگر ام‌المؤمنین حضرت خدیجه (س) در مصائب اقتصادی از جمله شعب ابی‌طالب (ع) و با مهمانی‌های تبلیغی و سفرهای خارج از مکه در کنار پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) نبودند، اسلام این چنین رشد نمی‌یافت. سهام فرزند همان ام‌المؤمنین است که روزی تمام ثروت خود را در راه ترویج و تبلیغ دین اسلام؛ در اختیار همسرش قرار داد. او دریافته است که در بخشیدن است که یک دانه بذر که امروز برای دین خدا می‌بخشد، دست‌به‌دست در بین امتش به هفت دانه و سپس هفتادها بذر در دست آیندگان و وارثان تبدیل می‌شود؛ چرا که اگر امروز در بحبوحه جنگ به فراخوان امامش گوش بسپارد و بهای جهاد را با حتی کوچک‌ترین چیزی که در منزل دارد بپردازد، فردا مقاومت برای وارثان هدف متعالی، بیمه می‌شود. اگرچه در اسلام جهاد مستقیم نظامی بر زن واجب نشده است؛ اما طبق الگوی موفق جهاد پشتیبانی بانوان ایران در هشت سال دفاع مقدس، سهام نیز که زنی از پیشوای سیاسی جریانات کشور است، جهاد انفاق را می‌آموزند و با مال و جان جهاد می‌کنند و درحقیقت او با انفاق، خدا را مشتری خود می‌کند و کیست آنکه با خدا تجارت کند و سودی هزاران برابر به دست نیاورد. چرا که خداوند بر اساس آیه ۲۶۱ سوره بقره فرموده است:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره، ۲۱۶).

پس از تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان، ام‌یاسر - تا آنجا که امکان می‌یابد - در کنار همسرش، به فعالیت در حزب‌الله می‌پردازد، به خانواده‌های شهدا و اسرا سرکشی می‌کند، به فرزندان شهدا رسیدگی می‌کند. در کنار همه این‌ها، از فعالیت‌هایی همچون شستن لباس رزمندگان و جمع‌آوری کمک‌های مالی برای حزب‌الله و خانواده‌های شهدا نیز فروگذار نمی‌کند. یاسر موسوی، فرزند بانو سهام موسوی روزی را به یاد می‌آورد که یکی از همسران شهدا به نزد ام‌یاسر می‌آید و از او کمک می‌خواهد. به او می‌گوید که حتی مقداری نفت برای گرم کردن خانه‌شان ندارند و ام‌یاسر هم، دوتخته فرش خانه‌اش را به او می‌بخشد و هنگامی که پدر به خانه بازمی‌گردد و

از جریان مطلع می‌شود، از شادمانی داشتن همسری چنین مؤمن و بخشنده، خدا را شکر می‌کند. تصویر زیر از ام‌یاسر در کنار طلاب حوزه الزهراء در جبهه پشتیبانی ثبت شده است.

۴-۷. جانفشانی در راه حق

شهادت‌طلبی و جانفشانی در راه خدا بالاترین آرزوی هر مبارز مسلمان است. ام‌یاسر نیز کم‌ترین تردیدی در این هدف نداشت:

«ثم يأتي اغتيال الشيخ راغب، ذاك الشيخ الذي تعرفه وتعرف عنه الكثير مذ كان في النجف الاشرف، وتحول حزنها غضبا، وغضبها عملاً مكثفًا، ولم تدخر جهدًا، حملت راية المقاومة ونصرتها لتصبح هي همها الاول، حين ارتفعت مع اغتياله وتيرة المقاومة، وبدأ اسمها يزداد حضورًا كمقاومة اسلاميه تأخذ مكانها في الصراع، فاعلة قوية مهابة، ليصبح وجودها مع الوقت بالغ الاثر» (الأمين، ۲۰۰۰ م: ص ۲۱۷)؛ ترجمه: پس مدتی شیخ راغب حرب به دست نیروهای اشغالگر ترور می‌شود. ام‌یاسر این روحانی مبارز را به خوبی می‌شناسد و از قدیم در نجف اشرف درباره او بسیار شنیده است. اندوه و خشمی که از این ماجرا در دلش می‌افتد، او را به عنصری فعال و پرتلاش تبدیل می‌کند. با تمام توان پرچم مقاومت و کمک‌رسانی به مقاومت را به عنوان مهم‌ترین دغدغه زندگی‌اش بر دوش خود حمل می‌کند. با ترور شیخ راغب حرب روند مقاومت مردم سریع‌تر می‌شود و نام این شهید و یاد او در همه صحنه‌های درگیری حضوری جدی و تأثیرگذار دارد و آثار عمیقی در میدان‌های نبرد برجای می‌گذارد.

رهبران بزرگ مبارزات میدانی از قبیل سرداران بزرگ جبهه‌ها بارها و بارها در جنگ‌ها هم‌زمان کلیدی خود را از دست داده‌اند؛ اما آنچه مهم است حفظ روحیه کل قوا است. از سویی، حفظ روحیه مقاومت در خاندان عصمت و طهارت (ع) امری ذاتی و الهی است. پس از شهادت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) بانویی نترس علمدار کربلا می‌شود که زینب کبری (س) است. سهام وارثی از سلاله این خاندان است؛ بنابراین، به‌طور ذاتی از خاندان خود، مقاومت را به ارث برده است. از سوی دیگر سهام با مطالعات فراوانش در علوم دینی و شاگردی در محضر اساتید بزرگ، به این مهم دست یافته که جهاد و مقاومت فریضه‌ای الهی بر گردن انسان است. ام‌یاسر می‌داند هر عضوی از یک خانواده که همسر یا فرزندی به راه مقاومت عطا کرده باشد، سند حقانیت قیام‌لله را امضا کرده است و این نشانه‌ای از حقانیت هدف متعالی است. بنابراین پاسداری خون شهدا و جانبازان و زحمات ایثارگران و آزادگان مقاومت، گوشه‌ای از مؤلفه‌های پایداری است که تکیه و توسل به صبر را در راه هدف، تبیین می‌کند و نهال آزادی را بارور می‌سازد.

خانواده مقاومت مرید امامی هستند که فرمود: «بریزید خون‌ها را؛ زندگی ما دوام پیدا می‌کند. بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود. ما از مرگ نمی‌ترسیم و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می‌کشید. برای اینکه منطبق ندارید.

اگر منطق داشتید که صحبت می‌کردید، مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است! منطق اسلام ترور را باطل می‌داند. اسلام منطق دارد؛ لکن با ترور شخصیت‌های بزرگ ما، ... اسلام ما تأیید می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۷، ص ۱۸۳)؛ بنابراین، نتیجه این ترور، نه تنها شکست و ناامیدی نبود که به ورود سیدعباس موسوی برای رهبری جوانان مقاومت لبنان به منظور آماده‌سازی میدان جهاد و انتقام خون شیخ مقاومت انجامید.

نتیجه‌گیری

ازجمله زنان پیشتاز در میدان جهاد در نهضت‌های معاصر، شهید سیده سهام موسوی (ام‌یاسر) همسر سیدعباس موسوی، دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان است با بررسی شخصیت این بانوی طراز اسلامی در رمان «الوصول» مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری در ایشان نمایان می‌شود: سیده سهام زنی است که برحسب اتفاق به هدف بزرگ همسرش متصل می‌شود؛ اما در شرایط نمی‌ماند بلکه شرایط را مطیع خود می‌کند و از اولویت‌های همیشگی او همکاری با سیدعباس در همه فعالیت‌هاست؛ به‌همین خاطر لزوم به‌روزی‌بودن و آگاهی و هوشمندی در تمامی مراحل تغییر شکل مسیر هدف؛ همچنین لزوم تطبیق زمانی و مکانی برحسب شرایط مبارزه از اساسی‌ترین شاخصه‌های یک قهرمان بر اساس مؤلفه‌های پایداری است. توکل و امیدواری به وعده الهی ازجمله مؤلفه‌هایی است که باید همواره به همراه یک مجاهد باشد. ام‌یاسر در صحنه‌های مختلف داستان سعی دارد روحیه توکل و امید، همراه با جهاد و ایثارگری را در وجود فرزندان خود که وارثان آینده میدان جهاد او خواهند بود نهادینه کند. یاد شهدا و تکریم و بزرگداشت آنان، از عوامل تقویت روحیه مقاومت و پایداری در انسان‌هاست و سیده سهام با تکریم فرزندان شهیدان در پی آن بود تا جایگاه شهیدان را در جامعه گرامی دارد. در کنار همسرش، به خانواده‌های شهدا و اسرا سرکشی می‌کند و به فرزندان شهدا رسیدگی می‌کند

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ام یاسر ولایتمداری و اطاعت ایشان از امام خمینی (ره) بود و بسیار پیش و پس از فقدان امام موسی صدر، ام‌یاسر و همسرش، هدف بزرگ خود را وامدار انقلاب اسلامی ایران و رهبر آزادگان جهان حضرت امام خمینی (ره) می‌دانستند.

مهم‌ترین جلوه‌های انفاق ام یاسر عبارتند از: جمع‌آوری کمک‌های مالی با حفظ کرامت برای جبهه مقاومت و خانواده شهدا؛ جمع‌آوری کمک برای اسکان خانواده‌های مناطق جنگ‌زده و یا بیوت المستوره؛ فروش وسایل شخصی زندگی برای کمک به خانواده شهدا و رزمندگان و ارسال کمک به جبهه‌ها.

شهادطلبی دیگر مؤلفه‌ای است که سیده سهام و همسرش به آن معتقد بودند و در مسیر مقاومت نیز جان خود را فدا کردند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، ضیاء الدین. (۱۴۱۸ ق). النهایة فی غریب الحدیث. الطبعة الاولى. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۴۲۶ ق). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. قم: طلیعه نور.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹). صحیفه نور. چاپ پنجم، جلد ۱۶ و ۶ و ۷ و ۱۴. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- الأمین، عبدالقدوس. (۱۳۹۷). هم قسم. ترجمه احمد نظری. چاپ اول. مشهد: به نشر.
- الأمین، عبدالقدوس. (۲۰۰۰). الوصول، الطبعة الاولى. بیروت: دارالولاء.
- بارونیان، حسن. (۱۳۸۷). شخصیت پردازی در داستان های کوتاه دفاع مقدس. چاپ اول. تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- حسینی خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۸). اندیشه مقاومت. گردآورنده سعید صلح میرزایی. چاپ اول. تهران: انقلاب اسلامی.
- حسینی خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۷). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40273:1397/5/22>.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ ق). مفردات الفاظ قرآن کریم. چاپ چهارم. دمشق: دارالقلم.
- زبیدی، محمد مرتضی. (۱۳۰۶ ق). تاج العروس. بیروت: مکتبه الحیاة.
- شکری، عالی. (۱۳۶۶). ادبیات مقاومت. ترجمه محمد حسین روحانی. تهران: نشر نو.
- شیخ الاسلام، حسین. (۱۴۰۰). اولین دیدار امام خمینی با مجاهدان حزب الله. <https://irdc.ir/fa/news/7551>: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۴۱۸ ق). مشکاة الانوار. قم: مؤسسه الثقافیه دارالحدیث.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. الطبعة الثانية. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). اصول الکافی. المجلد ۲، تهران: دارالکتب العلمیه.
- گلی، حسین. (۱۳۹۴). «جستاری در تاریخچه ادبیات مقاومت»، همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن. چاپ اول. تهران: مرکز نشر کتاب.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). بیست گفتار. چاپ پنجم. تهران: صدرا.
- معلوف، لوئیس. (۲۰۰۹ م). المنجد فی اللغة. الطبعة الاولى. بیروت: دار المشرق.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. چاپ سوم. تهران: زرین.
- موسوی، سید یاسر. (۱۳۹۳). پدرم اولین کسی بود که در لبنان آیت الله خامنه‌ای را «امام» خطاب کرد. <https://tn.ai/>. ۱۳۹۲. ۲۸۶۰۳۲. 1392/11/28.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. چاپ اول. تهران: کتاب مهناز.
- نوروزی خیابانی، مهدی. (۱۳۸۷ ش). فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی (فارسی-انگلیسی). چاپ چهارم. تهران: نشر نی.



تحركات نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوب غرب آسیا پس از بحران سوریه

امیر حسین الهامی^۱، ابوالفضل کاوندی کاتب^۲، محمداصادق جلالی راد^۳

چکیده

رژیم صهیونیستی نه تنها همچنان ماهیت ستیزه‌جویانه و اشغالگر خود را حفظ کرده بلکه با ارائه راهبردهای تهاجمی به‌ویژه پس از بحران‌های منطقه‌ای دهه اخیر، آن را تقویت نیز کرده است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر آن است تا با شناخت موقعیت و وضعیت رقابت نظامی کشورهای منطقه، تحركات و فعالیت‌های نظامی رژیم صهیونیستی در جنوب غرب آسیا را پس از بحران سوریه مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (هدف)؛ پژوهش حاضر از جنبه هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. به دلیل مطالعه گذشته‌نگر، از منابع و اسناد کتابخانه‌ای و برای تکمیل ناشناخته‌ها، مصاحبه‌ای نیز با ۶ نفر از متخصصان مسائل رژیم صهیونیستی صورت گرفت (روش). یافته‌ها نشان داد، رژیم صهیونیستی راهبردهای نظامی کلان برای همه کشورهای منطقه و راهبردهای جزئی برای کنترل و نزدیک‌تر شدن به تک‌تک کشورهای منطقه را طی دهه گذشته در پیش گرفته است. رژیم صهیونیستی در دهه گذشته، با کشورهای اردن، امارات، بحرین، فلسطین و عربستان تعامل نرمی داشته و در مقابل با کشورهای حوزه جبهه مقاومت، یعنی جمهوری اسلامی ایران، سوریه، لبنان و یمن بیشترین تقابل سخت را داشته است (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: رژیم صهیونیستی، بحران سوریه، منطقه جنوب غرب آسیا، تحركات

نظامی

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.2.4.7

دوره ۱۳، شماره ۲،
پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۵/۰۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۶/۰۹
صص: ۱۱۰-۷۷

شابا: ۲۳۲۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

پژوهشی هفت گانه در
JOURNALS.MSRT.IR

* این مقاله برگرفته از پروژه پژوهشی پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس است.

۱. استادیار گروه جغرافیا، محیط زیست و پدافند غیرعامل، پژوهشگاه امنیت داخلی پژوهشگاه علوم و

معارف دفاع مقدس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) amelhami@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته فوق دکتراى جغرافیای سیاسی، پژوهشگر مستقل، تهران، ایران -

akkateb@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دکتراى سیاست‌گذاری عمومی، پژوهشگر مستقل، تهران، ایران -

mohammad_jalalirad@yahoo.com

مقدمه

رژیم صهیونیستی همواره اقدامات دامنه‌دار و پرمعنایی را در منطقه دنبال می‌کند و دارای قابلیت‌های گسترده نظامی متعارف، زرادخانه هسته‌ای، قدرت اقتصادی و فناوری برای تأثیرگذاری بر سازوکارهای منطقه‌ای و سیاست بین‌المللی است. به کارگیری نیروی نظامی، گسترش سرزمینی، رد پیمان بازدارندگی از گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای و شهرک‌سازی، همگی سیاست خاورمیانه‌ای آن را شکل داده است. رژیم صهیونیستی منابع خود را در حالت جنگ مداوم و رویارویی با تهدیدهای روزانه و بر امنیت متمرکز کرده (لویت^۴، ۲۰۱۶: ۱۰۲)، و همواره از نیروی نظامی برای خنثی کردن تلاش‌های پی‌درپی اعراب در برابر خود استفاده می‌کند. لذا از ابتدا سنگ بنای دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی، با توجه به عدم تقارن در وسعت، جمعیت و منابع در مقایسه با اعراب، دستیابی به قدرت نظامی بود.

اساس پژوهش بر شناخت واقعیت‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی طی یک دهه گذشته در گسترش ارتباطات و نفوذ منطقه‌ای در جنوب غرب آسیاست. ارزیابی راهبردهای این رژیم به صورت منطقه‌ای و کشور به کشور و کشف علایق آن برای هر یک می‌تواند ما را در درک بهتر راهبردهای کلان این رژیم و اتخاذ راهبردهای مقابله‌ای کمک کند. حضور فعال و چندلایه رژیم صهیونیستی در منطقه و انجام عملیات‌های گوناگون نظامی حتی در ایران، از ضرورت‌های اساسی برای شناخت الگوی نفوذ این رژیم در منطقه است. با این توضیح مقاله به این مسئله اصلی می‌پردازد که تحرکات و همکاری‌های نظامی رژیم صهیونیستی در جنوب غرب آسیا پس از بحران سوریه چگونه بوده است؟

مبانی نظری

قدرت نظامی یکی از مهمترین سرچشمه‌های قدرت است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۸۰-۳۷۸؛ شهلائی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۱۰؛ سیلهان^۵، ۲۰۱۵: ۱۱۲) و شامل اهداف نظامی، هزینه‌ها، تعداد پرسنل، واردات و صادرات تجهیزات، دکترین‌ها و سیاست‌های نظامی، قدرت هسته‌ای، آموزش و... است (هوآ لیاو و همکاران^۶، ۲۰۱۵: ۱۶۷۳). تفکر سنتی درباره امنیت، در چارچوب رهیافت واقع‌گرایی^۷ قرار دارد. سه مؤلفه اصلی این رهیافت تأکید بر تهدید نظامی و نیاز به واکنش شدید، تأکید بر وضع موجود و تأکید بر محوریت دولت دارند. واقع‌گرایی، سیاست بین‌الملل را عرصه منازعه و مبارزه بر سر قدرت، موقعیت و ثروت می‌داند. قدرت هم وسیله و هم هدف بوده و دولت‌ها از آن برای تأمین منافع خود که مهم‌ترین آن امنیت است، بهره می‌جویند. موقعیت دولت‌ها در این نظریه، بر اساس میزان قدرت نظامی تعیین و قدرت بزرگ،

⁴ Levite

⁵ Silhan

⁶ Hua Liao and Others

⁷ Realism

متوسط و کوچک با توجه به توان نظامی آنان مشخص می‌شود (کریمی‌مله، ۱۳۹۹: ۲۳۸).
 واقع‌گرایی تهاجمی^۸ نظریه‌ای در روابط بین‌الملل و بخشی از مکتب نوواقع‌گرایی است. این نظریه نخستین بار توسط جان مرشایمر^۹ در سال ۲۰۰۱ میلادی و در کتاب «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ»^{۱۰} ارائه شد. مرشایمر، تعاملات میان قدرت‌های بزرگ را تحت تأثیر میل به هژمونی در جهانی مملو از ناامنی و عدم اطمینان در مورد نیت دیگر کشورها می‌داند. بر اساس این نظریه، آشوب‌زدگی^{۱۱} نظام جهانی باعث رفتار تهاجمی دولت‌ها در سیاست بین‌الملل است (مهدیان، ۱۳۹۱: ۲۸). از منظر نوواقع‌گرایی تهاجمی، کشورها می‌کوشند قدرت خود را افزایش دهند؛ زیرا افزایش قوا تنها راه اطمینان‌بخش برای رسیدن به امنیت و بقاست. همچنین اگر شرایط مستعد باشد، این دولت‌ها خواستار آنند تا توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهند. واقع‌گرایان تهاجمی، راهبردهای امنیتی مبتنی بر کاهش احتمال وقوع جنگ را ناکارآمد و غیرمطلوب دانسته و بر چهره دوم معادله امنیت، یعنی کاهش احتمال شکست در جنگ تمرکز دارند (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۳). در چنین وضعیتی اگر دولتی برای به حداکثر رساندن نفوذ خود تلاش نکند، دولت‌های دیگر در فرصتی مناسب چنین سهمی از نفوذ را از آن خود خواهند کرد (متقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۰).

نواقعی‌گرایی تهاجمی، نظام تک قطبی را دارای ویژگی‌های پایدارتری دانسته و به عکس نظام‌های چند قطبی را به دلیل تلاش کشورها برای برتری جویی، مستعد بروز جنگ و ناامنی می‌داند. بنابراین احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد (مرشایمر^{۱۲}، ۲۰۰۱: ۱۲). به عقیده مرشایمر، دلیل اصلی قدرت‌طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جست‌وجو کرد: ۱) ساختار هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل؛ ۲) توانمندی تهاجمی که دولت‌ها از آن برخوردارند و ۳) عدم اطمینان در مورد نیت‌ها و مقاصد دشمن (مرشایمر و والت^{۱۳}، ۲۰۰۳: ۵۶). از این منظر، دولت‌ها همواره در حالت ناامنی به سر می‌برند و در وضعیت عدم قطعیت و بی‌اعتمادی نسبت به همه کشورهای و قدرت‌های دیگر قرار دارند. طبق این نظریه رقابت زمانی پایان می‌یابد که یک دولت به مرتبه هژمون رسیده باشد (نصری، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

از نظر والتز، بهترین تضمین برای بقا آن است که یک هژمون بود تا هیچ دولتی توان تهدید جدی بر علیه کشور را پیدا نکند (التز^{۱۴}، ۱۹۹۰: ۲۲). در هنگام آشوب و هرج و مرج که به تبع ناامنی دائمی را به دنبال دارد، مهم‌ترین راه برای رسیدن به امنیت، افزایش قدرت و مقهور

⁸ Offensive realism

⁹ John Mearsheimer

¹⁰ The Tragedy of Great Power Politics

¹¹ Anarchy

¹² Mearsheimer

¹³ Mearsheimer and Walt

¹⁴ Waltz

کردن قدرت‌های دیگر است. از این روی قدرت‌ها تا آنجا که بتوانند برای غلبه بر دیگران اقدام خواهند کرد (برژینسکی و مرشایمر^{۱۵}، ۲۰۰۵: ۵۰). لذا دولت‌ها بیش از هر چیزی به دنبال دستیابی به امنیت هستند و برای رسیدن به این هدف به سیطره منطقه‌ای و سپس جهانی اقدام می‌کنند (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵). نتیجه محترم این چنین بازی در نظام منطقه‌ای و جهانی تضاد و کشمکش است (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۰)؛ چرا که در واقع داشتن امنیت، نیاز به قدرت نظامی دارد. مرشایمر معتقد است که قدرت نظامی به دلیل اینکه در تحلیل نهایی سیاست بین‌الملل اهمیت بالایی دارد، مهم‌ترین است (توفت^{۱۶}، ۲۰۰۵: ۴).

از نظر مرشایمر، امن‌ترین موقعیت در نظام بین‌الملل، در درون یک هژمون منطقه‌ای شکل می‌گیرد؛ چرا که هژمون منطقه‌ای در صورت ارتقا خود به این موقعیت، تهدید و فتح نخواهد شد و شانس بقا برای آن افزایش خواهد یافت (کیرشنر^{۱۷}، ۲۰۱۰: ۸). هژمون منطقه‌ای در واقع کشوری است که به دنبال تسلط بر منطقه خاص جغرافیایی است و اهداف پیشگیرانه‌ای را در حوزه جغرافیایی خود دنبال می‌کند تا از ظهور رقیب جلوگیری کند (شانموگاسوندارام^{۱۸}، ۲۰۱۲: ۱۸).

در مقابل نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، نظریه واقع‌گرایی تدافعی^{۱۹} قرار دارد که بر مبنای نظریه سیاست بین‌الملل از کنت والتز^{۲۰} ارائه می‌شود. در واقع این نظریه روی مقابل واقع‌گرایی تهاجمی است و کشورها را تشویق می‌کند به جای افزایش قدرت و رقابت، به سیاست‌های میانه‌روی و مدارا روی آورند. آنچه مبنای نظری این پژوهش است، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی است؛ چرا که رژیم صهیونیستی از یک سو خود را به عنوان هژمون منطقه‌ای می‌شناسد و از سوی دیگر در مقابل هژمون‌های دیگر منطقه که گاه همچون ایران بزرگترین تهدید علیه آن هستند را در برابر بقا و امنیت خود می‌بیند. رژیم صهیونیستی در فضای آنارشی نظام منطقه‌ای و عاری از اعتماد، سیاست‌ها و راهبردهای تهاجمی و پیش‌دستانه را همواره مدنظر داشته و نسبت به هرگونه تحرک و بازی قدرت در منطقه واکنش نشان می‌دهد.

روش تحقیق

بررسی مناسبات و اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوب غرب آسیا، پس از بحران سوریه تا سال ۲۰۲۲ میلادی، هدف این مقاله است. مقاله از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. بخش مهم داده‌ها، از سایت‌ها و خبرگزاری‌های مهم جهانی و منطقه‌ای و مصاحبه با نخبگان، تأمین شد. تجزیه و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای با روش تحلیل محتوا

¹⁵ Brzezinski and Mearsheimer

¹⁶ Toft

¹⁷ Kirshner

¹⁸ Shanmugasundaram

¹⁹ Defensive realism

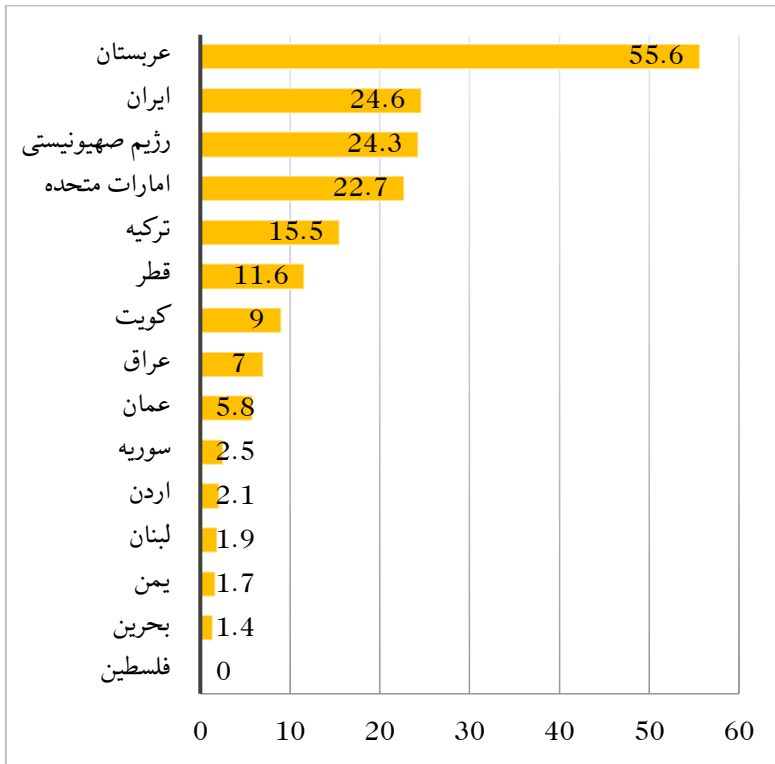
²⁰ Waltz, Kenneth

برای داده‌های میدانی نیز از روش تحلیل مضمون استفاده شد.

ویژگی‌های نظامی کشورهای جنوب غرب آسیا بودجه نظامی

بودجه نظامی، یکی از عوامل کمی برای تعیین‌کنندگی قدرت نظامی کشورهاست. طبق برآوردهای سالیانه مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (سی‌پی‌آر)^{۲۱}، در سال ۲۰۲۱، بودجه نظامی جهان بالغ بر ۲۱۱۳ میلیارد دلار بود که ایالات متحده، چین، هند، بریتانیا و روسیه در مجموع ۶۲ درصد از این هزینه‌ها را انجام داده‌اند. در سال ۲۰۲۱، کشورهای جنوب غرب آسیا نزدیک به ۲۰۵ میلیارد دلار در زمینه امور نظامی و دفاعی هزینه کرده‌اند که این رقم ۹/۷ درصد از مجموع هزینه‌های نظامی در جهان است. پاکستان با ۵۵/۶ میلیارد دلار هزینه نظامی در رده نخست منطقه قرار دارد (شکل ۱).

نمودار ۱، هزینه‌های نظامی کشورهای جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ (میلیارد دلار)

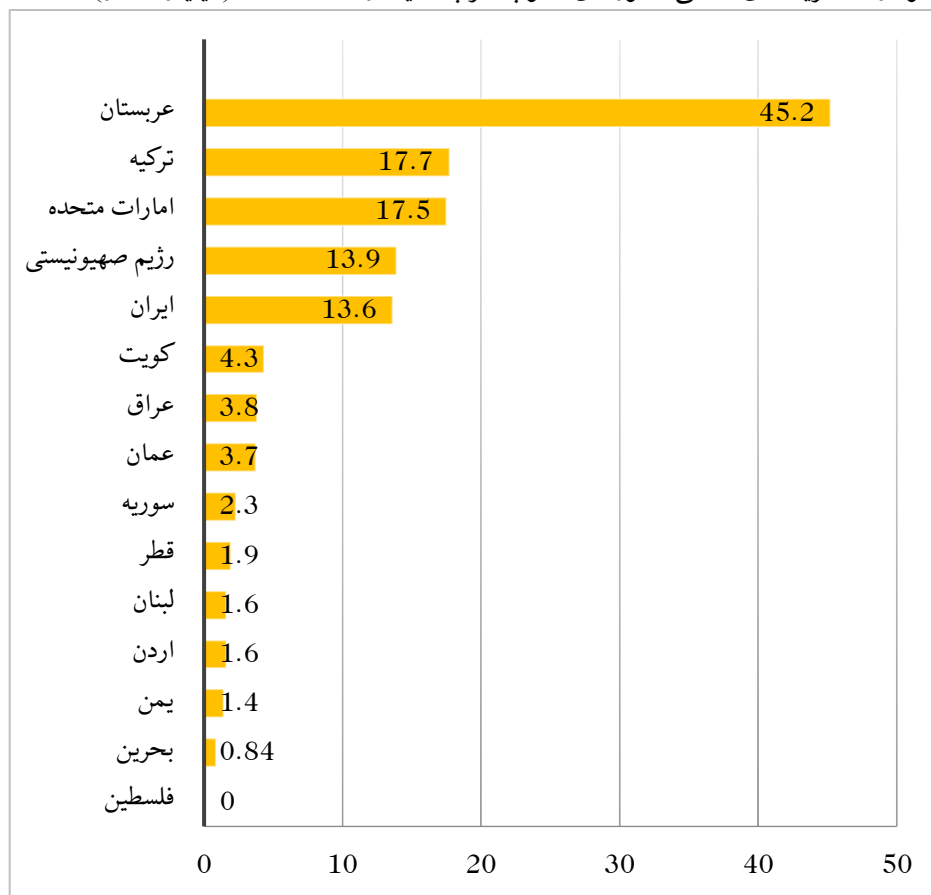


منبع: (سی‌پی‌آر^{۲۲}، ۲۰۲۱)

²¹ Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

²² www.sipri.org

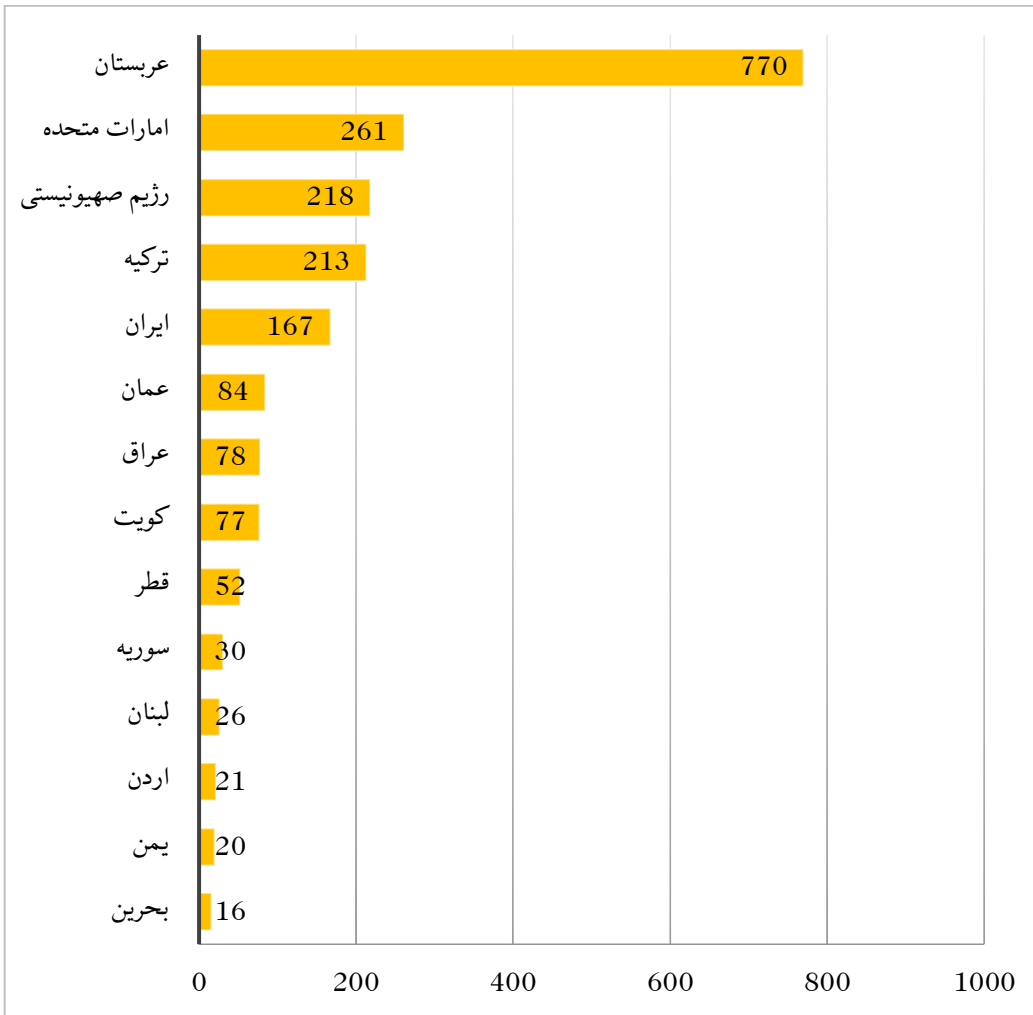
در سال ۲۰۱۰، بودجه نظامی جهان بالغ بر ۱۶۵۰ میلیارد دلار و هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه حدود ۱۴۰ میلیارد دلار بود. این رقم، ۸/۵ درصد از مجموع هزینه‌های نظامی در جهان بود. در سال ۲۰۱۰، باز هم عربستان با ۴۵/۲ میلیارد دلار هزینه نظامی در رده نخست منطقه قرار داشت. با مقایسه هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه در دو دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱، نتایج جالب‌تری به دست می‌آید. به طور میانگین، هزینه‌های نظامی طی ۱۱ سال در جهان، ۲۲ درصد افزایش داشته که این رقم برای منطقه ۳۲ درصد است. قطر (۸۳ درصد)، کویت (۵۱ درصد)، عراق (۴۶ درصد)، ایران (۴۵ درصد) و رژیم صهیونیستی (۴۳ درصد)، کشورهایی هستند که بیشترین درصد افزایش را در بودجه نظامی خود داشته‌اند. نمودار ۲، هزینه‌های نظامی کشورهای جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۱۰ (میلیارد دلار)



■ تحرکات نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوب غرب آسیا پس از بحران سوریه

اگر بخواهیم مجموع هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ را محاسبه کنیم، عربستان، امارات، رژیم صهیونیستی و ترکیه به ترتیب در رتبه‌های اول تا چهارم منطقه قرار دارند و ایران پنجمین کشور منطقه است. برقراری تعادل توسط ج.ا.ایران در مقابل هزینه‌های سرسام‌آور رقباى منطقه‌ای، گواه دشواری‌های ایران در رویارویی با شرایط منطقه طی دهه گذشته بود.

نمودار ۳، مجموع هزینه‌های نظامی کشورهای جنوب غرب آسیا طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ (میلیارد دلار)



درصد هزینه‌های نظامی کشورهای جنوب غرب آسیا از میزان کل تولید ناخالص داخلی

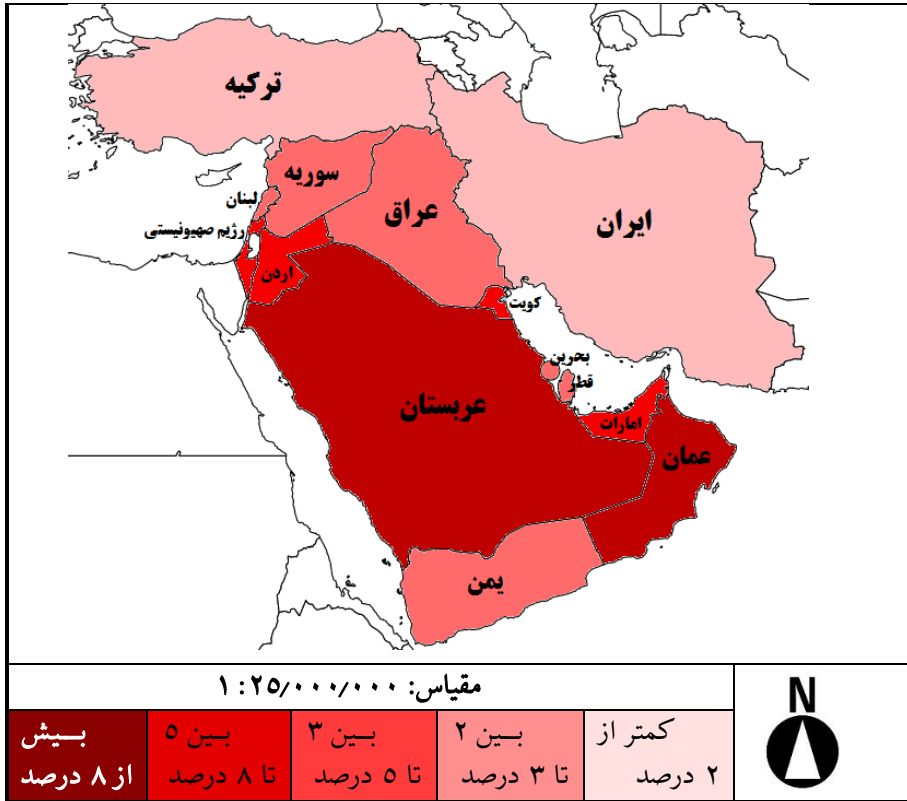
درصد بودجه نظامی از میزان تولید ناخالص داخلی، هرچه بیشتر باشد، نشان می‌دهد کشورها ترس بیشتری از مسائل امنیتی و نظامی اطراف خود دارند و حاضرند با تحمل این هزینه‌ها، از تنگناهای ژئوپلیتیکی و امنیتی خود به هر قیمت بکاهند. میانگین درصد هزینه‌های نظامی در جهان طی ۱۱ سال گذشته بین ۲ تا ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها بوده که این رقم برای کشورهای منطقه کمی بیشتر از ۴ درصد است. این آمار نشان می‌دهد جنگ تسلیحاتی و رقابتی عریضه‌ای در منطقه جنوب غرب آسیا حاکم بوده است.

تحلیل هزینه‌های نظامی به اقتصاد کشورها، نه تنها در درازمدت به عامل برتری قدرت نظامی تبدیل نمی‌شود، بلکه در ایجاد ضعف اقتصادی تأثیر دارد. ضمن اینکه عمده کشورهای منطقه وابسته به نفت هستند و به جای هزینه‌های توسعه‌ای و رفاهی، صرف واردات تسلیحات نظامی می‌کنند. رژیم صهیونیستی طی ۱۱ سال گذشته همواره بین ۵ تا ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف هزینه‌های نظامی کرده است. اما رکورددار منطقه، کشور عمان است. درصد هزینه کرد عمان در امور نظامی از حداقل ۷/۲ درصد در سال ۲۰۲۱ تا ۱۲/۲ درصد در سال ۲۰۱۶، در نوسان است و به همراه عربستان در جهان رکورددار است. عربستان از کل تولید ناخالص داخلی بین ۶/۶ درصد در سال ۲۰۲۱ تا ۱۳/۳ درصد در سال ۲۰۱۵، صرف هزینه‌های نظامی کرده است. اما کل درصد هزینه‌های نظامی ایران از تولید ناخالص داخلی در همه ۱۱ سال گذشته بین ۲ تا ۳ درصد بوده است.

نقشه ۱، درصد بودجه نظامی کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا از کل تولید ناخالص

داخلی^{۲۳}

²³ Gross Domestic Product (GDP)



جدول ۱، نسبت نیروهای نظامی فعال به کل جمعیت کشورهای جنوب غرب آسیا

رتبه	نام کشور	نسبت نظامیان به کل جمعیت	رتبه	نام کشور	نسبت نظامیان به کل جمعیت
۱	رژیم صهیونیستی	۲/۱	۱۰	ترکیه	۰/۷
۲	سوریه	۱/۵	۱۱	عربستان	۰/۷
۳	لبنان	۱/۳	۱۲	امارات	۰/۶
۴	فلسطین	۱/۲	۱۳	کویت	۰/۵
۵	اردن	۱/۱	۱۴	قطر	۰/۵
۶	بحرین	۱/۱	۱۵	یمن	۰/۲
۷	عراق	۱		میانگین منطقه	۰/۶۱
۸	عمان	۰/۹		میانگین جهان	۰/۴
۹	ایران	۰/۸			

صادرات و واردات سلاح کشورهای جنوب غرب آسیا

تجارت و صادرات اسلحه با تقویت قابلیت‌های نظامی، حمایت از رفتار و سیاست‌های کشورها، تقویت اقتصادی، تقویت پایگاه صنعتی دفاعی و سرانجام تقویت امنیت ملی کشورهای صادرکننده سلاح است (دورمینی^{۲۴}، ۲۰۱۸: ۵). در صادرات تسلیحات نظامی، کشورهای منطقه سهم چندانی در جهان ندارد. البته رژیم صهیونیستی از این حیث مستثنی است. این رژیم طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی، سالانه ششصد میلیون دلار و در مجموع نزدیک به ۷ میلیارد دلار صادرات تسلیحات نظامی داشته و دوازدهمین کشور صادرکننده تسلیحات نظامی در جهان است. در واقع ۶۳ درصد از کل صادرات سلاح منطقه از آن رژیم صهیونیستی است. پس از این رژیم، ترکیه با مجموع صادرات ۱/۸ میلیارد دلار طی دوازده سال گذشته، دومین صادرکننده بزرگ سلاح در منطقه بوده است. داده‌ها در مورد ایران نیز نشان می‌دهد که تنها ۲۲۷ میلیون دلار طی ۱۱ سال گذشته صادرات انجام شده است (جدول ۲).

اما در زمینه واردات اوضاع به‌گونه‌ای دیگر است. طی دوره مورد مطالعه، ۳۲ درصد از تسلیحات نظامی جهان توسط کشورهای جنوب غرب آسیا وارد شده که این رقم بیش از ۹۸ میلیارد دلار طی ۱۱ سال و سالانه نزدیک به ۹ میلیارد دلار است. کشور عربستان با رقمی نزدیک به ۲۷ میلیارد دلار واردات سلاح، رتبه نخست منطقه را دارد و پس از آن کشورهای امارات (۱۱/۵ میلیارد دلار)، ترکیه (۷/۶ میلیارد دلار) و عراق (۷/۵ میلیارد دلار) قرار دارند. رژیم صهیونیستی نیز در مجموع یازده سال ۴/۵ میلیارد دلار واردات سلاح داشته است. محاسبه این ارقام طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی انجام شده که نشان می‌دهد، جنوب غرب آسیا بازار خوبی برای کشورهای صادرکننده سلاح است و جو متشنجی بر مسائل امنیتی، سیاسی و نظامی کشورهای منطقه حاکم است (جدول ۳).

جدول ۲، مجموع واردات و صادرات سلاح کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا از سال

۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۰ میلادی

رتبه	نام کشور	میزان واردات به دلار	رتبه	نام کشور	میزان صادرات به دلار
۱	عربستان	۲۷/۱۶۱/۰۰۰/۰۰۰	۱	رژیم صهیونیستی	۶/۹۳۸/۰۰۰/۰۰۰
۲	امارات	۱۱/۵۷۲/۰۰۰/۰۰۰	۲	ترکیه	۱/۷۸۲/۰۰۰/۰۰۰
۳	ترکیه	۷/۶۰۶/۰۰۰/۰۰۰	۳	امارات	۱/۰۱۳/۰۰۰/۰۰۰
۴	عراق	۷/۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۴	اردن	۴۹۸/۰۰۰/۰۰۰
۵	قطر	۶/۵۱۸/۰۰۰/۰۰۰	۵	ایران	۲۲۷/۰۰۰/۰۰۰
۶	رژیم صهیونیستی	۴/۴۰۸/۰۰۰/۰۰۰	۶	عربستان	۷۱/۰۰۰/۰۰۰
۷	عمان	۳/۱۴۸/۰۰۰/۰۰۰	۷	سوریه	۲۰/۰۰۰/۰۰۰

²⁴ Dorminey

■ تحرکات نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوب غرب آسیا پس از بحران سوریه

۱۴/۰۰۰/۰۰۰	قطر	۸	۲/۲۵۷/۰۰۰/۰۰۰	سوریه	۸
۷/۰۰۰/۰۰۰	عمان	۹	۲/۲۱۷/۰۰۰/۰۰۰	اردن	۹
در دسترس نیست	عراق	۱۰	۱/۸۲۱/۰۰۰/۰۰۰	کویت	۱۰
در دسترس نیست	کویت	۱۱	۷۰۴/۰۰۰/۰۰۰	ایران	۱۱
در دسترس نیست	یمن	۱۲	۴۲۵/۰۰۰/۰۰۰	یمن	۱۲
در دسترس نیست	لبنان	۱۳	۴۱۷/۰۰۰/۰۰۰	لبنان	۱۳
در دسترس نیست	بحرین	۱۴	۳۷۰/۰۰۰/۰۰۰	بحرین	۱۴
در دسترس نیست	فلسطین	۱۵	۸/۰۰۰/۰۰۰	فلسطین	۱۵
۱۰/۵۷۰/۰۰۰/۰۰۰	مجموع منطقه		۷۶/۱۱۲/۰۰۰/۰۰۰	مجموع منطقه	

کشورهای جنوب غرب آسیا پس از بحران سوریه، هزینه‌ها و نیروهای قابل توجهی را صرف امور نظامی کرده‌اند. تنش‌ها و اختلافات فراوان میان کشورهای منطقه سبب شده تا این کشورها همواره در وضعیت آماده‌باش نظامی قرار گیرند. این کشورها از طریق تقویت قدرت نظامی، خود را در برابر هرگونه تهاجم منطقه‌ای و جهانی آماده نگه داشته‌اند. چنانکه در آمارهای نظامی، کشورهای منطقه همواره میانگین‌هایی بالاتر از میانگین‌های جهانی دارند.

رتبه‌بندی توان نظامی کشورهای جنوب غرب آسیا

امروزه رتبه‌بندی‌های فراوانی از قدرت نظامی کشورها انجام می‌شود. هدف عمده این رتبه‌بندی‌ها، دستیابی به آخرین توان نظامی کشورهاست. در یکی از آن‌ها که توسط سایت گلوبال فایر پاور^{۲۵} انجام شده، توان نظامی کشورها بر پایه عواملی چون قدرت دریایی، هوایی و زمینی، نیروی انسانی، تجهیزات، منابع طبیعی، هزینه‌های نظامی و... اندازه‌گیری می‌شود. در رتبه‌بندی سال ۲۰۲۱، کشورهای ترکیه، ایران و رژیم صهیونیستی، به عنوان قدرتمندترین کشورهای نظامی جنوب غرب آسیا قرار می‌گیرند و افغانستان، لبنان نیز ضعیف‌ترین کشورهای منطقه در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۳، رتبه‌بندی توان نظامی کشورهای جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ میلادی

رتبه جهانی	امتیاز	ردیف	نام کشور	رتبه جهانی	امتیاز
۱	۰/۱۹۶۱	۸	کویت	۷۱	۱/۲۹۸۸
۲	۰/۲۱۰۴	۹	اردن	۷۵	۱/۳۹۸۹
۳	۰/۲۶۲۱	۱۰	قطر	۷۷	۱/۴۴۲۹
۴	۰/۲۹۶۶	۱۱	عمان	۷۸	۱/۴۴۵۳
۵	۰/۵۵۹۷	۱۲	یمن	۸۰	۱/۴۷۵۴

²⁵ global Fire Power

۲/۳۲۶۹	۹۹	بحرین	۱۳	۰/۵۸۵۹	۳۶	امارات	۶
۲/۸۶۸۱	۱۱۴	لبنان	۱۴	۰/۶۹۵۳	۴۷	سوریه	۷

منبع: (گلوبال فایرپاور^{۲۶}، ۲۰۲۱)

رتبه‌بندی توان نظامی کشورها بسیار دشوار است. چنانکه اگر دقت شود، کشور کوچک لبنان با آنکه در اندازه‌گیری توان نظامی رتبه ۱۱۴ جهانی را دارد و یکی از کشورهای ضعیف جهانی و منطقه‌ای است، اما در همسایگی رژیم صهیونیستی، بارها آن را شکست داده است. جنگ‌های ۳۳ روزه این کشور در سال ۲۰۰۶ با رژیم صهیونیستی نشان از توان انگیزشی و ایمانی بالای این کشور در مواجهه با یک رژیم مورد حمایت قدرت‌های جهانی دارد. لذا هرچند لبنان و کشورهایمانند امارات ممکن است از نظر توان نظامی ضعیف باشند، اما وقتی در قالب ائتلاف یا طرح‌های حمایتی قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای قرار می‌گیرند، توان دفاعی یا تهاجمی آنان بیشتر می‌شود.

بخش دوم: مناسبات و اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوب غرب آسیا
کشورهای جنوب غرب آسیا در تجارت سلاح چندان جایگاهی ندارند. آمارهای متعددی از میزان فروش سلاح رژیم صهیونیستی به کشورهای منطقه وجود دارد. اما دو دسته از داده‌ها از اهمیت برخوردار است؛ نخست، داده‌های مربوط به سازمان ملل و دوم داده‌های مربوط مؤسسه مطالعات صلح استکهلم (سیپری). طبق آماري که بخش امور اقتصادی سازمان ملل متحد منتشر کرده، کشورهای جنوب غرب آسیا تنها در سال ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، از رژیم صهیونیستی سلاح خریداری کرده‌اند که به ترتیب شامل کشور ترکیه، و اردن است. این موضوع نشانگر نوع روابط این رژیم با کشورهای منطقه و بی‌اعتمادی به آن‌هاست و یا اینکه کشورهای منطقه چندان تمایلی به خرید سلاح‌های صهیونیستی ندارند. نکته مهم‌تر آنکه مناسبات نظامی رژیم صهیونیستی به‌ویژه با کشورهای منطقه پنهان است و به ندرت اخباری منتشر می‌شود. این مهم یا به معنای عدم ارتباط نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه و یا به معنای قدرت رژیم در پنهان‌کاری عملیات نظامی و هرگونه روابط با کشورهای منطقه است.

²⁶ www.globalfirepower.com

جدول ۴، کشورهای وارد کننده سلاح از رژيم صهيونىستى در جنوب غرب آسيا طى سال‌هاى ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ ميلادى

نام کشور	واردات سلاح کشورهای جنوب غرب آسيا از رژيم صهيونىستى به دلار				مجموع به دلار
	سال ۲۰۱۰	سال ۲۰۱۱	سال ۲۰۱۸	سال ۲۰۱۹	
ترکیه	۱/۵۲۶/۰۰۰	۴/۹۰۱/۰۰۰	۵۲/۰۰۰	---	۶/۴۷۹/۰۰۰
اردن	۳۹۷/۰۰۰	---	---	---	۳۹۷/۰۰۰
مجموع	۴۳/۰۰۰/۰۰۰	۶۰/۳۵۶/۰۰۰	۴۶/۵۵۴/۰۰۰	۱/۶۸۶/۰۰۰	---

منبع: (بخش امور اقتصادى سازمان ملل متحد^{۲۷}، ۲۰۲۱)

(۱) ترکیه

رژيم صهيونىستى همواره در تلاش بوده محورى از کشورهای غير عرب منطقه را بر عليه اعراب به وجود آورد. بنا بر اين همکارى با ترکیه هم از لحاظ اقتصادى و هم از لحاظ استراتژىک و نظامى - امنى برای آن‌ها اهميت دارد. رژيم فاقد عمق استراتژىک است؛ بنا بر اين ترکیه مى‌تواند فضای هوايى و زمينى امنى برای انجام تمرينات نظامى آن باشد (حاجى يوسفى و ايمانى، ۱۳۹۰: ۹۷). در سال ۲۰۰۹، در نتيجه تنش‌هاى که به سبب حمله نظامى رژيم صهيونىستى به غزه در روابط با ترکیه آغاز شد، ترک‌ها از روند اعتماد نظامى به صهيونىست‌ها کاستند و در نهايت مانع از آن شدند که اين رژيم در مانور نظامى عقاب آنا تولى مشارکت کند. در نتيجه، نه تنها روابط نظامى دو کشور کم شد، بلکه سطح تنش‌هاى ديپلماتىک به صورت فزاينده‌اى افزايش يافت؛ به گونه‌اى که بنيامين نتانياهو از ترکیه به عنوان يک شريك سياسى غير قابل اعتماد ياد کرد که پيوسته در حال شکستن خطوط قرمز ديپلماتىک است (سایت روزنامه هاآرتص^{۲۸}، ۲۰۰۹). در سال ۲۰۱۰، رژيم صهيونىستى و ترکیه، يک قرارداد همکارى برای نوسازى تجهيزات نظامى ارتش ترکیه امضا کردند که شامل موارد زير بود:

(۱) نوسازى جنگنده‌هاى اف ۵ و فانتوم‌هاى اف ۴ ارتش ترکیه به ارزش ۹۰۰ ميليون دلار؛

(۲) ارتقاى ۱۷۰ دستگاه تانک ام ۱ آ ۶۰ ارتش ترکیه به ارزش ۶۸۷ ميليون دلار؛

(۳) توليد مشترک موشک‌هاى پوپيه يک و دو به ارزش نامشخص (محرمانه از نظر قرارداد و تعداد)؛

(۴) توليد موشک‌هاى سطح به هواى دفاع هوايى به ارزش ۱۵۰ ميليون دلار؛

(۵) خريد ۱۰ فروند پهپاد هارون به ارزش کلى ۱۸۳ ميليون دلار (يونايتهد پرس

²⁷ www.comtradeplus.un.org

²⁸ www.Haaretz.com

اینترنشنال^{۲۹}، ۲۰۱۱).

با این وجود در پی حمله رژیم صهیونیستی به کشتی مأوی مرمه و بروز بحران در روابط دو کشور، در سال ۲۰۱۱، ترکیه تصمیم گرفت همه همکاری‌ها و قراردادهای نظامی میان دو کشور که تعداد آن‌ها به ۱۸ مورد و ارزش آن نزدیک ۱۰ میلیارد دلار بود را به حالت تعلیق درآورد. از جمله قراردادهایی که لغو شد، قرارداد خرید ۱۰۰۰ دستگاه تانک مرکاوا ام کا ۳۳ به ارزش ۵ میلیارد دلار (یونایتدپرس اینترنشنال، ۲۰۱۰/۰۶/۱۸)، موشک‌های ضد بالستیک «آرو دو ۳»^{۳۱} به ارزش ۲ میلیارد دلار (یونایتدپرس اینترنشنال، ۲۰۱۱/۰۹/۰۹) و نوسازی تجهیزات نظامی به ارزشی بیش از ۳ میلیارد دلار است (یونایتدپرس اینترنشنال، ۲۰۱۱). گزارش سپیری نیز حکایت از آن دارد که تنها سلاح‌های خریداری شده ترکیه از رژیم صهیونیستی مربوط به سال‌های پیش از ۲۰۱۰ است، اما تحویل این سلاح‌ها به ترکیه تا سال ۲۰۱۵ به درازا کشیده است.

جدول ۵، تسلیحات عرضه شده به جمهوری ترکیه توسط رژیم صهیونیستی طی سال‌های

۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱

نام محصول	نوع محصول	تعداد	سال سفارش	سال تحویل
Heron	هوایمای بدون سرنشین	۱۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰
Sabra-3	تانک	۱۷۰	۲۰۰۲	۲۰۱۰ - ۲۰۰۵
Kirpi	خودروی زرهی	۴۶۸	۲۰۰۹	۲۰۱۵ - ۲۰۱۰

منبع: (مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (سپیری)، ۲۰۲۲)

در ترکیه بحث تأمین و تجهیز قطعات نظامی بسیار مهم است. پهبادهایی که ترک‌ها از رژیم صهیونیستی دریافت می‌کنند هم اهمیت دارد. رژیم در راه‌اندازی و تعمیر تجهیزات نظامی مانند هوایماهای اف ۴ و اف ۵ که قدیمی هستند، مهارت دارد. رژیم این قطعات را به روز می‌کند. در مورد هوایماهای اف ۳۵ که گویا قرار بود ۶۰ فروند از ایالات متحده خریداری شود، رژیم ممانعت کرد و این قرارداد عملی نشد. این درحالی بود که نزدیک ۱۰ درصد قطعات اف ۳۵ در خود ترکیه تولید می‌شود. برای همین ترکیه به دنبال به روز کردن ناوگان‌ش رفت و به رژیم صهیونیستی نزدیک‌تر شد (روپوران، ۱۴۰۱). در سال ۲۰۱۹، در نتیجه بیش از یک دهه

²⁹ <http://www.upi.com>

³⁰ Merkava Mk 3

³¹ Arrow-2

تنزل روابط نظامی، رژیم صهیونیستی عملیات نظامی ترکیه را در شمال سوریه محکوم کرد. این اقدام باعث شد که متقابلاً ترکیه بار دیگر رژیم صهیونیستی را به حمایت از جدایی طلبان کُرد در جنوب ترکیه و تلاش برای حمایت از گروه‌های تروریستی کُرد متهم کند؛ در نتیجه زمینه برای بی‌ثباتی در خاک سوریه فراهم شد. این تبادل نظرات و محکومیت، در نهایت باعث گسترش تنش‌های دیپلماتیک و توقف همکاری‌های نظامی میان دو کشور گردید (سایت روزنامه هاآرتص، ۲۰۱۹/۱۰/۱۰).

۲) جمهوری اسلامی ایران

ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی را باید مهمترین دشمنان ژئوپلیتیک یکدیگر دانست. تنش و ترس از جنگ احتمالی میان رژیم صهیونیستی و ایران همواره وجود دارد (میلتون و همکاران^{۳۲}، ۲۰۱۸: ۷). این دو فاقد هرگونه رابطه اتمی یا نظامی با یکدیگر هستند. در رهنامه نظامی رژیم صهیونیستی و در تهدیدهای این رژیم، در درجه نخست ج.ا.ایران (تهدید دور) قرار دارد (آیزنکوت و سیبونی^{۳۳}، ۲۰۱۹). هم‌اکنون نیز رژیم با کاهش تهدید از سوی ارتش منظم یک کشور و افزایش تهدید از سوی شبه‌نظامیانی که از سوی ایران پشتیبانی می‌شوند، مواجه است. با وقوع جنگ داخلی سوریه، رژیم صهیونیستی کوشید تا با استفاده از حملات موشکی و هوایی متعدد به مواضع ایران و نیروهای تحت حمایت آن در سوریه، مانع از تثبیت جایگاه نظامی و امنیتی ایران در خاک سوریه شود. هر چند تاکنون هیچ کدام از دو کشور جزئیاتی از حملات و درگیری‌های نظامی میان خود در سوریه را منتشر نکرده‌اند، اما برآوردهای روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال نشان می‌دهد که از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه تاکنون حداقل ۴۰۰ حمله هوایی به مواضع نیروهای ایرانی یا گروه‌های تحت حمایت ایران در سوریه صورت گرفته و دست کم ۳۰۰ نفر از این نیروها در سوریه قربانی حملات هوایی رژیم صهیونیستی شده‌اند (وال استریت جورنال^{۳۴}، ۲۰۲۲). در مقابل گزارشی از میزان خسارات وارده به رژیم صهیونیستی از سوی ایران در زمین سوریه منتشر نشده، با این حال به نظر می‌رسد این خسارات قابل توجه باشد.

رژیم صهیونیستی یکی از عوامل مؤثر در بحران‌سازی برنامه هسته‌ای و اقدام‌های خرابکارانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران است و به بزرگنمایی علیه آن می‌پردازد (رجبی، ۱۴۰۱: ۶۲؛ ناوون^{۳۵}، ۲۰۲۰: ۱۶۱). پس از توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵ + ۱، بسیاری از لابی‌ها و سازمان‌های صهیونیستی در آمریکا، در بیانیه‌های جداگانه، این توافق را به شدت محکوم کردند. آپیک، فدراسیون یهودیان آمریکا، که با حزب لیکود (حزب راست رژیم صهیونیستی) و

³² Milton and others

³³ Eisenkot and Siboni

³⁴ www.WSJ.com

³⁵ Navon

جمهوری خواهان آمریکا روابط نزدیک دارد، عنوان می‌کند: «توافق کنونی نمی‌تواند تلاش ایران برای دستیابی به توافق هسته‌ای را متوقف سازد بلکه به جای بازدارندگی موجب تسهیل دستیابی به سلاح هسته‌ای و تقویت و تثبیت جایگاه تندروی این کشور خواهد شد...» (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۱).

یکی از نشانه‌های مهم رژیم صهیونیستی در تحولات منطقه، ارتباط دادن مسائل و ناامنی‌های منطقه‌ای به ایران و تبلیغات رسانه‌ای فراوان در این راستاست. در یک نمونه، رژیم صهیونیستی در ۱۶ نوامبر ۲۰۲۲، حملهٔ پهپادی به نفتکش صهیونیستی در آب‌های دریای عمان را به ایران منتسب کرد. البته این رژیم چندین بار ایران را به دلیل هدف قرار دادن کشتی‌های صهیونیستی متهم کرده و هر بار این اتهامات از سوی ایران رد شده است (خبرگزاری آنا، ۲۰۲۲: ۳۶). کمیتهٔ یهودیان آمریکا، اشاره می‌کند، از زمان توافق برجام، توسعه موشک‌های بالستیک ایران ادامه یافته و تحرکات و نفوذ ایران در منطقه، عراق، سوریه بحرین، غزه و... را در بر گرفته و نقض حقوق بشر در این کشور فروکش نکرده است (کمیتهٔ یهودیان آمریکا، ۲۰۱۷: ۱۷).

رژیم صهیونیستی در چارچوب راهبرد نظامی و امنیتی خود موسوم به مومنتوم^{۳۸} که از ژانویه ۲۰۲۰ اجرایی شد، با نشان دادن ج.ا.ایران در جایگاه تهدیدی نزدیک، بر مهار قدرت فزایندهٔ آن با کاربست تاکتیک‌های تهاجمی تر تأکید کرده است. رژیم با تجدید نظر در مفهوم پیروزی از «تصرف سرزمین»، به «از میان بردن حداکثر قابلیت‌های حریف در کمترین زمان و با پایین‌ترین هزینه و تلفات»، می‌خواهد با تأسیس واحد ایران در زیرمجموعهٔ ساختار ارتش، بهبود عملکرد واحد اطلاعات نظامی، افزایش کمیت و کیفیت تسلیحات و تمرکز بر جنگ شهری، سطح کنشگری خود را بر علیه ج.ا.ایران افزایش دهد (رجبی، ۱۴۰۱: ۶۳). مذاکرات با چین و روسیه برای تحریم‌ها علیه ایران در همین چارچوب است. نتانیاهو در جریان سفر به چین در سال ۲۰۱۳، در دیدار با رئیس‌جمهور چین تأکید کرد، ایران و برنامه‌های اتمی آن نه تنها صلح و ثبات خاورمیانه را به خطر می‌اندازد، بلکه جریان آزاد نفت به کشورهای جهان را نیز تهدید می‌کند (اورشلیم پست، ۲۰۱۳: ۵).

۳) سوریه

سوریه و رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ میلادی، پیوسته در حالت جنگی با یکدیگر قرار دارند. این دو کشور در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و جنگ یوم کیپور، مستقیم وارد جنگ با یکدیگر شدند. در جنگ داخلی لبنان نیز ارتش دو کشور در لبنان مستقیم و غیرمستقیم وارد

³⁶ www.aa.com.tr

³⁷ American Jewish Committee

³⁸ Momentum

³⁹ www.jpost.com

درگیری نظامی با یکدیگر شدند. از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، سرزمین‌های سوریه به دفعات از سوی ارتش صهیونیستی مورد حمله قرار گرفت. صهیونیست‌ها تهدید بسیاری را از جانب سوریه احساس می‌کنند و اقدامات شدید نظامی در مرزهایشان با سوریه انجام داده‌اند؛ به‌ویژه در بلندی‌های جولان تا نشان دهند که حضور ایرانی‌ها را در آنجا بر نخواهند تابید (میلتون و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۸). طبق برآوردها، تعداد حملات نظامی رژیم صهیونیستی به سوریه از زمان آغاز جنگ داخلی به بیش از ۶۰۰ مورد رسیده است. این آمار از سوی رژیم صهیونیستی یا سوریه به صورت مستقل تأیید نشده است.

از راهبردهای اساسی رژیم صهیونیستی در مورد سوریه، ایجاد منطقه امن و کمربند امنیتی در مرزهای شمالی با همکاری مخالفان نظام سوریه، همچون جبهه‌النصره و ارتش آزاد بود. رابطه پنهانی میان مخالفان بشار اسد و رژیم صهیونیستی از همان آغازین روزها شروع شد. از جمله عصام زیتون، از چهره‌های معارض سوری رابطه پنهانی با رژیم صهیونیستی را تأیید کرد. زیتون یگانه سوری دعوت شده به شانزدهمین کنفرانس امنیتی سالانه هرتزلیا در رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۹ بود و با مقامات این رژیم برای ایجاد منطقه امن در سوریه صحبت کرد. برای صهیونیست‌ها، ایجاد منطقه‌ای امن بسیار مهم بود. از این طریق و با ایجاد منطقه حائل، نیروهای هوایی سوریه نمی‌توانستند به محدوده مرزی رژیم وارد شده و حزب‌الله نیز نمی‌توانست حملاتی را در بلندی‌های جولان علیه رژیم اشغالگر قدس راه‌اندازی کند. طبق گزارش بان کی مون، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مجبور شده‌اند به طرف خط آتش‌بس بین رژیم صهیونیستی و سوریه منتقل شوند که این موضوع سبب شده طرف دیگر خط آتش‌بس در سوریه به محلی امن برای جبهه‌النصره تبدیل شود (محمدی و جمال‌پور، ۱۳۹۹: ۲۸).

صهیونیست‌ها بی‌توجه به موازین حقوق بین‌الملل و نقض مکرر حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه، به شکل منظم در پی تضعیف توان نظامی و دفاعی سوریه با به کارگیری هواپیماهای جنگی هستند (نواختی‌مقدم و ببری، ۱۳۹۸: ۳۹). این رژیم هیچ بیمی از تهدید و انجام عملیات نظامی در سوریه ندارد. حتی در خرداد ۱۴۰۱، بشار اسد را تهدید کرد که اگر از نفوذ ایران در سوریه کم نکند، کاخ ریاست‌جمهوری را بمباران خواهد کرد (راديو فردا^{۴۰}، ۲۰۲۲/۰۵/۱۴). سوریه کمر محور مقاومت است و رژیم توانسته با این حجم از تخریب، سوریه را به یک جنگ داخلی بکشاند (رضوی، ۱۴۰۱).

تضعیف توان نظامی سوریه، یکی از اهداف مهم رژیم صهیونیستی بود. رژیم با بهره‌برداری از بحران سوریه و با توجه به ارتباط اطلاعاتی با برخی سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای عربی و غربی حامی نیروهای مخالف سوریه، پایگاه‌های نظامی این کشور را شناسایی و مورد حمله قرار داد (محمدی و جمال‌پور، ۱۳۹۹: ۳۰). نگرانی رژیم صهیونیستی از ظرفیت‌های هسته‌ای سوریه

⁴⁰ www.radiofarda.com

موجب شد که برای مثال، از فرصت پیش آمده برای حمله به تأسیسات هسته‌ای دیرالزور بهره‌برداری کند (مردانه و باقریانی، ۱۳۹۳: ۳۸).

سران صهیونیستی امروزه به این جمع‌بندی رسیدند که اگر امنیت مرزی‌شان تضمین شود و نیروهای اسد و ایران از مرزهای رژیم صهیونیستی فاصله داشته باشند، مشکلی با تداوم قدرت اسد ندارند (نواختی مقدم و بیری، ۱۳۹۸: ۳۹). در واقع این رژیم می‌خواهد حضور ایران را در منطقه و سوریه کم‌رنگ کند. لذا برای رسیدن به این هدف، با اعمال فشارهای تحریمی علیه ج.ا.ایران و شهادت سردار سلیمانی، رژیم حملات علیه نیروها و متحدان ایران در سوریه را افزایش داد.

۴) عراق

از زمان تشکیل کشور عراق و پیدایش رژیم صهیونیستی، عراق از به رسمیت شناختن این رژیم خودداری کرده و در نتیجه هیچ‌گونه رابطه رسمی نظامی میان دو کشور وجود نداشته است. نیروهای آموزش دیده پژاک «با همکاری نیروهای اطلاعاتی و نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا پیوسته از طریق پایگاه‌های خود در اقلیم کردستان عراق با هدف ترور و بمب‌گذاری در مراکز حساس و حیاتی مناطق کردنشین ایران به این مناطق تردد دارند. هدف این گروه از مطالبات قومی، استقلال‌خواهی و تشکیل خودمختاری از دولت مرکزی، تحریک مردم مناطق کردنشین، درگیری‌های قومی و مذهبی، ناامن‌سازی مناطق کردنشین ایران و ایجاد فشار بر ایران به نیابت از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است» (قاسمی‌حیدری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۱). همگرایی میان اقلیم کردستان عراق با رژیم صهیونیستی عاملی در جهت تقویت قدرت مانور کرده‌های این اقلیم در برابر کشورهای ایران، ترکیه و سوریه است (وهاب^{۴۱}، ۲۰۱۷: ۳-۲). پژاک با قاچاق و دریافت کمک مالی، نه تنها در تأمین تسلیحات با مشکل مواجه نمی‌شود، بلکه دشمنی این گروه با جمهوری اسلامی در راستای منافع رژیم صهیونیستی و آمریکا و سبب تسلیح بیشتر آن شده است (مرادیان، ۱۳۹۸: ۵۵).

۵) لبنان

لبنان و رژیم صهیونیستی نه تنها فاقد هرگونه رابطه نظامی هستند، بلکه از زمان آغاز جنگ داخلی لبنان در دهه ۸۰ میلادی و در دهه‌های اخیر در نتیجه جنگ ۳۳ روزه و درگیری‌های محدود نظامی میان حزب‌الله و ارتش صهیونیستی تداوم داشته است. حزب‌الله، بزرگ‌ترین کابوس رژیم صهیونیستی در شامات است. رژیم صهیونیستی می‌کوشد با شیوه‌های گوناگون حزب‌الله را تحت کنترل درآورد؛ برخی از این شیوه‌ها شامل

۱ - هدف قراردادن کاروان‌های حمل تسلیحات برای حزب‌الله از سمت سوریه که طی

41 Wahab

سال‌های اخیر بارها رژیم مورد هدف قرار گرفتند؛

۲- تلاش برای تعمیق و فرسایشی‌تر شدن بحران سوریه تا حزب‌الله با حضور بیشتر در آن، به اصطلاح در باتلاق سوریه گرفتار شود و از مقابله با رژیم صهیونیستی بپرهیزد؛
۳- ترورهای هدفمندانه اعضای حزب‌الله در لبنان، سوریه و دیگر مناطق جهان؛ از جمله سمیر قنطار، عضو حزب‌الله و قدیمی‌ترین اسیر این جنبش در رژیم صهیونیستی که بعد از آزادی در سوریه، مورد هدف قرار گرفت

۴- و تهدیدهای دوره‌ای صهیونیست‌ها در حمله به لبنان (رضوی، ۱۳۹۲).

بحران سوریه، یک فرصت برای حزب‌الله بود؛ چراکه تمرین نظامی حزب‌الله خود چالشی بزرگتر برای رژیم است. جنبش حزب‌الله هویت و گستره خود را مدیون مقاومت ضد صهیونیستی است. بعد از جنگ ۳۳ روزه، حزب‌الله هرگز امکان تمرین نظامی و به کارگیری تاکتیک‌های مبارزاتی نداشت؛ اما بحران سوریه و نیاز به مشارکت حزب‌الله موجب حضور تعدادی از اعضای این جنبش در عرصه نظامی سوریه شد (محمدی و جمال‌پور، ۱۳۹۹: ۳۲).

۶) یمن

برای رژیم صهیونیستی، تحولات یمن اهمیت ژئوپلیتیک دارد. تنگه باب‌المندب، ورودی رژیم صهیونیستی به دریای سرخ از طریق بندر ایلات است و همچون پل ارتباطی تجارت این رژیم با چین و منطقه آسیا-اقیانوسیه را به رژیم صهیونیستی وصل می‌کند. لزوم اشراف به باب‌المندب موجب حضور نظامی رژیم در جیبوتی نیز شده است. رسانه‌های عربی و ایرانی اعلام کرده‌اند که رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۶، شروع به ساخت یک پایگاه جمع‌آوری اطلاعات در بالای کوه آمباسیرا^{۴۲}، در جنوب آسمارا، پایتخت اریتره کرده است. این ایستگاه برای نظارت بر درگیری‌ها در یمن از جمله نظارت بر تحرکات نیروهای دریایی ایران طراحی شده است (شاهوان^{۴۳}، ۲۰۲۰).

همکاری استراتژیک بین ریاض و تل‌آویو که هر دو در یمن و در مخالفت با نفوذ و قدرت ایران، دارای منافع همسویی هستند؛ دو کشور را مجاب کرد که برای ایران‌هراسی در منطقه، جبهه جدیدی ایجاد کنند (دیکل و گوزانسکی^{۴۴}، ۲۰۱۳: ۳). بسیاری از تحلیل‌گران، یمن را عرصه رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایران و رژیم صهیونیستی می‌دانند. رژیم موقعیت یمن در کرانه دریای سرخ را برای موجودیت و امنیت خود خطرناک می‌داند و تا زمانی که ناامنی در یمن باشد، حضور خود را در آن توجیه می‌کند (مجله فارین پالیسی^{۴۵}، ۲۰۲۲/۰۱/۲۴). با افزایش

⁴² Ambassaira

⁴³ Shahwan

⁴⁴ Dekel & Guzansky

⁴⁵ www.foreignpolicy.com

حملات موشکی حوثی‌ها علیه عربستان و امارات، صهیونیست‌ها نیز به درگیری در یمن کشیده شدند (اسنل^{۴۶}، ۲۰۲۲). این رژیم در طول بحران یمن، بمب‌ها و موشک‌های ممنوعه بین‌المللی را در اختیار نیروی هوایی عربستان قرار داد (خبرگزاری بین‌المللی قدس^{۴۷}، ۲۰۲۲/۰۱/۲۸). صهیونیست‌ها گاه آشکارا حملات هوایی به مواضع حوثی‌ها در یمن را اعلام کرده‌اند (اسنل، ۲۰۲۲).

در مورد یمن صهیونیست‌ها دو هدف دارند:

۱ - آن‌ها می‌خواهند تا جای ممکن از ایران، حزب‌الله و متحدینش در یمن تلفات بگیرند.

۲ - نمی‌خواهند جنگ یمن تمام شود.

استراتژی رژیم صهیونیستی فرسایشی شدن نبردها و جنگ‌ها در کشورهای اسلامی است؛ از جمله خود یمن. زیرا در کنار سوریه، یمن یکی از نقاط بحرانی در کشورهای اسلامی است و ایران در یک طرف و عربستان در طرف دیگر قرار دارد و این‌ها هرچه بیشتر درگیر باشند به نفع رژیم صهیونیستی است (رضوی، ۱۴۰۱).

۷) عربستان

هیچ گزارش رسمی از خرید و فروش سلاح میان رژیم صهیونیستی و عربستان اعلام نشده، اما در سال ۲۰۱۱، فاش شد این رژیم ۲۰۰ دستگاه تانک لئوپارد به عربستان فروخته است (نیویورک تایمز^{۴۸}، ۲۰۱۱/۰۷/۰۷). در دسامبر سال ۲۰۱۳، معاون وقت وزیر دفاع عربستان، سلطان بن سلطان به همراه دو نفر از مشاوران نظامی ارشد وزارت دفاع، در یک سفر محرمانه از رژیم صهیونیستی دیدار کردند و در یک پایگاه نظامی صهیونیستی با مقامات اطلاعاتی، امنیتی و نظامی رژیم، در یک نشست محرمانه شرکت کردند. این دیدار که تنها چند هفته پس از پیشرفت‌های چشمگیر در مذاکرات برجام بود، با هدف تبادل نظر و گسترش همکاری‌های نظامی میان رژیم صهیونیستی و عربستان در مورد شیوه مقابله با نفوذ ایران در منطقه بود (شبکه خبری راشاتودی^{۴۹}، ۲۰۱۳).

تایمز رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۵ فاش کرد که این رژیم به سعودی‌ها پیشنهاد داده تا فناوری گنبد آهنین را در برابر موشک‌های یمنی خریداری کنند. هر چند این خبر تکذیب شد، اما نمی‌تواند خالی از بررسی بیشتری باشد (روزنامه تایمز اسرائیل^{۵۰}، ۲۰۱۵/۰۵/۲۳). در سال ۲۰۱۸، یکی از مقامات بلندپایه ارتش صهیونیستی در مصاحبه با روزنامه عربستانی ایلاف رسماً

⁴⁶ Snell

⁴⁷ www.qodsna.com

⁴⁸ www.nytimes.com

⁴⁹ www.rt.com

⁵⁰ www.timesofisrael.com

اعلام کرد که رژیم صهیونیستی نگرانی‌ها و اهداف مشترکی را در مورد دفاع از خود در برابر تهدیدات ج.ا.ایران دارد. در این مصاحبه، تأکید شد که این زبان مشترک شامل جلوگیری از جابه‌جایی سلاح، گسترش تهدیدات مشترک و جلوگیری از استفاده از خاک سوریه برای حمله به اهداف رژیم صهیونیستی و دوستان عرب بوده است (اورشلیم پست، ۲۰۱۶/۰۱/۰۵). در یک پیام دیپلماتیک از وزارت خارجه رژیم صهیونیستی به سفارت‌هایش آمده است، «از مداخله عربستان در یمن و در درگیری نیابتی با ایران حمایت کنند تا راهی برای اعمال فشار بر ایران و حزب‌الله باشد» (جانانان^{۵۱}، ۲۰۱۷؛ راوید^{۵۲}، ۲۰۱۷).

همکاری‌های نظامی مشترک رژیم با عربستان، طی سال‌های اخیر افزایش یافته، هرچند جزئیات آن بسیار اندک است. برای نمونه در ۲ فوریه ۲۰۲۲، اعلام شد، رژیم صهیونیستی با وجود نداشتن روابط دیپلماتیک با عربستان و عمان، رزمایش دریایی مشترک و به رهبری نیروی دریایی آمریکا برگزار کرد. این رزمایش به مدت ۱۸ روز و در نزدیکی آب‌های یمن برگزار شد (المانیاتور^{۵۳}، ۲۰۲۲/۰۲/۰۲). علاقه صهیونیست‌ها به فروش سلاح به یکی از بزرگترین خریداران سلاح در جهان، یعنی عربستان زائدالوصف است (اخبار دفاعی^{۵۴}، ۲۰۲۲/۱۱/۲۳). در بحران یمن نیز رژیم صهیونیستی کمک‌های فراوانی به سعودی‌ها کرد. به هر روی روابط دو کشور به صورت آشکار و پنهان، در مسائل نظامی وجود دارد. در مورد سلاح‌های سطح پایین که حالت دفاعی داشته باشد نه تهاجمی، رژیم صهیونیستی موارد زیر را در مورد عربستان مد نظر دارد:

- ۱ - پدافندهایی که عربستان برای دفاع از خود در مقابل یمن استفاده می‌کند که سود اقتصادی برای رژیم دارد.
 - ۲ - امکان حمله از سوی عربستان به رژیم صهیونیستی را ندارد
 - ۳ - آن را ابزاری برای نزدیکتر شدن عربستان به خودش و عادی‌سازی رابطه قرار می‌دهد.
 - ۴ - چهار، عاملی برای وابستگی عربستان به رژیم خواهد بود (رضوی، ۱۴۰۱).
- پایگاه اینترنتی ولترنت به قلم «تری میسان» روزنامه‌نگار معروف فرانسوی فاش کرد که در جریان مذاکرات ایران و ۵ + ۱، مقامات تل‌آویو و ریاض، پنج بار در هند، ایتالیا و جمهوری چک با هم دیدار کرده‌اند. جان کری در مرکز «سابان» اعلام کرد «تعدادی از کشورهای عربی منطقه در حال تشکیل ائتلاف با رژیم صهیونیستی علیه گروه‌هایی مانند حماس هستند. بنابراین مقامات سعودی در کنار تشکیل جبهه سنی علیه ایران، با بزرگترین دشمن جهان اسلام دست به ائتلاف زدند. تل‌آویو نیز به دنبال ترویج این مسئله است که اعراب دیگر رژیم صهیونیستی را

⁵¹ Jonathan

⁵² Ravid

⁵³ www.al-monitor.com

⁵⁴ www.breakingdefense.com

دشمن اصلی خود ندانند، بلکه اکنون ایران مهمترین دشمن آن‌هاست» (روحی دهبنه و مرادی کلر^{۵۵}، ۲۰۱۸: ۲۹۶-۲۹۵)

۸) اردن

با وجود امضای صلح میان اردن و رژیم صهیونیستی و همکاری‌های مرزی، دو کشور کاملاً به یکدیگر بی‌اعتمادند و به جزء برخی همکاری‌های مرزی و تبادل اطلاعاتی در زمینه مبارزه با تروریسم، همکاری قابل توجه دیگری وجود نداشته و یا اگر دارد، جزئیات آن‌ها بسیار کم منتشر شده است. در یک نمونه، سمینار «درگیری اعراب و رژیم صهیونیستی: اعتماد رژیم صهیونیستی - اردن برای تقویت همکاری دفاعی و امنیتی»^{۵۶}، به مدت پنج روز، از ۶ تا ۱۰ ژوئن ۲۰۲۱، برگزار شد. در این سمینار مسائلی چون معاهده صلح اردن و رژیم صهیونیستی، روابط استراتژیک با ایالات متحده، امنیت دریایی، انرژی و آب، امنیت سایبری، هوش مصنوعی و توافقنامه ابراهیم، توسط کارشناسان دو طرف و ایالات متحده ارزیابی شد. موضوعی که نشان می‌دهد، دو طرف از بی‌اعتمادی به یکدیگر آگاه‌اند (مرکز مطالعات استراتژیک واشنگتن^{۵۷}، ۲۰۲۱).

یکی از مهم‌ترین دیدارهای دوجانبه در زمینه مسائل نظامی و دفاعی، در ۵ ژانویه ۲۰۲۲ روی داد. آنجا که ملک عبدالله پادشاه اردن با وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، بنی گانتز، در امان دیدار کرد (المانیور، ۲۰۲۲/۰۱/۰۲). این دیدار نه در زمینه همکاری که بیشتر در ارتباط با مسائل منطقه‌ای (خبرگزاری رویترز^{۵۸}، ۲۰۲۲/۰۱/۰۵). و حفظ آرامش در سرزمین‌های فلسطینی (هفته‌نامه عرب^{۵۹}، ۲۰۲۲/۰۱/۰۵) بود. البته برخی رسانه‌ها اعلام کردند که این ملاقات در زمینه همکاری‌های نظامی بوده است (صدای آمریکا^{۶۰}، ۲۰۲۲/۰۱/۰۶)؛ اما جزئیاتی از آن فاش نشد. طبق اعلام سیپری، تنها در سال ۲۰۱۵، تعداد ۱۵ فروند بالگرد کبری^{۶۱} دست دوم از سوی رژیم صهیونیستی به دولت اردن تحویل داده شده و در سایر موارد، همکاری و یا اقدام متقابلی گزارش نشده است.

جدول ۶، تسلیحات عرضه شده به اردن توسط رژیم صهیونیستی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا

۲۰۲۱

⁵⁵ Rohi Dehbneh and Moradi Clare

⁵⁶ Arab-Israeli Conflict: Israel/Jordan Trust to Enhance Defense and Security Cooperation Seminar

⁵⁷ www.nesa-center.org

⁵⁸ www.reuters.com

⁵⁹ www.theArabweekly.com

⁶⁰ www.voanews.com

⁶¹ Helicopter Cobra

نام محصول	نوع محصول	تعداد	سال سفارش	سال تحویل
AH-1F Cobra	بالگرد دست دوم	۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۵

منبع: (سپیری، ۲۰۲۲)

۹) امارات

در راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی، ۳ لایه مطرح است. این جزء استراتژی پیرامونی رژیم است.

۱- لایه اول دشمنان، همسایگان رژیم هستند و به مرزهای فلسطین متصل اند.

۲- لایه دوم، لایه پیرامونی آن‌هاست

۳- و لایه سوم شامل ایران است. این ۳ لایه، لایه امنیتی از نظر اقدام نظامی است و همچنان رعایت می‌شود. این لایه‌ها در راهبرد نظامی رژیم (آیزنکوت)، در سال ۲۰۱۹ نوشته شده است. در لایه دوم ارتش‌هایی نباید شکل بگیرد و در لایه سوم هم همین‌طور. هر موقع یک ارتش قدرتمندی در این سه لایه به وجود می‌آید، رژیم صهیونیستی باید با حمله از پیش تعیین شده آن را از بین ببرد. صهیونیست‌ها گنبد آهنین را به کشورهای منطقه نمی‌دهند. حتی به اوکراین هم ندادند. دلیلشان هم این بود که خودمان استفاده می‌کنیم (رضوی، ۱۴۰۲).

پس از سال ۲۰۱۱، رژیم صهیونیستی و امارات مشارکت فعالانه‌ای برای کمک نظامی به ارتش مصر جهت سرکوب شورشیان صحرای سینا دادند (نیویورک تایمز، ۲۰۱۸/۰۲/۰۳). در سال ۲۰۱۶، خلبانان اماراتی و صهیونیستی در قالب مانور نظامی پرچم قرمز، در صحرای نوادا، در یک عملیات تمرینی هوایی چندملیتی با رهبری آمریکا شرکت کردند (روزنامه تایمز اسرائیل، ۲۰۱۷/۰۳/۲۷). در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹، نیروی هوایی رژیم صهیونیستی و امارات به همراه آمریکا، ایتالیا و یونان در تمرین نظامی اینیوهوس در دریای مدیترانه شرکت کردند (تور^{۶۲}، ۲۰۱۹) (2019). در سال ۲۰۲۰، رژیم به صراحت با فروش جنگنده‌های اف ۳۵ از سوی آمریکا به امارات مخالفت کرد و بیان داشت که ارائه چنین تجهیزات پیشرفته‌ای می‌تواند امنیت رژیم را به خطر بیندازد. اما در پایان سال ۲۰۲۰ و پس از امضای تفاهم‌نامه ابراهیم، رژیم صهیونیستی اعلام کرد که با فروش تجهیزات هوایی پیشرفته به امارات مخالفتی ندارد (اسرائیل هیوم^{۶۳}، ۲۰۲۰). به هر روی، طبق سند آیزنکوت در سال ۲۰۱۸، باید هماهنگی و همکاری رژیم صهیونیستی با دولت‌های معتدل عربی، همزمان با قدرت‌های جهانی افزایش یابد (تقی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۳-۸۲).

⁶² thetower.org

⁶³ Israel Hayom

(۱۰) بحرین

تا زمان امضای قرارداد ابراهیم^{۶۴} و عادی‌سازی روابط در سال ۲۰۲۰، رابطه رسمی نظامی میان بحرین و رژیم صهیونیستی وجود نداشت و ظاهراً اکنون نیز وجود ندارد. گمان می‌رود، در آینده و در راستای توسعه روابط، سطوحی از ارتباطات نظامی میان دو کشور ایجاد شود. به هر روی، طبق سند به روز شده آیزنکوت در سال ۲۰۱۸، باید هماهنگی و همکاری رژیم صهیونیستی با دولت‌های معتدل عربی، همزمان با قدرت‌های جهانی تقویت و ارتقا یابد (تقی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۳-۸۲).

(۱۱) عمان

عمان و رژیم صهیونیستی فاقد هرگونه قرارداد همکاری نظامی و اتمی هستند. در منابع، رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها و اندیشکده‌ها، هیچ نشانه و کلیدواژه‌ای مبنی بر ارتباط نظامی دو سویه میان دو کشور مشاهده نشد.

(۱۲) فلسطین

رژیم صهیونیستی و فلسطین نیز رابطه نظامی ندارند. دو طرف پیوسته در حالت منازعه با یکدیگر قرار دارند که مشخصه ویژه آن درگیری‌های نظامی روزمره میان دو طرف و حرکت‌های اعتراضی و مدنی فلسطینیان بر علیه اشغال است. جالب آنکه در سند آیزنکوت، در سال ۲۰۱۸، فلسطین از نظر تهدید، در جایگاه دوم است (تقی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۳-۸۲).

(۱۳) قطر

قطر و رژیم صهیونیستی نیز فاقد هرگونه رابطه نظامی با یکدیگر هستند. اما به نظر می‌رسد که تمایل قطر برای تجهیز نیروی هوایی خود با جنگنده‌های اف ۳۵ ساخت آمریکا که قابلیت رادارگریزی و عملیات بالا دارند را می‌توان به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در نظر گرفت. مادامی‌که روابط قطر و رژیم صهیونیستی عادی نشود، احتمال آنکه آمریکا حاضر به واگذاری این جنگنده‌های نسل ۵ به قطر باشد، بعید است.

(۱۴) کویت

^{۶۴} پیمان ابراهیم، توافق مشترک رژیم صهیونیستی، امارات و ایالات متحده در ۱۳ اوت سال ۲۰۲۰ میلادی بود که پس از آن به توافق عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با بحرین نیز اشاره شد. این توافق‌نامه‌ها توسط وزیران امور خارجه بحرین و امارات با بنیامین نتانیاهو، در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۲۰ در کاخ سفید امضا شد. پیمان ابراهیم مستمسکی برای توافقات بعدی رژیم با دیگر کشورهای مسلمان نیز قرار گرفت.

رژیم صهیونیستی و کویت نیز فاقد هرگونه رابطه نظامی با یکدیگر هستند. این عدم ارتباط ناشی از عدم به رسمیت شناخته شدن رژیم صهیونیستی و سیاست خارجی کویت است که رویکرد بایکوت همه‌جانبه رژیم را در پیش گرفته است. چنانکه در مهرماه ۱۴۰۱، کویت به صورت رسمی خواستار آن شد که رژیم صهیونیستی به معاهده عدم تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای بپیوندد تا زمینه برای گسترش صلح و امنیت جهانی فراهم گردد (العالم، ۱۴۰۱).

نتیجه‌گیری

از نظر صهیونیست‌ها فروش سلاح باید به‌گونه‌ای باشد که برتری نظامی آن‌ها را در منطقه از بین نبرد. همچنین فروش سلاح به کشورهای منطقه موجب نشود که اسرار نظامی آن‌ها فاش گردد. رژیم به جز چند کشور منطقه، به دیگران سلاح نمی‌فروشد و به هریک از کشورهای منطقه که با آن‌ها رابطه دارد، همچنان به چشم یک دشمن نگاه می‌کند. چنین نگاهی باعث می‌شود که استراتژی رژیم «حفظ برتری نظامی در منطقه» باشد.

با آغاز بحران سوریه، کشورهای منطقه، با انواعی از دشواری‌ها امنیتی و حتی نظامی روبه‌رو شدند. رژیم صهیونیستی از این دشواری‌های کشورهای منطقه در راستای منافع خود سود برد و گاه بر آتش آن دمید. فعالیت‌ها و تحرکات نظامی رژیم، با توجه به نشانه‌ها و مجموعه اقدامات تعاملی و یا تقابلی طی یک دهه گذشته، در پنج طیف دسته‌بندی می‌شود. تعریف پنج طیف بر اساس تعامل عالی و یا تقابل سخت است. برای رسیدن به نتایج کمی و ملموس، کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر مقایسه شده و هر یک از آن‌ها در یک طیف ویژه نسبت به دیگری قرار داده می‌شود. در ابعاد نظامی، رژیم صهیونیستی در دهه گذشته، با کشورهای اردن، امارات، بحرین، فلسطین و عربستان تعامل و همکاری نسبتاً نزدیکی داشته و با کشورهای عراق، عمان، قطر و کویت نیز وضعیت تقابلی داشته است. اما بیشترین تقابل سخت این رژیم با کشورهای حوزه جبهه مقاومت، یعنی ج.ا.ایران، سوریه، لبنان و یمن بوده است.

مهم‌ترین راهبردهای نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوب غرب آسیا، رصد و کنترل دقیق ورود و خروج و یا خرید و فروش هر نوع تسلیحات نظامی، ایران‌هراسی در منطقه به بهانه توسعه موشکی و هسته‌ای ج.ا.ایران، شیعه‌هراسی، ارتباط یک سویه نظامی با کشورهای منطقه، ایجاد چالش برای متحدین منطقه‌ای ج.ا.ایران و دستیابی به ادوات و تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی است. این راهبردها، به صورت عملیاتی و رسمی در اسناد بالادستی رژیم صهیونیستی نمود دارند. رژیم طی ۷۰ سال گذشته راهبردهایش تغییر نکرده و همچنان در اسنادی چون آیزنکوت، این راهبردها تکرار می‌شوند. اما آنچه همواره برای رژیم در حال تغییر است، ابزارها و الگوهای دستیابی به این راهبردهاست.

اقدامات رژیم صهیونیستی برای گسترش نفوذ در کشورهای منطقه طی سال‌های اخیر با

تغییرات محسوسی همراه بود. تغییر در رویکردهای رژیم با استفاده از فرصت‌های پیش آمده، به‌ویژه با خروج ایالات متحده از منطقه، تلاش برای ایفای نقش منطقه‌ای و متعاقب آن فرصت‌سازی رژیم صهیونیستی به منظور تبلیغات ایران‌هراسی و نزدیک کردن کشورهای منطقه به خود، انجام عملیات‌های گسترده نظامی و یا کمک به کشورهای دوست در منطقه برای مقابله با کشورهای طرف سوم، همکاری با امارات و عربستان بر علیه یمن، نفوذ و دخالت مستقیم در سوریه، انجام اقدامات خرابکارانه در برخی کشورهای منطقه همچون ج.ا.ایران و عراق و... و نمونه‌های فراوان دیگر نشان می‌دهد که این رژیم همچنان سررشتی امنیتی و نظامی دارد و زمینه‌های امنیتی شدن بیشتر منطقه و کشورهای منطقه را نیز فراهم می‌کند.

این نتایج در راستای نظریه واقع‌گرایی تهاجمی قرار می‌گیرد که مبنای نظری مقاله است؛ چراکه رژیم صهیونیستی از یک سو خود را به عنوان هژمون منطقه‌ای می‌شناسد و از سوی دیگر در مقابل هژمون‌های دیگر منطقه که گاه همچون ایران بزرگترین تهدید علیه آن هستند را در برابر بقا و امنیت خود می‌بیند. رژیم صهیونیستی در فضای آنا‌رشی نظام منطقه‌ای و عاری از اعتماد، سیاست‌ها و راهبردهای تهاجمی و پیش‌دستانه را همواره مدنظر داشته و نسبت به هرگونه تحرک و بازی قدرت در منطقه واکنش نشان می‌دهد.

مسئله امنیت به عنوان یک راهبرد اساسی در اسناد بالادستی رژیم همچنان پیگیری خواهد شد. اما دیگر مسئله امنیت به معنای سخت آن نیست و به شکل امنیت در فضای مجازی، تأثیرگذاری فرهنگی به ویژه از طریق سینما، تبلیغات رسانه‌ای و... در آینده در راهبردهای رژیم خودنمایی خواهد کرد. اقتصاد و فناوری‌های پیشرفته، ابزارهای رژیم صهیونیستی در ایجاد وابستگی چندلایه کشورهای منطقه به خود نیز خواهد بود. در این راستا پیشنهاد می‌شود، جمهوری اسلامی ایران راهبردهایی چون: (۱) انسجام جبهه مقاومت و شکل‌گیری، تقویت و حمایت از گروه‌های نزدیک به جبهه مقاومت مانند فاطمیون، علویون، حشدالشعبی و...؛ (۲) محاصره رژیم صهیونیستی و اتخاذ شرایط تهاجمی در برابر رژیم؛ (۳) کاستن از تنش در روابط با کشورهای عربی، به ویژه عربستان به منظور کم کردن مسئله ایران‌هراسی در منطقه؛ (۴) پاسخ قاطع و در خور به دست‌اندازی‌های رژیم صهیونیستی به کشورهای منطقه و جلوگیری از تکرار آن‌ها؛ (۵) افزایش مناسبات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با کشورهای منطقه و (۶) استفاده گسترده از ابزارهای قدرت نرم، رسانه و فضای مجازی را اتخاذ نماید.

منابع

- احمدی، وحیده (۱۳۹۴). توافق هسته‌ای و همگرایی عربستان و اسرائیل، دیده‌بان امنیت ملی، ۴(۴)، ۳۸-۳۱.
- تقی‌زاده سالاری، احسان، هرمیداس باوند، داود؛ برزگر، کیهان (۱۴۰۰). راهبرد سیاسی و

امنیتی اسرائیل در قبال بحران سوریه، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۴۰(۱)، ۱۰۲-۷۱. حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ ایمانی، همت (۱۳۹۰). تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دههٔ اخیر و پیامدهای آن برای ایران، روابط خارجی، ۳(۲)، ۱۰۴-۷۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی. رجبی، محمد (۱۴۰۱). راهبرد و الگوی رفتاری جمهوری آذربایجان در برهم‌کنش ج.ا.ایران و اسرائیل، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۱)، ۷۵-۵۳. رضوی، سلمان (۱۳۹۲). هزینه- فرصت‌های بحران سوریه برای رژیم صهیونیستی، گزارش تحلیلی مؤسسهٔ ندا.

رضوی، سلمان (۱۴۰۱). مصاحبه تخصصی با نویسنده، تهران. رضوی، سیدجعفر (۱۴۰۲). مصاحبهٔ تخصصی با نویسنده، تهران. رویوران، حسین (۱۴۰۱). مصاحبهٔ تخصصی با نویسنده، تهران. شهلائی، ناصر؛ مهرنیا، احمد؛ ولی‌وند زمانی، حسن (۱۳۸۸). نظریه‌های راهبردی، تهران: دافوس آجا.

قاسمی حیدری، مصطفی، اژدری، بهناز؛ معصومی، مجید (۱۳۹۹). استقلال‌خواهی‌گردها و راهبرد اسرائیل و آمریکا در تضعیف تمامیت ارضی ایران، مطالعات بین‌المللی، ۱۷(۱)، ۸۷-۱۱۵.

متقی، ابراهیم؛ بقایی، خرم؛ رحیمی، میثم (۱۳۸۹). بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر (بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی)، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۴(۲)، ۲۶-۱.

محمدی، سیدمحمد؛ جمال‌پور، میکائیل (۱۳۹۹). بحران سوریه؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، با تأکید بر ج.ا.ایران و رژیم اسرائیل، مطالعات بیداری اسلامی، ۹(۱۸)، ۴۰-۷. مرادیان، محسن (۱۳۹۸). حملهٔ تلافی‌جویانهٔ سپاه به مقر احزاب کردی در اقلیم کردستان عراق، آثار سیاسی و ارزش نظامی، دیده‌بان امنیت ملی، ۸۸(۲)، ۶۰-۵۵. مردانه، وحید؛ باقریانی، علی (۱۳۹۳). بررسی اهداف رژیم صهیونیستی نسبت به بحران سوریه، رویداد و گزارش فلسطین، ۲(۵۱)، ۴۰-۳۵.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت. نصری، قدیر (۱۳۸۹). روش شناخت در مکتب نوواقع‌گرایی، مطالعات راهبردی، ۱(۲)، ۲۳۸-۲۱۶.

نواختی‌مقدم، امین؛ ببری، نیکنام (۱۳۹۸). بحران سوریه، عرصهٔ تقابل منطقه‌ای ایران با محور سه‌گانهٔ آمریکا، اسرائیل و عربستان، جستارهای سیاسی معاصر، ۱۰(۴)، ۴۸-۲۵.

Arnaout, Abdelraouf (2022, November, 16). Israel blames Iran for

drone attack on oil tanker off Oman <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/israel-blames-iran-for-drone-attack-on-oil-tanker-off-oman/2739892>.

Innovations.

Dorminey, AT Thrall (2018). Risky Business: The Role of Arms Sales in US Foreign Policy, March 13.

Eisenkot, G., & Siboni, G. (2019). Guidelines for Israel's national security strategy (Policy Focus 160). The Washington Institute for Near East Policy, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/guidelines-israels-national-security-strategy>.

EGOZI, ARIE (2022, September, 23). As Saudi Arabia goes on defense investment spree, Israeli industry in a tight spot, <https://breakingdefense.com/2022/09/as-saudi-arabia-goes-on-defense-investment-sprees-israeli-industry-in-a-tight-spot/>.

Al-Monitor (2022, February). Israel takes part in naval exercise with Saudi Arabia, Oman, <https://www.al-monitor.com/originals/2022/02/israel-takes-part-naval-exercise-saudi-arabia-oman>. Innovations.

globalfirepower (2022). Ranking the nations of the world based on current available firepower, <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.php>

Haaretz (2019, October, 10). Netanyahu warns against turkeys ethnic cleansing of brave kurds vows to assist, <https://www.haaretz.com/middle-east-news/2019-10-10/ty-article/netanyahu-warns-against-turkeys-ethnic-cleansing-of-brave-kurds-vows-to-assist/0000017f-dc3b-db22-a17f-fcbbe8f10000>

Hua Liao, Weihua Dong, Huiping Liu and Yuejing Ge (2015). Towards Measuring and Visualizing Sustainable National Power—A Case Study of China and Neighboring Countries, ISPRS Int. J. Geo-Inf. 2015, 4, 1672-1692; doi:10.3390/ijgi4031672.

Jonathan, Cook (2017, November, 10). Israel instructs diplomats to support Saudis, <https://www.aljazeera.com/news/2017/11/10/israel-instructs-diplomats-to-support-saudis-cable/>

Levite, Ariel. E. (2016). Israel, Strategic Vision Adrift, in Hitchcock, W. and Others, Shaper Nations: Strategies for a changing World, the United States of America: Harvard University Press.

Mearsheimer, John J. and Stephen Walt (2003). An Unnecessary War, Foreign Policy 134 (January/February).

Milton, Patrick, M. Axworthy and B. Simms (2018). Towards A

Westphalia for the Middel East, Oxford: Oxford University Press.

Navon, Emmanuel (2020). *The Star and the Scepter: A Diplomatic History of Israel* Hardcover, Philadelphia: The Jewish Publication Society.

Near East South Asia Center (2020). *Arab-Israeli Conflict: Israel/Jordan Trust to Enhance Defense and Security Cooperation Seminar*, <https://nesa-center.org/israel-jordan-trust-to-enhance-defense-and-security-cooperation-seminar/>

Ravid, Barak (2017). *The Iranian Threat: Israel aligns itself with Saudi Arabia against the involvement of Tehran and Hezbollah in Lebanon*, Nana 10. Archived from the original on 17 November 2017.

Reuters Staff (2022, Jounury, 05). *Israeli defence minister discusses regional stability with Jordanian king*, <https://www.reuters.com/world/middle-east/israel-says-defence-minister-met-jordan-king-discussed-regional-stability-2022-01-05/>

Stockholm International Peace Research Institute (2022). *The independent resource on global security*, <https://www.sipri.org>

Shahwan, Najla M. (2020). *UAE-Israel intelligence base on Yemeni island of Socotra*, SEP 05, 2020, <https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/uae-israel-intelligence-base-on-yemeni-islandof-socotra>.

Silhan, Vladimir (2015). *Comparisons of Military Power*, pp 112-121.

Snell, James (2022, August, 31). *Is the Israel-Iran proxy war encroaching into Yemen?* <https://www.newarab.com/analysis/israel-iran-proxy-war-encroaching-yemen>

Times of israel (2015, May, 23). *saudi arabia rejected israeli offer of iron dome*, <http://www.timesofisrael.com/saudi-arabia-rejected-israeli-offer-of-iron-dome/>. Innovations.

Times of israel (2016, July, 23). *Former Saudi general visits Jerusalem meets israeli* <http://www.timesofisrael.com/former-saudi-general-visits-jerusalem-meets-israeli-officials/> Innovations. Innovations.

Times of israel (2016, March, 27). *Israel uae to fly together in greek air force exercise* <https://www.timesofisrael.com/israel-uae-to-fly-together-in-greek-air-force-exercise/>. Innovations.

The Arab Weekly (2022, Faubrey, 05). *King Abdullah II discusses Palestinian-Israeli peace with Benny Gantz*, <https://theArabweekly.com/king-abdullah-ii-discusses-palestinian-israeli->

peace-benny-gantz. Innovations.

The United Nations (2022). Comtrade Database, <https://comtradeplus.un.org/>

The Wall Street Journal (2021, March, 11). Israeli Strikes Target Iranian Oil Bound for Syria, <https://www.wsj.com/articles/israel-strikes-target-iranian-oil-bound-for-syria-11615492789> Innovations.

United Press International (2011, June, 18). UAVs could end Israel Turkeyrift, https://www.upi.com/Business_News/Security-Industry/2011/09/09/UAVs-could-end-Israel-Turkey-rift/UPI-51421315580711/ Innovations.

United Press International (2010, October, 18). Turkey 'freezes arms deals with Israel, http://www.upi.com/Business_News/Security-Industry/2010/06/18/Turkey-freezes-arms-deals-with-Israel/UPI-24011276879457/ Innovations.

Voice of America (2022, Jounury, 06). Jordan s king israeli defense minister reset ties <https://www.voanews.com/a/jordan-s-king-israeli-defense-minister-reset-ties-/6385545.html>.

Wahab, B. (2017). Why Israel Is Cheering On Iraqi Kurds, Push for in The Complications of Kurdish Independence. At: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/>

Wezeman, Pieter D., Alexandra Kuimova and Jordan Smith (2021, April, 30). Arms transfers to conflict zones: The case of Nagorno-Karabakh, <https://www.sipri.org/commentary/topical-backgroundunder/2021/arms-transfers-conflict-zones-case-nagorno-karabakh>

-



مقاومت اسلامی حکومت شیعی نوآیین مرشدآباد بنگال هند در برابر دولت انگیس

مرتضی شیروودی^۱، محمدرسجد شیروودی^۲ محمد زین العابدین^۳

چکیده

در اوایل قرن هجدهم میلادی/ قرن دوازدهم شمسی، حکومت شیعی «نوآیین مرشدآباد» در بنگال هند و توسط مرشد قلی خان، تأسیس گردید و شیعه‌گری را بتدریج در آن سامان، به اوج خود رساند تا حدی که شیعه، بر سراسر بنگال، سلطه یافت اما چرایی سقوط این حکومت شیعی، بعد از ۱۶۷ سال فراز و نشیب، توسط انگلیسی‌ها یکی از چند مسئله پاسخ نداده نشده این دوران است. از میان سئوالات متعددی که این مسئله می‌آفریند، درصدد هستیم به یکی از آن‌ها پاسخ دهیم که عبارت است: "نحوه و میزان مقاومت دولت‌های شیعی بنگال در مصاف با کمپانی هند شرقی چگونه بوده و نتایج حاصل از آن چه بوده است؟ (مسئله) برای یافتن پاسخ، مقاله حاضر، روش توصیفی-تحلیلی را بر بستر داده‌های تاریخی برگزیده است. (روش) که: ۱. برخورداری شیعه در ایجاد جنبش بیداری ضداستعماری در سرزمین‌های دورتر از مؤطن اصلی، ۲. موفقیت یا کاهش موفقیت در گسترش شیعه در صورت تکیه بر اصالت‌های درونی یا دروی از آن، ۳. تأثیر قوت و ضعف دولت در توسعه شیعه در بنگال از جمله یافته‌های این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: مقاومت اسلامی، دولت‌های شیعی، اهل بیت (ع)، بنگال هند، نوآیین

مرشدآباد و کمپانی هند شرقی

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.2.5.8

دوره ۱۳، شماره ۲،
پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۲/۲۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۱۰
صص: ۱۳۲-۱۱۱

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی، هیئت گواهی، در
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دانشیار رشته علوم سیاسی گروه تمدن و سیاست مرکز پژوهشی تمدن اسلامی، قم، ایران -
dr_shiroudi@mpte.ir
۲. استادیار رشته جامعه‌شناسی گروه علوم سیاسی دانشکده عقیدتی-سیاسی دانشگاه افسری و تربیت
پلیس امام حسن مجتبی (ع) تهران، ایران (نویسنده مسئول) m.s.shiroody@gmail.com
۳. دکتری رشته تاریخ اهل بیت (ع) مدرسه امام خمینی (ره) جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران -
zinul2004@yahoo.com

مقدمه

بنگال هند، منطقه‌ای است بزرگ و نیز، تاریخی کهن دارد و گذرگاه دریایی برای بازرگانان عرب و ایرانی‌ها بوده است. بنگال هند در کنار خلیج بنگال قرار دارد که چند قرن تحت استعمار انگلیس قرار داشت اما پس از استقلال، بنگال غربی در هند باقی ماند و بنگال شرقی با نام بنگلادش پدید آمد. فرمانروایان مختلفی از طرف امپراتوران مغولی در این سرزمین فرستاده شده‌اند اما آنان در زمینه گسترش مذهب تشیع به دلایل گوناگونی چون عدم بینش استراتژیک، فقدان تعلق خاطر به بنگال و ... فعالیتی انجام ندادند. نواب مرشد قلی‌خان نخستین دولت شیعی به نام نوابین مرشدآباد را پایه‌گذاری نمود که این دولت، بیش از یک قرن و نیم به طول انجامید. پایتخت این دولت، مرکز شیعیان و سادات بود و از این رو، فراز و نشیب‌های سیاسی مختلفی را پشت سر گذرانده است. پنجمین نواب مرشدآباد میرزا سراج‌الدوله (حک: ۱۷۵۶-۱۷۵۷ م) نخستین پادشاه در تاریخ هندوستان است که علیه استعمارگران انگلیسی قیام کرد و در سال ۱۷۵۷ میلادی در میدان پلاسی مقابل ارتش مجهز انگلیسی‌ها ایستاد، بنابراین، او نخستین کسی در شبه قاره هند بود که علیه انگلیسی‌ها قیام کرد. به نظر می‌رسد او دریافته بود: "مقاومت علیه سلطه غیرمسلمانان بر مسلمانان از مبانی و حیاتی متقنی برخوردار است. یکی از مهمترین این مبانی، آیه ۱۴۱ سوره نساء است که اساس قاعده فقهی نفی سلطه کفار بر مسلمین است. انجام هر اقدامی که منجر به برتری کافران بر مسلمانان شود، حرمت تشریحی دارد. (شجاعیان، ۱۴۰۲، ص ۱۱۲)

بعد از سراج‌الدوله، اغلب نوابین مرشدآباد، دست نشانده کمپانی هند شرقی بودند با این وصف، برخی از آنان علیه کمپانی هند شرقی فعالیت‌های سیاسی متعددی انجام دادند و سرانجام، آخرین نواب شیعی مرشدآباد، نواب سید منصور علی‌خان (حک: ۱۸۳۸-۱۸۸۰ م) با انتقاد و اعتراض علیه کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۸۰ میلادی کناره‌گیری کرد. به این ترتیب، دولت شیعی نوابین مرشدآباد به دو دسته قابل تقسیم است: (۱). نوابین مستقل؛ (۲). نوابین وابسته

مقاله حاضر، به بررسی نحوه و میزان مقاومت دولت‌های شیعی بنگال می‌پردازد تا از این رهگذر، نشان دهد که انگلیسی‌ها، چگونه در سرزمین‌های دور از بریتانیا، دولت‌های ملی و دینی را ساقط کرده‌اند و به مطامع نامشروع دنیوی خود رسیده‌اند. این بررسی، درس‌ها و عبرت‌های بسیاری برای شیعیان دارد که اینک دولتی فراگیر در غرب آسیا و در ایران پدید آورده‌اند از جمله می‌توان دریافت که این دولت‌ها گاهی آزادانه عمل می‌کردند که نتایج سودمندی داشت و گاهی از دستگاه کمپانی هند شرقی دستور می‌گرفتند و گاهی کاملاً در دستان کمپانی هند شرقی بوده‌اند که نتایج آن فاجعه‌آمیز بود. در این دولت‌ها، برخی از حاکمان‌شان، آزادمش بودند که با تکیه بر اصالت‌های شیعی، علیه استعمارگران بریتانیا پرچم آزادی را بلند کردند و از دولت شیعی آوده و امپراتور مرکزی دهلی آن زمان، کمک گرفته و علیه کمپانی هند شرقی جنگیدند اما به آزادی و

استقلال دست نیافتند! دولت‌های نوآیین شیعی بنگال بارها علیه انگلیسی‌ها شوریدند و با چالش‌های فراوان ناشی از آن، مقابله نمودند و این تقلای تاریخی ضداستعماری، مرهون آموزه‌های شیعی است.

از اهداف جزئی‌تر این نوشتار، آشنایی با روندها و فرآیندهای مقاومت دولت‌های شیعی در منطقه بنگال است. در این راستا و در نیل به این اهداف، نویسندگان مقاله کوشیده‌اند علت مقاومت و جنگ و دلیل نشیب‌های دولت‌های شیعه بنگال را با انگلیسی‌ها مشخص نمایند. بررسی مواجهه و مفاهمه این دولت‌ها با کمپانی هند شرقی و دولت استعماری انگلیس نشان می‌دهد که شیعه از پتانسیل بالایی برای انطباق با شرایط محیطی، سیاسی و فرهنگی برخوردار است به علاوه، انگلیسی‌ها در مناقشه و مصالحه با دولت‌های شیعی بنگال آموختند چگونه با دولت‌های اسلامی و شیعی در دیگر نقاط جهان روبرو گردند که بیشترین منافع را از آن خود کنند از این رو، مقاله حاضر در پی پاسخ دادن به این سؤال است: "نحوه و میزان مقاومت دولت‌های شیعی بنگال در مصاف با کمپانی هند شرقی چگونه بوده و نتایج حاصل از آن چه بوده است؟"

پیشینه پژوهش

در رابطه با پیشینه تحقیق در باب مقاومت‌ها و مصالحت‌های شیعیان بنگال در برابر کمپانی هند شرقی به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

قاسم پور و واسعی در مقاله "بررسی روابط سیاسی نظام شاهیان دکن با دولت صفویه با تاکید بر نقش شاه طاهر دیوانسالار ایرانی" (۱۴۰۰) به گسترش شیعه در شبه جزیره دکن به دلیل مهاجرت شیعیان دارای مجوز دولت صفویه و نقش شاه طاهر در این مورد می‌پردازند. در واقع، مهاجرت ایرانیان دیوان سالار به دکن، سبب گسترش تشیع در این منطقه شد و شاه طاهر نیز، با تاثیرگذاری بر نظام شاهان، سبب رسمی شدن مذهب تشیع در این منطقه و تحکیم روابط میان صفویه و نظام شاهیان گردید.

ابوصالح و نایب در مقاله "مناسبات دین و دولت در دوران شیعی اوده هند" (۱۳۹۷) به شکل‌گیری حکومت شیعی اوده هند همزمان با انقراض پادشاهی صفویان می‌پردازند. در این حکومت، علمای شیعی با کاربست تعامل سازنده با حکومت و اهل سنت، به مواجهه با استعمار خارجی می‌روند در حالی که در این دوره، آنان با استدلال و تحلیل به منابع اهل سنت به شدت در اثبات امامت شیعی فعال بودند.

شرفایی در مقاله "معرفی و بررسی تاریخ اجتماعی - فکری شیعه اثنا عشری در هند" (۱۳۹۸) به بیان و توضیح اهم کتاب مذکور از جمله واژه شناسی، جایگاه تشیع هند، تاریخچه سلسله بهمنی دکن، آثار و خدمات قاضی نورالله شوشتری، معرفی علمای شیعه در هند شمالی و سهم شیعه در علوم و... می‌پردازد و از نقد کتاب، خبری نیست!

مقاله " بازخوانی تاریخ شیعیان بنگال هند از آغاز تا دوره حکومت مغولان" (۱۳۹۳) اثر

صفری فروشانی و زین العابدین بر این نکته تأیید کرده است: مذهب تشیع در بنگال هند، از اوایل قرن هفدهم میلادی، توسط ایرانی‌های مهاجر گسترش یافت. پادشاه مغ ول، شاه شجاع از نخستین حاکمان مستقل شیعی در بنگال بود. تشیع در عصر اکبر، جهانگیر و شاه جهان، به وسیله علما و رجال ایرانی در سراسر هند رونق گرفت. نخستین امپراتور مغولی شیعی در هند، ظهیرالدین محمد بابر، بود که به بنگال قدم نهاد. شایسته خان نیز آخرین حکمران شیعه در بنگال به شمار می‌رفت. اطلاعات کمی از پیوند بین شیعه و ایرانیان از یک سو و حاکمان شیعی بنگالی از سوی دیگر وجود دارد و آثار زیادی در این زمینه منتشر نشده است. "و در مقاله" دولت‌های شیعی در شبه قاره هند از آغاز تا حضور کمپانی هندشرقی" (۱۳۹۷) اثر جهان بین و زین العابدین آمده است: "بنگال هند، پیش از ظهور اسلام، مسیر تجاری عرب‌ها و ایرانیان به چین بود. این امر و در پی ظهور اسلام، مردم این سرزمین را با اسلام آشنا ساخت؛ البته اطلاع دقیقی درباره ورود تشیع در بنگال، در دست نیست، ولی پیش از فتح بنگال توسط بختیار خلجی در قرن سیزدهم میلادی، شیعیان در لباس صوفیان وارد این سرزمین شدند. در قرن هفدهم میلادی شاه محمد شجاع فرزند شاه جهان، والی بنگال شد، اما او به عنوان نخستین والی شیعی نیز نتوانست برای گسترش تشیع، اقدام مؤثری انجام دهد." این دو مقاله تنها در بخش تاریخی مقاله حاضر قابل استفاده است.

تفاوت مقاله حاضر با آثار بررسی شده به آن جهت است که در این مقاله، برخلاف آثار مورد بررسی در پیشینه تحقیق، به بررسی تأثیر ساخت سیاسی دولت‌های شیعی می‌پردازد که اغلب بر تضاد و تساهل حکومت‌های شیعی و رابطه وجود و فقدان تقابل و تسامح بر تعالی و ضعیف شدن دولت‌های شیعه بنگال هند، تأکید دارند.

تاریخچهٔ حیات تشیع در بنگال

تا سال ۱۸۶۳ میلادی، کتاب قابل ذکر در باره تاریخ بنگال وجود نداشت، بنابراین، ادیب معروف بنگالی بنکم چترجی با تأسف عمیق نوشت: "اگر انگلیسی‌ها برای شکار هم بروند تاریخ‌اش نوشته می‌شود اما تاریخ [ی در باب] بنگال وجود ندارد." (بهت‌آچاریه، ۱۹۶۳، ص ۲۸) همچنین در زمینه تاریخ شیعیان بنگال هند، منابعی مشاهده نمی‌شود. (اکرام، ۱۹۹۶، ص ۴۹۳) در کتاب‌های تاریخی هند، حکومت شیعیان بنگال چندان معرفی نشده است به گونه‌ای که در قرن شانزدهم میلادی، برخی از فرمانروایان شیعه مغول، در بنگال هند حکمرانی کردند؛ اما از فعالیت‌های آنان برای گسترش مذهب تشیع یادی نشده است.

در مورد ورود شیعیان به بنگال هند، دیدگاه‌های مختلف وجود دارد: برخی می‌گویند: نخستین شیعیانی که به این سرزمین قدم نهادند، بازرگانان، دانشمندان و جهانگردان عرب و ایران بودند. در برخی کتاب‌ها، به مهاجرت مسلمانان به بنگال در زمان ترکان عثمانی و سلاطین مغول، در بنگال از کشورهای عربی و اسلامی به منظور کسب شغل، بازرگانی و تبلیغ اسلام، اشاره شده

است. (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۰) ایضاً: شیعیان، قبل از فتح بنگال به دست محمد اختیارالدین بختیارخلجی، به بنگال قدم نهادند اما مذهب خود را پنهان نگهداشتند و بیشتر خود را صوفی معرفی می‌کردند و احتمالاً تشیع در این سرزمین توسط آنان گسترش یافت. به مرور زمان، آنان با حمایت بعضی از فرمانروایان شیعه مغولی و به حمایت نوآیین مرشدآباد و برخی بازرگانان عرب و ایرانی مقیم بنگال، به مذهب تشیع گرویدند. به طور کلی، تاریخ شیعیان بنگال هند بعد از فتح بنگال به دست مسلمانان را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: تشیع در دوره حکومت مغولان و تشیع در دوره نوآیین مرشدآباد و این پژوهش فقط به دوران نوآیین مرشدآباد می‌پردازد.

۱. نوآیین مستقل مرشدآباد؛ دوره اول مقاومت اسلامی در برابر انگلیس

بنگال هند چهل و هشت سال (۱۷۱۷-۱۷۶۵ م) تحت فرمان نوآب‌های مستقل قرار داشت. (اسعدی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۶) در نیمه اول قرن هجدهم میلادی بعد از برپایی حکومت شیعی در بنگال هند، شیعیان از تقیه درآمدند. (رضوی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۶) حکومت مرشدآباد اولین دولت خود مختار در بنگال هند بود که توسط مرشد قلی خان بنا نهاده شد، مرکز فرهنگی این حکومت، در غرب تا عظیم‌آباد ایالت بیهار و در شرق تا جهانگیرنگر (داکا) بود. (اکرام، ۱۹۹۶، ص ۶۱۸) به اختصار زندگی سیاسی نوآیین مستقل مرشدآباد را بررسی می‌کنیم:

۱-۱ - محمد هادی، مرشد قلی خان (حک: ۱۷۱۷-۱۷۲۷ م): یکی از بازرگانان اصفهان (ایران) به نام حاجی صوفی یا حاجی شفیع که محبوب همه مردم و بسیار سخی بود، در دوران قیام خود در دکن، کودکی براهمن را یافت که در دنیا کسی را نداشت. حاجی او را همراه خود به ایران برد و با او به مهربانی رفتار کرد. حاجی هیچ‌وقت در باره مذهب او کاری نداشت. همین کودک در محیط اسلامی تربیت یافت و هنگامی که به سن بلوغ رسید، دین اسلام را پذیرفت و او، اسمش را محمد هادی گذاشت، البته اسم هندویی او را کسی نمی‌داند، (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۵۶-۵۷) اما گفته می‌شود که مادر او زنی براهمن باقی ماند. (تمنا، ۱۹۸۸، ص ۳۶) محمد هادی هنوز جوان بود اما علم و فضلش زبان‌زد عام و خاص شد. شعور و آگاهی او، در بین مردم شهرت یافت. او نخست در یک اداره مالی استخدام شد و هنگامی که خبر دیانت و مهارت کاری او به گوش امپراتور اورنگ‌زیب رسید، فرمانداری حیدرآباد دکن به او واگذار گردید. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۵۷) وی از طرف امپراتور شاه‌جهان در سال ۱۶۳۵ میلادی مأمور سرکوب شورشیان ناحیه کامان پهایری گشت. (آشنا، ۲۰۰۹، ص ۲۱۷) او به شهر داکا رفت و آمد داشت (تمنا، ۱۹۸۸، ص ۳۶) حضور چند ماهه او در داکا باعث گردید که نزد

فرمانروای بنگال، عظیم‌الشان گردد.

در نتیجه، آتش حسد در دل امرا شعله‌ور شد و با نقشه آنان، او را به منطقه‌ای غیر معروف مقصودآباد فرستادند اما محمد هادی به وضعیت وزارت مالی سروسامان بخشید، بنابراین از دربار امپراتوری برای او خلعت ارسال شد و به لقب «مرشد قلی‌خان» ملقب گردید. وی اسم مقصودآباد را به مرشدآباد تبدیل کرد. برای ضرب سکه‌ها، ضرابخانه دایر کرد. در اثر این مساعی، ولایت بنگال و لقب «خیر طلب‌خان» به محمد هادی داده شد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۵۷) بدین‌گونه، در سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۷۱۷ میلادی از طرف حکومت مغولی به ولایت بنگال نهاده شد. (پی هاردی، ۱۳۶۹، ص ۶۹) بعد از رسیدن به سمت حکمرانی در سال ۱۷۰۴ میلادی پایتخت را از داکا (پایتخت فعلی کشور بنگلادش) به مرشدآباد منتقل کرد. (تمنا، ۱۹۸۸، ص ۳۶؛ آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۴)

مالیات‌هایی که سال‌ها پرداخت نشده بود، اکنون بطور منظم به دهلی فرستاده می‌شد، مرشد قلی‌خان خوب می‌دانست که پیشرفت بنگال بر کشتیرانی در دریای بنگال هم وابسته است، بنابراین، بازرگانان مغول، عرب و هندوستان را به فعالیت در امور کشتیرانی تشویق می‌نمود. مشابه مالیاتی که بازرگانان پرداخت می‌کردند را بر انگلیسی‌ها هم مقرر کرد در حالی که پیش از این، آنان از پرداخت چنین مالیاتی، معاف بودند. انگلیسی‌های مقیم کلکته در ۸ ژوئیه سال ۱۷۱۵ میلادی هیاتی به درباره امپراتور دهلی ارسال نمودند و تا ۷ ژوئن ۱۷۱۶ میلادی در دهلی برای اخذ مجوز معافیت مالیاتی، تلاش‌های زیادی کردند و حتی برای امپراتور، هدایای گران‌قیمت بردند و به برخی امیران رشوه نیز دادند اما حامیان مرشد قلی‌خان اجازه ندادند که امپراتور فریب انگلیسی‌ها را بخورد. در این زمان، امپراتور مریض شد و طبیبان دربار نتوانستند معالجه‌اش کنند و پزشک انگلیسی (هملتن) توانست وی را درمان کند. امپراتور به پادشاه این خدمت همه درخواست‌های هیات انگلیسی را پذیرفت و اجازه خرید سی و هشت روستای نزدیک کلکته را به آنان داد.

در سال ۱۷۲۲ میلادی نظام زمین‌داری را اصلاح کرد و به داد و ستد بنگال رونق داد. مرشد قلی، مسجد کارطلب خان^۵ و مسجد جامع مرشدآباد را ساخت. او یک شیعی معتقد بود و هیچ‌گاه از شریعت، منحرف نشد به گونه‌ای که با دست خود، از قرآن نسخه‌برداری می‌کرد و به مقامات مقدس هدیه می‌داد. (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۵) اسم همسر وی نوروزی بیگم بود و تنها دخترش، زینت‌النسا نام داشت. مرشد قلی نظام حکومتش را روز به روز ارتقا می‌داد و لذا دست به اصلاحات زیادی زد. برای ورود و خروج خارجی‌ها، قوانینی وضع کرد، صادرات غلات را ممنوع ساخت و آموزش را برای عموم مردم، آزاد کرد و از صاحبان علم و فضل حمایت نمود.

۵. مسجد بیگم بازار کنونی

مالیات‌هایی که پرداخت آن برای فقراء سخت بود، را لغو کرد. او به احکام شرعیه بسیار احترام می‌کرد، بین فقراء و مساکین هر روز، غذا تقسیم می‌کرد. در زمان حکومت او، معیشت مردم به دشواری مواجه نبود، سرانجام وی سال ۱۷۲۵ میلادی (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۵۹-۶۰) از دنیا رفت. (تمنا، ۱۹۸۸، ص ۳۶)

۱/۲ - شجاع‌الدوله محمدخان (حک: ۱۷۲۷-۱۷۳۹ م): شجاع‌الدین به قبیله «فشار» ترکستان تعلق داشت و پدرش در دکن سمت مهمی داشت، محل سکونت شجاع‌الدین برهان‌پور بود، زمانی که مرشد قلی‌خان در برهان‌پور زندگی می‌کرد، تعلیم و تربیت شجاع را به‌عهده گرفت و دختر خود را به او داد و به‌عنوان حکمران به ایالت اریسا اعزامش کرد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۶۰-۶۱) شجاع‌الدوله، داماد مرشد قلی‌خان (تمنا، ۱۹۸۸، ص ۳۶) در سال‌های ۱۷۲۷ تا ۱۷۳۹ میلادی به نام شجاع‌الدین محمدخان، نواب بنگال شد. او پس از مرگ اورنگ‌زیب، از امپراتوری مغولی جدا شد و اعلام استقلال کرد. (سراج‌الاسلام، ۲۰۰۳، ص ۲۵۹) همزمان با حمله نادر شاه به هند در سال ۱۷۳۹ میلادی شجاع‌الدوله وفات یافت. وی دارای اوصاف حسنه زیادی بود، او قبل از مرگش، سرفرازخان را جانشین خود کرد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۶۶) در دوران وی، بنگال در امنیت کامل قرار داشت. شجاع‌الدین در مرشدآباد، دفن شد.

۱/۳ - علاءالدوله سرفرازخان (حک: ۱۷۳۹-۱۷۴۰ م): سرفرازخان، فرزند شجاع‌الدین (سراج‌الاسلام، ۲۰۰۳، ص ۲۵۹) علاءالدوله سرفرازخان در سال ۱۷۳۹ میلادی به حکومت مرشدآباد رسید و بعد از یک‌سال، بدست الله‌وردی خان کشته شد. (تمنا، ۱۹۸۸، ص ۳۶) سرفرازخان به‌شدت به احکام شرعی پایبند بود، او اهل تقوی و پرهیزگاری و بیشتر اوقات خود را در عبادت و ریاضت سپری می‌کرد و به امور حکومت علاقه‌ای نداشت. برخی از امیران دربار مانند حاجی احمد، تلاش کردند او را از حکومت برکنار سازند. سرفرازخان حاجی احمد را از مقام دیوانی برکنار کرد و مرتضی‌خان که مخالف او بود، را منصب دیوانی عطا کرد. همچنین عطاالله‌خان، داماد حاجی احمد را از فرمانداری لشکر راج محل معزول ساخت و آن را به یکی از نزدیکان خود حسین محمد خان سپرد. حاجی احمد، برادر کوچکش علی‌وردی‌خان را که در آن زمان، جانشین حاکم در بیهار بود، برای جنگ علیه سرفرازخان آماده ساخت. علی‌وردی‌خان، بیهار و اریسا را به اشغال درآورد و برای سرکوبی سرفرازخان از عظیم‌آباد حرکت کرد و در منطقه گهیریا یا گیریا بین لشکر سرفرازخان و علی‌وردی‌خان جنگ شدیدی رخ داد و سرفرازخان تیر خورد و بالآخره در سال ۱۷۴۰ میلادی درگذشت و در مرشدآباد دفن شد (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۶۷-۷۰) و حکومت سلسله مرشد قلی در تاریخ بنگال به پایان رسید.

۱/۴ - محمد علی‌وردی خان (حک: ۱۷۴۰-۱۷۵۶ م): میرزا محمد علی «شجاع‌الملک، حسام‌الدوله، مهابت جنگ، نواب ناظم بنگال بیهار و اریسا» پسر شاه قلی‌خان میرزا محمد مدنی، عرب نژاد و از کارمندان دربار میرزا اعظم‌شاه و پسر دوم اورنگ‌زیب بود. مادر علی‌وردی از قبیله

ترک افشار خراسان و دختر نواب عقیل خان بود. احتمالاً به خاطر مادرش برخی او را، ایرانی پنداشتند. (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۳۷) بعضی نویسندگان او را الله‌وردی نامیده‌اند. (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۵؛ مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۳۷) بعد از کشته شدن سرافرازخان در جنگ گریبا، داماد او مرشد قلی خان دوم که در اریسا جانشین سرافراز بود، برای قصاص خون پدر زن خود علیه علی‌وردی اعلان جنگ نمود. علی‌وردی نیز با ۱۲ هزار سربازان جنگجو به منطقه بهلوار رسید و در آنجا، جنگ رخ داد و مرشد قلی‌خان دوم در این جنگ شکست خورد و فرار کرد و علی‌وردی اریسا را فتح نمود و سعید احمد، پسر حاجی احمد را جانشین خود ساخت و به مرشدآباد بازگشت. چندین سال بعد در مناطق اریسا و کتک، مردم علیه اقدامات سعید احمد شورش کردند و داماد مرشد قلی‌خان دوم، میرزا باقرخان اصفهانی که در جنگ قبلی همراه پدر زنش بود و به دکن فرار کرده بود، با لشکر خود بر قلعه سعید احمد هجوم آورد و سعید احمد را زندانی کرد. علی‌وردی با ۲۵ هزار سرباز با میرزا باقر جنگید و بعد از فرار کردن میرزا باقر برای بار دوم اریسا را تصرف کرد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۷۴-۷۵ و ۷۷-۷۹) سپس، سپاه مرات‌ها که در سراسر هندوستان غارتگری می‌کردند (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۴) و تعدادشان چهل هزار بود، به طرف سرزمین حاصل‌خیز بنگال سرازیر شدند. علی‌وردی و سراج‌الدوله همراه ارتش بنگالی در میدان میدناپور با کمک مصطفی‌خان و دیگر سربازان افغانی با مرات‌ها شجاعانه جنگیدند و آتش جنگ تا منطقه کتوا گسترش یافت. میرحیب ایرانی، یکی از سرداران مرات‌ها با لشکر مرات‌ها مخفیانه به طرف مرشدآباد رفت و آنجا را غارت کرد. روز دوم علی‌وردی به مرشدآباد رسید و مردم را از ظلم میرحیب نجات داد، در راه بازگشت میرحیب و لشکر مرات‌ها قلعه هوگلی، بردوان، میدناپور و باسر را نیز غارت نمودند. بعد از فصل باران، علی‌وردی همراه سربازان در کتوا کنار دریای بهاگیرتی سی و یک روز با مرات‌ها جنگید تا این‌که سربازان مرات‌ها مجبور به فرار شدند. در زمان علی‌وردی مرات‌ها ۱۰ مرتبه بر بنگال حمله بردند و افغان‌ها نیز دو بار با سرکردگی مصطفی‌خان افغانی و شمشیرخان افغانی هجوم آوردند اما نواب با تلاش خود (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۷۹-۸۴) در بنگال امنیت برقرار کرد. (مونرماثریک، ۲۰۱۱، ص ۴۸۷) بعد از مدتی مصطفی‌خان افغانی که از بزرگترین امیران دربار علی‌وردی بود و مرشدآباد را پر از افغانی نموده بود، علیه علی‌وردی شورش کرد و حکمرانی ناحیه عظیم‌آباد را مطالبه نمود. علی‌وردی در صدد مصالحه برآمد لکن مصطفی‌خان بر مصالحه تن نداد، بعد از جنگ‌های متعدد، مصطفی‌خان و حامیان او کشته شدند. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۸۸)

علی‌وردی خان شیعه بود، او اغلب قبل از رفتن به جنگ نماز می‌خواند و خاک کربلا روی پیشانی خود می‌مالید. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۰۵) او بر امیران نظارت دائمی داشت تا شورش نکنند (بهبهانی، ۱۳۷۵ صص ۴۶۸-۴۶) اما وضعیت سراسر کشور به خاطر سقوط

دولت مغولان، حمله نادرشاه، تهاجمات مراتها و توطئه‌های انگلیسی‌ها، وخیم بود ((فهمی، ۲۰۰۹ ب'صص ۳۴) اشرف‌النسا بیگم همسر علی‌وردی زن بافهم و بسیار صاحب فهم و درک بود. حقیقت این است که همه سیاست‌های نواب مرهونن تدبیر زنش بوده است. علاوه بر سیاست‌مداری، در هنر سپاه‌گری و تاکتیک جنگی نیز ماهر و همراه با تدابیر علی‌وردی بوده است ((عمرصاحب، ۱۹۴۶ صص ۱۰) علیی وردی که برای حل مشکلات مردم تلاش بسیار می‌کرد نوه خود، سراج‌الدوله را جانشین خود ساخت ((مظفر، ۱۳۷۹ صص ۳۳۷) و خود در ۱۰ یا ۱۶ آوریل ۱۷۵ میلادی ((اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲۲ صص ۱۰) از دنیا رفت ((تمنا، ۱۹۸۸ صص ۳۶) او در سن هشتاد سالگی جهان را ترک گفت و در گورستان خانواده خود در خوش باغ دفن شد ((عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۲) علیی‌وردی به علما، سادات و دانشمندان محبت می‌ورزید (بهبهانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۶۶) و برای گسترش علوم در بنگال از سراسر هندوستان علمای بزرگ از قبیل: میرمحمد علی حزین، طاهر حسن خان، و حاجی عبدالله را به مرشدآباد فراخواند و تدریس دروس اسلامی را در آنجا آغاز کرد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۰۹) او مرید علامه سید محمد علی عالم بزرگ شیعی بود، علی‌وردی بعد از نماز عصر نشست‌های علمی و دینی برگزار می‌کرد. (اکرام، ۱۹۹۶، ص ۶۲۷-۶۲۸)

۱/۵- میرزا محمد سراج‌الدوله (حک: ۱۷۵۶-۱۷۶۰ م): به دست آوردن حقایق دوران نواب سراج‌الدوله و زندگی واقعی او، بسیار سخت است چون کمپانی هند شرقی دشمن سرسخت او و میرجعفر نیز تشنه خون وی بود. همچنین جگت سیتة در پی آزار و شکست نواب بود. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۲۰) غلام‌حسین خان مخاطب به سراج‌الدوله (تمنا، ۱۹۸۸، ص ۳۶) در سال ۱۷۳۳ م به دنیا آمد. او نوه علی‌وردی‌خان بود. (سراج‌الاسلام، ۲۰۰۳، ص ۲۵۹) البته برخی مورخان اخیر نیز با الگوگیری از مورخان انگلیسی مانند کرنل مالسن، سراج‌الدوله را فرزند علی‌وردی‌خان پنداشتند که البته اشتباه است، بلکه او فرزند نواب زین‌الدین احمدخان هییت جنگ پسر حاجی احمد (بهبهانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۶۷) و مادرش آمنه بیگم بود. علی‌وردی، سراج‌الدوله را در سال ۱۷۵۲ میلادی جانشین خود ساخت (اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۸) و علی‌وردی با مشورت همسر خود (اشرف‌النسا) و در سال ۱۷۵۷ میلادی، سراج‌الدوله را در عظیم‌آباد جانشین خود کرد. حکومت سراج‌الدوله با بحران‌های پیاپی رو به رو شد به آن دلیل که اوضاع بنگال، آشفته بود، هندوها از این که اقلیتی مسلمان بر آنان حکومت کنند ناراضی بودند (اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۸) در حالی که از زندگی ۱۹ ساله و حکومت ۱۴ ماه سراج‌الدوله پاسخ توقعات زیادی ممکن نبود، البته کارهای زیادی هم در زمانه حکومت علی‌وردی‌خان و هم در زمانه حکومت خود انجام داد که از آنها نیت، واقعی‌اش روشن می‌شود. در حکومت او، نمونه‌هایی از شجاعت دوران نوجوانی‌اش مثل مبارزه با ظلم و زورگویی ظاهر شد. چهار سال آخر حکومت علی‌وردی در حقیقت حکومت سراج‌الدوله بود و آرامش

حاکم بر کشور، نتیجه تلاش سراج‌الدوله بوده است. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۳۱) برخی از امیران، دشمن او شدند و انگلیسی‌ها که از سال ۱۶۹۴ میلادی بسیار قدرتمند شدند، در سال ۱۷۱۶ میلادی شروع به ساخت انبارها، دیوارها و خانه‌های مسکونی در اطراف قلعه کلکته کردند (اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۹) و به دستور سراج‌الدوله دربارهٔ جلوگیری از ساخت دیوارهای قلعه کلکته و تحویل دادن پسر خائن راج بلبه، کرشن داس بی توجهی کردند، او در قاسم بازار، کاخ تجارتنی انگلیسی‌ها را تخریب ساخت و کلکته را تصرف کرد و انگلیسی‌ها را از بنگال اخراج کرد. انگلیسی‌ها به جزیره (فولتا) فرار کردند (سراج‌الاسلام، ۲۰۰۳، ص ۲۵۹) و کلکته سقوط کرد. بعد از مدتی، بین سراج‌الدوله و نیروهای دولت انگلیسی توافق‌نامهٔ علی‌نگر^۶ برقرار شد و او، مجبور به پرداخت خسارت جنگ شد. بعد از این، شرارت‌های انگلیسی‌ها روز به روز افزایش یافت. انگلیسی‌ها در صدد جایگزین کردن فردی به جای سراج‌الدوله بودند، آنان میرجعفر، جگت سیته و بعضی از امیران حریص را جذب کردند و سربازان انگلیسی با آنان، به فرماندهی کلائیو و وات سن، به طرف مرشدآباد حرکت کردند. در ۲۳ ژوئن ۱۷۵۷ میلادی نواب در میدان پُلّاسی در مقابل ارتش مجهز انگلیس قرار گرفت. سراج‌الدوله نخستین فردی است که در هندوستان در مقابل انگلیسی‌ها ایستاد (نقوی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲) و بعد از شکست، به‌دست میرن کشته شد، سراج‌الدوله فردی عمیقاً مذهبی بود. (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۴) علامه اقبال در باره سراج‌الدوله گفت: «سراج‌الدوله را هنوز هندوستان نشناخته است، و گر نه مرشدآباد به اجمیر تبدیل می‌شد، حقیقت این است که همراه آخرین نفس سراج‌الدوله شمع آزادی هندوستان نیز خاموش شد.» (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۲۶) بدین گونه در سال ۱۷۵۷ میلادی حکومت آخرین پادشاه مسلمان سراج‌الدوله به پایان رسید، او نوجوان پیر صفتی بود که برای حفاظت میهن خود سینه سپر کرد اما بزرگان ما سینه آن را با دستان خود شکافتند و سر او را بریدند و به زیر پای کمپانی گذاشتند. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۵۴-۵۵)

۱/۶ - میرقاسم علی‌خان (حک: ۱۷۶۰-۱۷۶۵ م): بعد از حکومت وابسته میرجعفر (حک: ۱۷۵۷-۱۷۶۰ میلادی) انگلیسی‌ها، داماد او، میرقاسم را بر تخت حکومت مرشدآباد نشاندند (اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۱۲) اما او کوشید به استقلال دست یابد. انگلیسی‌ها به خاطر استحکام نیروی دریایی در دریای گنگ، قدرتمند بودند اما میرقاسم نقشه‌ای طراحی کرد تا انگلیسی‌ها را محدود سازد و کشتی‌های آنان نتوانند وارد ناحیه شمالی دریای گنگ شوند، او برای تشکیل ارتش قدرتمند و جلوگیری از دخالت‌های کمپانی، تصمیم گرفت پایتخت را از مرشدآباد به مونگیر منتقل سازد؛ اما برای این کار، ثروت زیادی لازم بود. او زمین‌هایی را که قابل کاشت نبود، آباد کرد و مالیات برای آن‌ها مقرر ساخت. بدین‌گونه درآمد دولت افزایش یافت

۶. سراج‌الدوله اسم کلکته را علی‌نگر گذاشته بود. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۶۲)

و حقوق سپاه و کارمندان پرداخت می‌شد. او به ضررهایی که به خاطر مفاسد کارمندان کمپانی به حکومت وارد شده بود، رسیدگی کرد. انگلیسی‌ها از مجوز بازرگانی سوء استفاده می‌کردند، میرقاسم مانع این سوء استفاده شد که باعث ناراحتی انگلیسی‌ها گردید، تا این‌که رابطه میرقاسم و انگلیسی‌ها از هم پاشید. او مالیات بازرگانان بومی را کاهش داد و مالیات خارجی‌ها را افزود، انگلیسی‌ها تجارت با بومیان را برای خود تحقیرآمیز می‌دانستند و برای افزایش مالیات بر بازرگانان بومی فشار می‌آوردند تا این‌که انگلیسی‌ها در سال ۱۷۶۲ میلادی علیه او لشکر کشیدند. (فهمی، ۲۰۰۹ ب، ص ۳۶۱) در سال ۱۷۶۳ میلادی میرقاسم نیروی مسلحی به سبک اروپائیان تأسیس کرد و با سربازان کمپانی به مقابله برخاست، نخست در پُتَنه درگیری آغاز شد اما او در سال ۱۷۶۳ میلادی شکست خورد. سپس این جنگ در مناطق کتوا، مرشدآباد، گریا، سوتی، اودوی و مونگیر رخ داد. (سراج‌الاسلام، ۲۰۰۳، ص ۲۶۰) در این جنگ‌ها هم شکست خورد. علت شکست او خیانت سردارانش بود، میرقاسم خزائن خود را برداشت و از بنگال گریخت. (بهبهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹۷) میرقاسم از امپراتور مغول، شاه‌عالم دوم، و حاکم اوده، شجاع‌الدوله، درخواست کمک کرد. شجاع‌الدوله و شاه‌عالم دوم از نهضت میرقاسم علیه انگلیسی‌ها اعلام حمایت کردند. (فهمی، ۲۰۰۹ ب، ص ۳۴۸) شاه‌عالم دوم، تلاش کرد قسمتی از بنگال را برای خود حفظ کند اما در ۲۲ اکتبر سال ۱۷۶۴ میلادی در میدان بکسر^۷ مجبور به عقب نشینی شد و انگلیسی‌ها در جنگ بکسر پیروز شدند. (تمنا، ۱۹۸۸، ص ۴۹) شاه‌عالم، بنگال، بهار و اریسا را به انگلیسی‌ها واگذار کرد. شجاع‌الدوله نیز، برای جنگ بکسر تاوان زیادی را پس داد و به روهیلکهند بازگشت و بدین‌گونه انگلیسی‌ها در اوده قدم نهادند. میرقاسم ناپدید گشت و در نزدیکی دهلی در سال ۱۷۷۷ میلادی درگذشت و کار به دست کمپانی هند شرقی افتاد.

خلاصه این‌که ویژگی شش نواب مذکور طی سال‌های ۱۷۱۷ تا ۱۷۶۵ میلادی، مخاصمه و مجادله با انگلیسی‌ها بود. در این دوره چهل و هشت ساله، یا با انگلیسی‌ها جنگیدند یا در خصومت با آنان به سر بردند. روابط بین این دو در دوره مذکور، سرد و بر پایه عدم اعتماد قرار داشت. خصوصیت دیگر این دوره، استقلال عمل نواب شش‌گانه نسبت به امپراتوری مغول بود، هرچند مسالمت آنان با امپراتوری مغولی به دلیل مسلمانی طرفین، بیشتر بود ولی آنان به دلیل سرشت شیعی خود، کوشیدند مستقل عمل نمایند. به نظر می‌رسد نه مغولان سنی و نه انگلیسی‌های مسیحی در این‌که شیعیان نباشند، وحدت نظر داشتند اما مقاصد این دو در خصومت کم و بیش با شیعیان، تابع منافع جداگانه‌ای بود.

۲. دوره گذار قدرت؛ فرازاها و فرودهای مقاومت اسلامی

انگلیسی‌ها از سودجویی تجاری و غارت‌های پرتغالی‌ها در سال ۱۴۹۸ میلادی، هلندی‌ها در سال ۱۵۹۶ میلادی و فرانسوی‌ها که در سال ۱۶۷۴ میلادی متوجه هندوستان شدند و با الگوگیری از فرانسوی‌ها، شرکتی به نام «کمپانی هند شرقی» تأسیس کردند. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۴۸-۴۹) این کمپانی در سال ۱۶۰۶ میلادی در زمان امپراتور جهانگیر وارد هند شد (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۷-۱۸) و نماینده کمپانی در سال ۱۶۰۸ میلادی از دربار جهانگیر اجازه تأسیس ساختمان‌های تجارتی در شهر سورت، ایالت گجرات دریافت کرد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۴۹) توماس، سفیر انگلستان، در سال ۱۶۲۵ میلادی به هند آمد و امتیاز تجارت را به دست آورد. (میرشریفی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷) به علاوه، ابوصالح کنبوه در کتاب «شاهجهان نامه» نوشته است که یکی از دختران شاهجهان به‌خاطر آتش‌گرفتگی پرده‌های ابریشم قصر، بدنش به حدی سوخت که طبیبان از معالجه آن معذور بودند، بنابراین، پادشاه یکی از پزشکان بریتانیا به نام «دیودسن» را از شهر سورت ایالت گجرات فراخواند. با معالجات آن پزشک دختر شاهجهان خوب شد و امپراتور خوشحال گشت و از پزشک درباره اجرت کارش پرسید. پزشک گفت: در بنگال به انگلیسی‌ها اجازه تجارت و تأسیس شرکت داده شود. امپراتور نیز، اجازه داد تا انگلیسی‌ها در سال ۱۶۴۰ میلادی شهر هوگلی را به یک مرکز تجاری تبدیل کنند (صدیقی، ۱۹۹۳، ص ۱۶۸) و در سال ۱۶۵۱ میلادی در هوگلی بزرگ‌ترین ساختمان تجاری را بنا نهادند. در ۱۲ آگوست سال ۱۶۶۵ میلادی از طرف امپراتور دهلی به آن‌ها اجازه داده شد تا در بنگال، بیهار و اریسا تجارت نمایند. (بهت‌چاریه، ۱۹۶۳، ص ۴۲) در سال ۱۶۸۲ میلادی جاب کارنک مدیر جدید کمپانی هند شرقی گشت و به بنگال رفت. او بسیار شورو و بداخلاق بود و به آداب و اخلاقیات هندوستان، توجهی نداشت. کارنک نوکری بداخلاق نیز داشت و همه از او و نوکرش بیزار بودند اما او مفیدترین کارمند کمپانی بود که در زمان جنگ بین اورنگ‌زیب و جوسیاچاندل، به چتتانوتی (کلکته فعلی) و برای بازرگانان بریتانیا در کلکته ساختمان‌های تجاری بسیاری ساخت و بعد حکمران بنگال را فریب داد و از او اجازه ساخت قلعه در کلکته را دریافت کرد، بدین‌گونه در سال ۱۶۹۹ میلادی ساخت آن قلعه به نام «فورت ولیم» به پایان رسید. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۵۱-۵۲) بدین سان و به گفته‌های

سن^۱ «انگلیسی‌ها هندوستان را به اردوگاه برده‌ها تبدیل کردند.»

علی‌وردی نخستین حکمران بود که پیشرفت کمپانی را سبب انحطاط خود می‌دانست اما او نتوانست آنان را از بین ببرد. البته از جانشین خود توقع این کار را داشت. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۴۷) در زمان سراج‌الدوله، انگلیسی‌ها برای اشغال بنگال مصمم شدند؛ اما سراج‌الدوله برای انگلیسی‌ها یک تهدید مهم بود، سراج‌الدوله نهضتی بر ضد انگلیسی‌ها آغاز کرد و برای خروج

آنان از کلکته و قاسم بازار تلاش کرد. (فهمی، ۲۰۰۹، ب، ص ۳۶۰) انگلیسی‌ها، کلکته را پایگاه خویش قرار دادند و پس از تجهیز، به دشمنی با سراج‌الدوله برخاستند و در توطئه‌ای، وی را مجبور به فرار کردند. سرانجام سراج‌الدوله کشته شد و انگلیسی‌ها تبدیل به قدرت بزرگ سیاسی مسلط گردیدند. (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۷-۱۸) نفوذ بریتانیا ابتدا به صورت فعالیت کمپانی بازرگانی آغاز گردید اما آشکارا چون یک سازمان سیاسی در سرنوشت میلیون‌ها مردم هند هم دخالت می‌کرد. کارگزاران کمپانی با نفوذ در بنگال و شرکت در تحریکات و دسته بندی‌های درباریان و امیران محلی توانستند مقاومت سراج‌الدوله را درهم بشکنند و با پیروزی بر او در جنگ پلاسی، راه تسلط و نفوذ کامل خود را بر هند هموار سازند. پس از آن، نفوذ انگلیسی‌ها با سرعت در سراسر هند گسترش یافت (میرشریفی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰) و سرانجام در سوم ژوئیه ۱۷۵۷ میلادی سراج‌الدوله در مصاف با انگلیسی‌ها در راه پتنه، به دستور پسر میرجعفر، میرن، کشته شد. (اسعدی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۷)

میرجعفر علی در دوره‌ایی که نواین مستقل عمل می‌کردند یک استثنا بود. میرجعفر علی خان (حک: ۱۷۵۷ - ۱۷۶۰ م) پسر سید احمد نجفی بود، علی وردی خان، خواهر خود، شاه‌خانم را به عقد میرجعفر درآورد و مقام پایین‌تر از خود را به او داد. (بهبهانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۶۸-۴۶۹) انگلیسی‌ها برای خلع حکومت سراج‌الدوله در آوریل ۱۷۵۷ میلادی میرجعفر را جذب خود کردند. میرجعفر نیز، در جنگ پلاسی به سراج‌الدوله خیانت کرد و سراج‌الدوله به دستور میرن، پسر میرجعفر به نام محمدی بیگ کشته شد. کلائیو در ۲۹ ژوئن، میرجعفر را بر حکومت رساند (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۳۷) اما حاکم اصلی، انگلیسی‌ها بودند. (اکرام، ۱۹۹۷، ص ۷۳) آن‌ها سراسر بنگال را اشغال خود داشتند. پس از به تخت نشینی میرجعفر اوضاع وخیم‌تر شد و مردم مضطرب‌تر شدند. راجا رام نرائن والی عظیم‌آباد وفادار نواب شهید سراج‌الدوله بود. او راجا سندر سینگه و راجا بلوان سینگه و چند دیگر زمین‌داران بنگال را برای انتقام خون سراج‌الدوله آماده ساخت. میرجعفر برای مهار نمودن رام نرائن، میر مشرف‌الدین و گویندمل را به عظیم‌آباد فرستاد اما با خیانت گویندمل و انگلیسی‌ها، رام نرائن عظیم‌آباد را از حکومت بنگال جدا ساخت. در پنجمین سال حکومت میرجعفر والی پورنیه، حضور علی با کمک آچهل سینگه اعلام استقلال نمود. در این وضعیت، راجا رام دُرلَب نیز علیه میرجعفر شورش کرد و در پی تخت نشینی برادر کم‌سن سراج‌الدوله، میرزا مهدی بود که در زندان میرجعفر قرار داشت. میرجعفر به پسر خود میرن، دستور قتل میرزا مهدی را داد و به طرف عظیم‌آباد حرکت کرد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۲۱۹-۲۲۰) در سال ۱۷۶۰ میلادی هنری و انستارت^۹ او را معزول و میرقاسم را به جای وی نشانندند. (اسعدی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۷)

۹. Henry Vansittart فرماندار انگلیس در بنگال از ۱۷۶۰/۱۷۶۴ جانشین کلایو بود.

میرقاسم با انگلیسی‌ها درگیر شد و انگلیسی‌ها بعد از پیروزی در جنگ بکسر سال ۱۷۶۳ میلادی با میرقاسم، او را بر کنار کردند و میرجعفر را دوباره و در سال ۱۷۶۳-۱۷۶۵ میلادی به فرمانروائی باز گرداندند (موتزما اثر بُک، ۲۰۱۱، ص ۴۳۴-۴۳۵) اما او به بیماری جذام مبتلا شد و در سال ۱۷۶۵ میلادی درگذشت (سراج‌الاسلام، ۲۰۰۳، ص ۲۶۰) و در گورستان خانواده خود جعفرگنج دفن شد. علامه اقبال همیشه از جعفر مذمت می‌کرد و اشعاری در باره خیانت او سروده است. مانند:

جعفر اندر هر بدن ملت کش است. این مسلمانی کهن ملت کش است.

دین او آیین او سوداگری است. عنتری است اندر لباس حیدری است.

(نیک‌پناه، و شیخ‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۶)

انگلیسی‌ها از ۱۷۶۵ با به‌کارگیری نفوذ، تطمیع با بهره‌گیری از قدرت نظامی زمینه‌های انتقال قدرت از نوآیین مستقل به نوآیین وابسته را فراهم کردند. آنان نخست به بهانه تجارت پا در بنگال نهادند و با تأسیس یک کمپانی به ظاهر تجاری، مقدمات سلطه نهایی دولت انگلیس را در مرشدآباد پدید آوردند. انگلیسی‌ها در آغاز کوشیدند اعتماد دولت مردان را به دست آورند و سپس اقدامات عملی خود را مستقیم یا از طریق عوامل وابسته و نفوذی، پیش ببرند. جبهه انگلیسی‌ها متحد و با انگیزه قوی اقتصادی و سیاسی بود اما در نقطه مقابل، شیعیان پراکنده در برابر آنان، شکست خوردند.

۳. نوآیین وابسته مرشدآباد؛ دوره دوم مقاومت اسلامی در برابر انگلیس

پس از میرجعفر نیز حکومت مرشدآباد با نوآینی بود که به ظاهر از استقلال عمل کافی برخوردار بودند اما به تدریج ورق به کلی برگشت تا این‌که بعد از درگذشت میرجعفر، سید ناظم‌الدین خان (حک ۱۷۶۵-۱۷۶۶ م) نواب بنگال بیهار و اریسا شد. او از دودمان سادات نجفی‌ها و پسر دوم میرجعفر و اسم مادرش منی بیگم بود. انگلیسی‌ها لقب «ناظم‌الدوله» را به او دادند. ناظم‌الدین در سن هجده سالگی در سال ۱۷۶۵ میلادی به حکومت رسید. انگلیسی‌ها از طرف نواب جوان، سید محمد رضاخان را نایب دیوان ناظم قرار دادند، یکی از امیران هندو، نندگمار همیشه علیه رضاخان سعایت می‌کرد. انگلیسی‌ها ۳۰ سپتامبر ۱۷۶۵ میلادی حکومت را از او می‌گیرند، او مجبور شد تاوان زیادی به دلیل شرکت در جنگ بکسر، پرداخت کند و مناطق آکوره و اله‌آباد به انگلیسی‌ها رسید (سراج‌الاسلام، ۲۰۰۳، ص ۲۶۰) اما ناظم‌الدین در ۸ مه ۱۷۶۶ میلادی در سن جوانی درگذشت و در جعفرگنج «مرشدآباد» به خاک سپرده شد. بعد از او برادر نابالغ او، سیف‌الدوله (نجابت علی خان) جانشین گشت.

سید نجابت علی خان (حک: ۱۷۶۶-۱۷۷۰) ملقب به «سیف‌الملک سیف‌الدوله نواب ناظم بهادر شہامت جنگ» در دوم مه سال ۱۷۶۶ میلادی به حکومت رسید که تا دهم مارس سال ۱۷۷۰ میلادی حکومتش برقرار بود. نجابت علی پسر میرجعفر از همسر سوم، منی بیگم، به

دنيا آمد. او در ۱۰ مارس سال ۱۷۷۰ میلادی درگذشت و بعد از او سید اشرف علی خان به حکومت رسید. اشرف علی فرزند میرجعفر و راحت النساء بود. او به سرپرستی نفیسه النساء (مجهلی بیگم) پرورش یافت. وی در ۲۱ مارس ۱۷۷۰ میلادی بر تخت حکومت بنگال، بهار و آریسا نشست اما سه روز بعد درگذشت، سپس مبارک علی خان جانشین شد. او در سال‌های ۱۷۹۳-۱۷۷۰ میلادی نواب بنگال بود و بابر علی خان، جانشین نواب مبارک علی خان شد، بابر علی از سال ۱۷۹۳-۱۸۱۰ میلادی نواب بنگال بود، بعد از بابر علی، زین العابدین علی خان از سال ۱۸۱۰-۱۸۲۱ میلادی نواب بنگال گشت. بعد از درگذشت زین العابدین علی خان، احمد علی خان از سال ۱۸۲۱-۱۸۲۴ میلادی حکومت بنگال را در دست داشت. بعد از وفات احمد علی خان، سید مبارک علی خان دوم ناظم بنگال شد. او از سال ۱۸۲۴ م-۱۸۳۸ میلادی بر بنگال حکومت کرد، وی منصور علی خان را جانشین خود قرار داد. او به خاطر انتقاد از موقعیت خود در سال ۱۸۸۰ میلادی از نوابیت کناره‌گیری کرد زیرا: اختیار کامل بنگال از سال ۱۷۷۳ میلادی در دست کمپانی هند شرقی قرار داشت و نوابین بازبچه دست انگلیسی‌ها بودند. منصور علی در سال ۱۸۸۴ میلادی در بیماری و با از دنیا رفت و پسر ارشد خود، نواب سید حسن علی میرزاخان را جانشین خود کرد ولی نوابیت او از طرف انگلیسی‌ها لغو شد و بیش از گذشته، انگلیسی‌ها بر مقدرات هندوستان حاکمیت یافتند و حکومت نحیف شیعه که از سال ۱۷۷۳ حکومت می‌کرد، پایان داد.

انگلیسی‌ها در اواسط قرن نوزدهم میلادی به حکومت شیعی خودمختار مرشدآباد را خاتمه دادند (احمد، ۱۹۹۶، ص ۲۶) و نوابین بعدی که دست نشاندۀ آنان بودند، به عنوان ناظم بنگال، حکومت کردند و خودشان را نواب خطاب می‌نمودند. همه این نوابین، شیعه بودند. انگلیسی‌ها برای سلطه بر این منطقه از مفهوم دولت دست نشانده و از مفهوم استعمار نو استفاده کردند. در دولت دست نشانده و در استعمار نو، انگلیسی‌ها مستقیماً قدرت را در دست نداشتند بلکه با گماردن افراد وابسته به خود از درون شیعیان، با کمترین هزینه انسانی و مالی و سیاسی بیشترین استفاده‌ها را می‌بردند. به همین دلیل، مفهوم نواب به ناظم تغییر یافت، هرچند ناظمین خود را نواب معرفی می‌کردند اما واقعیت آن بود که آنان از محتوای مفهومی نوابی دور شده بودند و تنها نمایندۀ دولت انگلیس نه نماینده مردم خود به مثابه یک ناظم و کنترل‌کننده به نفع انگلیس عمل می‌کردند البته در این دوره انتقالی، دولت شیعه مرشدآباد نخست ضعیف و سپس وابسته گردید.

نتیجه‌گیری؛ کنکاشی در آسیب‌شناسی مقاومت اسلامی

نوابین شیعی بنگال هند همیشه سه دشمن بزرگ داشتند که عبارت بودند از: انگلیسی‌های مکار، مرات‌های غارتگر و خائنین دربار (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۵۱) با این وصف، با برپایی دولت شیعی در مرشدآباد در قرن هجدهم میلادی، باعث شد شیعیان خدمات فراوانی به

تاریخ و تمدن هند انجام دهند. مرشدآباد مرکز مهم این تغییرات بود. نوآیین و ناظمین بنگال برای آبادانی آن تلاش بسیار کردند؛ اما حکومت ۱۶۷ ساله نوآیین سرانجام دچار انحطاط شد. مهم‌ترین علل سقوط حکومت نوآیین و ناظمین را با بررسی موردی سقوط سراج الدوله به مثابه شاخص مهم این سقوط، می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. حمایت هندوها از انگلیسی‌ها علیه سراج‌الدوله: یکی از مهم‌ترین علت سقوط دولت سراج‌الدوله، حمایت هندوها از انگلیسی‌ها بود، چون؛ انگلیسی‌ها و هندوها تاجر بودند و همیشه و صرفاً به نفع و ضرر خود اهمیت می‌دادند، البته انگلیسی‌ها قبل از حکومت سراج‌الدوله، هندوها را نسبت به حکومت اسلامی بدگمان کرده بودند. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۴۳) راجه کرشنا چندر در زمان جنگ‌ها، حامی انگلیسی‌ها بود. اومی چند یا امیر چاند در سال ۱۷۵۸ میلادی (بازرگان سیک از ایالت امرتسر و از دلایان کمپانی)، به انگلیسی‌ها کمک می‌کرد. مهتاب چاند جینی، با انگلیسی‌ها هم‌دست بود. نُوبُ کُمار دیو در ساقط کردن سراج‌الدوله در کنار انگلیسی‌ها قرار داشت. (موترماتریک، ۲۰۱۱، ص ۴۹۴، ۴۹۱، ۴۸۸، ۴۵۶) گوبند رام مَتر در جنگ کلکته، حامی استعمارگران بود. در جنگ پُلاسی، اُمی چند، جگت سیته، دُرلب رام و بَلوت دیو (شکیل افروز، ۲۰۱۰، ص ۱)، میرزا امیر بیگ و سُرُوب چند نیز از انگلیس پشتیبانی می‌کردند. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۹۲)

۲. خیانت سرداران لشکر و وزیران: خیانت در اردوگاه سراج‌الدوله در میدان پُلاسی هم رخ داد، او به دام عوامل مزدور ارتش خود افتاد و به قتل رسید. (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۴ و ۲۲) به خاطر خیانت میرجعفر، سراج‌الدوله در جنگ پُلاسی شکست خورد. بدین ترتیب، انگلیسی‌ها با توطئه خود و با خیانت برخی از سران حکومت سراج‌الدوله و بویژه خیانت میرجعفر، نخستین پیروزی قطعی را در پُلاسی به دست آوردند. (شیمل، ۱۳۸۶، ص ۶۵)

۳. عدم همراهی امیران و خانواده نوآب: برخی امیران دربار و بعضی از خانواده نوآیین با سراج‌الدوله همراهی نکردند، ایرج خان، پدر زن او نیز، در مقابل انگلیسی‌ها از او حمایت نکرد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۹۹)

۴. کینه‌توزی برخی از افراد خانواده حکومت: برخی از افراد خانواده حکومت نمی‌خواستند سراج‌الدوله بر تخت حکومت بنشیند، از بین آنان میرجعفر، میرمصلی خان، میرزا همایون شوکت جنگ پسر عموی سراج‌الدوله و مهرالنساء (گهستی بیگم)، دختر علی‌وردی خان از این جمله بودند. او می‌خواست اکرام‌الدوله، پسر خوانده‌اش بر تخت حکومت بنشیند و برای این کار بیست هزار سرباز استخدام کرده بود. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۳۳)

۵. ارائه مشورت‌های نادرست توسط امیران: سراج‌الدوله در جنگ با انگلیسی‌ها، کم سن و دارای تجربه اندک بود و این امر او را در پذیرش مشورت امیران، به بیراهه برد. اصولاً برخی او را به دلیل مقاصد شخصی به جنگ ترغیب کردند. (بهبهانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۶۷)

سراج‌الدوله درباره وسعت و نوع توطئه بین انگلیسی‌ها و برخی امیران دربار آگاهی کافی نداشت. او به‌سان یک انسان ساده و جوان بی‌تجربه از کسانی امید کمک داشت که از توطئه‌گران بزرگ بودند. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۲۰۷)

۶. توطئه و سیاست‌های تفرقه افکنانه انگلیسی‌ها: سراج‌الدوله قربانی توطئه مشترک بریتانیا و خائنین داخلی شد. (آخوندزاده، ۱۳۶۵، ص ۱۴) توطئه انگلیسی‌ها بیشتر از قدرت نظامی آنان بود، انگلیسی‌ها سراج‌الدوله را با نیرنگ شکست دادند. (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۳۷) دو نفر از مقامات ارشد کمپانی، هاستینگی و رابرت کلائیو، در ایجاد تفرقه بین مسلمانان و هندوها نقش وافر داشتند. کلائیو با تفرقه، بنگال را تصرف کرد. (بروجردی، ۱۳۷۹، ص ۶۵) در ارتش نواب، سربازان فرانسوی و پرتغالی نیز بودند، انگلیسی‌ها برای فریب دادن آنان، نامه‌ای دست‌نویس در بین آنها پخش کردند که نوشته بود: "جنگیدن مسیحی‌ها با حمایت مسلمانان، علیه مسیحی‌های دیگر حرام است." (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۱۵۵)

۷. عشرت طلبی نوآیین و رقابت امیران: زمانی‌که انگلیسی‌ها در صدد قدرت بودند، شاهان عشرت طلب و وزیران و امیران، به جای این که در پی جلوگیری قدرت انگلیسی‌ها باشند، بیشتر توجه خود را به دادن و گرفتن القاب و عناوین تو خالی و رقابت با یکدیگر کردند. (بهبهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۵)

۸. کم سن و بی تجربه بودن سراج‌الدوله و سایر نوآیین: سراج‌الدوله بسیار کم تجربه بود و درباره دوست و دشمن چندان آگاهی کافی نداشت. (بهبهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۶۷) او در وضعیت بحرانی نمی‌توانست درست تصمیم بگیرد. قدرت و تخت، سراج‌الدوله را از همه چیز غافل ساخته بود. او به خاطر کم تجربگی، با همه رقبای خود در یک زمان درگیر شد و اقدامی نکرد که دشمنان او نتوانند متحد شوند. او بی احتیاط و در آخر از لحاظ روحی برای جنگ آمادگی لازم را نداشت. (سراج‌الاسلام، ۲۰۰۳، ص ۲۵۹)

۹. دست‌کم گرفتن انگلیسی‌ها: آن‌ها خارجانی بودند که از کشوری دور دست آمدند، همین عامل به سود آنان شد؛ زیرا هیچ‌کس آنها را جدی نمی‌گرفت و هیچ تصویری نمی‌رفت که آنها ممکن است در صدد به دست آوردن حکومت باشند. (نهر، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۵۸)

۱۰. نداشتن آموزش نظامی، تاکتیک جنگی و سلاح جدید سربازان نواب: سربازان نواب، در مقابل انگلیسی‌ها، آموزش نظامی نداشتند؛ در حالی که ارتش کمپانی به آموزش نظامی و تاکتیک جنگی و سلاح جدید مجهز بود لذا روز به روز قدرت کمپانی رشد یافت و تأسیسات نظامی بسیار زیادتر شد. (نهر، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۵۸)

۱۱. دستگاه اطلاعاتی ضعیف: حکومت تازه تأسیس سراج‌الدوله، سیستم اطلاعات قوی نداشت؛ اما انگلیسی‌ها، دستگاه جاسوسی خود را محکم کرده بودند. نهر در این باره می‌نویسد: «کمپانی هند شرقی در دربارهای حکمرانان، گروه‌های خدمت‌گزارانی را داشت که حتی

امپراتوری بریتانیا در هیچ زمان این همه خدمت‌گزار را در خدمت خود نداشته است. یکی از مهم‌ترین وظایف نماینده انگلستان این بود که به سایر مأموران عالی‌رتبه رشوه بدهد و آنها را به فساد بکشانند... سیستم جاسوسی آنان کامل بود. از وضع دربارها و ارتش‌های مخالفان خود اطلاعات دقیق داشتند. دستگاه ستون پنجم انگلیسی‌ها به طور دائم کار می‌کرد به طوری که در لحظات بحرانی و زمان جنگ اطلاعات منفعت بخش فراهم می‌ساخت، آن‌ها در بیشتر جنگ‌ها پیش از آن که عملاً جنگی روی دهد پیروز می‌شدند.» (نهر، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۶۲)

۱۲. ضعف امپراتوری مغولی دهلی: هنگامی که سراج‌الدوله علیه انگلیسی‌ها قیام کرد حکومت اسلامی هندوستان بیسار به هرج و مرج و به جنگ خانگی مبتلا بود، بنابراین، نتوانست از امپراتوری کمک بگیرد. (عمرصاحب، ۱۹۴۶، ص ۴۶)

۱۳. تقسیم قدرت بین انگلیسی‌ها و ناظمین بنگال: بعد از شکست سراج‌الدوله، در سال ۱۷۶۵ میلادی دو حکومت بر سر کار بودند؛ یکی نواب که مسئول اداره امور قضائی و امنیت بود و دیگری کمپانی که وظیفه تصدی امور مالی را بر عهده داشت. با این ترتیب، کمپانی فرمانروای بنگال شد؛ زیرا سربازان را در اختیار داشت. برای نواب فقط اداره امور قضائی باقی ماند. (اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴)

۱۴. وسعت اراضی حکومت: سرزمین‌های زیادی به حکومت شیعی بنگال، اضافه شد و اقوام گوناگونی را با نژادها، زبان‌ها، ملیت‌ها و گرایش‌های متعددی در بر می‌گرفت که حکمرانی بر چنین مجموعه‌ای دشوار بود.

۱۵. تهاجم پی در پی غارتگران مرات‌ها و جنگ با راجه‌های ناگپور

۱۶. عدم رواج و نهادینه شدن اعتقادات شیعه: نوآیین مرشدآباد از شیعه دوازده امامی بودند، مرشد قلی‌خان، اولین بار در بنگال، دهه اول محرم را تعطیل رسمی اعلام کرد. به تشویق مرشد قلی‌خان عزاداری در ماه محرم از بزرگ‌ترین مراسم بنگال شناخته شد. در این روزگار برای جلب رضایت نوآیین، زمینداران سنی و هندو عزاداری می‌کردند، راجه‌های ناتو و وردهمان جذاب‌ترین شبیه ضریح امام حسین (ع) را می‌ساختند و هیئت عزاداری به راه می‌انداختند. زمین‌داران بزرگ در خیابان‌ها همراه شبیه ضریح پیاده راه می‌رفتند، هنوز هم روبروی قصر هزار در، حسینیه بزرگ وجود دارد که از بزرگ‌ترین حسینیه هندوستان می‌باشد. بسیاری از امیران دربار نوآیین نیز شیعه بودند اما معارف شیعه در این سرزمین چندان رواج نیافت. (اسعدی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۸)

به طور خلاصه می‌توان مقاومت و میزان آن را در دولت‌های شیعی مرشدآباد با انگلیسی‌ها را در ۱۶۷ از ۱۷۱۷ تا ۱۸۸۴ در جدول زیر مشاهده کرد:

ردیف	دوره	تاریخ	وقایع مهم
۱	ورود کمپانی هند شرقی به	۱۶۰۶	دریافت امتیاز تجارت در هند از امپراتوری

	هندوستان	مغولی ۱۶۶۵ تأسیس بزرگ‌ترین ساختمان تجاری در هوگلی ۱۶۹۹ ساخت قلعه فورت ولیم در شهر کلکته
۲	دورهٔ مقاومت و استقامت و (تأسیس و تداوم دولت‌های شیعی بنگال غربی)	۱۷۱۷ الی ۱۷۵۷ محمد هادی، مرشد قلی‌خان (۱۷۱۷-۱۷۲۷): تأسیس حکومت شیعیان در مرشدآباد و تعیین مالیات بر انگلیسی‌ها شجاع‌الدوله محمدخان (۱۷۲۷-۱۷۳۹): اعلام استقلال از امپراتوری مغولی هند علاء‌الدوله سرفرازخان (۱۷۳۹-۱۷۴۰): آغاز جنگ‌های داخلی به تحریک انگلیسی‌ها محمد علی‌وردی خان (۱۷۴۰-۱۷۵۶): ادامه جنگ‌های داخلی میرزا محمد سراج‌الدوله (۱۷۵۶-۱۷۶۰): وقوع جنگ پلاسی با انگلیسی‌ها
۳	دورهٔ انتقال قدرت از نواب مستقل به نواب وابسته به انگلیس	۱۷۵۷ الی ۱۷۶۳ جذب میرجعفر توسط توسط انگلیسی‌ها و به حکومت رساندن وی وقوع قیام‌های رام نرائن، حضور علی، رام درلب و میرزا مهدی علیه انگلیسی‌ها و بی نتیجه ماندن آن قیام‌ها وقوع جنگ بکسر و شکست شیعیان و تسلط کامل انگلیس بر مرشدآباد
۴	دورهٔ مصالحت و مغلوبیت (روی کارآمدن حکومت‌های شیعه وابسته به انگلیس)	۱۷۶۳ الی ۱۸۸۴ به قدرت رساندن افراد مختلفی از ۱۷۶۳ توسط توسط انگلیسی‌ها و حاکمیت آنان بر بنگال و تغییر مفهوم نوایت به ناظمیت
۵	علل شکست شیعیان	۱۸۸۴ دشمنی‌های مختلف انگلیسی‌های از قبیل تفرقه افکنی، جذب هندوها، کاربرد سلاح و ... مشکلات ناشی از نوابین و ناظمین مانند خیانت درباریان، دریافت مشورت‌های غلط، عشرت طلبی درباریان، تجربه اندک، عدم نهادینه شدن عقاید شیعه و ... ضعف امپراتوری مغولی دهلی و ...

منابع

- آخوندزاده، محمد مهدی (۱۳۶۵). تجزیة شبه قارة هند و استقلال بنگلادش، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- آشنا، میرزا محمد ظاهرخان (۲۰۰۹). ملخص شاهجهان نامه، تصحيح جميل الرحمن، دهلی نو، مرکز تحقیقات رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- ابوصالح، سیدحسن و نائیج، علیرضا (۱۳۹۷). "مناسبات دین و دولت در دوران شیعی اوده هند،" نشریه سیاست متعالیه، شماره ۲۲، ص ۱۴۸-۱۳۱.
- احمد، سلیم (۱۹۹۶). آل اندیا مسلم لیگ، لاهور، اردو اکیدمی.
- اسعدی، مرتضی (۱۳۶۹). جهان اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۲.
- افروز، شکیل (۲۰۱۰). مسلم قبرستانون کا سفر، لاهور، کولکاتا.
- اکرام، شیخ محمد (۱۹۹۶). رود کوثر، لاهور، اداره ثقافت اسلامیہ.
- اکرام، شیخ محمد (۱۹۹۷). موج کوثر، لاهور، اداره ثقافت اسلامیہ.
- بروجردی، محمد تقی (۱۳۷۹). ملی گرائی هندو، تهران، وزارت امور خارجه ایران.
- بهبهانی، احمد (۱۳۷۵). مرآت‌الاحوال جهان‌نما، تصحيح علی دوانی، تهران، مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ج ۱ و ۲.
- بهتآچاریه، شانتی رنجن (۱۹۶۳). بنگالی هندوون کی اردو خدمات، کلکتہ، هندوستان آرت پریس.
- تمنا، منشی رامسہای (۱۹۸۸). احسن‌التواریخ یعنی تاریخ صوبہ آودہ، لکھنو، ندای حق پریس.
- جهان بین، اسماعیل و زین العابدین، محمد (۱۳۹۳). "تشیع بنگال هند در عصر نوابین مرشد آباد،" نشریه تاریخی جهان اسلام، شماره ۱، ص ۷۴-۵۳.
- خان، محمد رضا علی (۲۰۰۷). مرشدآباد اردو کا ایک قدیم مرکز، کلکتہ، مغربی بنگال اردو اکیدمی.
- رضوی، اطهر عباس (۱۳۷۶). شیعه در هند، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱.
- سپیر، پرسپوال (۱۳۸۷). تاریخ هند، ترجمه همایون صنعتی زاده، قم، نشر ادیان، ج ۲.
- سراج‌الاسلام (۲۰۰۳). تاریخ پاک و هند (عهد قدیم سی ۱۹۶۵ م تک)، اسلام آباد، غضنفر اکیدمی.
- شجاعیان، محمد (۱۴۰۲). "مبنای قرآنی مقاومت علیه سلطه؛ با نگاهی به تحول مفهوم سلطه در تفاسیر شیعه و اهل سنت،" نشریه علمی بیداری اسلامی، شماره ۲۷، ص ۱۲۸-۱۱۱.
- شرفایی، محسن (۱۳۹۸). "معرفی و بررسی تاریخ اجتماعی-فکری شیعه اثنا عشری در

هند، "نشریه آینه پژوهش، شماره ۱۷۵، ص ۹۴-۸۵.
شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۶). در قلمروی خانان مغول، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، امیر
کبیر.

صدیقی، عتیق انور (۱۹۹۳). هندوستان تاریخ و ثقافت آور فنون لطیفه، دهلی نو، نیشنل
میوزیم.

صفری فروشانی، نعمت الله و زین العابدین، محمد (۱۳۹۳). "بازخوانی تاریخ شیعیان
بنگال هند از آغاز تا دوره حکومت مغولان،" نشریه سخن تاریخ، شماره ۲۰، ص ۱۲۰-۱۰۱.
عمرصاحب، محمد (۱۹۴۶). سراج الدوله، دهلی، انجمن ترقی اردو هند.

فهمی، شوکت علی (۲۰۰۹). هندوستان پر اسلامی حکومت، دهلی، دین دنیا پبلشنگ.
فهمی، شوکت علی (۲۰۰۹). هندوستان پر مغلیه حکومت، دهلی، دین دنیا پبلشنگ.
قاسم پور نویجاری، علیرضا و واسعی، علیرضا (۱۴۰۰). "بررسی روابط سیاسی نظام
شاهیان دکن با دولت صفویه با تاکید بر نقش شاه طاهر دیوانسالار ایرانی،" نشریه مطالعات
باستان شناسی، شماره ۱۵، ص ۲۴۷-۲۲۹.

مشیرالحسن (۱۳۶۷). جنبش اسلامی و گرایش های قومی در مستعمره هند، ترجمه حسن
لاهوئی، مشهد، آستان قدس رضوی.
مظفر، محمد حسین (۱۳۷۹). تاریخ شیعه، ترجمه سید محمد باقر حجتی، تهران: نشر
فرهنگ اسلامی.

مورثا ایربک (۲۰۱۱). کوتایام، دهلی، کیرالا و کولکاتا.
میرشریفی، سید علی (۱۳۸۷). هندوستانی که من دیدم، قم، دلیل ما.
نقوی، سید علی محمد (۱۳۸۵). ایران و هند، تهران، بین المللی الهدی.
نهری، جواهرلعل (۱۳۶۱). کشف هند، ترجمه محمود تفضلی، تهران، امیر کبیر، ج ۱.
نیک پناه، منصور و شیخزاده، یوسف (۱۳۹۵). "خرده گیری شتاب زده ناقدان بر شیعی
ستیزی اقبال لاهوری،" مجله کاوش نامه زبان و ادب فارسی، شماره ۳۲، ص ۲۷۸-۲۶۱.
هاردی، پی (۱۳۶۹). مسلمانان هند بریتانیا، ترجمه حسن لاهوئی، مشهد، بنیاد
پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی



نقش شخصیت در بازتفسیر رخدادهای تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

(مورد مطالعه: سیدجمال الدین اسدآبادی)
ابراهیم فهلی^۱، علی مسروری^۲

چکیده

سید جمال‌الدین اسدآبادی اندیشمند و سیاستمداری دینی است که غالباً اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی او مورد توجه محققان قرار گرفته است. بی‌شک، وی ویژگی‌های شخصیتی داشته است که این همه توان و اثرگذاری و برجستگی را به او بخشیده است. پژوهش حاضر در پی واکاوی ویژگی‌های شخصیتی سید جمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال بوده است (مسئله). این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت داده از نوع کیفی و تحلیل محتوا بوده و جهت گردآوری داده‌ها از روش سندکاوی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کتب، مقالات و اسناد علمی مرتبط با سید جمال‌الدین اسدآبادی در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۱ بود که مقالات و کتب مرتبط به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در چهار مرحله توصیف، تحلیل، استنتاج و تبیین صورت پذیرفته است (روش). یافته‌های پژوهش نشان داد: سیدجمال‌الدین اسدآبادی به لحاظ شخصیتی، فردی خودآگاه، برخوردار از سازه حکمت، سازگار، سخت‌کوش در فعلیت بخشیدن به خود، برخوردار از وارستگی اخلاقی و عرفان اصیل اسلامی، اهل سعه صدر، انعطاف‌پذیر، مخالف خرافه‌گرایی، از خود گذشته، آشنا به زبان‌های زنده دنیا، شجاع در بیان حق و گشوده بر روی تجربه بود. (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: سیدجمال‌الدین اسدآبادی، بیداری اسلامی، ویژگی‌های شخصیتی، روان‌شناسی کمال، نقش الگویی

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.2.6.9

دوره ۱۳، شماره ۲،
پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۴/۰۶

صص: ۱۴۵-۱۳۳

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پورتال مجله‌های علمی ایران
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دکتری مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران (نویسنده

مسئول) fehli@sjau.ac.ir

۲. دکتری مدرسی معارف اسلامی، استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد بردسکن، بردسکن، ایران - dr.ali.masrouri@iau.ac.ir

مقدمه

آمریکای لاتین در عرصه بین‌الملل از اولین و مهم‌ترین مناطق با سابقه استعماری و داشتن تجربه و سابقه مبارزات استقلال‌طلبانه و استکبارستیزی هست. مطالبات مردم آمریکای لاتین برپایه فطرت انسانی، عدالت‌خواهانه، استکبارستیزی و مبارزه با سلطه بوده است. نهضت‌ها و جنبش‌های استقلال‌طلبانه آمریکای لاتین در اوایل قرن ۱۸۰۰ میلادی آغاز شد. مهم‌ترین نمونه مبارزات مردم در آمریکای لاتین در کشور ونزوئلا رخ داد. موج استقلال‌طلبی در این منطقه در سال ۱۸۱۶ میلادی شروع و توسط سیمون بولیوار رهبری شد که زمینه شکست ارتش اسپانیا را فراهم ساخت. مهم‌ترین رهبران نهضتی، مبارز و چریکی در آمریکای لاتین سیمون بولیوار، خوزه دسان مارتین، ارنستو چگوارا، هوگو چاوز، فیدل کاسترو و برخی دیگر از رهبران برجسته ضد امپریالیسم و استعمار در این منطقه به‌شمار می‌آیند.

رخدادهای تاریخ معاصر ایران بسیاری از روشنفکران و متفکران حوزه انقلاب‌پژوهی را وادار به تأمل و اندیشه ورزی بیشتر نسبت به تئوری «نقش شخصیت در بازتفسیر رخدادها و تحولات تاریخی» نموده است. در واقع، این بحث از جمله بحث‌های بسیار مهمی است که سرفصل‌های ارزشمندی را در ساحت معرفت‌های جامعه شناختی و فلسفه تاریخ به خود اختصاص داده است، استاد شهید مرتضی مطهری در دو اثر مهم خود به نام‌های «فلسفه تاریخ» و «جامعه و تاریخ» به صورت مبسوط و موشکافانه به نقد و بررسی نظریات پیرامون تئوری مذکور پرداخته است (بهشتی‌سرشت، ۳۲: ۱۳۸۵ - ۳۱).

وقتی سخن از واژه شخصیت انسان‌های اثرگذار در زندگی بشری به میان می‌آید اولین علمی که باید سراغ آن برویم روان‌شناسی و به طور خاص روان‌شناسی کمال^۳ است. روان‌شناسی کمال به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعات روان‌شناسی در صدد پرداختن به جنبه‌های سالم شخصیت انسان و ظرفیت‌ها و استعدادهای عظیم انسان برای از قوه به فعل رساندن و تحقق بخشیدن به توانایی‌های خویش و یافتن معنای ژرفتری در زندگی انسان است (شولتز^۴، ۱۹۶۷/۷: ۱۴۰۰).

از منظر روان‌شناختی، ویژگی‌های انسان‌های کمال یافته را می‌توان از دو زاویه قابل بررسی کرد: ۱ - ویژگی‌های عام انسانی که همه انسان‌های کمال یافته از آن برخوردارند، ۲ - ویژگی‌هایی که به لحاظ تبارشناسی فرهنگی و مکتبی، یک انسان به آن وابسته است، در جنبه عام انسانی روان‌شناسان کمال معتقدند انسان‌های کمال یافته به قابلیت گسترش و پرورش و شکوفایی، کمال خود و تبدیل شدن به آنچه در توان آدمی است اعتقاد دارند، این روان‌شناسان سطح مطلوب و رشد شخصیت را فراسوی «بهنجاری» می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که ضرورت دارد انسان

3. Growth Psychology

4. Schultz

برای رسیدن به سطح پیشرفته استعداد‌های بالقوه خود تلاش نماید (شولتز، ۱۹۶۷/۱۴۰۰: ۷). مزلو^۵ (۱۹۷۰/۱۳۶۷: ۲۱۶-۲۴۱) که در زمینه الگوهای شخصیت سالم مطالعات عمیقی داشته است می‌گوید: این مطالعه که با الگوهای انسانی انجام می‌گیرد ما را قادر می‌سازد تا دریابیم تا چه اندازه می‌توان توانایی‌های خود را گسترش داد. او معتقد است انسان پنج نیاز اساسی فیزیولوژیک، ایمنی، محبت، احترام و خود شکوفایی دارد، هنگامی که چهار نیاز اولیه برآورده می‌شود نیاز به شکوفایی به عنوان فرانیاز و استغنا از دیگران نمایان می‌شود، ادراک صحیح از واقعیت، پذیرش کلی طبیعت دیگران و خویشتن، خودانگیختگی، سادگی و طبیعی بودن، توجه به مسائل بیرون از خویشتن، کنش مستقل، نیاز به استقلال و خلوت، تجربه‌های اوج و عارفانه، نوع دوستی و روابط متقابل با دیگران، داشتن خوی مردم‌گرا، تمایز میان خیر و شر و هدف و وسیله، حس طنز، مقاومت در مقابل فرهنگ پذیری، خلاقیت و آفرینندگی، از نمودهای نیاز به شکوفایی و مشخصه افراد کمال یافته است.

در بُعد ویژگی‌هایی که به لحاظ تبارشناسی فرهنگی و مکتبی که یک انسان به آن وابسته است، در مکتب اسلام، انسان به خودی خود موضوعیت داشته و خداوند در او استعداد و ظرفیت‌های رو به کمال را تعبیه نموده است. متفکر شهید استاد مرتضی مطهری (ره) از این خصیصه انسانی به عنوان هوش و فطرت متعالی نام برده است، ایشان در وصف انسان‌های کمال یافته می‌گوید: انسان کامل یعنی انسان نمونه، انسان اعلی یا انسان والا، شناخت انسان کامل برای ما مسلمین از آن جهت واجب است که این افراد حکم مدل و الگو و سرمشق را دارند، چنین انسان‌هایی در عالم خارج وجود دارند، از منظر شهید مطهری یکی از ویژگی‌های انسان کمال یافته تعادل و توازن شخصیتی است؛ حقیقت عدل به توازن و هماهنگی برمی‌گردد، یعنی در عین اینکه همه استعداد‌های انسان رشد می‌کند، رشدش رشد هماهنگ باشد، او مدل انسان کمال یافته را حضرت علی علیه‌السلام می‌داند که به نوعی تعبیر «جامع الاضداد بودن» است، گاهی در دنیای عباد است، گاه زهاد، گاهی در دنیای عرفا و گاهی در دنیای سربازان و افسران، گاه دردنیای حاکم عادل و گاه در دنیای قضات است و مفتی. یک ویژگی دیگر انسان کامل درد داشتن است که این ویژگی انسان نشانه بیداری و آگاهی انسان و بی دردی نشانه لختی، بی حسی، بی شعوری و بی ادراکی است (مطهری، ۱۳۹۹: ۱۵-۱۴).

سید جمال الدین اسدآبادی یکی از مفاخر و شخصیت‌های بزرگ فرهنگ ایرانی و اسلامی است، وی در شعبان ۱۲۵۴ ق (آبان ۱۲۱۷ ش) در اسدآباد به دنیا آمد، پدرش سید صفدر و مادرش سکینه بیگم از نوادگان امام سجاد علیه‌السلام بوده‌اند، وی یکی از اثرگذارترین و بلکه سلسله‌جنبان نهضت‌های بیداری اسلامی در بیش از یک قرن اخیر (و اکنون صد و پنجاه سال

اخیر) بوده است (مطهری، ۱۴۰۱: ۱۷)، همچنین عمل و شیوه رویارویی وی با مسائل سیاسی و اجتماعی زمانه خود هنوز الهام بخش میلیون‌ها انسان آزادی‌خواه و به طور مشخص مسلمانان است.

اعتقاد به توانایی ذاتی اسلام برای رهبری مسلمانان، مبارزه با روحیه وادادگی در برابر حوادث تحمیلی استعماری بر جهان اسلام، بازگشت به منابع اصیل تفکر اسلامی، تفسیر عقلی تعالیم اسلامی، لزوم فراگرفتن علوم از سوی مسلمانان و مبارزه با استعمار و استبداد، به عنوان نخستین گام در راه خیزش اجتماعی و فکری مسلمانان، از جمله دستاوردهای سید جمال الدین اسدآبادی برای جریان بیداری اسلامی بود (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۹: ۳۵۶ - ۳۵۵)، ادوارد براون در کتاب تاریخ انقلاب ایران (۱۹۷۰) می‌نویسد: این یگانه مرد دارای قدرت خلاقه با معلوماتی شگفت آور، پشت کار خستگی ناپذیر و دلاوری بی باکانه و با خصایص فوق العاده چه در گفتار، چه در نگارش با طلعتی گیرا و شاهانه و یکباره یک فیلسوف، نویسنده، سخنور، روزنامه نگار، بلکه بالاتر از همه مردی سیاستمدار بود (امیری، ۱۳۹۶: ۵)، محمد عبده شاگرد سید می‌گوید: در سال ۱۲۸۶ هجری، مردی غریب و بصیر و بینا به اوضاع دین و کشور آمد که به اوضاع و احوال ملت‌ها آشنا بود و دارای معلوماتی وسیع و دلی لبریز از معارف داشت، مردی پردل و پرجرات معروف به سید جمال الدین افغانی که به تدریس بخشی از علوم عقلی مشغول شد... در نتیجه، مشاعر بیدار و عقول زنده شد و ظلمات غفلت خفیف و سبک گردید (سعیدی، ۱۳۸۰: ۱۴۱)، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی در مورد سید جمال الدین می‌فرمایند: سید جمال کسی بود که برای اولین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد، کسی بود که مسئله حاکمیت را و خیزش و بعثت جدید اسلام را اولین بار در فضای عالم به وجود آورد... او مطرح‌کننده، به وجودآورنده و آغازگر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است، این را نمی‌شود دست‌کم گرفت و سید جمال را نمی‌شود با کس دیگری مقایسه کرد، در عالم مبارزات سیاسی، او اولین کسی است که سلطه استعماری را برای مردم مسلمان آن زمان معنا کرد... مبارزات سیاسی سید جمال چیزی است که قابل مقایسه با هیچ یک از مبارزات سیاسی افرادی که حول و حوش کار سید جمال حرکت کردند، نیست (۱۳۶۰، ۳۰ خرداد).

آنچه در مقالات و نوشته‌های علمی از سید جمال الدین اسدآبادی تا کنون به آن پرداخته شده، عمدتاً در حوزه مبارزات سیاسی اجتماعی او و تلاشی بوده است که در راستای وحدت جهان اسلام و مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی با تمسک به معارف اسلامی انجام داد است، اما به یقین او دارای ویژگی‌های شخصیتی ممتازی بوده است که از یک سو به او انگیزه حرکت و مبارزه بخشیده است و از سوی دیگر جاذبه‌هایی داشته است که دل‌های زیادی را از سراسر عالم به سوی او جلب کرده است، تا آنجا که در زمانه خود، در عین بی بهره بودن از قدرت و پشتوانه مرسوم سیاسی، توانسته است تحولی عظیم در نگاه مردم نسبت به پتانسیل دین و اسلام جهت

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

مبارزه با استبداد و استعمار انگلستان ایجاد نماید و بعد از خود نیز همچنان اثر گذار و محبوب بماند، ولی در پژوهش‌های انجام گرفته کمتر به ویژگی‌های شخصیتی این انسان بزرگ که سرچشمه و راهنمای عمل او بوده پرداخته شده است.

با توجه به نیاز امروز نسل جوان ما به الگوهایی که راهنمای عمل آنها در حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی و برخوردار از روحیه حق جویی و وحدت آفرین باشد، ضرورت دارد تا با بازخوانی ویژگی‌های شخصیتی بزرگان فرهنگ و سیاست این مرز و بوم، همچون علامه سیدجمال‌الدین اسدآبادی آشنا شوند، بر این اساس در این مقاله سعی شده است به شناسایی و برجسته سازی ویژگی‌های شخصیتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال به این سؤال اساسی پاسخ داده شده است که: ویژگی‌های شخصیتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی کدامند؟

۱. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت داده‌ها از نوع کیفی و تحلیل محتوا بوده است، برای گردآوری داده‌ها از روش سندکاوی استفاده شده است، جامعه پژوهشی این پژوهش شامل کتب، مقالات و اسناد علمی مرتبط داخلی و خارجی با سیدجمال‌الدین اسدآبادی در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۱ بوده است؛ نمونه‌گیری به شیوه در دسترس و از مقالات و کتب مرتبط انتخاب و داده‌ها با ابزار فیش برداری گردآوری و از میان مطالب مربوط به شخصیت و مبارزات سیدجمال‌الدین اسدآبادی آن بخش که به نقش الگویی شخصیت ایشان مربوط بوده مورد توجه قرار گرفته است.

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. مفهوم شناسی شخصیت

شخصیت از ریشه یونانی (persona) به معنی نقاب و یا ماسکی است که بازیگران تئاتر در یونان و روم قدیم بر چهره می‌گذاشتند، این تعبیر در حقیقت اشاره تلویحی دارد بر اینکه شخصیت هر فرد ماسکی است که او بر چهره خود می‌زند تا وجه تمایز او از دیگران باشد (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳/۱۳۹۸: ۱۰).

انجمن روانشناسی آمریکا (APA) شخصیت را «تفاوت‌های فردی در الگوهای تفکر، احساس و رفتار» تعریف می‌کند. این تعریف اغلب در رویکردهای یکپارچه‌نگر و التقاطی دیده می‌شود. لازاروس^۷ به عنوان یکی از سردمداران مکتب یکپارچه‌نگر، شخصیت را مجموعه افکار، احساسات، رفتار اجتماعی و ویژگی‌های فیزیکی یک شخص می‌داند (هامر^۸، ۲۰۰۵:

6. Schultz & Schultz

7 - Lazarus

8. Hammerdin

(۲۵).

قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره حجرات این حقیقت را که انسان‌ها بر اساس خصوصیات فردی خویش از یکدیگر متمایز می‌شوند چنین ترسیم فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید»، تطبیق دیدگاه‌های تفسیری و روانشناسانه حکایت از آن دارد که مفهوم شخصیت در علم روانشناسی همان «شاکله» در ادبیات قرآنی است، آنجا که خداوند در آیه ۸۴ سوره اسراء فرموده است «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد (درزی و سلمان نژاد، ۱۳۹۸: ۹۴).

۲-۲. ویژگی‌های شخصیتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر روان‌شناسی کمال

در باب جامع الاطراف بودن شخصیت سید جمال‌الدین اسدآبادی، پژوهش‌هایی انجام گرفته و سخنان زیادی نقل شده است، میان محمد شریف می‌گوید «او مردی متفکر و در عین حال مرد عمل بود، هوشی تند و دلی قوی داشت، مواهب عقلانی نادر و صفات اخلاقی والای او به شخصیت او جاذبه‌ای داده بود که خاص همه رهبران بزرگ است و همین موجب گردید که پیروان زیادی دور او گرد آیند، وی برای جهان اسلام شخصیتی جامع الاطراف بود، یعنی در یک زمان هم متفکری بزرگ، هم مصلحی دینی و هم رهبری سیاسی بود، او در میان معاصران خود نویسنده‌ای استثنایی، سخنوری جذاب و فصیح و مناظری برخوردار از قدرت اقناعی عظیم بود، فیلسوف فرانسوی ارنست رنان (۱۸۲۳-۱۸۹۲ م) بعد از ملاقات با سید، درباره‌اش گفته است: «آزادی اندیشه او، منش بزرگ و مهرآمیز او در اثنای محاوراتمان، مرا متقاعد ساخت که در برابرم یکی از آشنایان دانشمند قدیم همچون ابن‌سینا، ابن‌رشد و یا یکی از آن بی‌ایمانان بزرگ که پنج قرن میراث روح انسانی را عرضه کردند، دوباره زنده گردیده است (میان محمد شریف، ۱۳۷۰، ج ۱: ۹). از بین همه ویژگی‌های شخصیتی سید جمال‌الدین با توجه به گستردگی این ویژگی‌ها، در این مقاله سعی شده به چند مورد از ویژگی‌های برجسته و الهام بخش سیدجمال‌الدین اسدآبادی که ریشه در نوع جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی او دارد، پرداخته شود.

۲-۲-۱. خودآگاهی^۱

خودآگاهی یا آگاهی از خویشتن که در مبانی فلسفی تحت عنوان خودشناسی از آن یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و سازه‌های شخصیتی است که در شاخه‌های مختلف روان‌شناسی، بویژه روان‌شناسی کمال به عنوان یک مهارت و سنگ بنا برای سایر خصوصیات

افراد انسانی مورد توجه قرار گرفته است، به عنوان نمونه، تئوری دانیل گلمن^{۱۰} با عنوان «توجه مداوم فرد به حالات درونی خود»، نظریه دانا زوهر و یان مارشال^{۱۱} (۲۰۰۴: ۴۲)، با عنوان «خودشناسی سنگ زیرین هوش معنوی»، نظریه فرآیند فردیت و تکنیک رمز واژه کارل گوستاو یونگ^{۱۲} (یونگ، ۱۴۰۲: ۲۴۰)، نظریه خودانگیزه کارن هورنای^{۱۳} (سیاسی، ۱۴۰۲: ۹۵)، نظریه خودشکوفایی و انسان خواستار تحقق خود مزلو (شولتز و شولتز، ۱۳۹۸: ۴۱۳ - ۳۹۷؛ شولتز، ۱۹۶۷: ۸۶)، هرکدام به نحوی به تبیین مسئله خودآگاهی پرداخته‌اند.

واکاوی اندیشه‌ها و سخنان به جای مانده از سیدجمال‌الدین نشان از آن دارد که ایشان به مرتبه‌ای بالا از خودآگاهی در هر دو سطح آن دست یافته است، این مسئله برای فردی که در میانه دنیای قدیم و جدید ایستاده بود و در میان برخی روحانیون سنتی، مقبولیتی نداشت و کسی چندان به وی توجهی نمی‌کرد و تنها جریان روشنفکری مذهبی در تهران و شهرهای دیگر مثل تبریز اعتنای زیادی به او داشتند و وی را پیشوای فکری نهضت اسلامی می‌دانستند، بسیار حائز اهمیت بوده است، در خودآگاهی سیدجمال همین بس که او خواسته‌ها و اهدافی متعالی داشته و همواره به دنبال هویت بخشی به افراد و جامعه اسلامی از درون بوده است، مبنای خودآگاهی در اندیشه سیدجمال، بازگشت به اسلام و معارف والای قرآن بوده است (ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب، ۱۳۹۰). این خود آگاهی منشاء خودباوری و اصرار سید بر گشودن گره‌های بیرونی که از سوی استعمار انگلستان و استبداد داخلی بر جامعه مسلمانان تحمیل شده بود از داخل جوامع دینی و به دست خود مسلمانان گردیده بود، سید جمال بر کفایت منابع دینی برای حرکت و بالندگی جامعه در راستای مبارزه با دشمن باور داشت.

۲-۲-۲. حکمت

از منظر سیدجمال‌الدین اسدآبادی حکیم یا فیلسوف کسی است که اتفاقات و رخداد‌های زندگی، ذهن او را به حرکت درآورد و در راهی قدم گذارد که آغاز و پایان آن را نمی‌داند، با توجه به نقشی که سید جمال برای حکمت قائل است، انتظار دارد فایده و ثمره حکمت در رفع مسائل و مشکلات کنونی جامعه دیده شود، حکمت در پی علل و اسباب است و باید دریابد چرا وضعیت مسلمانان که دوره‌ای از شبکه تمدنی داشته‌اند اکنون رضایت بخش نیست، همچنین خرد بایستی بتواند علت پیشرفت ملت‌های مغرب زمین را دریابد، از سازوکار علوم و تکنولوژی آنها پی جو شود و انسان را به حرکت در آورد، اما با کمال حیرت چنین نیست (حسینی اسدآبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

10. Daniel Goleman

11 - Zohar, Dana & Marshall, Ian

12. Carl Gustav Jung

13. Karen Horne

تحولی که سیدجمال الدین اسدآبادی ایجاد کرد حاصل نگاه آسیب‌شناسانه او به وضعیت علمی و فلسفی جوامع اسلامی و یافتن نقطه مرکزی آسیب یعنی «ضعف حکمت» است. از آنجا که دغدغه وی فهم علت عقب ماندگی مسلمانان در دوران معاصر است، علت را در جایی جستجو می‌کند که منشأ و کارگزار اصلی علت‌یابی است و این عامل همان حکمت است. وی معتقد است قرآن نوعی روح فلسفی ایجاد می‌کند که سبب حرکت جامعه می‌شود. این اتفاق در صدر اسلام با ایجاد تحول در عرب جاهلی رخ داد و به ترجمه و یادگیری علوم مختلف و ایجاد دولت و تمدن در جهان اسلام انجامید. مفسران معاصر قرآن باید مؤلفه‌های اساسی ایجاد این تحول را در قرآن بیابند و با زبان حکمت در جامعه بیان کنند (کیخا، ۱۳۹۹: ۲۰۴ - ۲۰۰).

محمد عبده در مورخه ۵ جمادی الاولی سال ۱۳۰۰ در نامه‌ای به سیدجمال اینگونه می‌نویسد: «از سوی تو به من حکمتی رسیده است که با آن دل‌ها را منقلب می‌کنم و عقول را درمی‌یابم و در خاطره‌های مردم تصرف می‌کنم، روح حکمت تو مردگان ما را زنده کرد و عقل‌های ما را روشن ساخت» (مهدوی و افشار، ۱۳۴۲: ۶۴). سیدجمال با برخورداری از همین سازه بنیادین و با همین نگاه به آسیب‌شناسی مشکلات جوامع اسلامی و علت ترقی علمی جوامع اروپایی پرداخته است، در عمل نیز شاهد آن هستیم که حرکت سید یک حرکت حکیمانه و هدفمند بوده تا جایی که اکنون بعد از گذشت حدود ۱۵۰ سال درستی این آسیب‌شناسی مورد تاکید و تأیید صاحب نظران است.

۲-۲-۳. سازگاری به جای سازشکاری

سازگاری نقطه مقابل سازشکاری و منفعل بودن است، برخی از خصوصیات انسان سازگار و سالم بدین قرار است که آن‌ها ادراکی واقع‌بینانه و عینی از خود و محیط پیرامون خود دارند، از تعادل جسمی و روانی مناسبی برخوردارند و در به کارگیری تمامی نیروهای درونی و بیرونی برای ایجاد توازن و تعامل سازنده با محیط، خود و اجتماع موفق هستند، برخلاف افراد سازشکار که احساس خوب بودن در آن‌ها کوتاه و موقتی است، در افراد سازگار، به دلیل آنکه از سطح عزت نفس و انسجام روانی خوبی برخوردار هستند، این احساس در عمق وجودشان است، آن‌ها به سراغ تنش‌ها می‌روند زیرا رشد و کمال و تعالی را در سختی‌ها می‌جویند (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۳: ۶۵). به عنوان نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سیاست خارجی خود شخصیتی سازگار داشت، بدین معنی که با تمام غیر مسلمانان از ادیان دیگر و حتی کفار قریش تعامل سازنده داشت، ولی هیچ‌گاه با آنان بر سر حق، از در سازشکاری وارد نشد، به همین دلیل زمانی که کفار قریش از ایشان درخواست می‌کنند که به مدت شش ماه رسول خدا و مسلمانان خدایان قریش را بپرستند و به مدت شش ماه قریش خدای محمد و پیروان او را بپرستند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین چیزی را نمی‌پذیرد و در پاسخ آنان آیات سوره مبارکه کافرون را تلاوت می‌کند. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ». سید جمال استعمار اروپا و به طور خاص، استعمار بریتانیا و استبداد رهبران داخلی را بزرگ‌ترین خطر جهان اسلام تشخیص داده بود و به تأسی از شخصیت‌های والامقامی همچون رسول خدا (ص) چندان جدی و پی‌گیر بود که کوچک‌ترین سازشی را در مقابل استعمار خارجی و استبداد داخلی بر نمی‌تافت، تا آنجا که شاگرد و دوست دیرینش شیخ محمد عبده را، به دلیل کوتاه آمدن با سیاست انگلیس در مصر، سخت مورد ملامت قرار داد و با گزنده‌ترین کلمات به باد انتقاد گرفت، وی معتقد بود که استعمار انگلیس خود را با شعار آزادی و استقلال بر دیگر سرزمین‌ها مسلط می‌نماید، البته وی استعمار انگلیس را بسان شیری ضعیف می‌پندارد که اینک در حالت ضعف به سر می‌برد و اگر مسلمانان بر ترس و وهم خود غلبه کنند بلاشک بر او پیروز خواهند شد، این موضع ضعف استعمار انگلیس از نظر شرقی‌ها پوشیده است و در حجابی از وهم قرار دارد و هر شرقی به گونه‌ای دچار توهم است و تصور می‌نماید انگلیسی‌ها هنوز هم بمانند زمان گذشته خویش قدرتمند هستند، سید جمال الدین درصدد زدودن این ترس و وهم از دل مسلمانان بود، وی فریاد آگاهی سر داد تا مسلمانان را بیدار سازد (اسدآبادی، ۱۳۵۵: ۱۸۱-۱۷۴). با مطالعه سرگذشت زندگی سید جمال الدین متوجه می‌شویم که او از همان اول حرکت علمی، سیاسی و اجتماعی خود، تا آخرین گام‌ها، فردی بوده است که با مشکلات سازگار شده، ولی هیچ‌گاه تن به سازش با آنچه صاحبان قدرت از او می‌خواستند و کوتاه آمدن از مبارزه با استعمار و استبداد نداد.

۲-۲-۴. برخورداری از عرفان اصیل اسلامی

عرفان، شناخت حق و اسماء و صفات الهی از طریق تهذیب نفس و تزکیه و طهارت درونی است که در اثر سیر و سلوک حاصل می‌شود و تفسیر ویژه‌ای از عالم و آدم یا جهان هستی ارائه می‌کند، در پرتو آن عالم را جلوه حق و مظهر اسمای حُسنای الهی می‌بیند و «توحید»، واپسین مقصد سیر و سلوک عارف است (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۸۸)، سید جمال الدین اسدآبادی در کنار اشتغال به تحصیل علوم دینی در نزد بزرگانی چون شیخ مرتضی انصاری، در زمینه خودسازی درون و عرفان، علاوه بر بودن در حضور استاد بزرگ خود شیخ انصاری، به طور مشخص از درس اخلاق و حکمت ملاحسینقلی همدانی نیز استفاده نموده و توانست در کنار بزرگانی که با شرایطی ویژه در درس ملاحسینقلی راه یافته بودند، حکمت بیاموزد (مهدوی، افشار، ۱۳۴۲: ۱۰۰)، شهید مطهری در این باره می‌فرماید: این بنده، از وقتی که به این نکته در زندگی سید پی بردم (شاگردی در محضر آخوند ملاً حسینقلی همدانی و همدرسی؛ سید احمد کربلایی و سید سعید)، شخصیت سید جمال الدین اسدآبادی در نظرم بُعد و اهمیت دیگری پیدا کرده است، ظاهراً سید جمال، علوم عقلی را از این مرد بزرگ (مرحوم ملاحسینقلی همدانی) که خود از شاگردان برجسته مرحوم حاج ملاً هادی سبزواری بوده فراگرفته است، به علاوه در محضر این

مرد بزرگ که همشهری سید نیز بوده است، با مسائل معنوی و عوالم عرفانی آشنا شده است، کسانی که شرح حال سید را نوشته‌اند، به علت آنکه با مکتب اخلاقی و تربیتی و سلوکی و فلسفی مرحوم آخوند همدانی آشنایی نداشته‌اند و همچنین شخصیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی و مرحوم سید سعید حبیبی را نمی‌شناخته‌اند، به گزارش ساده‌ای قناعت کرده و به سرعت، از آن گذشته‌اند، آنان توجه نداشته‌اند که شاگردی سید در محضر آخوند همدانی و معاشرتش با آن دو بزرگ دیگر، چه آثار عمیقی در روحیه سید تا آخر عمر داشته است (مطهری، ۱۳۹۹: ۴۴)، این واقعیت در گفتار نیکی کدی^{۱۴} نیز آمده است که سیدجمال الدین در مبارزه خود با استعمار از نیروی اسلام مدد می‌گرفت (نیکی کدی، ۱۹۶۸: ۶). از آنچه گفته شد مشخص می‌شود که سیدجمال الدین اسدآبادی در نزد اساتید بزرگ روزگار خود عرفان اصیل را آموخته و با خودسازی و مجاهده با نفس، در عمل نیز عالم را جلوه‌ای از ذات خدا دانسته و نسبت به دردهای انسان‌های دیگر و خصوصاً مسلمانان احساس مسئولیت می‌کرد، لذا بر خلاف روش برخی عباد و زهاد که عرفان را در خلوت‌گزینی دنبال می‌کنند، سید در میدان جهاد با مظاهر ظلم و جور و استکبار و استبداد تا پای جان و هستی خود مجاهده می‌نماید.

۲-۲-۵. سخت‌کوشی^{۱۵}

بررسی جامع و علمی سخت‌کوشی در روان‌شناسی توسط سوزان کوباسا^{۱۶} (۱۹۷۹: ۱۱-۱) انجام گرفته است. از منظر این روانشناس، سخت‌کوشی و به تعبیر دیگر، سرسختی با سه عنصر تعهد، کنترل و مبارزه‌طلبی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی انسان کامل است. تاب‌آوری^{۱۷} یکی از ویژگی‌های افراد سخت‌کوش است سلیگمن^{۱۸} (۲۰۰۴) بنیان‌گذار روانشناسی مثبت‌گرا^{۱۹} می‌گوید: «تاب‌آوری موجب گذر از بحران و موفقیت انسان می‌شود، تاب‌آوری یعنی اینکه فرد بتواند قوام و سلامت روانشناسی خود را در مواجهه با سختی‌ها حفظ کند، این ظرفیت باعث می‌شود علی‌رغم قرار گرفتن در معرض تنش‌های شدید، شایستگی اجتماعی، تحصیلی و شغلی فرد ارتقاء یابد، تاب‌آوری به معنای توانایی مقابله با شرایط دشوار و پاسخ انعطاف‌پذیر به فشارهای زندگی است (کنور دیویدسون^{۲۰}، ۲۰۰۳: ۸۲-۷۶) و این موجب سخت‌کوشی انسان می‌شود.

سید جمال الدین درس‌ها را به درستی می‌خواند و نافهمیده از مسئله‌ای فراتر نمی‌رفت، لذتش

14. Nikkie, Keddie
15. diligence
16. Suzanne C. Kobasa
17. Resilience
18. Seligman
19. Positive psychology
20. Connor Davidson

در مطالعه و تفکر بود، ایام تفریح و تعطیلی را به تحقیق و مطالعه سپری می‌کرد (اسدآبادی ۱۳۰۴: ۷). در نجف اشرف با سخت‌کوشی خود آوازه فراست و نبوغ سید جمال، عالمان نجف، کربلا و سامرا را به حیرت و امید داد، تا اینکه مورد حسد و کینه برخی ناهلان قرار گرفت و به توصیه استاد بزرگش شیخ مرتضی انصاری در سال ۱۲۷۰ هـ - ق روانه شهر بمبئی در هندوستان شد (اسدآبادی، ۱۳۰۴: ۲۲). مبارزه سیاسی سید از هندوستان با تشویق مردم آن دیار به مبارزه با استعمار انگلستان شروع می‌شود، و این زمانی است که او در کشوری قریب و در سن ۱۶ سالگی بوده است، دولت وقت هند با مشاهده رفتارهای سیاسی او ایشان را از هندوستان اخراج می‌کند (واثقی، ۱۳۸۴).

در سال ۱۲۷۶ به افغانستان سفر می‌کند، در سال ۱۲۸۵ هـ - ش وارد مصر شده و در دانشگاه جامع الازهر با علمای بزرگ آن کشور ملاقات می‌کند و به دلیل دایر کردن مجلس سخنرانی برای جوانان مصر بعد از چهل روز از مصر اخراج می‌شود، به ناچار روانه استامبول می‌شود ترکان عثمانی مانند «علی پاشا صدر اعظم» و «فؤاد پاشا» برای دیدار سید شتافتند و او را در دربار مورد تکریم و مشاور خویش قرار دادند، ولی چندی نگذشت که در اثر کج اندیشی و ترس درباریان و حسادت «شیخ الاسلام» سلطان عثمانی دستور داد تا مدتی را به خارج از استامبول سفر کند، از این رو او در سال ۱۲۸۷ هـ. ش به بهانه سفر سیاحتی و مشاهده آثار باستانی بار دیگر وارد کشور مصر می‌شود، در این سفر پس از دیداری که سید با ریاض پاشا رئیس دولت مصر انجام پذیرفت، ریاض پاشا سخت شیفته کمالات روحی و معنوی سید شد و از او خواست تا در مصر اقامت گیرد، سید جمال از این فرصت طلائی استفاده جست و نخست در منزل خود جلسه درس و بحث برای جوانان دانشگاهی و طلاب پر شور تشکیل داد و سپس آن را به دانشگاه الازهر انتقال داد و شاگردان بسیاری را مشتاق خویش ساخت، او علاوه بر اساتید و دانشمندان بزرگ مصر با روشنفکران و مردم ارتباط برقرار می‌کرد، حتی در قهوه‌خانه‌های مصر حاضر می‌شد و افکار و اندیشه‌های خود را برای مردم بیان می‌داشت، به طوری که در طول چند سال اقامت در آن کشور توانست تحولات بزرگی را از نظر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در اذهان مردم ایجاد کند، او با نوشتن مقالات گوناگون در روزنامه‌های کثیرالانتشار مانند مصر و التجاره که با پیشنهاد او از سوی ادیب اسحاق راه‌اندازی شده بود، ادبیات مصر را از ریشه دگرگون ساخت و ضمن رشد و آگاهی دادن به مردم، توطئه‌های پشت پرده دشمنان را برایشان معرفی کرد، تا اینکه ریاض پاشا این دو روزنامه را توقیف کرد، ولی سید همچنان به راه خود ادامه داد و مبارزه سختی بر ضد دولت‌های خارجی و استبداد داخلی آغاز کرد و در نهایت شب ۱۷ رمضان ۱۲۹۶ هـ بازداشت و به سوی کانال سوئز فرستاده شد تا او را از آنجا به کشور ایران گسیل کنند، پس از اخراج از مصر به حیدرآباد آمد و به نشر علم و ادب و نگارش مقالات فارسی برای جراید سید الأخبار و مفرح القلوب و روزنامه‌های دیگر هند پرداخت، روزنامه

دیگری که در هند منتشر شد، «حبل المتین» بود که با تشویق سیدجلال الدین کنعانی تأسیس شده است (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۶۱).

همانطور که در سطور بالا مشخص می‌شود سخت‌کوشی یکی از ویژگی‌های بارز سیدجمال الدین در تمام مراحل زندگی‌اش بوده است و او با خستگی ناپذیری و متعهدانه در راه آرمان بلند خود چه در حوزه علم آموزی، چه خود سازی و اخلاق و چه در عرصه فعالیت فرهنگی و ورود به عرصه روزنامه نگاری و چه در عرصه جهاد سیاسی و مبارزه با عوامل جور و استکبار و استبداد و سفرهای پر مشقت و دردساز برای او، مصمم و پر تلاش حرکت رو به جلو داشته است.

۲-۲-۶. آشنا و مسلط به زبان‌های مهم دنیا

سید جمال الدین آموختن زبان‌های گوناگون را از آن جهت مفید می‌دانست که زبان وسیله وحدت لغت و موجب اتحاد و همسویی ملت‌هاست و مردم به کمک آن خواهند توانست از علوم دیگران سود جویند و بر غنای فرهنگ و صنعت خود بیفزایند به علمای هند توصیه می‌کرد زبان انگلیسی را فرا گیرند و علوم و معارف مغرب زمین را در اختیار مردم نهند (جزیره دار، ۱۳۷۷، ج ۴: ۸۵۵)، سید خود با آن که زبان مادریش ترکی همدانی بود، به زبان‌های زنده دنیا مسلط بود و با همزبانی با مردمان ترک و عرب و هند وسیله جذب آنان را به سوی خود فراهم می‌آورد (جمالی، ۱۳۴۹: ۱۰۷) ذکاء الملک مدیر دارالطباعه در زمان ناصرالدین شاه در توصیف سید گفته است: وارد شدم بر سید و او را دریایی از علم و فضل دیدم... هفت زبان را به خوبی تکلم می‌کرد: فارسی، ترکی همدانی و اسلامبولی، فرانسه، روسی، انگلیسی، عربی، افغانی را هم می‌دانست، خلاصه عالمی مانند سید قبل از آن و بعد از آن ندیدم (ناظم الاسلام کرمانی و حسن بیگی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۰). این ویژگی سیدجمال الدین بدون اغراق در هیچ عالم دینی قبل و بعد از او مشاهده نشده است که به زبان‌های زنده دنیا مسلط باشد، با مرور زندگی سراسر مبارزه سید، متوجه می‌شویم که این اشتیاق و تلاش فراوانی که به طور طبیعی برای آموختن این زبان‌های مختلف داشته است، متناسب با اهداف متعالی او در ایجاد ارتباط با ملل و شناخت مواضع دشمنان مسلمانان و مبارزه با نقشه‌های آنها بوده است.

۲-۲-۷. وارستگی اخلاقی

یکی از ویژگی‌های شخصیتی سید جمال الدین اخلاق‌مداری او بوده است، او استعمار و استبداد را نتیجه انحراف اخلاقی می‌دانست و عنوان عالم دینی را تنها با متصف بودن به مکارم اخلاقی می‌پسندید.

جلوه‌ای از اخلاص و صفای باطن سید را می‌توان در نامه‌ای که در مورخ ۲۷ مارس ۱۸۸۹ م/۲۵ رجب ۱۳۰۶ ه ق به حاجی امین الضرب نوشته است، مشاهده کرد: «جناب حاجی! من آنچه گفته‌ام و می‌گویم و کرده‌ام و می‌کنم، همه محض و صرف از برای خیر امت محمدیه بوده و خواهد بود و به هیچ‌وجه انانیت مرا در او مدخلی نبوده است... نوشته بودید که پس از ورود من

به تهران، همه چیز آماده و حاضر بود، حاجی جان چه حاضر بود؟ و کدام چیز آماده بود؟ من صدراعظم نمی‌خواهم بشوم، من وزیر نمی‌خواهم بشوم، من ارکان دولت نمی‌خواهم بشوم، من وظیفه نمی‌خواهم، من عیال ندارم، من ملک ندارم و نمی‌خواهم که داشته باشم! پس چه حاضر بود و چه آماده؟ جناب حاجی، بسیار اشخاص به واسطه من به رتبه بیگی و پاشایی رسیده‌اند، بسیار اشخاص به توسط من به موجب بالا رسیده‌اند، ولكن خود من همیشه به یک حالت بوده و خواهم بود، جز نصیحت و اصلاح، مقصد دیگری ندارم،...» (جمالی، ۱۳۴۹: ۱۸۳-۱۸۳)، سیدجمال حتی وعده سلطان عبدالحمید مبنی بر اعطای مقام شیخ‌الاسلامی را نپذیرفت، زیرا معتقد بود که این مقام ارزشی ندارد، مگر اینکه به وسیله آن نظام اجتماع را بتوان تغییر داد و در سایه این عنوان اصلاحاتی به عمل آورد، به همین مناسبت می‌گفت: «وظیفه مرد دانشمند این نیست که دارای منصب معین و حقوق مشخصی باشد، بلکه وظیفه عالم، ارشاد و تعلیم صحیح است و مقام او اقتضا، بلکه الزام دارد به این که علوم سودمند را خوب بیاموزد و علم را با عمل نیک مقرون گرداند (امین، ۱۳۵۴: ۱۱۱).

با عنایت به این گفته‌ها می‌توان مدعی شد سیدجمال الدین از وارستگی اخلاقی در حد اعلا برخوردار بوده و مزید بر این تلاش می‌کرده است راهنمای یاران خود در این طریق باشد، همچنین از نسخه اخلاقی سیدجمال برای حزب وطنی اینگونه می‌توان استنباط کرد که مبنای اخلاق‌مداری سیدجمال در بعد عملیاتی آن «رعایت حقوق طرف ارتباط در محیط ۳۶۰ درجه» بوده است؛ بی‌شک برخوردار از چنین نگرشی باعث می‌شود انسان در تمام شئون رفتاری و حوزه‌های ارتباطی‌اش موفق عمل کند.

۲- ۲- ۸. سعه صدر

شرح صدر یکی از لوازم رهبران بزرگ در رویاوری با دشواری‌های فرا راه آن‌هاست. در قرآن کریم نیز هنگامی که حضرت موسی علیه‌السلام از سوی پروردگار برای هدایت فرعون مأموریت می‌یابد یکی از درخواست‌های او از خدای هستی این است که «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي * يَقْفَهُوا قَوْلِي (آیات ۲۵ تا ۲۸ سوره طه) در این آیات موسی علیه‌السلام از خدا می‌خواهد که به او شرح صدر عطا نماید، «گره از زبانش» بگشاید؛ یعنی موانع فهم سخن او را بر طرف سازد، تا بتواند آن چنان فصیح و بلیغ سخن بگوید که هر شنونده‌ای به راحتی و عمیقاً سخنان او را درک کند. سیدجمال الدین اسدآبادی در مدتی که در ایران بود خیلی از ناحیه مردم و حتی از ناحیه روحانین زمان خودش ناراحتی کشید، لااقل در این حد که به دعوت‌هایش ترتیب اثر زیادی ندادند، ولی در عین حال در کلماتش حتی یک کلمه علیه روحانیون حرف نزده و همیشه کوشیده با احترام آن‌ها را بیدار کند. نامه‌ای به میرزای شیرازی نوشته و نامه متحدالمآل مانندی نیز به همه علمای بزرگ و درجه اول ایران، نوشته که این نامه‌ها تاریخی است، در تمام نامه‌هایش پیام اصلی او این بوده است که اگر این کشور

بخواهد اصلاح شود، به دست شما اصلاح خواهد شد و شما باید بیدار شوید، به خودش نمی‌اندیشید که آیا به او خوبی کرده‌اند یا نه، او انتقادهای بر علیه خود را نادیده می‌گرفت و دلسوزانه آنها را به ظرفیت خود در اصلاح امور مسلمانان به آنها متذکر می‌شد (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۹۷)، لذا دریا دل بودن و نه‌راسیدن از انتقادهای، طعنه‌ها و سرزنش‌ها در مسیر سیدجمال‌الدین موجب شده هیچگاه از حرکت باز نماند و با تاسی به اجداد طاهربینش (سلام الله علیهم اجمعین) و با شرح صدر بالا مخالفین خود در جامعه اسلامی را متوجه ظرفیت خود برای غلبه بر دشواری‌ها نماید.

۲-۲-۹. از خود گذشتگی

گرچه سیدجمال‌الدین اسدآبادی همه عمر خود را در سختی و رنج ناشی از مبارزه و مسافرت گذراند، به طور مشخص یکی از نموده‌های از خود گذشتگی وی این بود که ضمن اذعان به ضرورت ازدواج برای هر انسان هیچگاه ازدواج نکرد و خانواده‌ای تشکیل نداد، وقتی سلطان وقت ترکیه (عبدالحمید) به او پیشنهاد کرد با یکی از کنیزکان زیبای دربار ازدواج کند او قبول نکرد، از او پرسید آیا شما با این نظر ابوالعلاء مری شاعر عرب موافقید که می‌گوید: "این جنایت را پدرم در حق من کرد، اما من در حق کسی نخواهم کرد." سید گفت: "هرگز، چگونه ممکن است آدم عاقل با ازدواج مخالفت کند و آن را جنایت بداند و حال آنکه به وسیله ازدواج است که نسل آدمی ادامه پیدا می‌کند و عمران و آبادانی به کمال می‌رسد! اما من به لوازم و تعهدات ازدواج اگاهم، می‌دانم که رعایت عدالت واجب است. ولی من از اجرای عدالت ناتوانم، به این سبب با مجرد خواندن خود، جلوی عدم اجرای عدالت را می‌گیرم" (اشکوری، ۱۳۷۶: ۲۸۶). در این باره شهید مطهری عنوان می‌کند: سید جمال هر کار ممکن را برای درمان دردهای جامعه انجام داد، مانند مسافرت‌ها، تماس‌ها، سخنرانی‌ها، نشر کتاب و مجلات، تشکیل حزب و جمعیت و حتی ورود و خدمت در ارتش بهره جست، در عمر ۶۰ ساله خود ازدواج نکرد و تشکیل عائله نداد، زیرا با وضع غیر ثابتی که داشت و هر زمانی در کشوری به سر می‌برد و گاهی در تحصن یا تبعید یا تحت نظر بود، نمی‌توانست مسئولیت تشکیل خانواده را برعهده بگیرد (مطهری، ۱۴۰۰: ۹۸). بدیهی است آنجا هم که از ناتوانی خود در اجرای عدالت در حق همسر سخن می‌گوید منظور همان است که استاد شهید مطهری عنوان می‌فرماید عدم ایفای نقش همسری با توجه به شرایطی که در مبارزه سیاسی داشته برای زوجی که بر می‌گزیند بوده است و نه رفتارهای عادلانه در درون خانواده.

۲-۲-۱۰. شجاعت در بیان حق

یکی از خاستگاه‌های پژوهش روان‌شناختی در اسلام، بررسی شش فضیلت اخلاقی انسان است که تقریباً مورد تأیید همه سنت‌های مذهبی و فلسفی قرار گرفته‌اند (خوشخرام و احمدی، ۱۳۹۸: ۲۲). یکی از اساسی‌ترین این فضایل که در تمام ادیان مورد توجه بوده، شجاعت است

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

و از دیرباز در سطح خطوط کلی در ادبیات پژوهشی مورد بررسی دانشمندان قرار گرفته است (جوزف^{۲۱}، ۲۰۱۵: ۵۲۳). از منظر روانشناختی، شجاعت فقط یک رفتار قابل مشاهده نیست، بلکه متضمن شناخت‌ها، هیجان‌ها، انگیزش‌ها و اراده‌هایی است که پیرامون آن شکل می‌گیرد (سلیگمن، ۲۰۰۲: ۱۷۸).

محمد عبده شاگرد برجسته سیدجمال‌الدین در وصف شخصیت سید می‌گوید: سید مردی است سلیم‌القلب، تندمزاج، قوی‌الاراده، از خودگذشته و شجاع در بیان حق (امین، ۱۳۲۹: ۱۰۸)

سید در مذمت ترس می‌گوید: ترس یک بیماری روحی و روانی است، مؤمن کسی است که یقین داشته باشد که اجل به دست خداست و خدا هرگونه و هر آن که بخواهد اجل آدمی می‌رسد، پس کندی در ادای وظایف و واجبات اجتماعی عمر کسی را زیاد نمی‌کند و شجاعت و درگیری یک دقیقه از عمر کم نمی‌سازد، مؤمن کسی است که یکی از دو نیکوترین (احدی‌الحسنین) را از دست نمی‌دهد: یا زندگانی با سیادت و عزت را، یا مرگ سعادت‌مندان در راه خدا را، تا روحش به اعلا علیین صعود کند و با کروبیان و بهشتیان محشور و همنشین گردد، سید می‌گوید در این دنیا دو کلمه است که با هم نمی‌سازند؛ اسلام و ذلت، مسلمان نمی‌تواند ذلیل باشد، زیرا خداوند می‌فرماید: *وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ* (سوره منافقون، آیه ۸)، عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است (حکیمی، ۱۳۵۶: ۶۰-۵۳)، بر اساس همین برداشت سید از ترس و علل آن و سیمای ذلت ناپذیر یک مسلمان، او در تمام میدان‌ها و در برابر سلاطین عصر خود در دنیای اسلام و صاحبان قدرت جهانی و به طور مشخص استعمار انگلیس بدون هیچ ترسی می‌ایستد و حرف خود را می‌زند و سلطه آن‌ها را به چالش می‌کشد.

۲-۲-۱۱. گشودگی بر روی تجربه

در نظریه انسان بالغ آلپورت^{۲۲}، یکی از نشانه‌های کمال و بلوغ در انسان‌های سالم آن است که آنان نیازی دائمی به تنوع و احساس و درگیری در خود احساس می‌کنند، کارهای روزمره و عادی را کنار می‌گذارند و همواره به جستجوی تجربه‌های تازه بر می‌آیند، تن به ماجرا می‌سپارند، خطر می‌کنند و به جستجوی چیزهای تازه همت می‌گمارند، بی‌شک همه این فعالیت‌ها تنش ایجاد می‌کند، به عقیده آلپورت، تنها از راه همین تجربه‌ها و خطرهای تنش‌زاست که بشر می‌تواند بیابد، با افزایش تجربه، خود فرد وسعت می‌یابد و ارزش‌های مجرد و آرمان‌ها را در بر می‌گیرد؛ به عبارت بهتر، هنگامی که انسان بالغ پخته می‌شود، توجهش به بیرون از خود معطوف می‌گردد (شولتز، ۱۹۶۷: ۱۷).

سید دائماً از تجارب جدید استقبال می‌کرد و در رویارویی با شرایطی که به مقتضای سفرهای

21. Joseph
22-Allport

او در مصر، ترکیه، هندوستان، انگلستان، فرانسه و افغانستان پیش می‌آمد به زودی با شرایط جدید انس می‌گرفت و فعالیت سیاسی و اجتماعی خود را شروع می‌کرد، به طور مشخص، در اواخر عمر وقتی به اشتباه بودن مسیر پیموده شده که طی آن برای رسیدن به هدف بزرگ اتحاد جهان اسلام و مبارزه با استعمار و استبداد به دربار و حاکمان جوامع روی آورده بود پی می‌برد در نامه‌ای که به یکی از دوستان خود می‌نویسد صریحاً بیان می‌کند: «دوست عزیز! ... ای کاش من تمام تخم افکار خود را در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم، چه خوش بود تخم‌های بارور و مفید خود را در زمین شوره زار سلطنت فاسد نمی‌نمودم، آنچه در آن مزرعه کاشتم به نحو رسید، هر چه در این زمین کویر غرس نمودم فاسد گردید (صاحبی، ۱۳۸۵: ۱۸۷-۱۸۶). همانطور که ملاحظه می‌شود سیدجمال با تجاری که در گذشته کسب کرده است به این باور می‌رسد که مسیر طی شده با همه مجاهدت‌ها و مرارت‌هایی که تحمل کرده، اثربخشی لازم را در زدودن سلطه استعمار خارجی و استبداد داخلی نداشته است و لذا با صراحت به اشتباه بودن استمداد از حاکمان برای رهایی ملت و دین اذعان می‌نماید و به عنوان تجربه خود راه جدید را سرمایه‌گذاری روی ملت‌ها معرفی می‌نماید، گرچه خود او به ادامه مسیر جدید توفیق نیافت، ولی بی‌شک تجربه او و گشودگی او بر روی پذیرش راه جدید برای رهبرانی چون امام خمینی (ره) رهگشا بود که بر روی مردم و توده‌های میلیونی آن سرمایه‌گذاری نمایند.

۲-۲-۱۲. پرهیز از خرافه‌گرایی

از نظر سید جمال الدین ذلت‌پذیری مسلمانان تا حد زیادی معلول افکار قالبی و عقاید نادرست در مورد ناتوانی خود و قدرت استعمار و مشروعیت استبداد است (عنایت، ۱۳۹۹: ۲۳۵)، اسدآبادی چاره دردهای جهان اسلام را بازگشت به اسلام نخستین (قرآن و سنت) معرفی می‌کرد و بر پیراستن خرافات از آن تأکید داشت، او بدعت‌زدایی و خرافه‌شویی را شرط این بازگشت می‌دانست (مطهری، ۱۴۰۰: ۲۱)، به نظر وی، برای تصحیح ذهنیت مسلمانان باید تفسیر صحیح و جدیدی از مفاهیم اسلامی شود و عالمان دینی خرافات را از دین بزدايند و مفاهیم دینی را به درستی تفسیر و تبیین کنند و شاخصه‌های اصلی دین را به آن بازگردانند (اسدآبادی، ۱۳۶۰: ۴۹). از نظر سیدجمال الدین برای مطابقت با وضعیت دنیای مدرن باید اعتقادات را با معیار عقل سنجید و کلام خدا را در آزادی سیاسی و بی‌نیازی اقتصادی و حقوق حقه انسان فهمید، مسلمانی که بدین سان از بند خرافات و تعصبات ناروا رها می‌شود و به حقایق دینی آگاهی پیدا می‌کند و امکانات جدید آن را می‌یابد، نه فقط تعدی غیر انسانی به شخصیت خود را نمی‌پذیرد، بلکه عملاً با اتحاد با برادران دینی خود شائق می‌شود و از این رهگذر اسلام را به عالی‌ترین درجه قدرت می‌رساند (اسدآبادی، ۱۳۵۸: ۱۹)، با این بیان مشخص می‌شود که یکی از زمینه‌های تلاش سیدجمال الدین مبارزه با خرافه‌گرایی بوده است و یکی از موانع بزرگ مانع وحدت و مقاومت مسلمانان را همین خرافه‌گرایی‌ها می‌دانست و معتقد بود از رهگذر تفسیر

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

و تبیین درست دین و ارائه فهم دقیق از مفاهیم دینی باید به خرافه زدائی پرداخت تا بدین وسیله جوامع اسلامی در برابر ذلت سلطه بیگانگان و استبداد زدگی مصون گردد.

۲-۲-۱۳. انعطاف‌پذیری^{۲۳}

به تعبیر مزلو، شخصیت‌های ناسالم جهان را با قالب ذهنی خویش ادراک می‌کنند و می‌خواهند به زور آن را به شکل ترس‌ها، نیازها و ارزش‌های خود درآورند؛ در نقطه مقابل، اشخاص سالم به دلیل آنکه طبیعت خود را به خوبی می‌پذیرند، ناگزیر از تحریف یا وارونه جلوه‌گر ساختن خویش نیستند، آنان ذهنیتی منعطف داشته و حالت تدافعی ندارند و خود را در پس نقاب‌های اجتماعی پنهان نمی‌کنند، با خودشان در صلح و آشتی به سر می‌برند و این پذیرش، همه سطوح وجود آنان را در بر می‌گیرد (شولتز، ۱۹۶۷: ۱۰۲). برخی گفته‌اند که سید جمال الدین با توجه به الزامات مبارزه سیاسی برای وحدت جهان اسلام که ایرانی و شیعی بودن می‌توانست مانعی در برابر آن باشد، خود را به مجموعه جهان اسلام متعلق می‌دانست و سعی می‌کرد منسوب به جایی نباشد تا از این طریق بتواند با علمای جهان اسلام و اهل سنت تعامل داشته باشد، او در مصاحبه با روزنامه پال مال گزاتنه^{۲۴} بیان داشته که «من یک افغانی از خالص‌ترین نژاد ایرانی هستم (خسروشاهی، ۱۳۹۵: ۲۸۱)، با همین ویژگی ممتاز شخصیتی بود که می‌کوشید زمینه تقریب بین مذاهب اسلامی را فراهم نماید (صاحبی، ۱۳۸۵: ۱۶۷)، لازمه پذیرش وحدت بین مذاهب و ملل اسلامی کنار گذاشتن عواملی بود که منشاء اختلاف محسوب می‌شد، ملیت و مذهب می‌توانست به عنوان دو دستاویز دشمنان برای جدا کردن مردمان مسلمان باشد، لذا سید با علم و هوشمندی خود به این درد جامعه اسلامی واقف بود و در این راه به عنوان یک سیره رفتاری وحدت‌گرایانه، بگونه‌ای عمل می‌کرد که خیلی از مواقع ملیت ایرانی و مذهب خود (شیعه) را نیز عیان نمی‌کرد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران و به طور خاص، بررسی ویژگی‌های شخصیتی سیدجمال الدین اسدآبادی بود. با نگاهی به آنچه گذشت در می‌یابیم نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخی و به طور خاص، تاریخ معاصر ایران از اهمیت ویژه برخوردار است، همان‌طور که اشاره شد برای درک درست این مسئله ناگزیر هستیم از روانشناسی کمال به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی که در صدد پرداختن به جنبه‌های سالم شخصیت انسان و ظرفیت‌ها و استعداد‌های عظیم انسان برای از قوه به فعل رساندن و تحقق بخشیدن به توانایی‌هایی خویش و یافتن معنای ژرفتری در زندگی است، وام

23-flexibility

24- pall mall gazett

گرفته شود. به لحاظ فرهنگ و تبارشناسی دینی نیز انسان به خودی خود موضوعیت داشته و خداوند در او استعداد و ظرفیت‌های رو به کمال را تعبیه نموده است که گاهی از آن به عنوان هوش و فطرت متعالی نام برده شده است. در چنین دیدگاهی، خاستگاه تحولات تاریخی به جز نیازها و شرایط اجتماعی جامعه، ظهور افرادی هوشمند، آگاه به زمان و فرصت‌شناس نسبت به تحولات و نیازهای جامعه است، این افراد به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و تفکر منحصر به فردی که دارند، نقشی تعیین‌کننده در بیداری جامعه خفته زمان خود دارند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی یکی از شخصیت‌های منحصر به فرد دوران معاصر است که ویژگی‌های شخصیتی و تفکر دینی او حرکت و تحولی عمیق را در بیدارسازی جهان اسلام و به تبع آن، مبارزه با استبداد و تقریب و اتحاد مذاهب اسلامی ایجاد کرد. در این پژوهش، به دلیل گستردگی ویژگی‌های شخصیتی و به منظور احصای ویژگی‌های مهم و اثرگذار در رفتارهای سیاسی اجتماعی انسان، از جنبه عام انسانی، مؤلفه‌های مورد نظر روان‌شناسی کمال و به طور مشخص، انسان خودشکوفای مزلو و در بُعد ویژگی‌هایی که به لحاظ تبارشناسی فرهنگی و مکتبی که یک انسان به آن وابسته است، از دیدگاه شهید مطهری در باب ویژگی‌های انسان کامل استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد سیدجمال‌الدین اسدآبادی به لحاظ شخصیتی، فردی خودآگاه، حکیم، با هوش بالا، سازگار، برخوردار از وارستگی اخلاقی و عرفان اصیل اسلامی، سخت‌کوش، از خودگذشته، شجاع در بیان حق، اعتدال در رفتارها، اهل سعه صدر، انعطاف‌پذیر، به دور از خرافه‌گرایی، تاب‌آور، آشنا به زبان‌های زنده دنیا، گشوده بر روی تجارب، بوده است. تطبیق این ویژگی‌ها با شخصیت سیدجمال‌الدین اسدآبادی نشان داد که عمده این ویژگی‌های شخصیتی با شخصیت سیدجمال‌الدین انطباق دارد و او به لحاظ روان‌شناختی، شخصیتی کمال‌یافته داشته است، همچنین به لحاظ فرهنگ و تبارشناسی دینی که در روان‌شناسی دنیای معاصر به آن پرداخته نشده نیز، سید ویژگی‌های ممتاز یک انسان مسلمان متعالی را داشته است. این ویژگی‌های ممتاز در وجود سیدجمال‌الدین که با جهت‌گیری الهی از قوه به فعل رسیده است، به او توان شناخت درست جهان اسلام و اروپا و همچنین دردهای جامعه اسلامی و راه غلبه بر این مشکلات را بخشیده و در عرصه عمل نیز با استعانت از همین ویژگی‌های منحصر بفرد، نقش مهمی در رخدادهای تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام ایفا کرده است، که مهم‌ترین آن‌ها، زمینه‌سازی برای رقم خوردن واقعه تحریم تنباکو، نهضت مشروطیت، بیداری اسلامی در جهان اسلام، مبارزه با استعمار غرب، استبداد، تقریب مذاهب اسلامی و بدون شک انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به عنوان «معجزه قرن» بوده است.

پیشنهادات:

پیشنهاد کاربردی: یکی از نقص‌های بزرگ کتب درسی عدم رویکرد میان‌رشته‌ای در معرفی

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

افراد مؤثر در تحولات تاریخی و به طور خاص، تاریخ معاصر ایران است. پیشنهاد می‌شود یافته‌های این پژوهش در کتب درسی، بویژه کتب تاریخی در مقاطع متوسطه اول و دوم گنجانده شود تا دانش‌آموزان به شناخت عمیق‌تری از مفاخر جهان اسلام همچون سیدجمال دست یابند.

پیشنهاد پژوهشی: با توجه به نوع و بدیع بودن این نگاه به اندیشمند و مصلح بزرگ سیدجمال الدین اسدآبادی پیشنهاد می‌شود: با اجرای پژوهش‌های دیگر به بررسی و واکاوی بیشتر شخصیت این مصلح بزرگ پرداخته شود.

محدودیت پژوهش: از محدودیت‌های این پژوهش تاریخی بودن اسناد و عدم توانایی پژوهش‌گر بر دستیابی به همه اسناد و فاصله زمانی بین واقع با این پژوهش بوده است.

منابع

اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۵۵). گزیده عروة الوثقی، ترجمه: عبدالله سمندر، تهران: مولا.

اسدآبادی، سیدجمال الدین (۱۳۵۸). مقالات جمالیه، به کوشش میرزا لطف‌الله اسدآبادی، تهران، ایرانشهر.

اسدآبادی، میرزا لطف الله خان (۱۳۰۴). شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی، انتشارات ایرانشهر.

اسلامی‌نسب، علی (۱۳۷۳). روانشناسی سازگاری (چگونه با خود، طبیعت و اجتماع سازگار شویم)، تهران: نشر بنیاد، چاپ اول.

امیری، مهرباب (۱۳۹۶). بازیگر انقلاب شرق، پژوهشکده باقرالعلوم.
امین، احمد (۱۳۹۳). مفخر شرق سیدجمال الدین اسدآبادی، ترجمه سعیدی، غلامرضا انتشارات کلبه شروق.

امین، عثمان (۱۳۲۹). سیدجمال الدین اسدآبادی، نامه فروغ علم مهر و آبان و آذر ۱۳۲۹ شماره ۷ و ۸ و ۹.

برون، ادوارد (۱۹۷۰). تاریخ انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه (۱۳۹۹)، انتشارات اساطیر.

بهشتی سرشت، محسن (۱۳۸۵). نقش شخصیت در تاریخ با رهیافتی به جایگاه تاریخی امام خمینی (س)، پژوهشنامه متین، ۸ (۳۲ - ۳۱): ۵۳ - ۴۳. https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_65420.html

جزیره دار، عبدالکریم (۱۳۷۷). (مقالات قزوینی) علامه محمد قزوینی ج ۴، انتشارات اساطیر.

جمالی، صفات الله (۱۳۴۹). اسناد و مدارک درباره سید جمال الدین اسدآبادی،

/انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.

- حسینی اسدآبادی، سیدجمال الدین (۱۳۸۹). مجموعه رسائل و مقالات، به اهتمام سید هادی خسروشاهی، قم: مرکز بررسی‌های اسلامی، ص ۲۱۴.
- حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۶۰). روزنامه جمهوری اسلامی، مصاحبه ۳۰ خرداد..
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۵۶). بیدارگران اقلیم قبله، نشر فرهنگ اسلامی، ص ۶۰-۵۳.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۵). ترجمه گزیده‌ای از اسناد وزارت خارجه انگلیس درباره سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران، کلبه شروق.
- خوشخرام مصطفی، احمدی، محمدرضا (۱۳۹۸). ساخت پرسشنامه اولیه شجاعت بر اساس منابع اسلامی، روان‌شناسی و دی‌سن، ۳ (۴۷): ۳۶-۲۱. <https://ensani.ir/fa/article/416465>
- درزی، قاسم، سلمان‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۸). فرآیندشناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های قرآنی؛ نمونه موردی: واژه شاکله در آیه ۸۴ سوره اسراء، فصلنامه پژوهشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، ۵۱ (۱) ۱۰۶-۷۱.
- زوهر، دانا، مارشال، یان (۲۰۰۴). سرمایه معنوی ثروتی که با آن می‌توان زیست، مترجم: مرضیه فاطمی (۱۳۹۵)، نشر ماهواره، چاپ اول.
- سعیدی، غلامرضا (۱۳۸۰)، مفخر شرق، به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران، کلبه شروق.
- سلیگمن، مارتین (۲۰۰۲). شادمانی درونی روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خشنودی پایدار، ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران (۱۳۹۹)، نشر دانژه.
- سیاسی، علی‌اکبر (۱۴۰۲)، نظریه‌های شخصیت، نشر دانشگاه تهران.
- شولتز، آلن، شولتز، دوان (۲۰۱۳)، نظریه‌های شخصیت، مترجم: یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۸)، تهران: نشر ویرایش.
- شولتز، دوآن (۱۹۶۷). روان‌شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم)، ترجمه گیتی خوشدل (۱۴۰۰)، انتشارات پیکان.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۹۸). مکتب تربیتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز بررسی‌های اسلامی.
- طباطبائی، محمد محیط (۱۳۸۰)، نقش سید جمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، انتشارات کلبه مشروق.
- عنایت، حمید (۱۳۹۹). سیری در اندیشهٔ عرب، انتشارات امیر کبیر.
- کرمانی ناظم‌الاسلام، محمدبن علی و حسن بیگی محمدرضا (۱۳۸۹). تاریخ بیداری ایرانیان، انتشارات دبیر.

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

کیخا، نجمه (۱۳۹۹). حکمت و سیاست در اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹ (۳۵) ۲۰۴ - ۲۰۰. https://qpss.atu.ac.ir/article_12201_bf1de8346c58c923f521a51e304ba2eb

ماهانامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب (۱۳۹۰)، ماهنامه کتاب ماه فلسفه، شماره ۵۳.

مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۸۹). سیدجمال‌الدین اسدآبادی و اندیشه‌های او، انتشارات امیرکبیر.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). مجموعه آثار، ج ۲۸، ص: ۳۹۶.
مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). شرح مبسوط منظومه، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ص، ۱۸۸.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۹). نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی (۱۴۰۰). مجموعه آثار، ج ۲۴، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی (۱۴۰۱). انسان کامل، انتشارات صدرا.
مهدوی، اصغر، افشار، ایرج (۱۳۴۲). مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی، انتشارات دانشگاه تهران.

میان محمد، شریف (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه در اسلام ج ۱، ترجمه و نشر مرکز نشر دانشگاهی تهران.

وائقی صدر (۱۴۰۰). سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، شرکت سهامی انتشار.

هامر، دین (۱۳۸۴). نقش زن در شکل‌گیری شخصیت، علی متولی‌زاده ارکانی، انتشارات چهر.

یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۶). اندیشه‌های سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد.

یونگ، کارل گوستاو (۱۴۰۲). انسان و سمبولهایش، ترجمه محمود سلطانی، نشر جامی مصدق.

Connor, Davidson (2003). Development of a New Resilience Scale: The Connor- Davidson Resilience Scale (CD-RISC). Journal of Depression and Anxiety 18:76-82.

Joseph, Stephen (2015). Positive Psychology in Practice, Hoboken, NJ: Wiley.

Keddie, Nikkie R (1968). An Islamic Response to Imperialism.

Berkeley: University of California Press: p. 6.

Kobasa,S (1979). Stressful life events, personality and health: An inquiry into hardiness, journal of personality and social psychology, 1, 1-11.